# مقدمه

آنان که با فرهنگ نویسی ، آشنایی دارند می دانند که چقدر در ثبت و ضبط دارایی های معنوی یک مردم ، مهم و موثر است. مهم است چون تمام آن داشته ها را جمع می کند و نمی گذارد که در تند باد حوادث روزگار، چیزی از آنها از کف برود. و موثر است زیرا آن داشته ها را در نظامی از کلام ، سامان می دهد و این مطابق با روش پسندیدهٔ جوامع متمدن است.

جامعهٔ مسیحی فارسی ، علی رغم ریشه های طولانی تاریخی اش - که تا به ایران باستان می رسد- شوربختانه در خصوص فرهنگ نویسی کم کاری کرده است. به جرأت می توان گفت که اگر فرهنگ‌هایی را که توسط کانون یوحنای رسول، منتشر گردیده اند از دایرهٔ فرهنگ نویسی مسیحیت فارسی، حذف کنیم جای خالی آنها تحسر برانگیز خواهد بود؛ این اما ما را اندوهگین می نماید. زیرا برآنیم که فرهنگ نویسی اگر واجب و لازم است، همتی همگانی را طالب است. باشد تا در آینده ای نه چندان دور ، شاهد پیدایی جوانه‌های این همت همگانی در جامعهٔ مسیحی فارسی باشیم. مسیحیت اگر چه در نگاه نخست ، یک دین به نظر می رسد اما به دلیل سابقهٔ طولانی تاریخی اش ، به مرور زمان ، به درختی یکتا اما سرشار از میوه های متنوع

تبدیل گردیده است. از این دیدگاه، در مسیحیت ، علاوه بر اصطلاحات الهیاتی و کتاب مقدسی که وجود آنها مطابق با انتظاری است که از یک دین می رود ، افزوده های بسیاری مشاهده می شود. این افزوده‌ها در حقیقت ، مجموعه ای گوناگون از اصطلاحاتی اند که ضمن عبور از قلمرو الهیات ، به جامعه شناسی،ادبیات، اقتصاد، دیوان سالاری، تاریخ، نیز الهیات، تسری می یابند. از این منظر ، وقتی ما با واژۀ ''فرهنگ پذیری'' مواجه می شویم ، آن را در قلمرو جامعه شناسی می یابیم. چنانکه واژۀ ''تمثیل'' در حوزۀ ادبیات، ''بیعانه'' در حوزۀ اقتصاد، ''ادارۀ تبشیر اقوام'' در حوزۀ دیوان سالاری ، ''شورای نیقیه'' در قلمرو تاریخ، و واژۀ ''همذات'' در نظام الهیاتی قرار می گیرد.

بر این اساس، این فرهنگ با رویکردی عمومی، در حد توان خویش، لایه‌های مختلف مسیحیت را کاویده و ثبت کرده است. با این دید کلی که همۀ آن واژه ها، در عین آنکه گاه، به قلمرو های مختلف تعلق دارند یا با آنها مشترکند اما در زیر مجموعۀ کلان دینی قرار می گیرند. این بدان معناست که مثلا واژۀ ''بیعانه'' در این فرهنگ، تنها به این دلیل راه یافته است که در زیر مجموعۀ عمومی و کلان مسیحت قرار گرفته است.

این اثر، همچنین با لزوم هماهنگ کردن زبان فرهنگ مسیحی فارسی به وجود آمده است. از زمان اولین ترجمه‌های نوشته‌های مقدس تا کنون، کلیساهای مختلف به تألیف متون آموزشی و یا نیایشی به زبان فارسی پرداخته اند. از همان زمان، بسیاری از مترجمین مسیحی یا مسلمان نیز در ترجمۀ آثار مذهبی مذهبی یا ادبی که در آنها

از واژههای خاص مسیحیت استفاده می شد، با مشکل واژه سازی روبرو شدند. هر کلیسا، بلکه هر مترجم، واژه‌های فارسی را طبق سلیقه یا احتیاج فوری خویش انتخاب می کرد. در نتیجه، مسیحیانی که باورهای واحدی را می‌خواستند ابراز کنند، با اختلاف زبان بازگو می‌کردند؛ انگار مذهب هر کدام با دیگری مختلف بود! هر چند که اعتقاد فرقه‌های مختلف یا کلیساهای مختلف باید رنگ و فرهنگ خاص خود را داشته باشد، ولی لازم گردید که برای برطرف کردن اختلاف‌های غیرحقیقی و سؤتفاهمات کاذب، کوشش شود.

برای ساماندهی این فرهنگ، از دست اندرکاران فرهنگی و مترجمین کلیساهای مختلف، درخواست شد تا فهرست واژه ها و اصطلاحات مسیحی مورد نظر خود را برای ما ارسال کنند . ما نیز از این گنجینهٔ واژه‌ها شروع کردیم اما تنها بدان بسنده نکرده، بلکه دامنهٔ واژه ها را چنانکه اشاره شد با افزوده‌هایی، به قلمروهایی دیگر گسترش دادیم تا بدان حد که ”فرهنگ عمومی مسیحیت“ پیش رو، تالیف گردید.

امیدواریم که این فرهنگ، برای فارسی زبانان مبتدی در شناخت مسیحیت، رهنمون خوبی باشد تا با تعریف واژه ها، مفاهیم بنیادین ایمان مسیحی را هم به ایشان ارائه داده، نیز آنها را به دیدگاه‌های مربوط به کتاب مقدس ارجاع دهد.

این فرهنگ، مشتمل بر یک واژه نامهٔ سه زبانهٔ انگلیسی - فرانسه به فارسی، با فهرست الفبایی است که می‌شود از آن به شکل معکوس فارسی به انگلیسی یا فرانسه استفاده کرد. واژه‌نامهٔ سه زبانه برای همهٔ مترجمین، ابزار مهمی خواهد بود تا در فهم واژه های پیچیده و مشکل مسیحی دچار اشتباه یا لغزش نشوند. این امر نه تنها در

متون دینی مهم است بلکه در متون ادبی ، تاریخی و فلسفی نیز.

در این فرهنگ، نخست واژهٔ مورد نظرانگلیسی، در سمت چپ صفحه آمده است، اگر واژهٔ مزبور با معادل فرانسه یکسان باشد ، فقط واژهٔ انگلیسی آورده شده است و گرنه واژهٔ فرانسه نیز زیر انگلیسی افزوده گردیده است. سعی شده تا معادل هر واژهٔ بیگانه، برابری فارسی قرار داده شود و از به کار بردن واژه های مشترک فارسی حتی المقدور اجتناب شده است. هر جا که چندین پیشنهاد به عنوان برابرهای فارسی ارائه گردیده ، پیشنهاد اول، نزدیکترین برابر، با واژهٔ بیگانه است.

منظور از ''کلمات مربوط'' در انتهای هر تعریفی که از واژه ای داده شده، کلمات مرتبطی است که در همین فرهنگ یافت می شوند.

ترجمهٔ کتاب مقدسی که در اینجا از آن نقل می‌شود، ترجمهٔ کانون یوحنای رسول است (وابسته به کلیسای کلدانی تهران) که بر پایهٔ علمی کار شده و دارای پاورقی های مفصلی است. این پاورقی‌ها از ترجمهٔ بین کلیسایی فرانسه (TOB) اخذ شده است. هر جا هم که لازم بوده، به فرهنگ عهد جدید، تألیف گزاویه لئون دوفور (Xavier Léon-Dufour) که آن نیز به همت کانون یوحنای رسول ترجمه و منتشر گردیده، ارجاع داده شده است (در کل ، هر جا در این فرهنگ به کتابی ارجاع داده شده است، از انتشارات کانون یوحنای رسول می باشد). کتابهای فارسی این کانون همگی به رایگان در سایت مربوط در دسترس می باشند: www.irancatholic.com.

با اینکه واژه‌های انگلیسی فراوانی در این فرهنگ پیدا می‌شوند که اختصاص به فرهنگ مسیحیت درغرب دارند، کوشش کردیم تا واژه های مربوط به کلیساهای

شرق نیز در چهارچوب تاریخ ایران در آن آورده شود. همچنین با توجه به این که سهم فرهنگ مسیحی کاتولیک لاتین در این کتاب بیش از اهمیت آن در مسیحیت ایرانی است، کوشش کردیم تا نظرات کلیساهای شرق، نیز کلیساهای پروتستان، در این فرهنگ منعکس شود.

هرجا اصطلاح "کلیساهای قدیم" آمده، منظور کلیسای ارتدکس و کاتولیک است. کلیساهایی که قبل از نهضت اصلاحات لوتر و کالون تشکیل شدند. منظور از "کلیساهای جدید"، همان کلیساهایی هستند که در نتیجهٔ این اصلاحات در قرن شانزدهم به بعد تأسیس شدند.

طبیعتاً چون اغلب کسانی که در تألیف این فرهنگ سهم داشته اند از مسیحیان کاتولیک بودند، رنگ این مذهب در انتخاب واژه‌های مورد بررسی و در توضیحات، حتماً آشکار است ولی سعی شده تا رعایت فرهنگ ها و سنت های دیگر مذهبی نیز مطمح نظر قرار گیرد.

# A

## Abba

واژهٔ آرامی برای صدا کردن پدر؛ در نیایش یهودیان هیچ‌وقت برای اشاره به خدا نیامده، ولی عیسی در جتسیمانی، شب قبل از داوری و تصلیب، با همین کلمه خدا را خطاب کرد و مسیحیان نیز مانند عیسی خدا را در نیایش، پدر می‌نامند (لو ۱۱: ۲).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "ابا".

**ابا**

کلمات مربوط: Father

## Abbess

Abbesse

راهبه‌ای که در رأس دیر زنانه باشد.

**راهبهٔ مادر**

کلمات مربوط: Abbot

## Abbey

Abbaye

دیری که طبق مقررات کلیسا تشکیل شده باشد و لااقل دوازده نفر راهب یا راهبه در آن اقامت کنند.

**دیر**

**صومعه**

کلمات مربوط: Abbot – Monastery

## Abbot

Abbé

از کلمه آرامی "ابا" به معنی پدر؛ در کلیسای کاتولیک این عنوان را برای کشیشان به کار می برند ولی اصولاً به راهب آزموده و سرپرست راهبان در یک دیر گفته می‌شود.

**پیر دیر**

**کشیش**

کلمات مربوط : Abbey – Hegumen – Monk – Priest

## Abjuration

ترک کردن رسمی (با سوگند) مذهب یا

نظریه ای که نادرست تلقی می‌گردد.

**ترک مذهب نا درست**

**ترک نظریه / ترک عقیده**

کلمات مربوط: Apostasy

## Ablution

شستشوی مذهبی برای طهارت؛ یهودیان مقررات زیادی برای تطهیر دارند. تعمید مسیحیان، چیزی بیش از تطهیر است (''وضو'' به معنی اصطلاحی آن، یکی از آداب مذهبی در اسلام است).

**تطهیر**

**غُسل**

کلمات مربوط: Aspersion – Baptism – Holy Water

## Absolution

بخشش گناهان توسط خادم کلیسا؛ راز بخشش ومغفرت دارای معنی خاصی است وشامل اعتراف به گناه، به طور خصوصی در حضور کشیش است. در کلیساهای قدیم معتقدند که قدرت آمرزش گناهان از مسیح به کلیسا، تفویض گردیده است (یو ۲۰: ۲۳).

**اعلام مغفرت**

**آمرزش گناهان**

کلمات مربوط: Forgiveness – Confession

## Abstinence

پرهیز از بعضی غذاها در ایام روزه؛ معمولاً پرهیز از گوشت. پرهیز از هر گونه غذا در مواقع خاص.

**پرهیز**

**خود داری**

کلمات مربوط : Fast

## Abyss

Abîme

جایگاه ترس و وحشت که مأمن وپناهگاه شیاطین ودیوهاست (ر.ک. تث ۳۲: ۲۲). در عهد جدید به معنی زندان شیاطین و دیوها به کار رفته است (لو۸: ۳۱؛ مکا ۱۹: ۲۰). باید بین ورطه

و جایگاه مردگان (شائول)، تمییز قائل شد.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، ”هاویه“.

**ورطه**

کلمات مربوط : Hades – Hell – Sheol

## Accident

عـرَضَ چیزی است که قائم به خود نیست و به چیزی دیگر محتاج است تا به آن، قائم شود. عرض مقابل جوهر است که آن چیزی است که قائم به خود است.

**عَرَض**

کلمات مـربـوط: Consubstantial – Consubstantiation – Transubstantiation – Arianism – Substance

## Accomplish (to-) [Accomplishment]

Accomplir [Accomplissement]

**Gr.** *teleo* = ”به پایان رساندن“ + *pleroo* = ”(بر آوردن یک انتظار، یک امید) “

«بـه تمامیت رسـانـدن» و«بـه کمال رساندن» می باشد (ر.ک. لـو۱: ۴۵؛ اع۱۳: ۲۹؛ روم۹: ۲۸ ؛ مکا۱۷:۱۷).

این معنی در مورد کلام خدا ونوشته های مقدس به کار رفته است.

”به کمال رسانیدن“، در بارهٔ شکنجه ها ومصائب و به صلیب کشیده شـدن و رستاخیز عیسی استفاده شده است. تکمیل و «برآوردن انتظار» حرکتی صعودی است: عیسی روی صلیب به بالا کشیده می‌شود و بعد از رستاخیز به آسمان صعود می‌کند. خلقت، از بدو پیدایش تا به آخر روزگاران، در حالت زایمان است. وقایعی که به انجام رسیده برابر با پیام پیامبران است (مت۱: ۲۲).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، ”تحقق، انجام“.

**به کمال رساندن**

**به انجام رساندن**

**به اتمام رساندن**

کلمات مـربـوط: Accomplishment – Pleroma

## Acculturation

در جامعه‌شناسی، تطبیق تدریجی یک

جامعه به الگوی فرهنگی بیگانه در جهت هماهنگی است. معمولاً به جوامعی اطلاق می‌شودکه‌نفوذجامعهٔقوی‌تری‌رامی‌پذیرد، مانند جامعهٔ ایران نسبت به‌فرهنگ اروپایی از پایان دورهٔ قاجار تا امروز.

**فرهنگ پذیری**

**تطابق فرهنگی**

**فرهنگ آموزی**

کلمات مربوط: Adaptation – Inculturation

## Acolyte

در کلیساهای اولیه به شخصی گفته می شد که به اسقف، کشیش و یا شماس در آیین سپاسگزاری کمک می رساند. در کلیساهای قدیم به کسی گفته می شود که به کشیش یا شماس در برگزاری آیین عبادت کمک می رساند.

در کلیساهای اسقفی و لوتری این عنوان به طور کلی به تعمید شدگان عامی(ر.ک.Layman)، گفته می شود که شمع ها را در مراسم کلیسا روشن می‌کنند.

**دستیار کشیش**

**ملازم در خدمت**

کلمات مربوط: Priest – Clergy – Order – Liturgy – Layman

## Act of Faith

Acte de foi

اظهار ایمان است در برابر مصائب زندگی؛ مثلاً با گفتن این جمله ها: «ای خدا به تو ایمان دارم و به همهٔ حقایقی که بر ما الهام کردی و توسط کلیسا تعلیم دادی ایمان قطعی دارم، زیرا نه تو دچار اشتباه می‌شوی، و نه مارا به سوی اشتباه انحراف توانی داد» (عبارتی که در کلیسای لاتین رایج است).

**اظهار ایمان**

کلمات مربوط: Credo – Faith

## Adam

ر.ک. Adam and Eve.

کلمات مربوط: Eve – Adam and Eve

## Adam and Eve

بنابر باب‌های اول کتاب پیدایش، کلمهٔ آدم بـه دو معنی اطـلاق شـد: ”جنس بشر، مردم“ و ”پدر اولیهٔ ما“. نام آدم با ”آدَمَه“ (adamah) به معنای ”زمین و خاک“ مرتبط است: انسان، موجود خاکی است. شخص آدم، اولین نفر از نوع انسان می‌باشد، و با همسری که خدا به او داد، اولین زوج انسانند که مانند خدا آفریده شدند و قادر به ابراز محبت و عشقند؛ او مسئولیت تمامی آفرینش را دریافت کرد تا آن را ثمر بخشیده ، بارور سازد و به عنوان ”وکیل“ آفریدگار، بر آن حاکم شود؛

اما این زوج اولیه، به‌سخنان وسوسه گر، که به ایشان پیشنهاد کرد تا از ارادهٔ خدا سر زده، نافرمانی کنند «تا همانند خدایان شوند»، گوش کردند؛ این گناه تکبر، محرمیت با خدا را کاملاً از بین نبرد، بلکه خدا را که سر چشمهٔ حیات است جریحه‌دار ساخت و باعث رنج و مرگ گردید. به این صورت، سرشت انسان مجروح گشته، به همهٔ انسان ها انتقال یافته است؛ اما مسیح، با فروتنی و اطاعت از ارادهٔ پدر، روی صلیب، این محرمیت با خدا را برای انسانی که ایمان بیاورد دوباره بر قرار می‌سازد. پولس، همبستگی ما با آدم اولی را به واسطهٔ همبستگی ما با مسیح رستاخیز کرده، تأیید می‌کند. مسیح، آدم نوینی است که به ما یک ارتباط نزدیک و محرمیت عمیق‌تر با پدر، در روح القدس عطا می کند (روم ۲۱: ۵-۱۵)؛ این سخن پولس برای درک تفکر کلیسا در مورد گناه آدم دارای اهمیت اساسی می‌باشد.

نظریه علمی ” پُلی ژِنیسم“ (Poly-genism)، که طبق آن بشریت از چندین زوج - و نه فقط از آدم و حوا - به وجود آمده است از طرف کلیسا محکوم نمی‌باشد، ولی کلیسا سؤالی مطرح می‌کند: گناه اولیه، که بنابر کتاب مقدس، گناه یک زوج واحد انسانی است، چطور

بین تمامی انسان ها توسط سرشت مجروح شایع گشته است؟

**آدم و حوا**

کلمات مربوط: Eve – Original Sin

## Adaptation

به معنای کوششی است تا اعلام پیام مسیحیت و کلام خدا با محیط روانی شنوندگان، هماهنگ باشد. کلام خدا در مراحلی مطابق تحولات تاریخی قوم برگزیده الهام شد و بشارت مژده به همین نحو در شکل‌های مختلف، بسته به شرایط تاریخی و فرهنگی اقوام انجام می‌گیرد.

**انطباق / تطبیق**

**حالت پذیری**

کلمات مربوط: Inculturation / Acculturation

## Ad Gentes

یکی از مصوبات (منشورهای) شورای واتیکان دوم است؛ این مصوبه یا منشور به موضوع رسالت کلیسای کاتولیک به سوی غیر مسیحیان می‌پردازد.

(اصطلاح لاتینی: "به سوی ملل"، ر.ک. مت۲۸: ۱۹)

**به سوی ملل**

## Adoption

منظور، فرزندخواندگی است. مفهوم فرزند خواندگی قوم خدا از زمان موسی شروع می‌شود؛ "زیرا گفته است: ایشان قوم من و پسرانی که خیانت نخواهند کرد می‌باشند" (اش۶۳: ۸). عنوان "پسر یهوه"، جنبهٔ شاهانه دارد؛ "من او را پدر خواهم بود و او مرا پسر خواهد بود" (۲سمو۷: ۱۴).

موضوع پذیرش آدمیان به فرزند-خواندگی خدا توسط راز ایمان و تعمید مخصوصاً در نوشته های پولس رسول آمده است؛ به نظر او این موضوع شامل همهٔ مردمان می‌باشد (غلا۳: ۲۶ به بعد). البته تنها عیسی از نظر سرشت، «پسر خدا» است ولی ما همگی در وجود او

(که برادر ماست، عبر۲: ۱۱ به بعد) از قید بندگی قوانین یهود آزاد شده، و به فرزندخواندگی خدا پذیرفته شده‌ایم (غلا۴: ۵) "تا وی نخستین زاده در بین برادران متعدد باشد" (روم۸: ۲۹). این روح القدس است که ما را در راز مسیح شریک می‌سازد، به طوری که می‌توانیم خدا را «پدر» بنامیم (غلا۶: ۴) و در زندگی نوین عیسای برخاسته در اتحاد کامل با پدر، سهمی داشته باشیم.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید "پسرخواندگی".

### فرزند خواندگی

کلمات مربوط: Father – Son of God – Pater Noster

## Adore (to) / Adoration

Adorer / Adoration

به خاک افتادن برای عبادت خداست، با نهایت فروتنی در برابر حضور الهی.

### پرستیدن (پرستش به جا آوردن)
### عبادت کردن

کلمات مربوط: Glory – Worship

## Advent

Avent

در کلیسای لاتین، دورهای بین۲۱ تا ۲۸ روز، شامل چهار یکشنبهٔ قبل از عید میلاد عیسی است؛ اولین یکشنبهٔ این دوره، شروع سال مذهبی به شمارمی‌آید و در آن، مسیحیان روزه می‌گیرند.

در کلیسای شرق، کلدانی و آشوری، چهار یکشنبه‌ای که قبل از عید میلاد عیسی می‌باشد "زمان اعلام" نام دارد و به تعمق در مورد اعلام مژدهٔ فرشته به زکریای نبی، مریم، ملاقات مریم با الیصابات، و تولد یحیی (یوحنا تعمید دهنده) اختصاص دارد. در کلیساهای بیزانتینی، دورهٔ انتظار میلاد عیسی، مدت شش هفته طول می‌کشد که زمان روزه گرفتن است، نظیر چهلهٔ روزهٔ قبل از عید گذر.

### فصل ورود
### فصل انتظار میلاد مسیح

کلمات مربوط: Liturgy – Nativity

## Adventist (Church)

Adventiste (Église-)

این کلیسا که به رهبری ویلیام میلر (William Miller ف.۱۸۴۹م) در قرن نوزدهم میلادی در آمریکا از میان کلیسای «تعمیدی» (Baptist) به وجود آمده است، به قریب‌الوقوع بودن بازگشت عیسی اعتقاد دارد و می‌گوید که مسیحیان باید شنبه را بجای یکشنبه استراحت کنند.

**اَدْوَنتیست** (کلیسا)

کلمات مربوط: Baptist

## Agape

**Gr** . *agapè* = ”محبت“

**۱)** محبت خداوند نسبت به انسان‌هاست: « همان‌طور که من شما را محبت کردم، شما نیز یکدیگر را محبت کنید » (یو۱۳: ۳۴). محبت به معنی خاص آن در مسیحیت، که فزون و فراتر از عشق و دوستی می‌باشد (۱قرن ۱۳). زیباترین نام خدا در عهد جدید است (۱یو۴: ۸). بدین سبب راز کلیسا محبت است و تحقق آن در آیین، یعنی آیین سپاسگزاری، به نام ”آگاپه“ ( محبت) نامیده شد (معنی دوم).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، ”محبت“.

### محبت / آگاپه

کلمات مربوط: Love – Charity

**۲)** غذای برادرانه ای که مسیحیان اولیه باهم می‌خوردند (۱قرن۱۱: ۲۰-۲۲ ؛ اع۲: ۴۶ ، ۲۰: ۷ ؛ ۲پطر۲ : ۱۳). گاهی این اسم، در کلیساهای غرب، برای مراسم دعا که بدون حضور کشیش انجام می‌گردد، به کار برده می‌شود.

### شام محبت

کلمات مربوط: Communion – Eucharist

## Agnosticism

Agnosticisme

**Gr.** *agnostos* = ”آن که نمی‌شناسد“

اعتقاد به اینکه به وجود خدا یا حقایق نخستین نمی‌توان قاطعانه پی برد.

اعتقاد به اینکه شناخت خدا امکان ندارد. شعرسعدی : «ای برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم / وز هرچه گفته اند و شنیده ایم وخوانده ایم»

**لاادری گری**

**مسلک لاادریه**

**ندانم گرایی**

کلمات مربوط: Apophatic – Gnosticism – Atheism

## Agnus Dei

«برهٔ خدا»، دعای استغاثهٔ قبل از تناول نان وشراب در نماز کلیسای کاتولیک لاتین است؛ به این معنی: «ای برهٔ خدا که گناهان جهان را بر می‌داری، بر ما رحم کن ! (۲ بار) ای برهٔ خدا که گناهان جهان را بر می‌داری ، ما را آرامش عطا فرما!»

**دعای «ای برهٔ خدا»**

کلمات مربوط: Lamb – Pschal Lamb

## Agony of Christ

Agonie du Christ

این اصطلاح فقط یک بار (لو ۲۲: ۴۳) در عهد جدید برای توصیف رنج و عذاب عیسی در باغ جتسیمانی به کار برده شده است. این کلمهٔ یونانی به معنی مبارزه و اضطراب آمده است.

**تألم مسیح**

**احتضار مسیح**

**زجر کشیدن مسیح**

کلمات مربوط: Passion

## Agrapha

**Gr.** *a* = "غیر" + *graphein* = "نوشتن"

سخنی که به مسیح منسوب شده است و در نوشته‌های نسل اول مسیحیان مثل نامه‌های رسولان نقل شده است ولی در انجیل چهارگانه ذکر نشده است.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "اگرافا"

**روایات نانوشته**

کلمات مربوط: Logion – Logia

## Alb

Aube

**Lat**. *albus* = ''سفید''

لباس سفید با آستین بلند که کشیشان در هنگام نیایش رسمی می‌پوشند. جامهٔ سفید بلند است. بعد از تعمید، شخص تعمید یافته لباس سفید به نشانهٔ زندگی نوین می‌پوشد: «زیرا همگی که در مسیح تعمید یافته‌اید، مسیح را دربرکرده‌اید» (غلا ۳: ۲۷). لباس عیسی در ظهور جلال، سفید مثل برف است (مت ۱۷: ۲). و لباس شستن به معنی پاک شدن است (مکا ۳: ۴). خوشا به آن که جامهٔ خود را شسته، «آن را در خون بره سفید کرده است» (مکا ۷: ۱۴)، یعنی در قربانی عیسی (کلمهٔ فرانسوی Aube به معنی ''سپیده دم'' هم اطلاق می‌شود).

ر.ک. به فرهنگ عهد جدید، ''سفید''، ''پوشاک''.

### جُبِه

جامهٔ گشاد وبلند که فراز جامه های دیگر پوشند.

### ردا

### طیلسان

کلمهٔ ''طیلسان'' در ابتدا پارچه‌های بوده است که سر و شانه را می‌پوشانیده، ولی در قرون اخیر شعرا و نویسندگان آن را در مورد ردای بلند کشیشان مسیحی به‌کار برده‌اند.

## Allegory

Allégorie

**Gr.** *allegoria* =''با استعاره گفتن'' ''نوعی دیگر صحبت کردن''

روایتی است که مفهوم واقعی آن، از طریق برگرداندن اشخاص و حوادث به صورت‌هایی غیر از آنچه در ظاهر دارند به دست می‌آید؛ بدین معنی که نویسنده، قهرمان‌ها، حوادث و صحنهٔ داستان را طوری انتخاب می‌کند که بتواند منظور او را که معمولاً عمیق تر از روایت ظاهری داستان است به خواننده انتقال دهد؛ بدین ترتیب، هر تمثیل دارای دو رویه و گاه بیش از دو رویه است و خواننده غالباً با تأمل و دقت در رویهٔ ظاهری، به رویهٔ

تمثیلی که معمولاً حاوی نکته‌ای اخلاقی یا معنوی است پی می‌برد.

معنای تمثیلی کتاب مقدس، از معناهایی است که جزم‌های مذهبی و بویژه رابطهٔ عهد قدیم (عتیق) و انجیل‌ها را بیان می‌کنند. تفسیر تمثیلی فقط در موقعیت فرهنگی خاصی امکان دارد که تفسیر تحت‌اللفظی متن - مانند یک ترجمهٔ تحت‌اللفظی - رسانندهٔ معنی نباشد. بدین ترتیب مَثَل شبان نیکو (یو ۱۰: ۱-۵)، سخنی رازگونه است که حالت تمثیل دارد: اگر چه کلمه‌هایی از قبیل شبان، گوسفندان، در، آغل و دربان، هر یک به تنهایی دارای معنایی هستند.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "تمثیل"، "تمثیل‌گویی".

### تمثیل

کلمات مربوط: Myth – Parable – Symbol – Metaphor

## Alleluia

ر.ک. Halleluyah.

## All Saints Day

Toussaint

در کلیسای کاتولیک لاتین و آنگلیکان، جشن همهٔ قدیسین است که از قرن ۱۳ میلادی در روز اول نوامبر (۱۱ آبان) برگزار می‌شود (سنت هالوین Halloween که در آن با تصویرهای فولکلوریک شیطان و جهنم بازی می شود و در همان تاریخ برگزار می‌شود، هیچ ربطی با مسیحیت ندارد).

### روز همهٔ قدیسین

کلمات مربوط: Communion of Saints

## Almighty

Tout-puissant

صفتی که در بیان اصول ایمان رسولان به خدا داده می‌شود: "پدر قادر مطلق".

### قادر مطلق

### قادر متعال

کلمات مربوط: Creation

## Alpha & Omega

در سِفر خـروج، خـدا خـود را بر موسی ظاهر می‌کند و نام خود را چنین می گوید: «یهوه یهوه خـدای رحیم و رئوف و دیرخشم و کثیراحسان و وفا» و طبق روایـتـی، «دیرخشم، سرشار رحمت و راستی» (خـروج ۳۴، ۶). کلمهٔ عبری"اِمِتْ" که راستی ترجمه شده، با "الف"، حرف اول الفبای عبری، شـروع و با "ثـاو"، حـرف آخـر تمام می‌شود: "اِمِـتْ" در این شکل، مظهر کمال حقیقت است. معادل آن حرف‌ها در الفبای یونانی، "آلفا" و "اُمِگا" است؛ و همچنین خدا، در آخرین کتاب عهد جدید هویت خود را این گونه فاش می‌کند: «آری! آمین! خداوند خدا می‌گوید: من آلفا و اُمِگا هستم، آنکه هست، آنکه بود و آنکه می‌آید، توانا بر همه» (مکا۱: ۸)، به معنی ازلیت ولایتناهی بودن خدا.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "الف و یا".

**الف و یا**

**آغاز و فرجام**

**اول و آخر**

## Altar

Autel

نزد یهودیان محل قربانی (مذبح) در معبد اورشلیم است که روی آن حیوانات را قربانی می‌کردند؛ مسیحیان مذبح خاصی بدین معنی ندارند. محراب مسیحیان که بر آن نان و شراب را تقدیس می کنند جانشین مذبح های یهودیان شده است (۱قرن۱۰: ۱۶-۲۱).

**مذبح**

**محراب**

**خوان مقدس**

کلمات مربوط: Temple

## Altar of Burnt Offerings

Autel des Holocaustes

مذبحی که بر آن قربانی سوختنی را می سوزاندند.

خروج ۱:۲۷ ؛ ۱پاد ۸: ۶۴.

ر.ک. Holocaust.

**مذبح قربانی سوختنی**

کلمات مربوط: Altar – Holocaust

## Altar of Incense

Autel de l'encens

در کلیسا، بخور در آتشگردان سوخته می‌شود. خروج ۳۰: ۱؛ لاو۱: ۱۱؛ عبر۹: ۲.

**مذبح بخور**

یا معنی بهتر: «مذبحی برای سوزاندن بخور»

کلمات مربوط: Altar

## Ambo

Ambon

جایگاه مخصوصی در قسمت جلوی کلیسا (در کلیساهای شرقی وسط کلیسا) برای قرائت نوشته های مقدس در آیین نیایش دسته جمعی.

**منبر**

**جایگاه قرائت**

## Amen

**Hb**. '*mn* = "استوار بودن" . **Gr.**: *amen*.

کلمهٔ «آمین» که عبری است از کلمات پایان نوشته‌های مقدس است (مکا۲۲: ۲۰) و در پایان اعتقادنامهٔ مسیحیان آمده است. در اصل به معنی «تأیید و ابرام» می باشد و از همان ریشه آمده است که کلمهٔ عربی "ایمان"؛ بنابراین نه فقط مثل کلمهٔ «باد» و «بادا» است که مثلاً در جملهٔ «زنده باد» به‌کار می‌رود بلکه به مفهوم آن است که گوینده آنچه را که گفته شده تصدیق وتأیید می نماید. لوقا این لغت را با اصطلاح «درحقیقت»، «حقیقتاً» ترجمه می کند.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "آمین".

**آمین**

## Anabaptism

Anabaptisme

یکی از نهضت های پروتستانی که در ۱۵۲۰م در اروپا به وجود آمد که تعمید خردسالان را نمی‌پذیرفت. آناباپتیست ها فقط ایمانداران بالغ را تعمید می‌دادند و طرفدار جدایی مذهب از سیاست بودند؛ امروز، فرقهٔ «منونیت»ها بر این اصول مانده است.

**آناباپتیسم**

کلمات مربوط: Pedobaptism–Mennonite

## Analogy

Analogie

شباهت جزئی بین دو چیز.

**اشتراک معنوی**

**همانندی**

## Anamnesis

Anamnèse

**Gr.** *anamnesis* = "یاد، یادآوری".

نیایشی است که اسرار نجات و رستگاری را در ضمن سپاسگزاری یادآوری می کند؛ این نیایش برپایهٔ کلام خداوند است که گفته است: «این عمل را به یاد من انجام دهید» (لو۲۲:۱۹).

اتفاقات زندگی مسیح در زمان گذشته از راه رستاخیز و صعود او جنبهٔ جاودانه پیدا کرد و توسط قدرت روح‌القدس و درخواست کلیسا در زمان ما حاضر می‌شود. ر.ک. ۱قرن ۱۱: ۲۵

**یاد بود**

**یادآوری**

کلمات مربوط: Anaphora – Epiclesis – Memorial

## Anaphora

Anaphore

**Gr.** *ana* + *phorein* = "بالا بردن"

این کلمه از نظر لغوی به مفهوم «بردن به طرف بالا» می‌باشد.

هر آیین نیایش به نحوی "برافرازی" است و در صعود خداوند شرکت دارد. این کلمه، حرکت و جهت اصلی

سپاسگزاری را توصیف می‌کند که شامل شکرگزاری، یاد بود، فراخوان روح‌القدس و تمناست.

در آیین نیایش یونانی (شرقی)، قسمت اصلی نیایش که مطابق نیایش تقدیس در آیین لاتین است، شامل بالا بردن نان سپاسگزاری به نشان تقدیم آن و طواف در کلیساست تا نان قربانی را به محراب بیاورند. هر آیین پرستش و نیایشی با حرکت صعود مسیح به آسمان هماهنگ است.

**برافرازی**

**بالا بردن هدایا**

کلمات مربوط: Transubstantiation – Anamnesis – Epiclesis – Prayer– Canon – Preface

## Anastasis

ر.ک Holy Sepulchre.

## Anathema

Anathème

**Gr**. *anathema*:"آنچه برای خدا جدا شده است".

چیزی که نذر کرده، روی مذبح یهودیان یا در معبد، از بالا آویزان می کردند و به خدا اختصاص داشته، استفادهٔ دنیوی از آن ممنوع می‌گردید؛

بنابراین کسی که از آن استفادهٔ دیگری می کرد یا اینکه به قول و نذر خود عمل نمی نمود به خدا احاله داده می‌شد و از جامعه طرد می گردید (لاو۲۷ : ۲۸ به بعد). هنگامی که یهودیان نذر می‌کردند و یا سوگند می خوردند، در عبارتی که بیان می کردند این واژه به معنی لعنت و نفرینی است که در صورت عدم اجرای نذر و قول، به آن گرفتار شوند (مت ۲۶: ۷۴ ؛ روم ۹: ۳ ؛ اع ۲۳: ۱۲ و ۱۴ و ۲۱ ؛ ۱قرن۱۲: ۳ ؛ ۱۶: ۲۲ ؛ غلا ۱: ۸ به بعد). در عهد جدید این کلمه در بیان نفرین و لعنت به کار رفته است.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "آناتیما - نفرین".

در قرون اولیه کلمهٔ anathema برای طرد گنهکاران از کلیسا رایج شد. استفادهٔ اصلی کلمه در محکوم ساختن

دگراندیشان بود، و در همهٔ مجمع‌های اسقفان، از مجمع نیقیه (۳۲۵م) تا مجمع واتیکان اول (۱۸۷۰م) عبارت «اگر کسی چنین گوید، نفرین شود» تکرار شد.

**نفرین**

**لعنت**

**طرد**

کلمات مربوط: Excommunication

## Anchorites

Anachorètes

راهبانی که زندگی در انزوا و سکوت، دور از تشنج دنیوی را برای نیایش و ریاضت اختیار می نمایند. ترک دنیا به معنی شکست دادن دو دشمن نجات انسان: شیطان و شهوت است.

**زاهد معتکف**

**راهب منزوی**

کلمات مربوط: Ascetic – Monk – Hermit

## Angel

Ange

**Gr.** *angelos* = "پیک"

موجودی روحانی بین خدا و انسان، که برای رساندن پیامی از طرف خداوند فرستاده می‌شود. باور عمومی برخی بر این است که هر انسانی در سیر زندگی دنیوی یک "فرشتهٔ نگهبان" دارد (این باور جزو عقاید رسمی کلیسا نمی باشد). فرشتگان، در اساطیر و مذاهب شرق ریشهٔ قدیمی دارند و در عهد جدید، خدا را در میان انبوهی از سپاهیان آسمانی ترسیم می‌کردند و جلال الهی را فراتر از تصور انسان جلوه می دادند. برخی از فرشتگان، در سنت، دارای اسم بودند، نظیر میکائیل، جبرائیل، رافائیل (ر.ک. طو ۳: ۱۷، ۱۲: ۱۵؛ لو۱: ۱۹ و ۲۶؛ مکا۱۲: ۷). در انجیل ها، فرشتگان در خدمت عیسی، روی زمین و یا به هنگام بازگشت نهایی اش ظاهر می‌شوند.

مسیح، برتر از فرشتگان است. در نامهٔ

به کولسیان، پولس از باورهای مردم آن شهر یونانی که فرشتگان را به نحوی میان خدا و زمین قرار می‌دادند انتقاد می کند و مقام مسیح را بالاتر از کلیهٔ این قدرت‌ها قرار می‌دهد.

در مقابل فرشتگانی کـه پیک های خداوند می باشند، عهد جدید از فرشتگان شیطان نیز نـام می برد که به ضرر آدمیان عمل می نمایند ولی سرانجام به طور قطعی مغلوب خواهند شد (هیچ شباهتی با روایت قرآنی ابلیس ندارد).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "فرشته".

## فرشته

کلمات مربوط: Angel – Angelology – Archangel – Seraphim

## Angelology

Angélologie

شناخت فرشتگان و نظریهٔ خاصی که در بعضی از ادیان (مثلا در مسیحیت، در دین زرتشت، اسلام و بودیسم) راجع به وجود فرشته بیان شده است.

## فرشته شناسی

کلمات مربوط: Angel

## Angelus

دعای بشارت خطاب به حضرت مریم است. در مناطق کاتولیک لاتین، سه بار در روز (صبح و ظهر و عصر) ناقوس کلیسا زده می شود تا ایمانداران را به دعایی دعوت کنند که با کلمات Angelus Domini nuntiavit Mariæ (فرشتهٔ خداوند به مریم بشارت داد) شروع می‌شود.

## انجلوس

## دعای بشارت به مریم

کلمات مربوط: Annunciation

## Anglicanism

Anglicanisme

نظام و اعتقادات کلیسای رسمی انگلیس است که در قرن شانزدهم میلادی از

کلیسای کاتولیک روم جدا شد و پادشاه انگلستان در رأس آن است؛ این کلیسا در رعایت اصل سلسلهٔ رسولان شبیه کلیسای قدیم و در خیلی از آیین‌های نماز، در رعایت اصول "رفرم" (اصلاحات) شبیه کلیساهای پروتستان است. کلیساهای اسقفی (در خارج از انگلستان، مثلاً در ایران) وابسته به کلیسای انگلیکان می‌باشند.

**انگلیکان**

**اسقفی**

کلمات مربوط:– Episcopal – Anglo Catholicism

## Anglo-Catholicism

Anglo-Catholicisme

مسیحیان کلیسای اسقفی که میراث اعتقادات کاتولیک، میراث سلسلهٔ اسقفی و آداب مذهبی آنان و رهبانیت را ارج می‌گذارند؛ این گرایش به‌طور قابل ملاحظه در شهر اکسفورد، در نیمهٔ اول قرن نوزدهم میلادی رشد کرد.

**انگلوکاتولیک**

کلمات مربوط: Anglicanism

## Announce the Gospel (to)

Annoncer l'Évangile

اعلام کردن مژده. ر.ک.اع ۱۳: ۳۲.

**اعلام کردن مژدهٔ انجیل**

**بشارت دادن انجیل**

**مژده دادن**

کلمات مربوط: Annunciation – Gospel – Kerygma

## Annunciation

Annonciation

بشارت بارداری که توسط جبرائیل فرشته به مریم داده شد (لو ۱: ۲۶ - ۳۵). در آیین کلیسای قدیم، روز ۲۵ مارس (۵ فروردین) است که آن را جشن می‌گیرند.

**بشارت جبرائیل به مریم مقدس**

کلمات مربوط: Virginal Birth – Redemption – Angelus

## Anointed

Oint

باروغن مقدس، تدهین شده می‌باشد.

**تدهین شده**

**مسح شده**

کلمات مربوط: Christ – Messiah – Unction

## Anointing of the Sick

Onction des malades

رسولان، مریضان را "با روغن تدهین کرده شفا می‌دادند" (مر۶: ۱۳)؛ این آیین در کلیسای اولیه مرسوم شده بود: «اگر کسی در بین شما بیمار است، قدیمی‌های کلیسا را بخواند تا برایش نیایش کنند و او را به نام خداوند با روغن مسح نمایند» (یع ۵: ۱۴).

درکلیسای قدیم یکی از رازهایی است که به مریضان داده می‌شود تا در مراحل آخر زندگی، کمک روحانی دریافت کنند؛ در سابق، رسم بر این بود که مریض در شرف مرگ این مسح را دریافت می‌کرد و آن راز را "مسح آخرین" (Extreme Unction) می‌نامیدند.

درکلیسای کاتولیک، بعد از شورای اسقفان واتیکان دوم، همهٔ مریضان مبتلا به بیمارهای غیر قابل شفا می‌توانند این راز را دریافت کنند و صفت "آخرین" از آن برداشته شد: اکنون "مسح مریضان" نامیده می‌شود.

**تدهین بیماران**

**مسح مریضان**

**راز مریضان**

کلمات مربوط: Unction – Holy Oil

## Antichrist

این کلمه که در نامه های یوحنای مقدس به کار رفته، گاهی به معنی مسیحیانی است که مرتد شده، از آیین برگشته اند (۱یو۲: ۱۸) و گاهی به مفهوم شخصیتی مرموز است که در پشت سر آنان پنهان شده است (۱یو۲: ۱۸ و ۲۲ ، ۴: ۳ ؛ ۲یو۷).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، ''ضد مسیح / دجال''

**دجال**

**ضد مسیح**

کلمات مربوط: Satan

**Antimension** (Antimensium)

در آداب مذهبی کلیسای بیزانس، پارچه ای روی مذبح گسترده می شود که روی آن تصویر ابزار و آلاتی که در وقایع شکنجه ومصیبت کشیدن مسیح به کار رفته بود ترسیم شده است، نیز تکه ای از آثار و بقایای قدیسی، روی آن دوخته شده است (شبیه سنگ مذبح در کلیساهای لاتین، که در آن آثاری از یک قدیس نگهداری می‌شود).

ضمناً امضای اسقف محل، روی پارچه نشانهٔ همبستگی کلیسا با اوست؛ در هر صورت، منظور تأکید بر اتحاد کلیسای محلی با کل کلیسا و با شهادت قدیسین است.

**انتیمانسیون**

**Antiphone**

Antienne

قسمت‌هایی از نیایش است که در برگزاری آداب مذهبی کلیسای بیزانس به آواز خوانده می شود ومعمولاً دو یا چند نفر به نوبت می خوانند؛ ابیاتی در این آواز خوانده می شود که معنی مزمور یا دعا را تکرار می کند.

**انتیفون**

**سرودخوانی گروهی**

**همنوایی**

**Antitype**

در زبان یونانی مسیحیان، کلمهٔ antitypon، بیشتر به معنایی شبیه ''کنایه'' یا ''شکل خیالی'' آمده است تا ''پادنمونه''. پدیده‌های عهدقدیم (عتیق)، برای مسیحیان اولیه، کنایه (antitypon یا allegorumenon) از پدیده‌های خوب آتی تفسیر شدند (غلا۴: ۲۴).

ر.ک. Type.

**پادنمونه** (نمونهٔ چیزی)

**کنایه**

## Apocalypse

**Gr**. *apocalypsis* = ”برداشتن (پرده)“, ”ظاهر ساختن“

”مکاشفه“، نام کتاب آخر عهد جدید است (به انگلیسی اغلب Revelation نامیده می شود) که تصویر الهامی از روزهای واپسین و داوری آخراست. در لغت، به معنی صحنهٔ وحشتناک و خارق العاده آمده است. طبق سنت، کتاب مکاشفه به یوحنا، مؤلف انجیل چهارم، منسوب است.

**مکاشفه / آپوکالیپس**

## Apocalyptic

Apocalyptique

**۱)** سبک ادبی خاصی که از حدود ۲۰۰ سال قبل از مسیح در میان یهودیان رواج داشته است.این سبک، تا حدود ۸۰۰ بعد از مسیح ادامه داشته است. مکاشفهٔ یوحنا نمونه‌ای است از این سبک که اتفاقات روزهای واپسین را در جهت تهذیب اخلاق توصیف می‌کند.

**اُخرویات**

**آپوکالیپتی**

**۲)** (صفت)، مربوط به مکاشفهٔ یوحنا یا به سبک ادبی آن، شامل توصیف آخرالزمان. این صفت برای فجایع آخرالزمان به کار می رود.

**دهشتناک**

## Apocatastasis

Apocatastase

ر.ک Universalism.

## Apocrypha

Apocryphes (livres -)

**Gr**. *apo* = ”دور“ + *krypto* = ”قایم کردن“

کتاب های مشکوک یا مجهولی که مورد قبول کلیسا نیستند، و کلیسا آنها را جزو

عهدقدیم(عتیق) یا عهدجدید نمی‌شمارد؛ این کتاب‌ها خارج از "قانون"، یعنی رسم کلیسا هستند.

کلیساهای پروتستان، همانند یهودیان، کتاب‌هایی را که در عهدقدیم به زبان یونانی نوشته شده‌اند، تحریفی می‌دانند؛ ولی کلیساهای قدیم آنها را قبول کرده، "کتاب‌های برحق متأخر" می‌دانند.

**تحریفی**

**غیرقانونی**

**آپوکریفا**

کلمات مربوط: Canon – Deuterocanonical Books – Canon of the New Testament – Naj Hammadi

## Apollinarianism

پیروان آپولیناریس (Apolinarios اسقف لائودیکیه، قرن چهارم میلادی) که عقیده داشتند، شخص عیسی جسم انسانی و روح مُدرِک انسانی داشت ولی "کلمه" (Logos) در وی جای عقل انسانی را گرفت؛ این مکتب در اولین شورای قسطنطنیه در سال ۳۸۱ میلادی به عنوان یک بدعت محکوم گردید.

**بدعت آپولیناریس**

**مکتب آپولیناریس**

## Apologete

Apologiste / Apologète

منظور کسانی هستند که در قرن دوم میلادی مانند ژوستن قدیس زندگی و ایمان مسیحیان را تشریح کرده، با یهودیان و مشرکان گفتگو داشته؛ از مسیحیانی که متهم وستم دیده بودند دفاع می کردند؛ اینان از باورهای مسیحیان در برابر عقاید مخالفان دفاع می‌کردند.

**دفاعیه نویسان**

**مدافع** (آبای مدافع ایمان)

## Apologetics

Apologétique

آن بخش از علم الهیات (مسیحی، اسلامی و غیره) می باشد که هدف اصلی

آن، تعریف مذهب و دفاع از آن و ایجاد یقین در برابر عقاید دیگراست. دفاع از مبانی دین.

**الهیات دفاعی**

**علم دفاع استدلالی**

**نوشته های تقریظی**

## Apophatic

Apophatique

**Gr.** *apo-phèmi* = ”انکار کردن“ - *apo-phatikos* = ”منفی“

نظریه ای مبنی بر اینکه توصیف و درک خدای وصف ناپذیر مقدور نیست مگر اینکه صفاتی را که فاقد آن است (صفات سالبه) برشماریم؛ سنایی می گوید: ”آنچه اندر وصف نآید آن تویی“؛ الهیات ”منفی“ یا ”سلبی“ بر آن است که چنین دید خارج از وصف خدا را بیان کند.

**از راه تنزیه**

**سلبی**

**تنزیهی**

کلمات مربوط: Agnosticism (در مقابل ”Cataphatic“)

## Apophthegms / Apothegm

Apophtègmes

**Gr.** *apophtegmata* = ”شطحیات، فریاد“

پند و اندرزهایی که «پدران صحرا» (راهبانی که در قرن چهارم میلادی در صحراهای مصر وفلسطین وسوریه می زیستند) در حالت وجد نوشته اند و بیان کرده اند و ظاهر حقایق را به نحوی منقلب بیان می‌کردند.

**شطحیات**

**شطحات**

## Apostasy

Apostasie

**Gr.** *aph-istamai* = ”جدا شدن“

به معنای ارتداد است و زمانی صورت می گیرد که شخص ایماندار، به ارادهٔ

خود، دین و مذهبش را ترک یا عوض کند؛ به یک مکتب یا مذهب دیگری بگرود.

**ارتداد**

**ترک دین**

**برگشتن از دین**

کلمات مربوط: Abjuration – Apostate

## Apostate

Apostat

آنکه دین و مذهب خود را به اختیار خود عوض یا ترک کند.

**مرتد**

کلمات مربوط: Apostasy

## Apostle

Apôtre

**Gr.** *apostello* = "فرستادن" – *apostolos* = "فرستاده"

در اصل، این نام به دوازده یار برگزیدهٔ عیسی داده شده است که به مأموریت نشر انجیل «فرستاده» شدند. در نوشته های پولس «رسول»، این کلمه معنی عام تری دارد؛ رسالت «رسولان» این است که به رستاخیز مسیح شهادت بدهند (اع ۱: ۲۲) و در معنی وسیع تر به پیش مردم یهود وغیر یهود «فرستاده» شدند. رسولان عبارتند از: پطرس، اندریاس، یعقوب، یوحنا، فیلیپس، برتولما، متی، توما، یعقوب، تدی (یهودا)، شمعون و یهودای اسخریوطی؛ متیاس بعداً به جای یهودا انتخاب شد، و سرانجام پولس به شمار رسولان اضافه شد؛ لقب "رسول امت‌ها" بعداً به پولس داده شده است (روم۱۱: ۱۳).

**رسول**

**حواری / حواریون**

کلمات مربوط: Apostolate – Disciple – Mission – Send (to)

## Apostles' Creed

Symbole des apôtres

بیان اصول ایمان طبق روایت قدیمی که

درکلیسای رم پخش شده بود و به طور خلاصه بازگو کنندهٔ ایمان رسولان است. متن مفصل تری ازبیان اصول ایمان در مجمع های کلیسایی «نیقیه» و «قسطنطنیه» (۳۲۵ و ۳۸۱ م) تألیف شد که در کلیسای امروز هم از آن استفاده می شود.

« [ما ایمان داریم] به خدای یکتا / پدر قادر مطلق، آفریدگار آسمان و زمین و هر آنچه پیدا و ناپیدا ست. / [و همچنین] به خداوند یکتا / عیسای مسیح، پسر یگانهٔ خدا / مولودِ ازلی از پدر / او خدا است از خدا، نور از نور / خدای راستین از خدای راستین / که زاده شده و آفریده نشده است / همذات با پدر / و از طریق او همه چیز هستی یافت. / برای ما آدمیان و برای نجات ما / از آسمان فرود آمد / به قدرت روح القدس، / از مریم عذرا تن گرفت و انسان گردید / و در زمان پنطیوس پیلاطُس / برای ما مصلوب شد، رنج کشید / مُرد و مدفون گشت / و بر حسب کتاب مقدس، روز سوم رستاخیز نمود / و به آسمان صعود کرد / و به دست راست پدر نشسته است / و بار دیگر در جلال خواهد آمد / تا زندگان و مردگان را داوری کند / و سلطنتش را پایان نخواهد بود. / و همچنین به روح القدس / که خداوند و بخشندهٔ حیات است / که از پدر و پسر صادر می‌گردد / و او را با پدر و پسر یک پرستش و یک جلال است / او از طریق پیامبران سخن گفته است. / من ایمان دارم به کلیسا / که یکتا، مقدس، همگانی و رسولی است / و اعتقاد دارم به یک تعمید برای آمرزش گناهان / من رستاخیز مردگان / و زندگیِ جهانِ آینده را در انتظارم. / آمین»

اصطلاح "ما ایمان داریم" (با استفاده از شخص اول جمع)، روایت اصلی متن یونانی است به معنی این که اقرار ایمان، پیوندی است مشترک که مسیحیان را با هم متصل می‌سازد. آیین کلیسایی

بیزانس (قسطنطنیه) همان متن را با فاعل مفرد نقل می‌کند: هر مسیحی، شخصاً در ایمان متعهد است. آیین لاتین نیز همین سنت را قبول کرده، ”من ایمان دارم“ را سه بار تکرار می‌کند؛ ولی در مراسم تعمید، بعد از اینکه تعمیدیافتگان جدید ”من ایمان دارم“ را گفته باشند، شرکت کنندگان در مراسم به سؤال کشیش ، با ”ما هم ایمان داریم“ جواب می‌دهند.

در مورد ”و پسر صادر می‌گردد“، ر.ک. Filioque.

**اعتقاد نامهٔ رسولان**

کلمات مربوط: Credo – Nicene Creed

## Apostolate

Apostolat

هر کوششی از طرف مسیحیان در جهت اعلام ملکوت مسیح روی تمام کرهٔ زمین (کتاب تعلیمات دینی کلیسای کاتولیک، بند ۸۶۳). هر مسیحی به طور فردی یا همراه دیگران در اعلام مژده شرکت می‌نماید. «رسالت عوام» به عمل رسالتی همهٔ مسیحیان در مقابل رسالت خاص کشیشان گفته می‌شود.

**رسالت**

**عمل رسالتی**

کلمات مربوط: – Apostle – Apostolate Apostolic

## Apostolic

Apostolique

در اقرار ایمان (اعتقادنامه)، آمده است که مسیحیان به «کلیسای واحد، مقدس، جامع و رسولی» اعتقاد دارند؛ صفت ”رسولی“ در اینجا از دوازده رسول سرچشمه می گیرد و به سلسلهٔ مداوم سنت رسولان اشاره می کند که در کلیسا، نسل به نسل، با الهام روح القدس، انتقال یافته است: همان ترتیب و سلسله در جانشینی اسقفان رعایت شده است. اسقف توسط یک اسقف دستگذاری می‌شود و با این پیوند

به رسولان عیسی ارتباط دارد.

**رسولی**

**رسالتی**

**وابستهٔ به رسولان**

کلمات مربوط: Apostle – Apostolate – Apostolicity of the Church – Bishop

## Apostolic constitution

Constitution apostolique

**Lat**. *constitutio apostolica* = "اساس نامهٔ رسالتی"

قانون داخلی کلیسای کاتولیک، که از طرف پاپ صـادر می‌شود و به زبان لاتین منتشر می‌شود.

**نظامنامهٔ رسالتی**

کلمات مربوط: Apostolic Constitutions – Apostolic

## Apostolic Constitutions

Constitutions apostoliques

مجموعه ای از پندهای اخلاقی و مذهبی متعلق به قرن چهارم میلادی، که بر پایهٔ نوشته های مقدس تألیف شده است و بیشتر، خادمین رسمی کلیسا را مخاطب خود قرار می‌دهد؛ متن آن از قرن شانزدهم میلادی در کلیسای غربی شناخته شده است.

**مرامنامهٔ رسالتی**

**اساسنامهٔ رسالتی**

## Apostolic Father

Pères apostoliques

پدران دوران رسولان، نخستین نویسندگان مسیحی هستند که پس از دوران رسولان در حدود پایان قرن اول و ابتدای قرن دوم میلادی می زیستند؛ ایشان افتخار شاگردی کسانی را داشتند که در زمرهٔ رسولان، یا شاگرد بی واسطه آنان بودند؛ تعالیم ایشان در حقیقت ادامهٔ تعالیم رسولان و پلی بین عهد جدید و دفاعیه نویسان مسیحی به وجود آورد؛ تعالیم ایشان اطلاعات بسیار با ارزشی در مورد نسل های دوم و سوم پس از

رسولان در اختیار ما قرارمی دهد.

**پدران دوران رسولان**

کلمات مربوط: Fathers of the Church – Hierarchy – Doctors of the Church – Patristics – tradition

## Apostolic See

Siège apostolique

مسند کلیسایی که طبق سنت توسط یکی از رسولان بنیانگذاری شده است و دارای اصالت برتری در تاریخ مسیحیت باشد.

در نوشته‌های کاتولیک به طور مطلق، کلیسای رم، که بنیانگذار آن پطرس قدیس است: «تو پطرس (صخره) هستی، و روی این صخره کلیسای خود را بنا خواهم کرد» (مت۱۶: ۱۸).

**مسند رسولی**

## Apostolic Succession

Succession apostolique

ترتیب جانشینی رسولان که از دوران دوازده تن برگزیدهٔ مسیح، توسط اسقفان کلیسا و از طریق دستگذاری نسل به نسل ادامه داشته است.

**تواتر رسولی**

**جانشینی رسولی**

کلمات مربوط: Apostle – Ecclesiology

## Apostolicity of the Church

Apostolicité de l'Église

وفاداری کلیسا نسبت به رسالتی که از رسولان در سراسر تاریخ دریافت کرد. اتحاد و همبستگی کلیسا با ایمان رسولان.

**رسولی بودن کلیسا**

**وابستگی کلیسا به رسولان**

کلمات مربوط: Apostle – Apostolic

## Apothegm

ر.ک Apophthegms.

## Apparitions

**Lat.** *ad* = "بطرفِ" + *parere* = "پدید آمدن"

پدیده‌های فوق طبیعی - مخصوصاً نزد مقدسین - که طی آن، شخص توسط فرشته‌ای، خود را در حضور خداوند می یافت. این اصطلاح بخصوص برای پدیدار شدن عیسی به شاگردان بعد از رستاخیز به کار برده می شود. این کلمه در مورد ظهور معجزه‌آسای حضرت مریم و برخی از قدیسین، به برخی ایمانداران نیز به‌کار برده می‌شود.

## ظهورهای "مسیح برخاسته ازمرگ"

## پدیدار گشتن‌های "مسیح برخاسته از مرگ"

کلمات مربوط: Resurrection

## Archangel

Archange

Gr. *arch* = "سر" + *angelos* = "فرشته، فرستاده"

این کلمه در عهد جدید فقط دو بار (۱تسا۴: ۱۶ ؛ یهو ۹) آمده است ولی این مفهوم را می‌توان در مکاشفهٔ یوحنا باز یافت. نام هایی که به این فرشتگان مقرب داده شده است: مثلاً «جبرائیل» (لو۱: ۱۹) و«میکائیل» (یهو ۹ ؛ مکا ۱۲: ۷)؛ این نام ها در دین زرتشت به صورت «امشاسپند» آمده‌اند.

**فرشتهٔ اعظم**

**ملک مقرب**

کلمات مربوط: Angel – Seraphim

## Archbishop

Archevêque

مسئول منطقهٔ وسیعی که شامل چند منطقهٔ اسقفی است.

**اسقف اعظم**

کلمات مربوط: Bishop – Metropolitan

## Archdeacon

Archidiacre

از قرن چهارم میلادی به بعد، یکی از

همکاران نزدیک اسقف وحتی همکار اداری اصلی پاتریارخ، مخصوصاً درقسطنطنیه بوده است. در کلیسای لاتین، معاون اصلی اسقف و مسئول منطقه ای درحوزهٔ اقتدار اسقف می باشد.

**سر شماس**

**رئیس شماسان**

کلمات مربوط: Deacon

## Archimandrite

**Gr.** *archè* = "سر" + *mandra* = "صومعه"

در کلیسای شرقی، ارشد یک صومعه است؛ همچنین عنوان افتخاری بعضی راهبان می باشد.

**راهب ارشد**

**ارشد راهبان**

کلمات مربوط: Monk – Hegumen

## Arianism

Arianisme

اعتقاد به اینکه عیسی پسر خدا نیست و یک فرد بشری است؛ این بدعت، خلاف آرای کلیسا، توسط کشیشی به نام آریوس (Arius، ۲۵۶-۳۳۶م) پس از ۳۱۵م در اسکندریه رواج یافت. آریوس دربارهٔ تثلیث اقدس قائل به تساوی رازهای سه‌گانهٔ اقدس نبود و پسر را تابع پدر می دانست ومنکر تساوی آنها و یکی بودن جوهر پدر و پسر (عیسی) بود.

**بدعت آریوس**

**مکتب آریوس**

**آریانیسم**

کلمات مربوط: Consubstantial

## Ark

Arche

۱) کشتی نوح : (پید ۶ - ۹).

**سفینهٔ نوح**

۲) صندوقچهٔ عهد: عبارت است از جعبه یا صندوقچه ای که در آن مظهر حضور الهی قرار داشت و یهودیان آن را بعد از خروج از مصر حمل می‌کردند

(عبر ۹: ۴)؛ در این صندوقچه، به یاد کارهای شگفتی که یهوه در ایام خروج از مصر انجام داده بود، تکه‌های منّ، عصای موسی، و لوح سنگی گذاشته شده بود.

طبق باب ۲۵ کتاب خروج، صندوقچهٔ عهد از روی نمونهٔ صندوقچهٔ آسمانی ساخته شده است و در رؤیایی که در مکاشفهٔ یوحنا (مک۱۱: ۱۹) ذکر می‌شود منظور، نمونهٔ آسمانی صندوقچهٔ پیمان است؛ از سوی دیگر، طبق روایات، معتقد بودند که در پایان روزگار، صندوقچهٔ عهد مجدداً متجلی خواهد شد (ر.ک. ۲مک۲: ۸).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "تابوت عهد".

## صندوقچهٔ عهد
## صندوقچهٔ پیمان

**۳)** محراب یا قفسه‌ای درکنشت یهودیان که در آن تورات نگهداری می‌شود.

کلمات مربوط: Covenant – Holy of Holies – Synagogue – Temple – Tables of the Law

## Armageddon

Harmagedôn

نام یک تپه در جنوب شهر معاصر حیفا در اسرائیل (فلسطین)؛ طبق کتاب مکاشفه در آن مکان، شاهان سراسر دنیا برای جنگ پایانی جمع می‌شوند (مکا ۱۶:۱۶). نویسندهٔ مکاشفه اشاره به "کوه جمع" می کند که در آن گُگ - دشمن آخرالزمانی - کشته خواهد شد (اش۱۴: ۱۳)؛ طبق عقیدهٔ بعضی از فرقه های بنیادگرای پروتستان، مظهر آخر الزمان می‌باشد، که در آن، آخرین نبرد خوبان بر بدان صورت می گیرد.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "حارمجدون".

## حارمجدون
## آرمگدون

کلمات مربوط: Apocalypse – Revelation

## Armenian Church

Eglise Arménienne

کلیسای مستقل ارمنستان؛ طبق سنت،

توسط رسولان، تدی و برتولما تأسیس شد و بنابر این "رسولی" گفته می‌شود. پادشاه ارمنستان، در اوایل قرن چهارم میلادی، زیر نفوذ گریگوریوس روشنگر ( ۳۳۱م) مسیحی شد؛ به خاطر این قدیس، کلیسای ارمنستان گاهی "گریگوری" نامیده می‌شود. پاتریارخ کلیسای ارمنستان در دیر اچمیادزین، نزدیک ایروان اقامت دارد.

کلیسای ارمنی کاتولیک (که به کلیسای کاتولیک لاتین وابستگی دارد) در قرن ۱۷ میلادی به وجود آمد و پاتریارخ آن در بیروت اقامت دارد؛ آیین نیایش و تعلیمات این کلیسا هم به زبان ارمنی است.

کلیساهای پروتستان ارمنی زبان هم، در اثر کار مبلغین مذهبی در قرن ۱۹ و ۲۰ میلادی به وجود آمدند.

**کلیسای ارمنستان**

## Ascension

صعود عیسی به آسمان (مر۱۶: ۱۹) چهل روز بعد از عید گذر؛ در آن روز، عیسای رستاخیز یافته از دید شاگردان ناپدید شد، «به آسمان بالا برده شد» (مر۱۶: ۱۹؛ اع۱: ۲) و وارد جلال پدر گردید. کلمهٔ عروج هم درست است، ولی بیشتر در مورد حالت معنوی به کار برده می‌شود، در صورتی که صعود عیسی هم جدا شدن عیسی از شاگردان معنی می‌دهد و هم حرکت او به سوی بالا. به آسمان بالا رفتن به معنی جلال و شکوه خداوند است و نماد تجلیل خداوند و حضور خداوندی در کل جهان.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "صعود".

**صعود**

کلمات مربوط: Assumption – Heaven

## Ascetic - Asceticism

Ascète - Ascétique

**Gr.** *asketikos* = " آن که ورزش بدنی کند"

در اصل، آن که توسط تمرین‌های روحانی (نظیر سکوت، دعا و روزه) و اخلاقی، خودش را به کردار نیک وادار

می‌کند. بیشتر به معنی مرتاض، مرتاضانه آمده است.

**زاهد**

**ریاضت کش**

**پرهیزکار**

کلمات مربوط: Fasting – Abstinence – Mystic

## Ash Wednesday

Mercredi des Cendres

روز اول چهلهٔ روزه (۴۰ روز قبل از عید گذر)؛ در آیین خاص آن روز در کلیسای کاتولیک لاتین، کشیش با خاکستر نشانهٔ صلیب را روی پیشانی مؤمنین رسم می‌کند و می گوید: «یادت باشد که جز خاک چیزی نیستی وسرانجام به خاک بر می‌گردی». آیین بعد از مجمع اسقفان واتیکان دوم این عبارت را به جملهٔ انجیل «توبه کنید و به مژده ایمان آورید» (مت۱: ۱۵) تبدیل کرد.

**چهارشنبهٔ خاکستر**

کلمات مربوط: Fasting

## Asperges

Aspersion

**Lat.** *asperges me*: "روی من آب افشان"

در کلیسای غربی، آیین پاشیدن آب تقدیس شده، روی مؤمنین در شروع نیایش یکشنبه برای تطهیر به جای کارکرد توبه است؛ این آیین به یادآوری فرورفتن در آب تعمید که شروع زندگی نوین مسیحیان است انجام می‌شود.

**آیین افشاندن آب مقدس**

کلمات مربوط: Ablution – Holy Water

## Assemblies of God

Assemblées de Dieu

نامی است که گروه های پنتیکاستی به خود می‌دهند (به جای «کلیسا»).

**جماعت ربانی**

## Assumption

Assomption

راز بَرشدن مریم به آسمان. طبق روایتی

که از اواخر قرن پنجم میلادی رایج شد، مریم بدون گناه زاده شده است و بدنش فساد جسمانی را ندیده و بعد از مرگ بلافاصله به آسمان برده شد؛ این واقعه در روز ۱۵ اوت (۲۵ مـرداد) جشن گرفته می‌شود.

**بَر شدن مریم به آسمان**

کلمات مربوط: Ascension – Dormition of the Virgin Mary

## Assyrian Church

Église Assyrienne

"کلیسای آشوری شرق" نامی رسمی است که کلیسای پارس به خود داده است؛ تاریخ آن دراز است: بنیانش در قرن اول میلادی است؛ متهم به انحراف به عقیدهٔ نسطوری شد و در قرن پنجم میلادی، خودمختاری خود را در برابر کلیسای انطاکیه اعـلام کرد و تا قرن پانزدهم میلادی، شهادت و حضور خود را تا به چین و مغولستان و جزایر سوندا گسترش داد؛ این کلیسا، توسط ساسانیان، اعراب و مغولان و ترکان تحت تعقیب و رنج و آزار بود و به کوهستان‌های حکاری (در ترکیهٔ امروز) پناه برد؛ سپس از ارتفاعات کوهستانی پایین آمد و در دشت‌ها و جلگه‌های عراق و ارومیه مستقر گردید؛ این کلیسا در اتحاد عقیدتی کاملی با کرسی رم نمی‌باشد.

کلیسای کلدانی کاتولیک شاخه‌ای است از کلیسای آشوری شرق که با کرسی رم پیوند و اتحاد پیدا کرد.

**کلیسای آشوری شرق**

کلمات مربوط: Chaldean Catholic Church – Nestorianism

## Atheism

Athéisme

انکار وجود خدا. اعتقاد به این که خدا جز در خیال انسان وجود ندارد.

**الحاد**

**انکار وجود خدا**

کلمات مربوط: Agnosticism

## Atonement

Rachat

دو واژهٔ مختلف یونانی مفهوم "بازخرید" را می رسانند:

- agorazô و ex-agorazô به معنی خریدن و استفاده کردن (از امکانات روزگار).

- litroô، به معنی باز خرید و رهایی انسان توسط عیسی مسیح.

**باز خرید**

**کفاره**

**رهایی**

کلمات مربوط: Forgiveness – Reconciliation – Redemption

## Atonement (day of -)

Grand Pardon

جشن سالانهٔ یهودیان که طی مراسمی مردم از گناه تطهیر شده، رابطه‌ای درست با خدا برقرار می کنند (لاو۲۳: ۲۷). بسیاری از جزئیات این آیین که دستور آن در عهدقدیم (عتیق) تشریح شده بود، مثلاً ورود کاهن اعظم به قدس الاقداس؛ بعد از ویران شدن معبد از اعتبار افتاده است، ولی هنوز در میان یهودیان، روزِ روزه و نیایش به شمار می‌آید و به نام "یوم کیپور" مشهور است.

**روز کفاره**

**یوم کیپور**

کلمات مربوط: Atonement – Offering – Expiation

## Attributes of God

Attributs de Dieu

صفات خداوند، صفاتی است قائم به ذات که بیانگر راز خدای قدوس در قالب کلمات انسانی است. آنچه که ما خدا را به آن موصوف می‌دانیم ورای معنای عمومی واژه بلکه به معنایی مطلق بیان می شود؛ «خدا محبت است» (نامه اول یوحنا ۷:۴) نه به معنای محبت انسانی

بلکه بدان معناست که او محبت به معنای مطلق است.

**صفات خداوند**

کلمات مربوط: Apophatic – Lord – Yahveh – Elohim

## Aureole

حلقهٔ زرینی (نورانی) که در شمایل دور سر قدیسان می‌کشند.

کلمات مربوط: Saint

**هاله**

## Autocephalous Church

Église autocéphale

**Gr.** *autokephaloi* = "مستقل"

اصطلاحی که به بعضی از کلیساهای بیزانتینی اطلاق می شود؛ کلیسایی که اختلاف ایمانی و اعتقادی با دیگران نداشته باشد و قانوناً مستقل باشد؛ خودگردانی این کلیسا در مشارکت با پاتریاخ است و از طرف پاتریارخ و سایر کلیساها پذیرفته شده است.

به کلیساهایی که مانند کلیسای ارمنی رسولی (گریگوری) با سایر کلیساها اختلاف عقیدتی داشته باشند، "کلیسای مستقل" گفته خواهد شد.

**کلیسای خودگردان**

کلمات مربوط: Chrism – Pentarchy – Armenian Church

## Ave Maria

دعای «درود بر تو ای مریم» (که به زبان لاتین با Ave Maria شروع می شود)؛ این دعا در تسبیح مریم مقدس به صورت تکراری خوانده می شود؛ متن دعا: «درود بر تو ای مریم، پر از نعمت، خداوند با توست، در میان زنان تو مبارک هستی و عیسی میوهٔ درون تو مبارک است. ای مریم مقدس، مادر خدا، برای ما گناهکاران اکنون و در هنگام مرگ ما دعا کن. آمین.»

**درود برمریم**

کلمات مربوط: Mariology – Rosary – Chaplet – Hail Mary

# B

## Babel / Babylon

"بابِل"، نام عبری شهری است که به یونانی (و در زبان‌های غربی) معمولاً "بابیلون" نامیده می‌شود.

پایتخت امپراتوری بابل که از ابتدای هزارهٔ دوم پیش از میلاد تا ابتدای هزارهٔ اول پیش از میلادی دوام داشت و اورشلیم را در ۵۸۷ ق.م ویران کرد و محل آزمایش الهی بـرای یهودیان در تبعید گردید؛ این شهر همچنین مظهر غـرور بشر و بت‌پرستی و مورد غضب خدا نیز هست. خروج از بابل، به معنی رهایی قوم یهود آمده است (اش۴۰: ۹ ، ۵۰: ۷ و بعد). بابل شهر شیطان در مقابل اورشلیم شهر خداست.

داستان برج بابل (Tower of Babel) در کتاب پیدایش (باب۱۱) نشانه‌ای است از تکبر انسان‌ها که مورد خشم خدا قرار می‌گیرد. در لغت، "بابل" به معنی محلی آمده است که در آن به زبان‌های مختلفی حرف می‌زنند و هیچ کس همدیگر را نمی‌فهمد؛ به‌عکس، روز پنتیکاست، افراد ملت‌های مختلفی که در اورشلیم جمع بودند، همه زبان رسولان را درک کردند (اع، ۲). در کتاب مکاشفه، این شهر معرف روم است که این کتاب، سقوط آن را اعلام می‌نماید (اش۲۱: ۹؛ مکا ۱۴: ۸ و ۱۷-۱۸).

ر.ک. فرهنگ الهیات کتاب مقدس، "بابل"

بابل، رسماً مسند پاتریارخ کلیسای کلدانی است.

**بابل**

کلمات مربوط: Pentecost

## Baptism

Baptême

**Gr.** *baptizô* = "فرو به آب کردن"

تولد نوین. تولد از بالا (یو: anôthen). راز اول از رازهای هفتگانهٔ کلیسا. ریشهٔ یونانی کلمهٔ "baptizô" به معنی

«فرو بردن» آمده است در صورتی که ریشهٔ کلمهٔ سامی «تعمید»، اشاره به «ایستادن » («بر پا شدن بعد از مرگ») می‌کند که با معنی اصیل امر تعمید سازگارتراست. در آیین تعمید دو مرحله وجود دارد: فرورفتن در آب برای مرگ از انسانیت قدیم و برخاستن از بستر مرگ، همانند عیسی که از قبر برخاست (روم ۶). طی آیین تعمید، کشیش سه بار شخص تعمید خواسته را به اسم جدیدش (معمولاً نام یکی از قدیسین) صدا می کند و در آب فرو می‌برد (آب روی سرش می ریزد)، به نام پدر و پسر و روح القدس.

امروزه فرقهٔ کنوسی و طرفدار تعمید در جنوب ایران، عراق و سوریه به نام مندائیان یا صابئین زندگی می کنند؛ در میان آثار متاخر این فرقه نوعی شباهت با کتابهای عهدجدید به ویژه با انجیل لوقا مشاهده می شود ولی به زحمت می توان از وابستگی دو جانبهٔ آنها صحبت به میان آورد (''غُسل'' در اصطلاح اسلامی، محدود به امر تطهیر در آب برای رفع نجاست است).

**تعمید**

کلمات مربوط: Font (Baptismal -) – Sacrament – Born Again

## Baptist

Baptiste

صفت یحیی (یوحنا تعمید دهنده): John the Baptist. (مت ۳؛ یو ۱)

**تعمید دهنده**

کلمات مربوط: Precursor

## Baptist Church

Baptiste (Église)

گروهی از مسیحیان پروتستان (کالْوینیست) که برای تعمید، مؤمنان را کاملاً در آب فرومی برند و فقط بزرگسالان را - بعد از ارائهٔ شهادت ایمان - تعمید می دهند؛ این مسیحیان اعتقاد دارند که منبع ایمان نه در کلیسا یا سنت کلیسایی است بلکه صرفاً در نوشته های مقدس است که هر

مؤمن به آن شخصاً مراجعه می کند؛ این گروه، بزرگترین کلیسای پروتستان در آمریکاست (حدود ۲۶ میلیون نفر).

**باپتیست**

**تعمیدی (کلیسای تعمیدی)**

کلمات مربوط: Baptist – Adventist Church – Baptism

## Barnabas

Barnabé

شخصی یهودی که در اعمال رسولان و نامه‌های پولس با لقب "رسول" ذکر شده است (اع۴: ۳۶ ؛ ۱قرن۹: ۶ و غیره)؛ به او نوشته‌ای منسوب کرده‌اند به نام "انجیل برنابا"، که در پایان قرن ۱۶ میلادی به زبان اسپانیولی تألیف شده است؛ ولی این کتاب جدای از استفاده‌ای که در جدال های مسلمانان با مسیحیان از آن می شود، به لحاظ تاریخی فاقد ارزش است.

**برنابا**

کلمات مربوط: Paraclet

## Basilica

Basilique

**Gr.** *basilicos* = "سلطنتی"

ساختمانی بزرگ در جامعهٔ روم باستان برای تشکیل دادگاه یا مجلس. ساختمان کلیسای بزرگ و مجلل در شهرهای قدیمی؛ به کلیساهایی هم اطلاق می‌شود که دارای امتیازهای خاص هستند، مثلاً در زیارتگاه‌ها.

**کلیسای جامع**

کلمات مربوط: Church – Cathedral

## Beast

Bête

حیوانات وحشی و ترسناک که رقیب خدا و بشر هستند، نظیر مار در باغ بهشت. در بیابان، موسی عصای مارگونهٔ خود را بلند می‌کند و هرکس به آن نگاه می کند زنده می‌ماند (حک۱۶: ۵، ۶). عیسی، بعد از پیروزی خود بر وسوسهٔ شیطان، به بیابان رفته «با وحوش می‌بود

و فرشتگان او را خدمت می‌کردند» (مر ۱: ۱۳).

در مکاشفهٔ یوحنا، دو حیوانی که در خدمت شیطان می‌باشند، امپراتوری روم و آیین امپراتوری را مجسم نموده‌اند؛ آنها در نهایت شکست می‌خورند و به آتش انداخته می‌شوند (مکا ۱۳: ۱۷؛ ۱۹: ۱۹-۲۰).

**حیوان**

## Beatification

«سعادتمند» اعلام کردن یک شخص توسط کلیسای "کاتولیک"؛ اولین مرحله قبل از «قدیس» اعلام کردن آن شخص.

**خجسته شماری**

**آمرزیده شماری**

**سعادت‌خوانی**

کلمات مربوط: Canonization – Blessed

## Beatitude

**۱)** خوشبختی، خوشحالی، نیکبختی.

**۲)** عنوان افتخاری خطاب به رئیس یکی از کلیساهای شرق، پاتریارخ یا سراسقف.

**خجستگی**

**آمرزیدگی**

**سعادتمندی**

کلمات مربوط: Beatification – Beatitudes – Blessed

## Beatitudes

Béatitudes

**Lat.** *beatus* = "سعادتمند"

مجموعهٔ سعادت‌هایی که در آغاز خطبهٔ عیسی بر فراز کوه بشارت داده شد (مت ۵: ۳ - ۱۱؛ لو ۶ : ۲۰ - ۲۶): «خوشا بر بینوایان در روح زیرا ملکوت آسمانها از آن ایشان است...»

**مژدهٔ سعادت**

**نوید نیکبختی**

**خوشابه‌حال‌ها**

کلمات مربوط: Beatification – Holy – Blessed

## Beget (to)

Engendrer

**۱)** عمل زاییدن زن (یونانی tiktô).

## فرزند آوردن

**۲)** (یونانی gennaô): به وجود آوردن، خواه توسط پدر نسبت به فرزند، خواه به صورت فرزندخواندگی؛ در عهد جدید این اصطلاح به سه معنی به کار رفته است:

**الف-** معنای عمومی: مثل یحیی (یوحنا تعمید دهنده) که از زکریا و الیصابات تولد یافت؛

**ب-** معنای والاتر و روحانی: پسر خدا که در ازل از پدر مولود گردید (یو۱: ۱۳؛ عبر۱: ۵؛ کول۱: ۱۵)؛

**پ-** برای ایمانداران نیز به معنی متولد شدن در ایمان می‌باشد «اما به همهٔ کسانی که او را پذیرا شده‌اند و به نامش ایمان دارند، اقتدار داده تا فرزندان خدا شوند، آنانی که نه زاده از خون، نه از ارادهٔ تن و نه از ارادهٔ آدمی، بلکه از خدا هستند» (یو۱: ۱۲-۱۳؛ ر.ک. یو۳: ۳-۱؛ غلا۴: ۱۹؛ ۱پطر۲: ۲).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "به هستی آوردن".

## مولود گرداندن

## به هستی آوردن

**تولید کردن** (در قلمرو روحانی)

## Bema

در کلیساهای شرق، به پیروی از پدیده‌ای مشابه در کنیسه های یهودیان، نوعی منبر، در وسط کلیساست که روی آن قاری قرار می گیرد تا قرائت های کتاب مقدس را بخواند و کشیش هم از روی آن موعظه می کند. در کلیساهای ارتدکس، به قسمتی از ساختمان کلیسا اطلاق می شود که سطح آن دو یا سه پله از زمین بلندتر است و روی آن میز قربانگاه مستقر است. غیر از کشیشان کسی به این قسمت وارد نمی شود مگر تا دم پله

فقط، تا تن مسیح را دریافت کند.

**محراب** (کوچک)

**بِهما** (بِما)

## Benediction

ر.ک. Bless, Blessing.

## Benedictus

سرود زکریا در حمد و سپاس به هنگام تولد فرزندش یحیی (یوحنا تعمید دهنده)؛ (”مبارک باد خداوند، خدای اسراییل، چون به دیدار قومش آمده و باز خریدش را انجام داده...“ لو ۱: ۶۸-۷۹).

**سرود زکریا**

## Bible

**Gr.** *biblion* ”پاپیروس، لوله“, *biblia*, ”کتاب‌ها“

این کلمه از ریشهٔ یونانی biblia به معنای کتاب ها گرفته شده است. کتاب مقدس مسیحیان به دو بخش تقسیم می‌شود:

**بخش اول:** ”عهد قدیم (عتیق)“، شامل ۴۵ کتاب است که در میان یهودیان سنت اسکندریه رواج داشت. یهودیانی که از سنت اورشلیم پیروی می کنند و به تبع ایشان، پروتستان ها تنها آثار مکتوب عبری را که شامل ۳۹ کتاب می شد، حفظ کردند؛

**بخش دوم:** ”عهد جدید“، که خاص مسیحیان است و شامل این هاست: چهار انجیل (متی، مرقس، لوقا، یوحنا)، کتاب اعمال رسولان، نامه های رسولان و کتاب مکاشفه که در کل ۲۷ کتاب را تشکیل می دهند.

کتاب مقدس، تاریخ ملاقات خدا با قوم برگزیده است و منبع اصلی ایمان مسیحیان می‌باشد. اغلب کلیساها روایت رسولان را که در سنت کلیسا نسل به نسل منتقل می شود و الهام مداوم روح القدس آن را تقویت می کند، به عنوان منبع دیگری برای پدیدار گردیدن خدا و مکمل

کتاب مقدس می دانند. سنت کلیسا برای تفسیر و تعلیم کتاب مقدس اساسی است.

### کتاب مقدس

کلمات مربوط:-Old Testament – New Testament – Gospel – Pentateuch – Deuterocanonical Books – Fundamentalism – Canon of the Old Testament – Canon of the New Restament – Torah

## Bishop

Évêque

نام اسقف، یا «ناظر» (یونانی -epis copos). در ابتدای امر به مسئولان جمعیت های مسیحی اطلاق می‌شد (اع ۲۰: ۲۸) که مسئول کلیسای محلی، و قادر به اعطای رازهای اساسی نظیر مراتب روحانی بودند. فقط اسقف می تواند اسقف جدیدی را تدهین کند؛ شورای اسقفان نیقیه به لزوم حضور حداقل سه اسقف برای تدهین اسقف جدید رسمیت داد. در کلیساهای شرق، اسقف تنها از میان کشیشان غیر متأهل (راهب) انتخاب می‌شود. منصب اسقفی، بالاترین مرحلهٔ خدمت کلیسایی ، بعد از شماسی و کشیشی است.

### اسقف

کلمات مربوط: Archbishop – Diocese

## Blasphemy

Blasphème

**Gr.** *blasphemeo* = "افترا زدن"

کلمات و گفتار زننده ونابهنجار دربارهٔ خدا. در عهدقدیم(عتیق)، ضدیت با خدای قدوس است که یهودیان حتی از ادا کردن نام وی اجتناب می‌ورزند. مجازات کفرگویی، مرگ با سنگسار بود. مهمترین اصل در کیفرخواست عیسی این بود که با ادعای داشتن قدرت بر گناهکاران، قدرت خدا را به خود نسبت داده است.

در عهد جدید، کفرگویی ضد روح القدس شامل نسبت دادن اعمال عیسی در اخراج ارواح پلید، به ابلیس می‌باشد. عیسی در

مقابل کفرگویان رنج کشید و کسی را به مجازات تهدید نکرد.

**کفر گویی**

**توهین به مقدسات**

## **Bless** (to)

Bénir

دعای خیرکردن به چیزی یا کسی. در کلیساهای قدیم در پایان نماز، کشیش، رو به جمعیت ایمانداران، نشانهٔ صلیب با دست راست ترسیم کرده می‌گوید:«برکت خدای پرتوان، پدر، پسر و روح القدس بر شما باد - آمین». تبرک از سوی پدر می آید که آن را در مسیح و روح القدس عطا می‌فرماید (شروع نامهٔ افسسیان)، وآدمی در برابر آن شکر وسپاسگزاری می کند.

**برکت دادن**

**متبرک خواندن**

**دعا کردن / گفتن**

کلمات مربوط: Blessing – Eulogy – Glory – Prayer

## **Blessed**

Bienheureux

صفت شخصی که توسط کلیسا سعادتمند یا شادمان اعلام شده است. در مراحل قدیس اعلام کردن شخص، اول او را ''سعادتمند'' اعلام می کنند.

**سعادتمند**

**خجسته**

للمات مربوط: Beatification – Canoni-zation

## **Body**

Corps

در بارهٔ این واژه(بدن) باید بین فرهنگ یهودی متون عهد جدید و تصورات فرهنگ یونانی مسیحیت تفاوتی قائل شد. تعریف بدن به عنوان موجود مادی و فانی که در هنگام مرگ، روح از آن جدا می شود، میراث فرهنگ یونانی است؛ چند واژهٔ فارسی اینجا می شود به کار برد: بدن، جسم، تن، جسد.

(ر.ک. فرهنگ عهد جدید، ''بدن''، ''بدن

مسیح"، "جسم").

بدن یعنی شکل مرئی و زندهٔ انسان، معمولاً در برابر جان قرار می گیرد. پولس می گوید که بدن ما، معبد روح القدس است (۱قرن ۶: ۱۹)، بنابراین بایستی نهایت احترام را به بدن خود و بدن دیگران بگذاریم. بُعد خاکی انسان جسم است. بدن انسان "ماده ای" (جسدی) نیست که توسط نَفْس (روح) به صورت انسان سرشته شده باشد. سامی ها واژه های جسم و نفس را برای اشاره به شخص یا پیوند خویشاوندی به کار می بردند. نشانهٔ شناخت حقیقی زن و شوهر، آن نیست که نفس واحدی باشند بلکه تن واحدی. هر شخصی عمق وجودش بر حسب جسم تعیین می گردد. روح، نشانهٔ منشاء الهی و آسمانی است در صورتی که جسم، وضعیت خاکی و ضعیف را توصیف می‌کند، لذا به غیر از خدا همه چیز جسم است. انسان در این دنیای دون "بر حسب جسم" هستی دارد؛ "در جسم" زندگی می کند، از راه جسم مرئی می گردد، حضور دارد، رنج می کشد و بقا دارد؛ بدین تعبیر، سخن خدا هنگامی که تن گرفت و انسان واقعی گردید، هر چند تابع محدودیت های این دنیا شد، لیکن فساد را به خود ندید. جسم و خون، معرف انسان در ضعف خاکی او هستند. "خوردن جسم و نوشیدن خون" عیسی همانا "خوردنی حقیقی" و پیوند عمیق با اوست از راه روح حیات بخش خدا، زیرا از جسم کاری بر نمی آید.

گاهی در اثر نفوذ فرهنگ یونانی، جسم، معنای سنگین شدن انسان و تمایل به بدی و گناه می دهد «روح راغب است ولی تن ضعیف» (مت ۲۶: ۴۱).

پولس رسول به تبعیت از یهودیت آن زمان که آمیخته به یونانی گرایی بود، جسم و گناه را به هم می‌پیوندد. جسم، چون توسط خدا آفریده شده، به خودی خود خوب است، اما هر قدر بیشتر «در مقابل خدا فخر کند»، بیشتر در معرض

گناه قرار می گیرد. جسم می تواند بیانگر نظام منسوخ شریعت باشد. اگر پولس رسول هنوز "در جسم" زندگی کند، دیگر نمی تواند "بر حسب جسم" زندگی کند، چون در غیر این صورت زندگی وی خاکی (جسمانی) خواهد بود؛ پولس رسول این مطلب را به وسیلهٔ مقابلهٔ جسم و روح تنظیم و معرفی کرده است. این رویارویی اصلاً با مقابلهٔ جسم و روح یا با مقابلهٔ نجاست و پاکی همسان نیست؛ بلکه نمایانگر تضاد بین "خاکی" و "آسمانی"، دو جنبهٔ اساسی تجربهٔ انسانی می‌باشد: روح القدس به مسیحیان داده شده ، از طرف دیگر گناه در جسم مستقر شده است اما شخص ایماندار به فیض مسیح که جسم بشری به خود گرفت، از این نبرد پیروزمندانه در می آید. مسیح در جسم بشری، در حیثیت جسم گناهکار، گناه را در همان جسم مغلوب ساخته است.

بـدن، الگوی جامعهٔ روحانی است که که متصل و متحد است. علی رغم تکثر اعضا، به وسیلهٔ بدن خود، شخص انسانی با برادران و با تمام موجودات ارتباط دارد و احساسات خود را اظهار می کند. جسمی که گناه در آن ساکن است، بدن را به قید می کشد و "بدن گناهکار"، که گناه بر آن تسلط یافته، به سوی مرگ می رود: بدن، اینجا، با جسم شر یکسان است و انسان میرا را بندهٔ گناه ساخته است. توسط مسیح که بدن جسمانی گرفت، بدن گناهکار منهدم شد و از این جسم خاکی که به سوی مرگ می رود بیرون آمده، پس از این به بعد انسان می تواند خدا را در بدن خود ستایش کند و در عبادتی زنده "بدن خود را به عنوان قربانی تقدیم کند" (روم ۱۲: ۱). مسیح با الحاق ما به خود، بدن بی همتای خود را از بدن های ما می سازد: همچنین بدن، خلاف جسم، باید از مرگ برخیزد؛ سرانجام بدن انسان به یک بدن روحانی جلال یافته تبدیل می شود، و مسیحیان می توانند به

تمام معنی در اعتقادنامهٔ خود بگویند که «به رستاخیز بدن‌ها ایمان دارم».

**جسد** (کالبد، جنازه: بدن مرده، یونانی Ptômâ)

**نعش** (بدن مرده، یونانی Kôlon)

**تن** (گوشت، تن و خون، بدن زنده، یونانی Sarx)

**جسم** (Flesh بدن به عنوان موجود خاکی، آمیخته به گناه، یونانی Sarx)

**بدن** (صورت مرئی شخص انسانی، معبد روح القدس، یونانی Sômâ)

کلمات مربوط: Flesh – Mystical Body – Spirit – Unity

## **Booths** (feast of -)

Cabanes (fête des -)

بعضی از اعیاد یهودیان به زندگی دامداری وابسته بود (نظیر عید گذر) و بعضی به زندگی زراعتی. عید آلونک‌ها (یا کومه‌ها یا سایبان)، به عبری سوکوت، بعد از درو محصول زمین، در فصل پاییز برگذار می‌شود. روز ۱۵ ماه تیشرئی (ماه هفتم، تقریباً برابر با شهریور ماه) شروع می‌شود و یک هفته ادامه دارد. طبق دستور کتاب لاویان (۲۳: ۴۲): «به مدت هفت روز در آلونک‌ها ساکن خواهید شد؛ هر بومی در اسرائیل در کومه‌ها ساکن خواهد شد، تا تمامی نسل‌هایتان بدانند که من بنی اسرائیل را در آلونک‌ها ساکن ساختم آن هنگام که ایشان را از سرزمین مصر بیرون آوردم: من یهوه، خدای شما هستم!» در این جشن، آخرین میوه‌های سال تقدیم می‌شد و آبی را که از چشمهٔ جیحون کشیده بودند روی مذبح می‌پاشیدند، به معنی برکت باران سال پیش و دعا برای آمدن باران در سال آینده.

در همین روز بود که عیسی ندا برآورد: «اگر کسی تشنه است بسوی من بیاید بنوشد. و آن که به من ایمان دارد برابر آنچه در نوشتهٔ مقدس گفته شده از بطن او نهرهای آب زندگانی جاری خواهد شد.»

نهرهای آب زندگانی جاری خواهد شد» (یو۷: ۳۷-۳۹).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "خیمه‌ها (جشن)".

**عید آلونک‌ها**

**عید خیمه‌ها**

## Born Again

Né à nouveau

مسیحیان کلیساهای انجیلی (ر.ک. Evangelical)، خود را نوزاد در زندگی عیسی تلقی می‌کنند؛ همان طوری که عیسی به نیقودیموس گفت، «هیچکس نمی‌تواند وارد ملکوت خدا گردد مگر آنکه از آب و روح زاده شود ... تعجب مکن اگر به تو گفته‌ام: شما بایستی از بالا زاده شوید...» (یو۳: ۳-۸). به قول پولس «ما که در گناه مرده‌ایم چگونه هنوز در آن زندگی می‌کنیم؟ یا اینکه نمی‌دانیم، در مرگ او تعمید یافته‌ایم؟ پس ما بوسیلهٔ تعمید در مرگ او مدفون شده‌ایم تا همانگونه که مسیح از میان بر پا شده، ما هم زندگی تازه‌ای براه بریم...» (روم۶: ۲ به بعد). تعمید، تولد نوینی از بالا است.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "تولد - تولد تازه".

**تولد تازه یافته**

**دوباره متولد**

کلمات مربوط: Baptism – Evangelical

## Bread

Pain

طبق معنی کلمهٔ سامی "لحم" - که در اسم بیت لحم آمده - ، خوراک اصلی انسان است. گوشت برای اقوام دامدار و نان گندم برای کشاورزان. خدا به موسی دستور داد که در اول سال، زمان رهایی از بردگی، یهودیان برهٔ بی‌عیب به همراه نان فطیر بخورند (خروج،۱۲). به هرکسی که از خدا درخواست کند روزی داده می‌شود (مت۶: ۱۱ ؛ لو ۱۱: ۳؛ ۲قرن۹: ۱۰) . مائدهٔ آسمانی که آدمی را سیر می‌کند نشانه و مظهر نانی است که

در آخرت داده می شود. در دعایی که از عیسی تعلیم داده شده است، مسیحیان می گویند (مت ۶: ۱۱) «نان روزانهٔ ما را امروز به ما بده» و در اینجا ”روزانه“ به معنی ”متعلق به روزی که می آید“ می باشد.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، ”نان“، ”نان‌های تقدیمی“.

**روزی**

**نان** (نان روزانه، نان آن روز)

**نان کفاف**

کلمات مربوط: Communion – Breaking of the Bread – Host – Manna – Wine – Leaven – Unleavened Bread

## Breaking of the Bread

Fraction du pain

نان را با چاقو نمی بُرند بلکه برای تقسیم کردن با دست تکه می‌کنند؛ در این علامت، شاگردان سرگشتهٔ در راه عمواس شناختند که شخص همراه ایشان عیسی است (لو۲۴: ۳۵). تقسیم کردن نان به مفهوم دادن آن و پیوستن و متحد ساختن مهمانان است.

**پاره کردن نان**

**تکه کردن نان**

کلمات مربوط: Bread – Communion – Eucharist

## Breviary

Bréviaire

کتاب دعاهای روزانهٔ راهبان برای اوقات مختلف روز. در اصل، کلمهٔ لاتین brevarium به معنی ”تلخیص“ آمده است. این کتاب به چهار بخش تقسیم می‌شود، به مناسبت چهار فصل سال و هر فصل شامل این هاست: **۱-** مزامیر **۲-** متون خاص هر فصل **۳-** متون خاص قدیسین، دعاهای عمومی (متونی که برای گروهی از قدیسین به‌کار برده می شود، نظیر شهیدان، رسولان، وغیره) **۴-** آیین های خاص، نظیر آیین حضرت مریم.

این مجموعهٔ دعا در پنج نوبت روز خوانده می‌شود: سحر یا اول (ساعت ۶)، صبح یا ثلث (ساعت ۹)، ظهر یا ششم (ساعت ۱۲)، عصر یا نهم (ساعت ۳ بعد از ظهر)، و شب (ساعت ۶).

**کتاب دعای راهبان**

**نیایش نامه راهبان**

## Bridegroom

Époux

در عهد قدیم (عتیق)، خدا خود را داماد قوم یهود معرفی می‌کند و در برابر بی‌وفایی عروس خود، به او همیشه وفادار خواهد ماند؛ به همان نحو در عهد جدید، عیسی دامادی است که کلیسا به عنوان عروس او تلقی می‌شود (مت۹: ۱۵؛ افس۵: ۲۳-۲۷).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "داماد - همسر"

**داماد**

کلمات مربوط: Virgin

## Bull (papal -)

Bulle (papale)

نامه‌های رسمی که به وسیله دبیرخانهٔ واتیکان تهیه شده است وبه وسیله پاپ امضا شده، مُهر و موم گردیده است.

**فرمان پاپ**

**نامهٔ پاپ**

کلمات مربوط: Encyclic / Encyclical

## Burning Bush

Buisson ardent

«و فرشتهٔ خداوند در شعلهٔ آتش از میان بوته‌ای بر وی ظاهر شد و چون او نگریست اینک آن بوته به آتش مشتعل است اما سوخته نمی‌شود. و موسی گفت: اکنون بدان طرف شوم و این امر غریب را ببینم که بوته چرا سوخته نمی‌شود...» خروج ۳: ۲.

**بوتهٔ سوزان**

**بوتهٔ مشتعل**

## C

## Calvary

Calvaire

نام لاتینی ''جُلجُتا'' (محل جمجمه). تپه ای بیرون از شهر اورشلیم که عیسی بالای آن مصلوب شد؛ این اسم به هر مجسمهٔ مسیحی، در کنارمعابرعمومی یا تصویری که صحنهٔ تصلیب عیسی را مجسم می‌کند تعلق می‌گیرد.

ر.ک. لو۲۳: ۳۳ ؛ مت ۲۷: ۳۳.

**تپهٔ جلجتا** (گلگتا)

کلمات مربوط: Golgotha – Passion

## Calvinism

Calvinisme

اصول عقاید کلیسای اصلاح شده توسط ژان کالـون می باشد (Jean Calvin ۱۵۰۹ – ۱۵۶۴م)؛ او فرانسوی بود اما در ژنو (سوئیس) می‌زیست. کالون، برای شناخت خدا و وظایف مؤمنین نسبت به خدا و همسایهٔ همنوع، بر اعتبار نوشته های الهامی تاکید دارد و آنها را بدین منظور، کافی می داند.

کالون و لوتر در لزوم احتیاج به اصلاحات عمیق در مسیحیت و برگشت به متن کتاب مقدس هم‌عقیده بودند؛ ولی کالون در تعریف حضور مسیح در شخص عیسی و در قربانی مقدس، عبارت ''سکونت'' مسیح در وجود عیسی را به کار برده است؛ یعنی که به نظر او بعد از صعود مسیح، این سکونت پایان یافت و از آن به بعد مسیح در تقدیس نان، تنها به وسیلهٔ روح حاضر است.

تفاوت دیگر در بین آن دو این است که لوتر شناخت خدا را تنها به وسیلهٔ نوشته‌های مقدس میسر می‌دانسته، در صورتی که کالون اعتقاد داشت، شناختی

که انسان از تماشای طبیعت به دست می‌آورد، هر چند ناقص باشد ولی معتبر است.

**الهیات کالون**

**کالوینیسم**

کلمات مربوط: Protestantism – Luther-anism – Reformation – Council of Trent

## Candlemas

Chandeleur

در کلیسای لاتین، روز ۱۳ یا ۱۴ بهمن (۲ فوریه) می باشد؛ یعنی چهل روز بعد از عید میلاد که روز تقدیم عیسی به معبد است. در آن روز نان های مخصوص می پزند و در کلیسا شمع روشن می کنند. در کلیسای شرق، مراسم روز شمعون پیر به این آیین شباهت دارد. ر.ک. لو۲: ۲۵-۳۵.

**روز شمع‌ها**

کلمات مربوط: Presentation of Jesus in the Temple

## Canon (1)

Chanoine

عضو صنفی از روحانیت کلیسای کاتولیک لاتین که در خدمت اسقف است و نقش خاصی در آیین مذهبی کلیسای اصلی اسقف دارد. جمع این کشیشان (راهبان)، انجمن روحانی خاصی را تشکیل می‌دهند (Chapter).

**کشیش خاص**

**روحانی خاص**

کلمات مربوط: Chapter

## Canon (2)

اصولی که توسط سران جامعه (کلیسا) مقرر شده است؛ قانون.

**قانون**

**قاعده**

**مقررات تصویب شده در مجمع اسقفان**

کلمات مربوط: Canon of the Mass – Deuterocanonical Books

## Canonical Books

Canon des écritures

**Gr**. *kanon* = "مقررات، قانون"

مجموعهٔ کتاب های مذهبی که کلیسا رسماً آنها را الهام روح القدس می‌داند.

**نوشته های رسمی**

**کتاب‌های رسمی**

کلمات مربوط: Canon

## Canonical Convalidation

Convalidation canonique

تأیید رسمی مقامات کلیسا در مورد عملی که قبلاً با مقررات مذهبی تطبیق داده نشده است؛ مثل ازدواجی که قبل از تعمید بسته شده باشد.

**تأیید رسمی**

## Canonization

Canonisation

قدیس شناختن یک شخص مرده در کلیساهای قدیم. سنت قدیس گفتن به شخصی که درجهٔ اعلای "قهرمانی در فضایل" را دارا بوده، به عنوان قدیس در بین مردم شهرت داشته، ظهور معجزات از او با تایید سران کلیسا ثابت شده باشد. توجیه این سنت، ریشه در اعتقاد به شفاعت قدیسان دارد؛ اینان نه فقط خدمتگزاران، بلکه دوستان نزدیک خدا هستند؛ راه درست را در زندگی مسیحیان نشان می‌دهند و در نیایش، شفیع و تقویت کنندهٔ درخواست‌ها هستند.

**اعلام تقدیس**

**اعلام رسمی قداست**

**قدیس شمردن**

کلمات مربوط: Beatification – Saint – Blessed

## Canon Law

Droit canon

مجموعهٔ قوانین و مقرراتی که در کلیساهای قدیم، در برابر قوانین دولتی یا شهری، برای اعضای کلیسا اعتبار

دارند؛ مثلاً در کشوری که قانوناً طلاق را مجاز می‌داند، حقوق کلیسا بر دائمی بودن ازدواج پایبند است.

**قانون کلیسایی**

## Canon of the Mass

Canon de la messe

«قانون نماز» یا کُنه نیایش مسیحیان که شامل تقدیم هدایا و نیایش تقدیس است.

نیایش مسیحیان عمدتاً دو قسمت است:

۱) نماز تعمیدخواستگان؛ شامل قرائت های کتاب مقدس، نامه‌های رسولی و انجیل (برای آموزش)؛

۲) نماز ایمانداران که شرکت در آن فقط برای تعمید یافتگان مجاز است.

«قانون نماز»، آن قسمت اصلی از نماز است که با بیان اصول ایمان شروع شده، با دعای «ای پدر ما» خاتمه می‌یابد.

**نیایش تقدیس**

**اصل نیایش عشای ربانی**

کلمات مربوط: Eucharist

## Canon of the New Testament

Canon du Nouveau testament

مجموعهٔ کتاب های مذهبی عهد جدید که تدریجاً به عنوان کتاب های الهام شده توسط روح القدس، در کلیسا به طور رسمی پذیرفته شد؛ این متون در سنت کلیسایی با الهام روح القدس تألیف شده‌اند و کلیسا دو منبع مکاشفهٔ کلام خدا، یعنی سنت و نوشته‌های مقدس را منبعی یگانه می‌داند که سرچشمهٔ آن روح‌القدس است. از طرف دیگر روایت‌های کتبی عهد جدید، که همه به زبان یونانی به ما رسیده، به هیچ‌وجه در مقام وحی تحت‌اللفظی خدا نیست (نظیر قرآن برای مسلمانان) و حتی برخی جزئیات متن آن، با مقابلهٔ نسخه‌هایی که جدیداً پیدا شده، با استفاده از روش‌های انتقادی، قابل تصحیح می‌باشند تا به متن اصیل نزدیکتر شوند.

از دیدگاه تاریخ، فهرست رسمی کتاب های عهد جدید شامل چهار انجیل (متی،

مرقس، لوقا و یوحنا)، اعمال رسولان، سیزده نامهٔ پولس رسول و نامهٔ اول پطرس می‌باشد. در مورد نوشته‌های دیگر، تردید و اختلاف بود؛ نظیر نامهٔ به عبرانیان، نامهٔ دوم پطرس، نامهٔ یعقوب و نامهٔ یهودا، که برخی از پدران کلیسا آنها را فقط "مفید" توصیف کردند. نوشته‌های دیگری هم که در قرون اولیه مورد قبول واقع گردیدند، سرانجام از فهرست رسمی عهدجدید بیرون کشیده شدند؛ نظیر کتاب "شبان" هرماس، کتاب "دیداخه"، نامهٔ اول کلمنت (کلمانس)، نامهٔ برنابا و مکاشفهٔ پطرس. جنبهٔ رسولی نامهٔ به عبرانیان در غرب به مدت طولانی مورد تردید قرار گرفت و همچنین مکاشفهٔ یوحنا در شرق. رسولی بودن نامه‌های دوم و سوم یوحنا، نامهٔ دوم پطرس و نامهٔ یهودا به تدریج و با گذشت زمان درازی مورد قبول واقع شد. در اواخر قرن چهارم میلادی فهرست فعلی عهد جدید، با تردیدهای جزئی (در مورد ترتیب کتاب‌ها) به شکل کنونی در آمد.

## کتاب‌های رسمی عهد جدید

کلمات مربوط: New Testament–Apocrypha

## Canon of the Old Testament

Canon de l'Ancien testament

مجموعهٔ کتاب های مذهبی عهد قدیم (عتیق) که رسماً در کلیسا به عنوان پایهٔ ایمان پذیرفته شده است؛ کلیساهای جدید، در انتخاب کتاب‌های این مجموعه با کلیساهای قدیم اختلاف نظر دارند. کتاب مقدس فارسی که در دست اغلب مسیحیان فارسی‌زبان می باشد و به همت "انجمن پخش کتب مقدسه" (زیر نظر کلیسای پروتستان) منتشر شده است، فاقد برخی از متون عهد قدیم است که در کلیسای کاتولیک مورد قبول است. کلیساهای پروتستان این نوشته‌ها را غیر رسمی می‌دانند، به خاطر این که به زبان یونانی

به دست ما رسیدند. لوتر آن کتاب‌ها را "مفید" ولی غیر الهامی خواند.

کتاب های عهد قدیم عبارتند از:

**۱)** پنج کتاب تورات (قانون) یهودیان: پیدایش، خروج، لاویان، اعداد، تثنیه؛

**۲)** کتابهای تاریخی: یوشع، داوران، روت، اول و دوم سموئیل، اول و دوم پادشاهان، اول و دوم تواریخ، عزرا، نحمیا، *طوبیت، *یهودیه بنت مراری، اِستر (* و قسمتی از آن: ۱۰: ۴ تا ۱۶: ۲۴ به یونانی)، * اول و دوم مکابیان؛

**۳)** کتابهای شاعرانه و حکیمانه: ایوب، مزامیر، امثال، جامعه، غزل غزلها، *حکمت، *بن سیراخ؛

**۴)** کتابهای پیامبران: اشعیا، ارمیا، مراثی، * بـاروخ، *نامهٔ ارمیا، حزقیال، دانیال (* و قسمتی از آن: ۳: ۲۴-۹۰ و باب‌های ۱۳ و ۱۴ به یونانی)، هوشع، یوئیل، عاموس، عوبدیا، یونس، میکاه، ناحوم، حبقوق، صفنیا، حجی، زکریا، ملاکی.

*: در کتاب مقدس کلیساهای جدید نیست.

## کتاب‌های رسمی عهد قدیم(عتیق)

کلمات مربوط: Deuterocanonical Books – Torah – Bible – Septuagint

## Canticle

Cantique

سرود یا دعایی بر گرفته ازمزامیر یا عهدجدید.

## سرود روحانی

## Capitular

Capitulaire

مربوط به آن دسته از کشیشان بوده است که به طور مستقیم در خدمت اسقف بودند و در نماز، دور اسقف قرار می گرفتند؛ بعد از شورای اسقفان واتیکان دوم، این گروه حذف شد.

## ملازمان اسقف

کلمات مربوط: Canon (1)

## Cardinal

مقام عالی در کلیسای کاتولیک که

توسط پاپ انتخاب می‌شود تا با او بیشتر مشورت کند و بعد از فوت پاپ، عضو هیأت انتخاب کنندهٔ پاپ جدید می باشد. معمولاً کاردینال ها از میان اسقفان کلیسای لاتین انتخاب می‌شوند. در قرون نخست مسیحی اسقفان کلیساهای شرق نیز به این سمت منصوب می گردیدند.

**کاردینال**

کلمات مربوط: Sacred College – Conclave – Metropolitan

## Cardinal Virtues

Vertus cardinales

**Lat.** *cardo* = "محور"

فضیلت‌های چهارگانه که دنبالهٔ اخلاق انسانی اند و توسط فیلسوفان یونانی مشخص شده بودند؛ پدران کلیسا این فضیلت‌ها را در چهارچوب مسیحیت وارد کردند: ۱- دوراندیشی یا خردمندی ۲- اعتدال یا میانه‌روی ۳- شجاعت یا نیروی دل ۴- عدالت.

**فضایل اصلی**

**فضیلت‌های اساسی**

کلمات مربوط: Prudence – Temperance – Justice – Theological Virtues

## Carnal

Charnel

مربوط به شهوت‌های جسمانی.

**نفسانی**

**جسمی/ جسمانی**

کلمات مربوط: Body – Flesh – Spiritual

## Catacombs

Catacombes

قبرستانی در زیرزمین و درحومهٔ روم، درجایی که سابقاً معدن سنگ بود؛ مسیحیان قرون سوم و چهارم میلادی در آن مرده هایشان را دفن می‌کردند و مراسم دعا و نیایش و زیارت قدیسین را مخصوصاً نزد قبر شهدای ایمان، در آنجا برپا می‌کردند. گفته شده است که در ایام

شکنجه و تعقیب، مسیحیان از آن به عنوان مخفیگاه استفاده می کردند؛ ولی دراین خصوص، دلیل تاریخی وجود ندارد.

**دخمه**

**محل قبور**

**کاتاکمب**

## Cataphatic

Cataphatique

صفت آن نوع از مباحث الهیاتی که با تعریف مثبت دادن راجع به خدا، به یک شناخت ناقص می‌رسد؛ چون این شناخت، خدا را در آنچه هست معرفی می‌کند و ماهیت خدا در اصل، بر ما مستور است.

**اثباتی**

**دانش ایجابی**

کلمات مربوط: Apophatic

## Catechesis

Catéchèse

**Gr.** *katechesis* = "تعلیم شفاهی"

محتوای تعلیم ایمان و زندگی مسیحی.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "آموزش دینی".

**تعلیم دینی**

کلمات مربوط: Catechist – Catechumen – Cerygma

## Catechism

Catéchisme

تعلیم ایمان مسیحی و یا کتاب درسی این تعلیم. رساله ای شامل تمام اصول ایمان. کلاس آموزش دینی.

**کتاب آموزش دینی**

کلمات مربوط: Catechesis – Catechist – Catechumen – Kerygma

## Catechism of the Catholic-Church

Cathéchisme de l'Église catholique

رسالهٔ جامعی است که به دستور پاپ

ژان پل دوم و زیر نظر چند تن از کاردینال‌ها برای تعیین تعلیمات کلیسای کاتولیک در ۱۹۹۲م تألیف و منتشر شد.

**رسالهٔ تعلیمات کلیسای کاتولیک**

## Catechist

Catéchète / Catéchiste

**آموزگار دینی**

**معلم تعلیمات دینی**

کلمات مربوط: Catechesis

## Catechumen

Catéchumène

**Gr.** *katechoumenos* = "دانش‌آموز"

شخص بالغ نوگرویده‌ای که برای تعمید در کلیسا تعلیم می‌بیند؛ کلماتی که معمولاً برای ترجمهٔ این مفهوم انتخاب می شوند بیشتر حالت "نوگرویده" را می‌رسانند در صورتی که اینجا تأکید، روی آموزش دیدن و به آزمایش گذاشتن شخص ایمان آورده می‌باشد.

**مبتدی**

**نوآموز تعلیم مسیحیت**

**حق جو**

کلمات مربوط: Catechesis – Converted – Neophyte

## Cathedral

Cathédrale

**Gr.** *cathedra* = "تخت، جایگاه برجسته"

کلیسای بزرگ اسقف نشین(ساختمان).

**کلیسای اسقف نشین**

**کلیسای جامع**

کلمات مربوط: Bishop – Diocese – Basilica

## Catholic

Catholique

**Gr.** *katholou* = "مطابق با کلیت".

مربوط به کلیت راز خدا و یا کلیت راز انسان؛ به این معنی، عیسی مطلقاً

"کاتولیک" است.

کلیسا کمال و جامعیت راز خداوند را توسط روح‌القدس دریافت کرد و قادر است که فرهنگ تمام مردم خود را به کمال در بر گیرد؛ همانطور که روز پنتیکاست، مردم از هر طرف دنیا که آمده بودند، پیام رسولان را می‌فهمیدند (اع۲: ۴-۶)؛ بدین معنی هر کلیسا باید "کاتولیک" یعنی همگانی نامیده شود. در اعتقادنامهٔ مسیحیان آمده است که به "کلیسای واحد مقدس رسولی و جامع" باور داریم. در اواسط قرن یازدهم میلادی، در اثر جدال های مختلف در مورد تعریف سه‌گانهٔ اقدس و نظریه‌هایی راجع به ساخت کلیسا و حاکمیت پاپ رم، شکاف عقیدتی بین کلیسای بیزانس و کلیسای رم به وجود آمد و در اثر این شکاف، کلیسای "کاتولیک" رم از کلیسای بیزانس و "ارتدکس" جدا شد؛ بعد از اصلاح مذهبی که در قرن شانزدهم میلادی توسط لوتر، کالون و دیگران پیش آمد، کلیساهای "جدید"، که معمولاً آنها را "پروتستان" می‌نامند، از کلیسای کاتولیک رم جدا شدند و "کاتولیک"، معنی محدودتری پیدا کرد. "تابع پاپ".

**جامع**

**همگانی**

**کاتولیک**

کلمات مربوط: Christianism – Orthodox– Protestant

## Catholic Epistles

Épitres catholiques

رسالات (نامه‌ها) عمومی یا جامع در عهدجدید (رساله‌های یعقوب، اول و دوم پطرس، اول و دوم و سوم یوحنا، یهودا)؛ این رسالات به اشخاص یا کلیساهای خاصی نوشته وخطاب نشده اند بلکه خطاب به کل ایمانداران هستند.

**رساله‌های جامع یا همگانی**

**نامه های جامع یا همگانی**

کلمات مربوط: Catholic – Epistle

## Catholicity

Catholicité

۱) به معنی عام، جامعیت یک امر یا یک نهضت.

**جهانی بودن**

**جامعیت**

۲) هر چه به کلیسای کاتولیک مربوط می‌شود.

**مرتبط به کلیسای کاتولیک**

## Catholicos

عنوان سرِ کلیسای ارمنی یا کلیسای آشوری شرق.

**کاتولیکوس**

کلمات مربوط: Patriarch

## Celebrate (to)

Célébrer

با شکوه برگذار کردن، ستودن.

**برگذار کردن آیین پرستش**

**ستایش کردن**

**(نماز) گزاردن**

کلمات مربوط: Liturgy – Praise – Bless

## Celibacy

Célibat

خدا انسان را مرد و زن آفرید و پیوند آن دو، نقش آفرینش را ادامه می‌دهد. در دین یهود، مرد غیر متأهل ناقص شناخته می‌شد و نمی‌توانست در کنیسه تدریس کند. عیسی در روایت انجیل چهارگانه، ازدواج نکرده بود و عنوان "داماد" به خود گرفت، عنوانی که در عهد قدیم(عتیق) از آنِ خدا بود: "زیرا که آفرینندهٔ تو که اسمش یهوه صبایوت است، شوهر تو است" (اش۵۴: ۵). عروس عیسی، قوم برگزیدهٔ او، همان کلیساست (مت۹: ۱۵).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "داماد، همسر".

در مسیحیت، تجرد اختیاری نسبت به ازدواج، برتری معنوی دارد زیرا یکی از مشخصات زندگی ملکوتی است که در آن "زن" و "مرد" دیگر نخواهند بود (مت۱۹: ۱۲؛ غلا۳: ۲۸). عیسی در بارهٔ ازدواج تعلیماتی داده است تا مقام اولیهٔ آن (که ارادهٔ پروردگار است) مجدداً بر قرار گردد. در گفتار عیسی، وضعیت تازه‌ای مشخص شده است که بر اثر فرا رسیدن ملکوت آسمان ها به وجود می آید؛ این وضعیت خاص در ارتباط با زمان آخر می‌باشد: بعضی از مردمان به اندازه ای مجذوب ملکوت آسمان ها می شوند که ازدواج نمی‌کنند. سنت رهبانیت از قرن چهارم میلادی در مسیحیت (مصر و بین النهرین) پدیدار شد؛ در کلیساهای جدید این سنت حفظ نشد ولی بعضی از روحانیون پروتستان، مثل "جامعه رهبانی برادران تهزه" (Taizé در فرانسه، از اواسط قرن بیستم میلادی) مجدداً زندگی راهبانه در دیر را شروع کردند.

در کلیسای کاتولیک لاتین کسی غیر از مردان مجرد (راهب) نمی‌تواند کشیش شود. سایر کلیساها، ازدواج کشیش را بعد از دستگذاری منع می‌کنند ولی مردان متأهل را برای خدمت کشیشی دستگذاری می‌کنند. در کلیساهای شرقی، اسقف فقط از میان راهبان انتخاب می شود. کسانی هم هستند که بدون تعهد رهبانیت در تجرد بسر می‌برند.

**تجرد**

کلمات مربوط: Chastity – Monasticism – Virginity

## Cenaculum/Cenacle

Cénacle

**Lat.** *cenaculum* = "تالار غذاخوری".

اتاقی که در آن عیسی شام آخر را با شاگردانش خورد. مطابق عهد جدید: بعد از صعود عیسی، شاگردان در بالاخانه ای جمع شدند، که احتمالا در همین مکان نیز بود که متیاس را برای جانشینی یهودای

اسخریوطی انتخاب کردند (اع ۱:۱۳به بعد).

**بالاخانه**

کلمات مربوط: Eucharist

## Cenobite

Cénobite

**Gr.** *koinobion* = "زندگی دستجمعی"
**Lat.** *conobium* = "دیر"

در قرون اول مسیحیت، به راهبانی گفته می شد که به خاطر ایمان، با مسیحیان دیگر زندگی دسته جمعی در دیر را اختیار می‌کردند (خلاف آنهایی که انزوا و تنهایی در بیابان را اختیار می‌کردند).

**راهب "سِنوبیت"**

کلمات مربوط: Monk – Hermit

## Censer

Encensoir

ظرف فلزی دارای در سوراخ شده که به زنجیر آویزان است و در آن ظرف، بخور را روی زغال داغ می‌سوزانند تا دود بخور، به نشان تجلیل و احترام، دور شیئی یا شخصی را خوشبو کند؛ شبیه آتش‌گردان است.

**بخوردان**

**مجمر**

## Chalcedon

Chalcédoine

شهر یونانی باستانی، در ترکیه (امروزه Kadikoi، قاضیکوی یا قادی‌کوی). یکی از محله‌های آسیایی استانبول، که در قرن هفتم قبل از میلاد بنیاد شده بود؛ در ۴۵۱م شورای اسقفان در آن شهر تشکیل شد. در برابر عقاید نسطوریوس، که در شورای اسقفان افسس محکوم شده بود (۴۳۱م)، برخی از نظریه- پردازان در الهیات، به اصل اتحاد بین الوهیت و انسانیت در شخص عیسی تا به حدی

تأکید کردند که منکر سرشت دوگانهٔ عیسی شدند (الهی و انسانی) و گفتند که سرشت بشری وی در سرشت الهی کشیده شده، فرو رفت.

شورای اسقفان کالسدون (۴۵۱م) به تعریفی جدید برای سرشت دوگانهٔ عیسی رسید و گفت: «تعلیم ما در بارهٔ مسیح واحدی است که هم پسر، هم خداوند و هم تک فرزند (خدا) است، که در دو سرشت شناخته شده، بدون التقاط، بدون تغییر و بدون جدایی است.»

شورای کالسدون به جدال در بارهٔ دو سرشت عیسی پایان نداد و تعداد کثیری از مسیحیان شرق همچنان به باور سرشت واحد، پایدار ماندند و به صفت "تک سرشت" (Monophysite) مشهور شدند.

### کالسدون

کلمات مربوط: Monophysitism – Council – Nestorianism

## Chaldean Catholic Church

Église chaldéenne catholique

یکی از کلیساهای قدیم شرق که از قرن پانزدهم میلادی با کلیسای کاتولیک روم اتحاد یافته است؛ پاتریارخ‌های آن با عنوان رسمی "کاتولیکوس پاتریارخ بابل کلدانی"، در بغداد (پایتخت عراق) اقامتگاه دارند؛ اعضای این کلیسا در اصل در کوه‌های کردستان مقر داشتند و به مرور زمان، بخصوص از اوایل قرن بیستم میلادی به بعد، به شهرهای بزرگ، نظیر بغداد، تبریز، تهران و یا استانبول مهاجرت کردند. اکنون در اثر مهاجرت به خارج، بخش‌های مهم این کلیسا در آمریکا، فرانسه و استرالیا بسر می‌برند.

### کلیسای کلدانی کاتولیک

کلمات مربوط: Uniate – Patriarch – Assyrian Church

## Chalice

Calice

جام یا پیاله‌ای که در آن شراب تقدیس

می‌شود. در زمان عیسی رسم بر این بود که دور سفره، رئیس خانواده یا شخصی که در صدر سفره قرار داشت پیاله‌ای با شراب پر کرده به مهمانان تعارف می‌کرد. هم پیاله شدن به معنی همرأی و همدل شدن بود؛ از طرف دیگر "نوشیدن پیاله" به معنی روبرو شدن با سرنوشت و آزمایش شدن بود. «جام نجات» در آیین پرستش یهودیان، در معبد به خاطر کار نیک داده و نوشیده می‌شد و به معنای مشارکت با خدا بود (مز ۱۱۶: ۱۳). در طی شام عید گذر چندین جام دست به دست می‌گشت که سومین آنها «جام تبرک» سپاسگزاری نهایی نامیده می‌شد. برای مسیحیان، "جام خداوند" اصطلاحی است که به مراسم سپاسگزاری اشاره می‌کند (مت ۲۶: ۲۷؛ مر ۱۴: ۲۳؛ لو ۲۲: ۲۰ ؛ ۱قرن ۱۱: ۲۱، ۲۶-۲۹).

ر.ک.فرهنگ عهد جدید، "جام".

پیاله‌ای که امروزه در نماز استفاده می‌شود معمولاً از فلز اعلاست (طلا). این کلمه تنها برای جامی اطلاق می‌گردد که در آیین سپاسگزاری استفاده می‌شود.

**جام**

**پیاله**

کلمات مربوط: Ciborium

## Chapel

Chapelle

کلیسای کوچک یا ایوانی در داخل یک کلیسای بزرگ که دارای قربانگاه می‌باشد و می‌شود در آن آیین نیایش اجرا کرد.

**نماز خانه**

## Chaplet

Chapelet

تسبیح (سُبحه)، رشته‌ای دارای دانه‌های متعدد برای ادای دعاهای تکراری که با هر دانه شمرده می‌شود؛ هدف تسبیح، در نظم و مشارکت با عیسی ماندن است.

معمولاً تسبیح کاتولیک دارای پنج ردیف است و هر ردیف شامل یک دانهٔ (Bead) بزرگ و ده دانهٔ کوچک است؛ دانه‌های بزرگ علامت دعای ''ای پدر ما که در آسمانی'' می باشد و دانه های کوچک، دعای ''درود بر تو ای مریم''. هر بار که یک دور از تسبیح خوانده شود ( پنج ده تا)، به ذکر یکی از رازهای نجات می پردازند.

تسبیح کلیساهای شرق دارای صد دانه می‌باشد و در هر کدام از دانه‌ها دعای عیسی تکرار می‌شود، یعنی: ''عیسی پسر خدا، نجات دهنده، بر من گنهکار رحم کن''.

**تسبیح**

کلمات مربوط: Rosary – Redemption – Prayer of Jesus

## Chapter

Chapitre

انجمنی شامل روحانیون یک کلیسا زیر نظر مقام بزرگتر (رئیس دیر یا اسقف) با هدف خدمات مربوط به قربانگاه یا دعا یا سایر موضوع هایی که در دیر یا کلیسا مطرح می‌شود؛ در کلیسای جامع (اسقف نشین) نقش این انجمن، مشارکت در امور اداری کلیسای محلی است؛ عضو چنین انجمنی، روحانی خاص نامیده می شود.

**انجمن روحانی خاص**

کلمات مربوط: Canon (1)

## Charism

Charisme

**Gr.** *charizomai* = ''شادی کردن'' , *charisma* = ''استعداد، موهبت'' , *charis* = ''نعمت، چیزی که انسان را شادمان می‌کند''

۱) معنی اصلی کلمه یونانی «کاریزما»، «موهبت الهی» است؛ در نوشته های پولس رسول معنی خاص «عطای فیض خدا» را دارد؛ این موهبت را ممکن است یک نفر مسیحی به مسیحی دیگر منتقل کند (روم۱: ۱۱). از مواهبی است که روح‌القدس اعطا می‌کند: ایمان،

کلام حکمت، کلام دانش، قدرت شفا دادن، معجزه، تشخیص ارواح نیک و پلید، دریافتن «زبان‌ها» ویا تعبیر وتفسیر آنها (۱قرن۱۲: ۴)؛ این موهبت ها مزد یا پاداشی نیستند (روم۶: ۲۳) که در برابر استحقاق و انجام دادن کاری داده شوند بلکه خداوند آنها را به رایگان عطا می‌نماید، چنانکه رستگاری ونجات نیز رایگان است (روم۵: ۱۵ به بعد، ۶: ۲۳، ۱۱: ۲۹). همچنین مرگ، کیفر است در صورتی که حیات و زندگی، موهبت یا اعطایی هستند.

ر.ک. فرهنگ عهدجدید، ''عطایای الهی''.

**عطیهٔ روحانی**

**موهبت روحانی**

کلمات مربوط: Charismatic Movement – Prophecy – Grace – Gifts of the Holy Spirit

**۲)** در جامعه شناسی، به معنای «فر» و «سجایای غریزی» آمده است.

**سجایای غریزی**

**فرهمندی**

## Charismatic Movement

Mouvement charismatique

نهضت بیداری درکلیسا، که بیشتر روی عطایای روح القدس تکیه می کند. گروه هایی از مسیحیان کاتولیک، نظیر ''جامعهٔ عمانوئیل''، که بعد از شورای جهانی اسقفان واتیکان دوم (۱۹۶۳-۱۹۶۵م ) پدید آمدند، بر ظهور عطایای روح القدس تأکید بسیار دارند.

**نهضت عطایای روحی**

## Charity

Charité

مترجمین غربی با اینکه در برابر لغت آگاپه (Agape)، واژهٔ Charity را به کار می برند اما در خصوص ترجمهٔ دقیق آن، تردید دارند.Charity (Charité) اشاره به یک محبت مذهبی و تکلیفی می‌کند. معنی ثانوی آن کلمه، یعنی ''صدقه''، همراه مفهوم توهین‌آمیزی است: محبت کردن تا وجدان راحت شود؛ در صورتی

که مفهومی که مثلاً پولس در نامهٔ اول قرنتیان باب ۱۳ تعریف می‌کند، کاملاً مثبت و سخاوتمندانه است. در نتیجه کلمهٔ Love (Amour) بهتراست ولی تفاوت بین عشق و محبت را ابراز نمی‌کند.

**محبت**

**خیرخواهی**

کلمات مربوط: Love

## Chastity

Chasteté

**Lat.** *castus* = "پاک"

فضیلتی است که شهوت را تعدیل یا اساساً مهار می کند. با تسلط دادن عقل و اراده بر امیال جنسی، با تعدیل کردن گرایش به لذتهای بدنی؛ فضیلت پرهیزکاری یا پارسایی، انسان را از سطح طبیعت غریزی بالاتر می برد. گرایش به زهد و ترک دنیا در مسیحیت، عیسی را نمونه گرفته است و برای تجرد و بکارت، ارزش والایی قائل است.

پارسایی و خویشتنداری، در محبت زناشویی - به منظور تقدیم احترام همراه با عشق، به همسر-، نقش اساسی دارد زیرا الگوی آن عشق عیسی نسبت به کلیساست (افس۵: ۲۵). پولس رسول، در ضمن نصیحت به تجرد، از سر واقع‌بینی می‌نویسد: «هر مرد، زن خود را داشته و هر زن، شوهر خود را داشته باشد. شوهر وظیفهٔ خود را نسبت به زنش انجام دهد، همچنین زن نسبت به شوهر خود. ... به مجردان و به بیوه زنان می‌گویم: برای ایشان خوب است که مثل من بمانند ولی اگر نمی‌توانند خویشتنداری کنند، ازدواج نمایند زیرا بهتر است ازدواج کنند تا اینکه بسوزند.» (۱قرن۷: ۱-۹).

**پرهیزکاری**

**پارسایی**

**زهد**

کلمات مربوط: Ascetic – Celibacy – Purity – Virginity

## Cherub (im)

Chérubins

ارواح فرشته‌واری که در برخی از الهام‌های عهدقدیم(عتیق) مطرح شده‌اند. خادمین خدا در آسمان؛ تمثال آنها در معبد اورشلیم به عنوان نگهدارندهٔ صندوقچهٔ پیمان دیده می‌شد (عبر۹: ۵، تنها جایی است در عهد جدید که به آنها اشاره شده‌است).

کلمهٔ ”کروبی“ اگر چه در برخی از تفسیرهای قرآن هست اما قرآنی نیست؛ در ادبیات فارسی به معنی ”فرشتهٔ مقرب“ آمده است.

در زبان فرانسه، Chérubin معنی ثانوی پیدا کرده است و برای تعریف از زیبایی یک کودک به کاررفته است و آن را با فرشته مقایسه می‌کند.

### فرشته‌های شکوه

### کروبی

کلمات مربوط: Angel – Archangel – Seraphim

## Chrism

Chrême

روغن آمیخته با عطر تقدیس شده که در مراسم تعمید روی بدن می مالند؛ در کلیسای کاتولیک، اسقف و در برخی از کلیساهای شرق، پاتریارخ این روغن را تقدیس می‌نماید؛ در مراسم دیگر نیز مثل راز تثبیت روح‌القدس و راز دستگذاری، کشیشان از این روغن استفاده می‌نمایند.

### روغن تدهین

کلمات مربوط:Holy Oil – Chrismation

## Chrismation

تعمید، ملاقات با زندگی عیسی مسیح است. شخص تعمید یافته باید توسط راز تدهین، نیروی روح‌القدس را دریافت کند تا قدرت شهادت دادن داشته باشد. مسح بعد از تعمید که یک بار داده می شود در حکم کهانت است تا مشارکت در رسالت کلیسا را میسر سازد؛ هدف از آن، فیضان

کامل روح است.

دربعضی کلیساهای قدیم، راز عطای روح‌القدس (راز تأیید یا تثبیت) توسط دستگذاری و مسح با روغن تقدیس شده، داده می‌شود؛ این راز در کلیساهای شرقی بلافاصله بعد از تعمید داده می‌شود، و در کلیسای لاتین راز تثبیت بعد از مرور زمان (معمولاً یک سال بعد از تعمید بزرگسالان) توسط مسحی که اسقف، بر تعمید یافته انجام می دهد، اعطا می‌شود.

**تدهین**

کلمات مربوط: Chrism – Confirmation- Myron – Baptism

## Christ

**Gr.** *khrio* = ”مسح کردن“

آن که مسح (مالیدن با روغن) سلطنتی را دریافت کرده باشد. روغن مسح، نشانهٔ روح است. طبق قانون یهود، کاهنان، پادشاهان و پیامبران باید با روغن، مسح می‌شدند (۱سمو۹: ۱۶؛ ۱۰: ۱، ۱۰). بنابراین یهودیان، یک ناجی از تبار داوود را که برای رهایی قوم در انتظارش بودند، به نام ”مسح شده“ یا مسیح می‌نامیدند. این عنوان در انجیل چهارگانه به طور طبیعی به عیسی تعلق گرفت. بعد از رستاخیز، عیسی به نام ”عیسی مسیح“ یا ”مسیح عیسی“ نامیده شد؛ ولی عیسی، که خود را ”پسر خدا“ یا ”پسر انسان“ می‌نامید، هیچ وقت عنوان مسیح را برای خود نخواست و حتی ”به شاگردان سفارش کرد به کسی نگویند که او مسیح است“ (مت۱۶: ۲۰).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، ”عیسی مسیح“، ”مسیح“.

**مسیح**

کلمات مربوط: Anointed – Christian – Return of Christ – Messiah

## Christendom

Chrétienté

مسیحیت به عنوان فرهنگ و قلمرو نفوذ. گاهی این مفهوم را در برابر

عین مسیحیت قرار دادند: دفاع از قلمرو تاریخی مسیحیت اغلب همراه با فراموش کردن پیام رهایی عیسی است که شامل همهٔ اقوام می باشد.

**تمدن مسیحی**

**قلمرو مسیحیت**

کلمات مربوط: Christian

## Christianism (> Christian)

Christianisme (> Chrétien)

پیروان اولیهٔ عیسی، خود را "برادران"، "شاگردان" یا "ایمانداران" می نامیدند؛ یهودیان آنان را "نصرانیان" می‌نامیدند (ر.ک. لو ۵:۲۴). کلمهٔ «مسیحی» (christianos) که در محافل غیر مسیحی انطاکیه به وجود آمده، به معنی طرفدار و یا پیرو مسیح است. ظهور این کلمه دال بر این است که کلیسا دیگر به عنوان یک فرقهٔ یهودی شناخته نمی‌شده است بلکه به صورت یک گروه جدید که خود را وابسته به مسیح می داند شناخته می شد. نام «مسیحی»، اولین بار در شهر انطاکیه، حدود ۵۰ م به شاگردان و طرفداران عیسی داده شد (اع۱۱: ۲۶).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، «مسیحی».

مسیحیت شامل سه شاخهٔ بزرگ است: کلیسای کاتولیک، کلیساهای ارتدکس و کلیساهای پروتستان (اصلاح شده). در خاورمیانه و آسیا، کلیساهای محلی یا مستقلی وجود دارند که دارای سنت قدیمی‌اند (نظیر کلیسای ارمنی) که یا در مشارکت با رم یا یکی از شاخه‌های بزرگ مسیحیت، نظیر کلیسای آشوری کلدانی که وابسته به کلیسای کاتولیک است، می باشند؛ این کلیساها، سنت‌های خاص خود را حفظ کرده‌اند.

**مسیحیت**

**دین مسیح**

کلمات مربوط: Catholic – Orthodox – Ecumenism – Fearing God

## Christmas

Noël

با این که هیچ اطلاع تاریخی در مورد

روز تولد عیسی در دست نیست، اغلب مسیحیان از قرن چهارم میلادی به بعد، روز ۲۵ دسامبر (۴ یا ۵ دی) را برای یادآوری تولد مسیح جشن می گیرند. این جشن، در نیمکرهٔ شمالی در فصلی برگذار می شود که روزها تدریجاً طولانی تر می شوند؛ گویی این نشانهٔ پیروزی نور بر ظلمت است.

در آیین مهرپرستی (یکی از ادیان ایرانی که به امپراتوری روم سرایت کرده بود) در آن روز، جشن تولد میترا را می‌گرفتند. طبق سنت‌های مختلف، در غرب و همچنین در شرق، پیدایش دور جدید فصل‌ها را در آن روز، جشن می‌گرفتند: در ایران شب یلدا یادگار این سنت‌هاست.

مسیحیان ارتدکس، به خاطر استفاده از تقویم "ژولیِن" (که در ۱۵۸۲ م به دستور پاپ گرگوار سیزدهم، با حذف کردن ده روز از تقویم، اصلاح شد) جشن میلاد را ده روز دیرتر می‌گیرند؛ کلیسای ارمنی رسولی، - غیر از قلمرو پاتریارخ اورشلیم - در ۱۹۲۳ م، تقویم گرگوری را قبول کرد.

**عید میلاد (مسیح)**

کلمات مربوط: Nativity – Epiphany

## Christology

Christologie

قسمتی از مباحث علم الهیات که در مورد راز شخص عیسی و نقش مسیح در تاریخ نجات بشر است.

**مسیح‌شناسی**

کلمات مربوط: Christ

## Church

Église

**Gr.** *ekklesia* "مجلس قوم"

**۱)** جماعت ایمانداران مسیحی(مطلق). یگانه بودن کلیسا، همان‌طوری که در بیان اصول ایمان ذکر می‌گردد، با تعدد کلیساهای محلی متضاد نیست.

ر.ک. به به فرهنگ عهد جدید، ”کلیسا“.

عیسی است که کلیسا را تأسیس کرد (مت۱۶: ۱۸). کلیسا بدنی است که سر آن مسیح است: «و [خدا] همه چیز را به زیر پاهای او [مسیح] گذاشته و همچون رئیس والای کلیسا داده است، که جسم او است، و تمامیت آن که جسم او است، و تمامیت آن که همه را در همه پُر می‌کند.» (افس۱: ۲۲-۲۳)؛ و همچنان کلیسا مانند عروس و داماد او عیسی است (افس۵: ۲۵ و بعد).

**۲)** مجموعهٔ افراد یکی از شاخه های دین مسیحی؛ مثلاً ”کلیسای کاتولیک“، ”کلیسای انجیلی“، ”کلیسای ارتدکس“ وغیره. ”کلیسای ملی“ در خدمت ملتی یا قومی است که آن را در عیسی مسیح به کمال می‌رساند، در صورتی که ”کلیسای محلی“ قلمرو اقتدار اسقف است در یک شهر و حومهٔ آن.

**۳)** ساختمانی که در آن مسیحیان مراسم دینی را انجام می دهند؛ در این معنی، به انگلیسی (فرانسه) کلمه بدون حرف بزرگ نوشته می‌شود.

**کلیسا**

للمات مربوط:-Community – Ccclesias-tical – Mystical Body – Parish –Ecu-menism – Local Church – Particular Church

## Church Fellowship

Communion ecclésiale

طبق فرمایش عیسی مسیح، مشارکت بین کلیسایی از اهمیت بسزایی برخوردار است (یو ۱۷). کلیسای ارتدکس بنابر کلیساشناسی خود، کلیسای محلی خودگردان بوده است ولی در عین حال در اتحاد و مشارکت با سایر کلیساهای محلی، زیر مسئولیت پاتریارخ بسر می برد.

پس از شورای اسقفان واتیکان دوم کلیسای کاتولیک نیز بر اهمیت کلیساهای محلی و مشارکت آنها با یکدیگر تاکید شد.

ر.ک. "Leuenberg Agreement" (توافق نامهٔ کلیساهای پروتستان در اروپا).

**مشارکت بین کلیسایی**

**مشارکت کلیساهای محلی**

## Ciborium

Ciboire

جامی یا ظرفی دارای در - اغلب فلزی با لعاب طلایی - که در آن نان تقدیس شده را نگه می‌دارند.

Chalice – Tabernacle – □
Reservation of the Sacred Sacrament

**جام نگهداری نان مقدس**

**ظرف زندهٔ نان**

## Circumcision

Circoncision

بعضی از اقوام خاورمیانه، در عهد باستان، برای پسرانشان رسم بریدن قُلفه داشتند؛ عبرانیان هم این آیین را در ارتباط با ابراهیم و به یاد عهد الهی انجام می دادند. «هر پسر هشت روزه از شما مختون شود» (پید ۱۷: ۱۳)؛ پیامبران تذکر دادند که ختنهٔ واقعی، ختنهٔ دل است (ار۴: ۴).

در کلیسای اولیه برای یهودیانی که به ایمان جدید می‌پیوستند مسأله‌ای به عنوان ختنه نبود ولی تکلیف غیر یهودیانی که ختنه نبودند روشن نبود؛ پولس آنان را از رعایت قانون یهود آزاد ساخت: تنها مسیح است که نجات می دهد و ختنهٔ حقیقی، امری روحانی است و روی کردن به مسیح می‌باشد (روم۲: ۲۵ به بعد)؛ «چون در مسیح عیسی، نه ختنه شدن ارزشی دارد و نه نامختون بودن، بلکه فقط ایمانی که به وسیلهٔ محبت عمل می‌کند» (غلا ۵: ۶).

متعلق ساختن نجات به ختنه، از دید پولس، نادیده گرفتن قول خدا به ابراهیم است؛ وعده‌ای که به رایگان داده شده است، قبل از ختنه؛ بنابراین ختنه، نه منبع تبرئهٔ انسان است، بلکه ختم آن

عدالتی است که توسط وعده و ایمان به دست آمده است (غلا۳: ۶-۲۹؛ روم۴: ۹-۱۲). شرط ختنه گذاشتن به نحوی انکار صلیب مسیح است که ما را در اتمام این وعده، به رایگان رهایی می‌دهد.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "ختنه".

**ختنه**

کلمات مربوط: Uncircumcised

## Circumincession

کلمه‌ای با ریشهٔ لاتین، مترادف Perichoresis (ر.ک.).

**تداخل سه‌گانهٔ اقدس**

کلمات مربوط: Trinity – Perichoresis

## Clergy

Clergé

جماعت خاص خادمین رسمی کلیسا، که مقام و مرتبهٔ مشخصی در سلسله مراتب کلیسایی دارند؛ چون اسقفان، کشیشان و شماسان، در مقابل "عامهٔ ایمانداران" (غیر کشیشان).

**خادمان دین**

**روحانیت**

کلمات مربوط: Laymen – Priest – Hierarchy

## Cloister

Cloître

ساختمان بستهٔ دیر که مختص سکوت و خلوت و عبادت می‌باشد.

کلمات مربوط: Monk – Contemplative

**رواق سکوت راهبان**

## College (of Bishops) / Episcopal College

Collège (des évêques)

به خاطر جانشینی هیأت رسولان کلیسای اولیه، که از طرف عیسی به مأموریت اعلام مژده فرستاده شد، هیأت اسقفان، مسئولیت و حاکمیت کل، بر کلیسای جهانی

دارد؛ البته این امر مشروط بر مشارکت مجمع اسقفان است و در کلیسای کاتولیک، بر مشارکت با پاپ.

**هیأت اسقفان**

کلمات مربوط: Bishop – Council – Synod – Collegiality – Peter's Primacy

## Collegiality

Collégialité

اصل و سنت مشارکت هیأت اسقفان. هر اسقف، مسئول کلیسای خاص خود است و در هر عمل شبانی در مشارکت با هیأت اسقفان اقدام می‌کند.

**مشارکت هیأت اسقفان**

کلمات مربوط: Ccollege of Bishops – Primacy

## Commandment

Commandement

فرمان های ده گانه‌ای که خدا به موسی داده (خروج ۲۰)، به رهایی قوم اسرائیل و عهد آن قوم با خدا وابسته است؛ «شریعت خود را در باطن ایشان خواهم نهاد و آنرا بر دل ایشان خواهم نوشت و من خدای ایشان خواهم بود و ایشان قوم من خواهند بود» (ار ۳۱: ۳۳). در عهد جدیدی که در مرگ عیسی بسته شده، عهد قوم برگزیده به اتمام رسید و فرمان های عهد قدیم(عتیق) به یک فرمان جدید خلاصه می‌شوند: «به شما فرمانی نو می‌دهم که یکدیگر را محبت نمایید. همچنان که من شما را محبت نموده‌ام، شما نیز یکدیگر را محبت نمایید.» (یو ۱۳: ۳۴).

**فرمان**

کلمات مربوط: Decalogue

## Communion

۱) (یونانی koinonia، معنی عام کلمه) یکی بودن با دیگران. زندگی مشترک با همبستگی همه‌جانبه و همرأیی: «همهٔ

ایمانداران باهم بودند و در همه چیز مشترک بودند. و املاک و دارایی های خود را می‌فروختند و آنها را بین همه بر طبق نیاز هر یک تقسیم می‌کردند. هر روز متفقاً در معبد حاضر می‌شدند و در خانه نان را پاره کرده و غذا را با خوشی و سادگی دل صرف می‌کردند.» (اع۲: ۴۴-۴۶)؛ در راز سه‌گانهٔ اقدس این مشارکت بین پدر و پسر و روح‌القدس به طور کامل و مطلق وجود دارد اما مشارکت روح القدس ما را توسط مسیح با پدر یکی می‌کند و در زندگی الهی سهیم می‌شویم.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "مشارکت".

**مشارکت**

**۲)** تقسیم تن و خون مسیح؛ یعنی نان و شراب تقدیس شده در آیین سپاسگزاری.

**تناول تن و خون مسیح**

کلمات مربوط: Agape – Breaking of the Bread – Community – Eucharist – Unity – Real Presence

## Communion of Saints

Communion des Saints

"مشارکت قدیسین" در واقع عین تعریف کلیسا است، چرا که اعضای کلیسا در تعمید، توسط روح‌القدس، مقدس و قدیس شدند و در تن عیسای برخاسته داخل شدند؛ چنین مشارکتی به معنی خاص، در ارتباط با ملکوت خدا، مشارکت حضرت مریم و همهٔ قدیسین است؛ خواه رسماً چنین صفتی به آنها داده شده باشد، خواه ناشناس مانده باشند.

**مشارکت قدیسین**

کلمات مربوط: Holy – All Saints Day

## Community

Communauté

**۱)** جامعه‌ای از افراد که دورهم جمع می شوند و در ایمان اشترک دارند.

**جامعه**

**جمعیت** (ایمانداران)

**جماعت**

**۲)** وجه مشترک بین افراد یک جامعه. مشارکت فکری ویا مالی.

**اتحاد**

کلمات مربوط: Church

## Conclave

درکلیسای کاتولیک، مجلس کاردینال‌هاست (مطران‌ها) که برای انتخاب پاپ جدید تشکیل می‌شود. فقط کاردینال‌های با سن کمتر از ۷۵ سال حق رأی در انتخاب پاپ را دارند.

**کُنکلاو**

کلمات مربوط: Pope – Cardinal

## Concordance

فهرست تطبیقی لغات، بخصوص در مورد کتاب مقدس.

**آیه یاب**

**خط یاب**

**کشف الآیات**

## Concordat

موافقتنامه‌ای که بین یک دولت و واتیکان برای تعیین روابط دو طرف منعقد می‌گردد.

**قرارداد با واتیکان**

## Concupiscence

هوس افراطی به چیزی؛ بخصوص در زمینهٔ امیال جنسی.

**شهوت**

**آزمندی**

**نفس اماره**

## Confession

**۱)** بیان کردن اعتقاد خویش.

**اقرار به ایمان**

**بیان ایمان**

**۲)** مذهب. فرقهٔ مذهبی.

**۳)** اعتراف به گناه و طلب آمرزش

(خصوصاً در کلیساهای قدیم). قسمتی از آیین راز آمرزش و آشتی با خدا که در آن شخص ایماندار، گناهکار بودن خود را نزد کشیش اعتراف می‌کند و توسط او از خدا آمرزش و آشتی می‌طلبد.

**اعتراف به گناه**

للمات مربوط: Absolution – Acknowledge – Profession – Reconciliation

## Confessor

Confesseur

کشیشی که اعتراف به گناه کسی را می‌شنود و راز آشتی را به او می‌دهد؛ آن کشیش گاهی نقش ارشاد کننده و ناصح را ایفا می‌کند.

**کشیش مرشد**

## Confessors of Faith

Confesseurs de la foi

مسیحیانی که شکنجه شدند و بر ایمان خود پایدار ماندند اما کشته نشدند.

**معترفان به ایمان**

کلمات مربوط: Credo – Witness – Martyr – Persecution

## Confirmation

یکی از رازهای هفتگانهٔ کلیسای قدیم: راز تثبیت روح‌القدس (”تأیید“). طی مراسمی، روی شخص تعمید یافته تدهین می‌شود تا روح‌القدس را دریافت کند و در ایمان استوار شود. راز تثبیت توسط اسقف (با دستگذاری) و معمولاً بعد از گذشت زمان و بعد از تعمید اعطا می‌گردد؛ مثل تعمید، راز تثبیت فقط یک بار داده می‌شود.

**راز تثبیت روح القدس**

کلمات مربوط: Chrismation – Sacrament – Holy Spirit

## Congregation

(**1**) Assemblée liturgique
(**2**) Congrégation

**۱)** جماعت کلیسایی.

## گردهمایی مذهبی

کلمات مربوط: Liturgy – Community – Congregationalism

۲) گروه خاص راهبان (یا راهبه ها) که در کلیسای کاتولیک با مقررات مخصوص و یا سلسله مراتب خاصی، برای زندگی برادرانه (یا خواهرانه) تشکیل شده است.

## نظام رهبانیت

## جامعهٔ راهبان/راهبه‌ها

کلمات مربوط: Order – Monastery – Convent

# Congregationalism

Congrégationalisme

یک نوع سازماندهی مذهبی پروتستان که در آن هر جمعیت کلیسایی، محلهٔ خود را تحت رهبری مسیح، مستقل می‌شناسد؛ این جمعیت ها استقلال سایر جمعیت‌ها را رعایت کرده، مخصوصاً در مورد اعزام مبلغین، به یکدیگر کمک می‌کنند؛ این روش بخصوص در نزد ''باپتیست‌ها'' و ''کواکرها'' معمول است؛ نظر آنها این است که کلیسا فقط بر پایهٔ تفاهم اعضای خود استوار است و هیچ مقامی را برتر از خود، به جز کلام خدا، نمی‌پذیرد.

## جماعتی بودن و مستقل بودن کلیساهای محلی

کلمات مربوط: (۱) – Congregation Episcopal – Presbyterian

# Congregation for the Evangelization of Peoples

Congrégation pour l'évangélisation des peuples

بخشی از تشکیلات واتیکان - تأسیس شده در۱۶۲۲م - که بر فعالیت‌های تبلیغی کلیسای کاتولیک در مناطق غیر مسیحی نظارت می‌کند. ''بشارت''، اصطلاحی‌است که در۱۹۸۲م، برای رفع ابهام، جایگزین ''تبلیغ'' شده است.

## ادارهٔ بشارت به اقوام

کلمات مربوط: Congregation for the Propagation of Faith

**Congregation for the Propagation of Faith**

Congrégation pour la propagation de la foi

نام سابقِ Congregation for the Evangelization of Peoples.

**ادارهٔ تبلیغ ایمان**

## Consecrate

Consacrer

تخصیص یا جدا ساختن شخصی یا چیزی به منظور خدمت به خداوند یا عبادت.

در عهد قدیم(عتیق)، تقدیس از طرف خدا برای رسالت است.

در عهد جدید، مسیح به طور مطلق قدوس است: او تنها انسان جدید قدوس است و تنها منبع قداست است. عیسی از پدر خواست تا شاگردان را همان گونه که خودش قدوس است "تقدیس" کند: «آنان را در حقیقت تقدیس فرما: سخن تو حقیقت است. همچنان که تو مرا به جهان فرستاده‌ای، من نیز آنـان را به جهان فرستاده‌ام و به خاطر ایشان خود را تقدیس می‌کنم تا آنان نیز در حقیقت تقدیس گردند» (یو۱۷: ۱۷-۱۹). تنها خدا قدوس است و ما انسان‌ها توسط ایمان و تعمید مقدس می‌شویم.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "تقدیس کردن"

**تقدیس کردن**

کلمات مربوط: Order – Ordination – Hierarchy – Monk – Eucharistie

## Conscience

واژهٔ یونانی syneidēsis (فاقد معادل عبری است). «وجدان» عبارت است از قدرت قضاوت عملی که انسان توسط آن، اعلام می کند که امری خوب یا بد است(بوده است)؛ مثلا ایوب می تواند اظهار کند، قلبش وی را از هیچ چیز سرزنش نمی کند(ایوب ۲۷: ۶). این واژهٔ یونانی که پولس آن را در زبان مذهبی آن عصر به کار برده، مبین داوری غیر-ارادی می‌باشد که برای مفهوم «قلب»،

در کتاب مقدس لازم است. در سخن از «اقوامی که قانون ندارند و طبیعتاً آنچه قانون مقرر کرده عمل می کنند»(روم ۲: ۱۴) پولس، وجدانی را که آنها در حال اجرای احکام قانون، به حسب طبیعت خود دارند تشریح می کند. طرح خدا در قلب همهٔ انسان ها، حتی قبل از آنکه مکاشفهٔ قطعی و صریح از آن به عمل آید مکتوب می باشد: انسان در حال گفتگو با خدا به دنیا آمده است (روم ۱: ۱۹-۲۱) و در عمل، کم و بیش به حسب طرح خدا عکس‌العمل نشان می‌دهد.

وجـدان، خودمختار نیست (مبتنی بر معرفت انسانی از نیکی و شر) بلکه «پیرو حکومت خدایی» است؛ داوری وی همواره تابع داوری خداست. تنها ایمان، وجدانی را که بتواند خود را نیکو و بی‌عیب ارزیابی کند، منور می گرداند.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "وجدان".

**وجدان**

**ضمیر**

کلمات مربوط: Soul – Spirit – Heart

## Consistory

Consistoire

**۱)** کلیسای کاتولیک : مجمع کاردینال‌ها به دعوت پاپ؛

**۲)** کلیسای اسقفی : مجلس حوزهٔ اسقفی به ریاست اسقف محل؛

**۳)** کلیساهای پروتستان : مجلس محلی کلیسا. شورای کلیسایی.

**مجلس کلیسایی**

کلمات مربوط: Council – Synod

## Consubstantial

Consubstantiel

**Gr.***homo–ousios*="هماهنگ، هم‌شکل-جوهر"

در مجمع اسقفان نیقیه (۳۲۵ م)، این صفت برای توصیف ذات سه‌گانهٔ اقدس انتخاب شد: پدر و "سخن" (پسر) از جوهر یگانه هستند. عیسی مسیح با پدر هم جوهر است و به خاطر ذات دوگانه، الهی و انسانی او، با ما نیز هم جوهر است. مکتب آریوس

(Arius)، منکر هم جوهری عیسی با پدر است زیرا او را زاده و آفریده می داند.

هم جوهر بودن پدر و پسر در اعتقادنامهٔ نیقیه ذکر می‌شود؛ موقعیت روح‌القدس از این دو خارج نیست. در اعتقادنامه گفته می‌شود که روح، "از پدر صادر" می‌گردد. کلیسای لاتین، به منظور تأکید روی اتحاد پدر و پسر، و در ادامهٔ یک سنت دیرینه در کلیسا، این اصطلاح را رسماً تکمیل کرد و به این شکل در آورد: "روح‌القدس ... که از پدر و پسر صادر می‌گردد". موضوع تغییر اعتقادنامهٔ نیقیه یکی از اختلاف‌های تاریخی میان کلیساهای ارتدکس و کاتولیک است.

کلمهٔ یونانی ousia که ما در اینجا آن را "جوهر" ترجمه می‌کنیم، به معنی "آنچه آدم دارد" (مالکیت) آمده است و در فلسفه به معنی وجود و جوهر می باشد.

**هم جوهر**

**هم ذات**

کلمات مربوط: Accident – Substance – Consubstantiation – Transubstantiation – Arianism

## Consubstantiation

پروتستان‌های مکتب لوتر (Luther) بر این عقیده هستند که جوهر نان و شراب، بعد از تقدیس، هنوز در کنار جوهر تن و خون عیسی می‌ماند و منکر تبدیل جوهری هستند.

**وصل دو جوهر**

**وصل جوهری**

کلمات مربوط: Transubstantiation

## Contemplation

در رابطهٔ عاشقانه همیشه بُعدی نظری: لذت نظاره کردن، تماشای دوست و سیر و نظر در حضور او موجود است؛ ارتباط ما با خدا از این نوع احساسات تغذیه می‌شود. دو نوع سیر و نظر حضوری در مسیحیت تشخیص داده می‌شود: آنکه در نتیجهٔ کوشش و تعمق به دست آید و آنچه از فیض خداوند سرشار آید؛ در نوع دوم، انسان خود را تسلیم نموده، توانایی

تعقل و تمییز او ربـوده می‌شود و این مرحله را عرفا «شب تاریک» نامیده‌اند. برخی از راهبان راه سیر و نظر اختیار می‌کنند و در عُزلت و دعا و سکوت، حضور خداوند را مشاهده می‌کنند.

**سیر و نظر**

**کشف و شهود**

**ژرف‌اندیشی**

کلمات مربوط: Contemplation – Praise – Ecstasy

## Contemplative

Contemplatif

صفت بعضی از نظام‌های روحانی کلیسای کاتولیک، نظیر «کارمل»، که نظارهٔ روحانی و دعا و پرستش را بر فعالیت‌های دنیوی ترجیح می‌دهند.

**اندیشه گری**

**ژرف اندیشی**

کلمات مربوط: Contemplation – Cloister

## Contextualization

Contextualisation

در زمینهٔ ترجمه و تفسیر کتاب مقدس، علم راهیابی به معنای حقیقی متن به وسیلهٔ بررسی محیط و شرایط است: سیاسی، اجتماعی، تاریخی، فرهنگی، زبانی، و غیره.

**سیاقمندی**

کلمات مربوط: Hermeneutics – Exegesis – Midrash – Pericope – Targum

## Continence

پرهیز؛ و به طور خاص پرهیز از روابط‌زناشویی.

**خویشتنداری**

کلمات مربوط: Ascetic

## Contrition

اولین مرحلهٔ آیین راز آشتی و آمرزش گناهان این است که شخص مسیحی از

گناهی که مرتکب شده، پشیمان شود.

**ندامت**

**پشیمانی**

**توبه**

کلمات مربوط: Penance – Confession

## Convent

Couvent

جامعهٔ راهبان (یا راهبه ها). محل زندگی راهبان، صومعه، دیر.

**دیر**

کلمات مربوط: Monastry – Monk

## Conversion

**Gr.** *meta-noia* = "تغییر فکری"\
*epi-strepho* = "دور زدن، بر گشتن"

**۱)** دگرگون شدن، انقلاب معنوی کردن، بدون عوض کردن دین و مذهب؛ عیسی دائماً به چنین انقلابی دعوت می‌کرد: «توبه کنید زیرا فرمانروایی آسمانها خیلی نزدیک است» (مت ۳: ۲).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "بازگشت به سوی خدا".

**توبه**

**بازگشت به سوی خدا**

**۲)** گرایش به یک مذهب دیگر، دین دیگری قبول کردن و ترک باورهای قبلی.

**تغییر مذهب**

**گرایش**

کلمات مربوط: Converted – Apostate – Apostasy – Neophyte – Vocation

## Converted

Converti

آن که به یک مذهب ایمان آورده باشد. آن که دینش را از روی اعتقاد عوض می‌کند.

**نوگرویده**

کلمات مربوطه: Catechumen – Neophyte

## Coptic Church

Église copte

کلیسای ارتدکس مصر. مسیحیان مصر

حدود ۱۲ در صد از جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند و از تبار مصریان باستان هستند؛ کلیسای قبطی کاتولیک و کلیسای قبطی پروتستان نیز هستند که قسمت کوچکی از این جامعه را تشکیل می‌دهند.

**کلیسای قبطی**

کلمات مربوط: Monophysitism

## Coredemption

در کلیسای کاتولیک، نقش شخص مریم عذرا در تاریخ نجات و رستگاری؛ این نقش چیزی به باز خرید ونجات کلی نمی‌افزاید زیرا گذر مسیح از مرگ و رستاخیز او موجب رستگاری همگان و از جمله مریم است. در رابطهٔ صلیب، مریم شروع تاریخ نجات توسط عیسی است: در آن لحظه‌ای که عیسی به یوحنا می‌گوید «اینک مادرت» (یو۱۹: ۲۷)، مریم حوای جدید می‌شود، مادر زندگان.

**مشارکت در رستگاری**

کلمات مربوط: Mariology

## Council

Concile

مجلس قانونی رؤسای کلیسا (در کلیسای کاتولیک، پاپ با اسقفان)، برای مشورت در تعیین مکتب و نظریهٔ رسمی کلیسا که نهایتاً به صورت لایحه و نظامنامه منتشر می‌شود.

**شورای (جهانی) اسقفان**

کلمات مربوط: Synod – Episcopal Conference – Ecumenical Councils

## Council of Chalcedon

Concile de Chalcedoine

شورای اسقفان، ۴۵۱ م.

ر.ک. Chalcedon.

**شورای اسقفان کالسدون**

## Council of Nicaea

Concile de Nicée

در ۳۲۵ م در نیقیه، شهری در آسیای صغیر (امروز «ایسنیک» در ترکیه)،

شورای اسقفان متن بیان اصول ایمان را تألیف کرد؛ این شورای اسقفان جهان یکی از شوراهای هفتگانهٔ اسقفان است که مشترکاً مورد قبول کلیسای ارتدکس و کاتولیک است.

**شورای اسقفان نیقیه**

**شورای نیقیه**

کلمات مربوط: Nicene Creed

## Council of Trent

Concile de Trente

این شورای اسقفان، بین ۱۵۴۵ و ۱۵۶۳م در شهرهای Trento و Bologna (شمال ایتالیا) برای جواب دادن به نهضت‌های لوتر و کالون تشکیل شد؛ در آن شورا چند اصلاح اساسی در کلیسای کاتولیک وارد شد:

- کتاب‌های الهامی متأخر به جمع رسمی کتب "کتاب مقدس" اضافه شدند؛
- رابطهٔ بین وحی مکتوب و سنت کلیسا تعریف شد؛
- نظریه‌های مختلف راجع به گناه اولیه، نجات، عالم برزخ بین بهشت و جهنم، فیض خداوند و اختیار انسان تعریف شد؛
- هفت راز کلیسایی تعیین شد؛
- آموزه تبدیل جوهر در راز عشای ربانی تعریف شد.

**شورای اسقفان ترنت**

**شورای ترنت**

کلمات مربوط: Purgatory–Transubstantiation

## Council of Vatican (First -)

Concile de Vatican (Premier)

این شورای اسقفان در رم، به سال ۱۸۶۹م تشکیل شد و به خاطر جنگ بین آلمان و فرانسه (۱۸۷۰م) ناتمام ماند؛ در آن نظامنامه‌ای راجع به تعریف روابط عقل و علم با ایمان مورد تصویب قرار گرفت و نیز نظامنامهٔ دیگری، به نام Pastor Aeternus (شبان جاوید) که

امکان ارتکاب به اشتباه را از مقام پاپ انکار می‌کند: در موارد الهی مربوط به ایمان مسیحی و در موقعیت‌های خاصی که پاپ به عنوان رئیس کلیسا اظهار نظر می‌کند.

**اولین شورای جهانی اسقفان در واتیکان**

**شورای اول واتیکان**

## Council of Vatican (Second -)

Concile de Vatican II

دومین شورای اسقفان در رم (واتیکان) و در ۱۹۶۲ م توسط پاپ ژان بیست و سوم فراخوانده، افتتاح شد و در ۱۹۶۵ م زیر فرمان پاپ پل ششم به اتمام رسید.

**دومین شورای جهانی اسقفان در واتیکان**

**شورای دوم واتیکان**

## Covenant

Alliance

**Gr.** *dia- tithemai* = "پیمان بستن"

کلمهٔ یونانی diathéké اصلاً به مفهوم عملی حقوقی است که طبق آن شخص اموال خود را واگذار می‌کند؛ این کلمه معنی معاهده و پیمان بین دو طرف را می‌رساند که یکی قوی‌تر و دیگری ضعیف‌تر باشد ولی جنبهٔ حقوقی این قرارداد، هرگز بر جنبهٔ موهبت و وعدهٔ آن نمی‌چربد.

**۱)** خدا بدواً با نوح، که از طوفان نجات یافته بود، پیمانی بست: «و من اینک عهد خود را با شما و با اعقابتان پس از شما برقرار می‌سازم،... هیچ گوشتی دیگر با آب‌های سیل نابود نخواهد شد، و دیگر طوفان سیل برای نابودی زمین نخواهد بود.» (پید۹: ۸-۱۱) سپس خدا پیمانی با ابراهیم وقوم اسرائیل منعقد کرد که جاودانی و غیر قابل فسخ بود زیرا این امر ارتباطی با بی‌وفایی قوم اسرائیل نداشت.

**۲)** پیمان خدا با قوم اسرائیل با خون قربانی که موسی تقدیم کرده بود تثبیت

گردید و هنگامی که عیسی از «خون پیمان» سخن می گوید منظور پیمان مذکور می‌باشد (مت۲۶: ۲۸ ؛ مر۱۴: ۲۴).

**۳)** برابر روایتی دیگر، پیمانی که با انجام دادن ختنه و اعطای قوانین به قوم اسرائیل منعقد گردید و اسرائیل به این پیمان وفادار نماند، بایستی روزی بر دل‌های مردمان نوشته شود. پولس این پیمان جدید را موهبت روح القدس می‌داند (۲قرن۳: ۶ ؛ افس۱: ۱۳ ، ۲: ۱۸؛ ۱تیمو۴: ۸).

**۴)** طبق روایت دیگری عیسی قربانی خودش را به عنوان «پیمان در خون من» اعلام کرده است و بدین‌وسیله پیمانی که توسط «خدمتگزار رنجدیده» منعقد می‌شود تثبیت گردانید (اش۴۹: ۸ ، ۵۳: ۱۲ ؛ لو۲۲: ۲۰ ؛ ۱قرن۱۱: ۲۵).

**۵)** در نوشته های مقدس با کلمات وعبارات دیگری اشاره به پیمان شده است: «وعده» (اع۱۳: ۲۳؛ غلا۳: ۱۶ و ۱۸ ؛ افس۲: ۱۲)، «آشتی قوم با خداوند خود» (مکا۲۱: ۳)، «سکونت خدا در میان مردمان» (۲قرن۶: ۱۶)، «همرأیی با پدر» (یو۲۰: ۱۷)، «پادشاهی خدا» (لو۲۲: ۲۹)، وغیره که همگی با عبارت معروفی تطبیق و هماهنگی دارد که «شما قوم من و من خدای شما خواهم بود» (۲ قرن۶: ۱۶ ؛ مکا۲۱: ۳).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "عهد و پیمان".

**پیمان**

**میثاق**

**عهد**

کلمات مربوط: Ark – Testament

## Creation

پسر خدا، همراه پدر و روح القدس، خود آفریدگار و نهایت همه چیز است. در مسیح، آفرینش جدیدی سرچشمه می‌گیرد: «بنابراین اگر کسی در مسیح است، آفریدهٔ جدیدی است: آنچه کهن بود گذشته، اینک نو شده است» (۲قرن۵: ۱۷). با اعلام

پیام رهایی، همهٔ جهان به آزادی پر شکوه پسران خدا دست یافته، نو شده است. به قول یوحنای رسول: «و دیدم آسمانی جدید و زمینی جدید چونکه آسمان اوّل و زمین اوّل درگذشت و دریا دیگر نمی‌باشد. و شهر مقدّس اورشلیم جدید را دیدم که از جانب خدا از آسمان نازل می‌شود حاضر شده چون عروسی که برای شوهر خود آراسته است» (مکا۲۱: ۱-۲)

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "آفرینش".

**آفرینش**

**خلق**

کلمات مربوط: Creation Ex Nihilo

## Creation Ex Nihilo

«آفرینش از نیستی»: نظریه‌ای است که از کتاب مقدس سرچشمه می‌گیرد؛ در کتاب دوم مکابیان ۷: ۲۸ چنین آمده است: «... چشمانت را بسوی آسمان و زمین بلند کن آنچه را که در آن است بنگر و بدان که خدا اینها را از هیچ به‌وجود آورده است». در متن لوسین آمده: آنها را از آنچه نبوده ساخته است یعنی از بی نظمی اولیه. قسمتی در ترجمه لاتین چنین است: **Ex Nihilo**، و خلاف نظریه‌های موجود در میان متفکرین یونان باستان، خدا را آفریدگار جهان از عدم یا نیستی می‌داند. «در ابتدا خدا آسمان‌ها و زمین را آفرید» (پید۱: ۱). آفرینش، مطلقاً صفت خداوند است؛ خداوند جهان را به ارادهٔ خود از عدم ایجاد می کند و به ارادهٔ خود باقی می دارد و اگر ابقای خداوند نباشد، وجود عالم باطل و فاسد می شود؛ حال اگر عالم باقی می باشد، نتیجه اینکه خداوند هستی آن را ادامه می دهد. در مورد خلقت، مسیحیان به دو دسته تقسیم شدند. بعضی از جمله کلیسای کاتولیک، هیچ تضادی بین گفتارهای تمثیلی کتاب آفرینش و نظریهٔ داروین در علم تکامل نمی‌بینند؛ بعضی دیگر، نظیر کلیساهای بنیادگرای پروتستان، حاضر به هیچ سازشی در این زمینه نیستند و سعی در منع تدریس نظریهٔ تکامل در

مدارس می‌کنند.

**آفرینش از عدم**

**ابداع**

کلمات مربوط: Creation

**Credo** (Profession of Faith - Profession de foi)

کلمهٔ اول بیان اصول ایمان به زبان لاتین (”من ایمان دارم“). این کلمه برای خود متن بیان اصول ایمان به کار می‌رود. در آیین شب گذر که اعتقادنامهٔ دست جمعی خوانده می‌شود، از اول شخص جمع استفاده می‌شود: ”ما ایمان داریم“.

**اقرار ایمان**

**اعتقاد نامه**

کلمات مربوط: Apostles Creed – Symbol – Nicene Creed

**Cross**

Croix

نشان صلیب قبل از ظهور مسیحیت خارج از قلمرو مسیحیت، به عنوان نماد تزیین - با اشاره به معانی مذهبی یا فلسفی، نظیر ”سواستیکا“ در هند یا ”صلیب دسته‌دار“ در مصر- بود.

در حدود سال ۲۰۰م، صلیب نماد مسیحیان شد.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، ”صلیب“.

**صلیب**

**چلیپا**

**خاج**

کلمات مربوط: Crucifixion – Sign of the Cross

**Crucifix**

چلیپایی که روی آن مجسمهٔ عیسای مصلوب نصب می‌شود، که به یادکرد تصلیب مسیح است. کلیساهای شرق، چون روی رستاخیز مسیح تأکید می‌کنند، از تصویر عیسای روی صلیب پرهیز می‌کنند؛ در کلیسای لاتین به تصویر عیسی گاهی ابزار شکنجهٔ او را هم

اضافه می‌کنند، نظیر میخ و چکش.

**صلیب**(بامجسمه‌یاتصویر عیسی‌روی‌آن)

**چلیپا**(بامجسمه‌یاتصویر عیسی‌روی‌آن)

کلمات مربوط: Cross – Sign of the Cross

## Crucifixion

تصلیب مجرمین در یونان و روم باستان یک نوع کیفر متداول بود، بخصوص برای برده‌ها؛ این شکنجه بسیار رنج‌آور و تحقیرآمیز بود زیرا محکومین ساعت‌ها در برابر دید عابرین بر آن چوب آویزان شده، کم کم از خستگی می‌مردند. عیسی روی صلیب کشیده شد و مرد. هر مسیحی باید "صلیبش را بردارد" تا دنبال عیسی برود (لو۱۴: ۲۷). پولس می‌نویسد: «با مسیح مصلوب شدم» (غلا۲: ۱۹).

اعتقادبه‌نظریهٔ‌ظاهرباوری(Docetism) درخصوص‌تصلیب‌عیسی‌درمیان‌مسیحیان هیچ‌وقت‌پذیرفته‌نشد (ر.ک. Docetism).

**تصلیب**

کلمات مربوط: Cross – Docetism

## Cruets

Burettes

تُنگ‌های کوچک که در آن آب و شراب مورد استفاده در آیین سپاسگزاری را آماده می‌کنند.

**تُنگ**

## Crusades

Croisades

جنگ‌های صلیبی که بین ۱۰۹۵ و ۱۲۹۱م به استقرار یک پادشاهی لاتین (مسیحی) در فلسطین انجامید.

مجاهدت و جهاد در راه عقیده یا ایمان(معنی عام).

**جنگ صلیبی**

**مجاهدت**

## Curia Romana

Curie romaine

مجموعهٔ سازمان‌ها، دادگاه‌ها، دفاتر، و دبیرخانه‌هایی که در واتیکان، پاپ را در

انجام دادن وظیفهٔ خود یاری می‌کنند.

**امور دیوانی واتیکان**

**دیوانسالاری واتیکان**

کلمات مربوط: Pope

# D

## Damnation

محکومیت به عذاب همیشگی درعوض گناه است.

### عذاب الهی

کلمات مربوط: Predestination – Salvation

## Day of Atonement

Jour du Grand Pardon

ر.ک. Atonement.

## Day of Judgment

Jour du jugement

داوری واپسین روزی خواهد بود که عیسی در جلال باز می‌گردد؛ تنها پدر روز و ساعت آن را می‌داند و سخن نهایی را در آن زمان خواهد فرمود ولی قبل از آن روز، کلیسا باید رسالت نوید انجیل به همهٔ ملت‌ها را انجام داده باشد (مر۱۳: ۱۰ و ۳۲)؛ در آن روز، عدالت الهی بر تمام نافرمانی‌های مخلوقات پیروز می‌شود و محبت، مرگ را مغلوب می‌سازد. شناخت داوری واپسین، انسان را به توبه دعوت می‌کند، تا خدا "در لحظهٔ مناسب" ما را اجابت کند و ما را در "روز نجات" یاری دهد (ر.ک. ۲قرن۶: ۲).

### روز داوری

### روز بازخواست

کلمات مربوط: Last Day – Atonement

## Deacon / Deaconess

Diacre / Diaconnesse

**Gr.** *diakonos*: «خدمتگزار»

مقامی که از زمان کلیسای اولیه، برای خدمات مختلف، از جمله برای خدمت به فقرا و مریضان، به وجود آمد (ر.ک.

۱تیمو ۳: ۸-۱۳)؛ در ابتدا این مقام شامل زنان هم می‌شد (روم۱۶: ۱).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "خادم".

در ۱۹۶۷م، پاپ پل ششم «خدمت دائمی» را در کلیسای کاتولیک احیا کرد؛ این مقام طی مراسمی از طرف اسقف به مردان مجرد یا متأهل اعطا می گردد؛ وظایف خادمین دائم، بیشتر تعلیم و موعظه است.

در کلیساهای شرقی، شماسان نقش معینی در برگذاری آیین نیایش دارند.

از نیمهٔ دوم قرن بیستم، بعضی از کلیساهای پروتستان به دستگذاری زنان خادم پرداختند.

**شماس**

**مرد/ زن خادم**

کلمات مربوط: Deaconess – Diaconate - Servant

## Death

Mort

از دیدگاه مسیحیت، خدا، سرچشمهٔ حیات است و مرگ جسمانی، عاقبت گناه است که ارادهٔ خدا را رد می‌کند (پید ۳: ۱۹). کتاب حکمت به روشنی می‌گوید که خدا مرگ را نیافریده اما آن، نتیجهٔ گناه است (حک ۱: ۱۲-۱۵).

در سنت یهودیان، شخص مرده، به هاویه یعنی جایگاه مردگان فرو می رود؛ آنجا زندانی بدون امید به خروج و بدون هیچ ارتباطی با خدا و دنیای زندگان است. در عهد قدیم(عتیق)، امید به رستاخیز تنها با مرگ شهدا، به طور وضوح آشکار می‌گردد. خدا در عدالتش نمی‌تواند بپذیرد که این عادلان در ایمان بدون لغزش خود، از دریافت پاداش محروم بمانند؛ ایشان کشته شده‌اند و پاداش آنان نمی‌تواند زمینی باشد؛ پس باید یک حیات دیگری و یک پاداش و یک نیک بختی وجود داشته باشد که از آنِ این دنیا نباشد(ر.ک. ۲مک۷).

در عهد جدید، این رستاخیز مسیح است که ایمانی قاطع و تزلزل ناپذیر را به زندگی پس از مرگ، و جدایی بین

عادلان و گناهکاران توسط قضاوت مسیح در روز بازگشت پر جلال وی، بنیان می‌بخشد؛ از آن پس برای مسیحیان، مرگ طبیعی چیزی جز خوابی گذرا نیست که مسیح ما را از آن بیدار خواهد ساخت (مت ۹: ۲۴ ؛ یو ۱۱: ۱۱؛ اع ۷: ۶۰؛ ۱تس ۴: ۱۳-۱۴). به این ترتیب، تفاوت بین مرگ طبیعی و مرگ دوم، که همان مرگ نهایی و محکومیت گناهکاران جهنمی است (مکا ۲۰: ۱۴)، پدیدار می‌گردد.

تعمید که شرکت وسهیم گشتن در مرگ و رستاخیز مسیح می باشد (روم ۶: ۳-۴)، تولدی نوین است (یو۳:۵) که به مسیحیان، حیاتی جاودانی عطا می کند؛ حیاتی که مرگ جسمانی نمی تواند آن را از بین ببرد زیرا این حیات، مشارکت در زندگی خدا در عیسی مسیح است.

**مرگ**

**موت**

کلمات مربوط: Resurrection – Original Sin – Soul

## Debt

Dette

در دین یهود، رابطهٔ انسان با خدا شبیه وام گرفتن بود؛ با عمل نیک، انسان بدهی خود را پس می‌داد. عیسی نشان می‌دهد که دِین، قابل بازپرداخت نیست و نتیجتاً تنها خداست که وام را از بین می‌برد (مت۱۸: ۲۳-۳۵).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "قرض".

**دِین**

**بدهی**

**قرض**

کلمات مربوط: Sin

## Decalogue

مجموعهٔ احکامی که روی الواح سنگی حکاکی شد و از طرف خدا به موسی اعطا گردید (ر.ک. خروج ۲۰: ۱-۱۷ و تث: ۵: ۶-۲۱).«برای بر شمردن "ده" فرمان چندین روش وجود دارد: شمارش

ربی ها، آگوستین قدیس که نزد کاتولیک ها و لوتری ها متداول است؛ شمارشی که نزد ارتدکس ها و کلیساهای اصلاح شده رواج دارد»(برگرفته با تلخیص از: کتاب مقدس ترسایان، ترجمهٔ خاص؛ تورات، خروج۲۰:۱ ، زیرنویس متن).

**ده فرمان**

**احکام دهگانه**

کلمات مربوط: Commandment

## Dedication

Dédicace

آیین تقدیس کلیسا یا نمازخانه که توسط اسقف یا نمایندهٔ او به عمل می آید.

**تقدیس**

کلمات مربوط: Temple

## Deluge

داستان طوفان حضرت نوح (ر.ک. پید ۶). این سیل، نماد تعمید مسیحیان است (ر.ک. ۲پطر ۲: ۵ ، ۳: ۶).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "طوفان".

**سیل**

**طوفان نوح**

## Demon (Daemon) / Devil

Démon

نام فرشتگانی است که در اثر تکبراز مقام خود فرو افتادند؛ «مقام خود را حفظ نکردند، بلکه مسکن خود را برای داوری روز بزرگ ترک نمودند» و خداوند ایشان را «در زنجیرهای جاودانی، زیر ظلمات نگهداشته است.» (یهو:۶؛ ر.ک. ۲پطر۲: ۴). بین شیطان و ارواح پلید (دیوان) تفاوت وجود دارد؛ شیطان، فریب دهنده‌ای است که باعث مرگ انسان است (پید۳: ۱۹)، در صورتی که ارواح پلید، در برابر وحدت الهی، حالت تفرقه افکنی و اختلاف اندازی دارند.

در قدیم، برخی از بیماری های روانی و عصبی را نتیجهٔ عمل دیوها یا شیاطین می‌دانستند. در انجیل مرقس، عیسی دیوها را به سکوت وادار می‌کند؛ هویت الهی عیسی بر دیوها معلوم گشت. رویارویی عیسی با شیطان در انظار عمومی آشکار است و نشانهٔ قدرتی فوق‌العاده است (مر ۱: ۳۲-۳۴).

اسم این دیوها در کتاب مقدس به صورت زهره، بلیعال (وحش)، بعلزبول آمده است. در عهد جدید، عیسی مریضان جن‌زده را شفا می‌دهد و ارواح پلید را بیرون می‌کند (مر ۱: ۳۴-۳۹؛ لو ۶: ۱۸، ۷: ۲۱)؛ شاگردان هم به نوبهٔ خود این عمل را، با اقتداری که از عیسی دارند انجام می دهند (مر ۶: ۷ و ۱۳).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "ارواح پلید".

**دیو**

**ارواح پلید (شریر)**

کلمات مربوط: Lucifer – Satan – Exorcism

## Demythologization

Démythologisation

بررسی انتقادی طرز بیان مطالب کتاب مقدس به منظور تشخیص وتمییز محتوای ایمان وعباراتی که به وسیلهٔ آنها بیان شده است و بستگی به فرهنگ دوران و اسطوره‌های هر زمان دارد.

رودلف بولتمن (Rudolf Bultmann عالم آلمانی مکتب لوتر، ۱۹۷۶–۱۸۸۴م) در این روش تفسیر، پیشگام بوده است. در نظر مفسران دیگر، این بررسی انتقادی، تجزیه وتحلیلی به منظور تعیین اهداف آداب مذهبی یا درک چگونگی اعلام بشارت یا فهم هدف های اخلاقی است که در نوشتن هر قسمت از عهد جدید مورد نظر بوده است؛ نتیجه آنکه تا حد امکان دقیقاً تشخیص داده شود که گفتارها و اعمال عیسی چه بوده است. روش اسطوره‌زدایی بیشتر در کلیساهای جدید مورد استفاده قرار گرفت و کلیساهای دیگری بر آن هستند که اسطوره، یک

طرز بیان پر ثمری است در ابراز واقعیت‌های روحانی - در چهارچوب فرهنگی غیر یونانی - و زدودن آن برای فهم نوشته‌های مقدس لازم نیست.

کاتولیک‌ها نظریهٔ بولتمن را با تردید تلقی می‌کنند زیرا گرایش او بر این بود که عیسی را به عنوان اسطوره مطرح کند؛ حال آنکه انجیل چهارگانه گفتار تاریخی نیست، بلکه تأملی است در بارهٔ راز عیسی.

**اسطوره زدایی**

کلمات مربوط: Formgeschichte – Myth

## Denomination

Confession

هر کدام از شاخه‌های مسیحیت که در تشکیلات خاص کلیسایی قرار دارند.

**فرقه**

**مذهب**

**سازمان مذهبی**

کلمات مربوط: Confession (2)

## Deposit

Arrhes

خلاف تضمین و گرو که پس از پرداختن بدهی پس داده می‌شود، «بیعانه» قسمتی از ارزش کلی موضوع معامله است و ضمانتی است به اینکه کل مبلغ بعداً پرداخت خواهد شد؛ به همین‌گونه موهبت روح‌القدس قسمتی از میراثی است که وعده داده شده است و پرداخت تمام آن را در پایان روزگار تضمین می‌نماید. ر.ک. ۲قرن۱: ۲۲؛ ۵: ۵؛ افس۱: ۱۴.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید "بیعانه".

**بیعانه**

**پیش پرداخت**

## Descent into Hell

Descente du Christ aux Enfers

نزول عیسی به جایگاه مردگان، قبل از رستاخیز (اعتقادنامهٔ رسولان).

**نزول به جایگاه مردگان**

کلمات مربوط: Hell – Apostles' Creed

## Deuterocanonical Books

Deutérocanoniques (écrits -)

**Gr.** *deuteros* = "دوم"

کتاب های الهام شده به زبان یونانی که وجود آنها در فهرست نوشته‌های «قانونی» مورد بحث قرار گرفت و کلیساهای جدید آنها را محترم می‌شمارند ولی جزو کتاب مقدس نمی‌دانند. این کتاب‌ها عبارتند از: «بخش هایی از استر»، «یهودیه بنت مراری»، «طوبیت»، «اول و دوم مکابیان»، «حکمت» ، «بن سیراخ»، «باروخ»، «نامهٔ ارمیا».

بعد از ویرانی معبد اورشلیم (۷۰م)، وقتی یهودیان متوجه شدند که مسیحیان بر روایت ترجمهٔ "هفتاد تنان" تکیه می‌کردند، کتاب‌های مذکور را از فهرست رسمی کتب مقدس بیرون کشیدند.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "متون بر حق متأخر".

**نوشته های برحق متأخر**

**نوشته های الهامی متأخر**

**الواح برحق متأخر**

کلمات مربوط: Apocrypha – Canon

## Devil

Démon / Diable

ر.ک. Daemon / Daimon.

## Diaconate

Diaconat

**Gr.** *diakonos* = "خادم"

درجهٔ نخستِ خدمت کلیسایی. اولین بار هفت نفر به عنوان خادمان کلیسا توسط حواریون انتخاب ودستگذاری شده بودند (اع ۶).

**خادمی**

**شماسی**

کلمات مربوط: Deacon – Ministry

## Dialogue (Ecumenical –)

Dialogue œcuménique

"گفتگو". برای موضوع گفتگو بین کلیساهای مختلف.

ر.ک. Ecumenism.

**گفتگو**

## Dialogue (Interreligious –)

Dialogue interreligieux

عیسی از صحبت با رومیان غیر یهودی پرهیز نمی‌کرد و حتی از ایمان سنتوریون (اصطلاحی برای یک افسر در روم باستان که بر صد سرباز فرمان می داد)، تجلیل کرد (مت ۸: ۵-۱۳)؛ همچنین عیسی از محبت مرد سامری نیز تجلیل کرد (لو ۱۰: ۲۹ و بعد) و با زن سامری وارد گفتگوی عمیق دینی شد (یو ۴).

**گفتگو**

**دیالوگ**

کلمات مربوط: Pluralism - Good Samaritan

## Diaspora

**Gr.** *diaspora* = "پراکندگی" (یو۷: ۳۵)

یهودیان پراکنده در میان اقوام دیگر، از زمان تبعید به بعد.

به معنی عام‌تر: پراکندگی اعضای یک ملت در میان ملت‌های دیگر.

**پراکندگی یهودیان در دنیا**

**جماعت یهودیان پراکنده**

**پراکندگی**

## Dicasterium

Dicastère

**Gr.** *dikasterion* = "دادگاه"

"اداره" در واتیکان.

**دیکاستریوم**

## Didakhe

**Gr.** *didachè* = "تعلیم"

رسالهٔ تعلیمات رسولان که نویسندهٔ آن گمنام است و حدوداً متعلق به اواخر قرن اول تا اوایل قرن دوم میلادی است؛ نسخه ای از آن در قرن نوزدهم میلادی پیدا و منتشر گردید؛ این رساله، طرز زندگی و ایمان در اولین جوامع مسیحی را نشان می دهد.

**کتاب دیداخه** (تعلیمات رسولان)

**کتاب تعلیم**

## Didascalia Apostolorum

کتابی است که در قرن سوم میلادی به زبان سریانی نگاشته شده است و احتمال می رود که اصل آن یونانی بوده باشد اما خود را نوشتهٔ رسولان و متعلق به زمان شورای اورشلیم (۴۸ یا ۴۹ میلادی) معرفی می کند (ر.ک. اع ۱۵:۵ به بعد)؛ متن آن، اعتقاد نامهٔ رسولان است در رد برخی از بدعت های دینی.

**تعلیمات رسولان** (کتاب)

## Diocese

Diocèse

**Gr.** *dioikesis* = "منطقهٔ اداری"

منطقهٔ کلیسایی که اسقف بر آن سرپرستی می‌کند.

**حوزهٔ اسقفی** (مربوط به کلیسای غرب)

**اسقف نشین**

**قلمرو اسقف**

کلمات مربوط: Bishop – Parish – See – Local Church – Eparchy

## Disciple

آن که به حرف استاد گوش می‌دهد. در انجیل، رسول با شاگرد به وضوح از یکدیگر تشخیص داده نمی شوند؛ شاگرد در اغلب موارد با شخص «ایمان آورده» مترادف است. رسولان از میان شاگردان، برگزیده شدند: «وقتی روز فرارسید، شاگردانش را فراخوانده و از میان آنان دوازده تن برگزید، آنانی را که رسول خواند...» (لو۶: ۱۳).

**پیرو**

**حواری**

**شاگرد**

کلمات مربوط: Apostle

## Disparity of Worship

Disparité des cultes

درموازین حقوقی کلیسای کاتولیک و بعضی از کلیساهای دیگر، اختلاف مذهب مانع ازدواج می‌گردد. عضو کلیسای

کاتولیک فقط با اجـازهٔ اسقف با شخص تعمید نیافته می‌تواند ازدواج کند؛ در این صـورت، از شخص غیر مسیحی تعهد گرفته می‌شود که مانع شرکت همسر خود در آیین کلیسا و تربیت مسیحی فرزندان نشود و اینکه باید از طلاق چشم پوشی کند.

**اختلاف مذهب**

کلمات مربوط: Dispensation

## Dispensation

Dispense

در کلیسای کاتولیک، معافیت استثنایی از اجـرای بعضی از مقررات قانون مذهبی کلیساست؛ مثلاً در مورد ازدواج شخص کاتولیک با غیر مسیحی یا در مورد ازدواج کسی که قبلاً تعهد تجرد و رهبانیت داده است.

**رفع مانع قانونی**

**معافیت قانونی**

کلمات مربوطه. Canon Law – Disparity of Worship

## Divine Person

Personne divine

هر یک از اشخاص سه‌گانهٔ اقدس (پدر، پسر، روح‌القدس).

**اقنوم** (جمع "اقانیم")

کلمات مربوط: Hypostasis – Trinity

## Docetism

Docétisme

**Gr.** *dokesis* = "ظاهر سازی"

طبق این نظریهٔ باطل (که در محافل گنوستیک Gnosticism به وجود آمده است و در اسلام رایج است)، عیسی مسیح فقط به ظاهر جسم داشته، بنابراین شکنجه و آزار ندیده است و در واقع نمرده است.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "دوستیزم".

**نظریهٔ ظاهرباوری**

**بدعت دوستیزم/ دوستیسم**

کلمات مربوط: Gnosticism

## Doctors of the Church

Docteurs de l'Église

**Lat.** *doctor* = "علامه"

عنوانی است که رسماً از طرف کلیسا به قدیسانی داده شده است که عقاید و نظریات الهی‌شان مؤمنین را منور می‌سازد. بعضی از این قدیسان زن بودند؛ "نظیر ترزا ده آویلا" و "ترز دو لیزیو".

**دانشمندان برجستهٔ کلیسا**

کلمات مربوط: Fathers of the Church

## Doctrine

**Lat.** *docere* = "تعلیم دادن"

آنچه رسماً در یک مکتب (کلیسا) تعلیم می‌دهند و مورد تأیید می‌باشد.

**آموزه**

**اصول عقاید**

کلمات مربوط: Dogma

## Dogma

Dogme

تعلیم رسمی که کلیسا بر صحت آن تأکید دارد.

**اصل جزمی**

**عقیدهٔ جزمی**

**اصول ایمانی**

کلمات مربوط: Doctrine

## Dogmatics

Dogmatique (n.)

کلیهٔ عقاید و نظریات دینی که به صورت مجموعه ای گردآوری شده باشد.

**اصول دین**

## Dogmatism

Dogmatisme

قاطعیت افراطی و سماجت در بیان اصول دین.

**جزم‌اندیشی**

**قاطعیت مکتبی**

کلمات مربوط: Fundamentalism

## Dormition of the Virgin Mary

Dormition de la Vierge

عبارت رایج در کلیساهای شرقی برای مرگ مریم، بَر شدن او به آسمان.

**غنودن مریم عذرا**

کلمات مربوط: Assumption

## Doxology

Doxologie

**Gr.** *doxa* = "جلال" + *logos* = "سخن"

جملهٔ حمد کوتاهی که در نیایش تکرار می‌شود، نظیر «خداوند ما تا به ابد متبارک باد!». از این اصطلاحات در نیایش یهودیان فراوان بود و پولس، در نامه‌هایش از آنها دائم استفاده می‌کند ر. ک. مثلاً روم۱۱: ۳۶ «زیرا همه چیز از او، بوسیلهٔ او و به خاطر او است. شکوه بر او به روزگاران و روزگاران باد! آمین.» (ر.ک. غلا۱: ۵ ؛ افس۳: ۲۱ و غیره).

**مدح جلال**(خداوند)

**ستایش**

**حمد**

کلمات مربوط: Eulogy

## Dulia

Dulie

**Gr.** *douleia* = "خدمت"

درکلیسای قدیم، عبادت و پرستش خداست به وسیلهٔ احترامی که نسبت به قدیسان و نیز شمایل مقدس گذاشته می شود و ستایشی که کرده می شود.

**خدمت و زیارت قدیسین**

کلمات مربوط: Adore(to) – Worship

## Dyophysitism - Dyophysite

Dyophysisme

**Gr.** *dyo* = "دو" + *physis* = "سرشت، طبیعت"

طبق نظریهٔ نسطوریوس، عیسی کاملاً انسان است و کاملاً الهی است و هیچ کدام از دو سرشت دخالتی در دیگری ندارد.

اعتقاد به وجود هماهنگی دو سرشت الهی – انسانی، "بدون ادغام، بدون تعویض، بدون تقسیم، بدون تفریق" ولی در اتحاد کامل در شخص واحد مسیح؛ این اعتقاد در شورای اسقفان کالسدون (Chalcedon) در ۴۵۱م تعریف شد؛ این اعتقاد در برابر نظریهٔ "تک‌سرشتی" قرار دارد.

### آموزه دو طبیعت

### عقیدهٔ دو سرشت

کلمات مربوط: Monophysitism – Nature – Chalcedon

## Dyothelitism / Dyotheletism

Dyothélisme / Dyothélétisme

**Gr.** *monos* = "یگانه" + *thelein* = "اراده داشتن"

نظریهٔ رسمی ششمین شورای جهانی اسقفان در قسطنطنیه (۶۸۱م): چون عیسی تماماً انسان است و تماماً خدا، دو ارادهٔ معین و مشخصی دارد، هر چند که هر دو اراده در هدف‌های واحد متفق باشند.

### نظریهٔ دو اراده داشتن

للمات مربوط: Dyophysitism – Mono-thelism

**E**

## Easter

Pâques

عیدی که برای قوم یهود یادگار رهایی از بردگی در سرزمین مصر و عبور از دریای سرخ است (یهودیان آن را پسخا می‌نامند. ر.ک. خروج ۱۲، ۱۳، ۱۴). برای مسیحیان - اضافه بر معنای جشن قدیم یهودیان -، یادگار رستاخیز عیسی از میان مردگان، در روز سوم بعد از مرگ روی صلیب؛ می‌باشد. بزرگترین عید مسیحیان است و آیین‌های با شکوهی را برای بزرگداشت آن در شب یکشنبه برگذار می‌کنند. معمولاً در عید گذر است، یعنی در رابطهٔ مستقیم با یاد مرگ عیسی و رستاخیزش می باشد، که نوگرویده‌ها را تمعید می‌دهند (ر.ک. روم ۶). تاریخ این عید در تقویم یهودیان، روز ۱۴ برج نیسان است، اولین ماه فصل بهار، ولی برای مسیحیان اولین یکشنبه بعد از اولین بدر ماه (شب چهاردهم) بعد از شروع فصل بهار می باشد؛ در این صورت، برای کلیساهای غرب (کاتولیک یا پروتستان)، عید گذر می‌تواند بین ۲۲ مارس (۲ فروردین) تا ۲۵ آوریل (۶ اردیبهشت) باشد. مسیحیان ارتدکس چون تقویم قدیمی دارند، در تاریخ دیگری عید گذر را برگزار می‌کنند.

"عید پاک"، نامی است که از فرانسه اقتباس شده است و "فصح"، از زبان عبری است. برای مسیحیان، این عید را می‌شود "روز رستاخیز" نامید.

### عید گذر

کلمات مربوط: Bread – Paschal Lamb – Resurrection – Sunday

## Ebionites

**Heb.** *evionim* = "فقرا"

یک فرقهٔ یهودی گرا در قرون اولیه؛ آنان عیسی را یک نبی برجسته می‌پنداشتند که معجزه‌ها کرده است و به خاطر پارسایی استثنایی اش، خدا او را به فرزندی قبول کرده است. عقاید ابیونی‌ها بی‌شباهت با برخی از عقاید مسلمانان و گرایشات صوفیانه به زهد و فنا نیست.

**ابیونی‌ها**

کلمات مربوط: Gnosticism

## Ecclesiastes

Ecclésiaste

**Heb.** *Qoheleth* = "جامعه"

کتابی از مجموعه کتاب های عهدقدیم(عتیق) که البته جزو تورات یهودیان نیست. در ترجمهٔ «هفتاد تنان»، کلمهٔ Ecclesiastes معادل یونانی آن است؛ معادل عبری Qoheleth می باشد که امروزه عنوان این کتاب است. نباید این کتاب را با «بن سیراخ» که اغلب آن را (Ecclésiastique) Ecclesiasticus می نامند اشتباه گرفت.

**کتاب جامعه**

## Ecclesiastic

Ecclésiastique

کشیش یا خادم دستگذاری شدهٔ کلیسا.

**خادمین کلیسا**

## Ecclesiastical

Ecclésial

مربوط به کلیسا.

**کلیسایی**

کلمات مربوط: Church – Communion – Church

## Ecclesiastical Body

Corps ecclésial

استعاره ای به معنی مجمع ایماندارانی که کلیسا را تشکیل می‌دهند و در مجمع

اسقفان صورت می‌گیرد، که سر آن عیسی است (افس۵: ۲۳).

**پیکر کلیسا**

**کالبد کلیسایی**

کلمات مربوط: Synod – Church – Mystical Body – Synode

## Ecclesiasticus

Ecclésiastique

نامی است که به کتاب بن سیراخ حکیم داده می‌شود، نوشته‌ای از کتاب‌های برحق متأخر عهد قدیم (عتیق) که فقط در روایت یونانی، به دست ما رسیده است.

ر.ک. Bible – Ecclesiastes

**کتاب بن سیراخ**

## Ecclesiocentrism

Ecclésiocentrisme

کلیسا را مدار همه چیز قرار دادن.

**کلیسا محوری**

## Ecclesiology

Ecclésiologie

بخشی از علم الهیات که در مورد حقیقت کلیسا می‌باشد. در قرن سوم میلادی، در برابر انحراف‌های عقیدتی، شوراهای اسقفی در پی تعریف کلیسا به عنوان یک جامعهٔ واحد و جهانی اما رسولی برآمدند، چون کلیسا ایمان خود را از سنت رسولان دریافت کرده بود.

**کلیسا شناسی**

کلمات مربوط: Church

## Economy of Salvation

Économie du salut

از ریشه یونانی oikonomia، تدبیر خدا برای خلقت جهان و انسان، بخصوص طرح نجات توسط عیسی است. هر وسیله برای اجرای امر خدا (ر.ک. افسس۳: ۹). بعد از پنتیکاست، تدبیر نجات به وسیلهٔ هماهنگی روح و

کلیسا به آیین تبدیل شد.

**تدبیر نجات**

**نقشهٔ نجات**

**تدارک نجات**

کلمات مربوط: Salvation – Synergy

## Ecstasy

Extase

ر.ک. Holy Spirit.

**وجد**

## Ecumenical

Œcuménique

در اصل، یعنی "جهانی"، جامع؛ به طور خاص، صفت نهضت تقریب بین کلیساهاست.

صفت پاتریارخ قسطنطنیه (استانبول)، به عنوان جهانی بودن قلمرو روحانی او. در ۳۸۱م، دراولین شورای اسقفان قسطنطنیه، مقام والای افتخاری به اسقف این شهر داده شد، بلافاصله بعد از اسقف رم، زیرا قسطنطنیه شهرت "رم جدید" را پیدا کرده بود.

**بین کلیسایی**

**جهانی**

**همگانی**

کلمات مربوط: Ecumenism – World Council of Churches – Patriarchate

## Ecumenical Councils

Conciles œcuméniques

شوراهای جهانی اسقفان. هفت شورای اولیه که مشترکاً مورد قبول کلیسای ارتدکس و کاتولیک (منهای کلیساهای شرق) هستند به این ترتیب می باشند:

۱) شورای اول نیقیه، ۳۲۵م؛

۲) شورای اول قسطنطنیه، ۳۸۱م؛

۳) شورای افسس، ۴۳۱م؛

۴) شورای کالسدون، ۴۵۱م؛

۵) شورای دوم قسطنطنیه، ۴۵۳م؛

۶) شورای سوم قسطنطنیه، ۶۸۰-۶۸۱م؛
۷) شورای دوم نیقیه، ۷۸۷م؛

آخرین شوراهای اسقفان کلیسای کاتولیک عبارتند از: شورای ترنت (Trente) بین ۱۵۴۵ - ۱۵۶۳م؛ واتیکان اول در سال‌های ۱۸۶۹-۱۸۷۰م(که به خاطر جنگ بین آلمان و فرانسه متوقف شد و نافرجام ماند)؛ و شورای واتیکان دوم در سال های ۱۹۶۲ - ۱۹۶۵م.

**شوراهای جهانی اسقفان**

کلمات مربوط: Council

## Ecumenism

Œcuménisme

**Gr.** *oikoumen* = "قسمت آباد شدهٔ دنیا"

مسیحیت شامل سه شاخهٔ بزرگ است: کلیسای کاتولیک، کلیساهای ارتدکس و کلیساهای پروتستان (اصلاح شده). در خاورمیانه و آسیا، کلیساهای محلی دارای سنت قدیمی اند؛ بعضی مستقلند (نظیر کلیسای ارمنی) و برخی در مشارکت با رم یا یکی از شاخه‌های بزرگ مسیحیت می باشند (نظیر کلیسای آشوری کلدانی که وابسته به کلیسای کاتولیک است). این کلیساها، سنت‌های خاص خود را حفظ کردند.

از اواخر قرن نوزدهم میلادی، در میان کلیساهای پروتستان، بخصوص در آمریکا، نهضتی آغاز شد که هدف آن اتحاد مسیحیان بود. گفتگو بین کلیسای کاتولیک و برخی از کلیساهای پروتستان از اوایل قرن بیستم میلادی شروع گردید و بعد از جنگ جهانی دوم به طور عمیق‌تر و در سطح عالی برگذار شد. در تەزه (Taizé در فرانسه) راهبان پروتستان و کاتولیک با کوشش فراوان، ارتباط شخصی و نهادی بین کلیساها ایجاد کردند. در شورای جهانی کلیساها (ژنو، سوئیس)، ارتباط دائم بین کلیساها از۱۹۴۸م به بعد برقرار گردیده است. در شورای اسقفی واتیکان دوم (۱۹۶۲

-۱۹۶۵م)، کلیسای کاتولیک گام‌های مهمی در جهت رابطهٔ دوستانه بین ایمانداران همهٔ ادیان برداشت، بخصوص با برادران مسیحی پروتستان و ارتدکس. نهضت وحدت‌گرایی فقط در میان مسیحیان معنی دارد. گفتگوی مسیحیان با مسلمانان یا ایمانداران ادیان دیگر به گفتگوی بین ادیان اطلاق می‌شود.

**وحدت گرایی**

**جنبش همگرایی (بین کلیساها)**

کلمات مربوط:Christianism – Ecumenical – World Council of Churches – Dialogue – Pluralism

موارد متعدد این تجربه را بیان می‌کند: «چون نیایش کردند، جایی که در آن جمع شده بودند تکان خورد و همگی ایشان سرشار از روح القدس شده و سخن خدا را با اعتماد به نفس اعلام می‌کردند» (اع۴: ۳۱). روح القدس نیروی رسالت به جامعه عطا می‌کند؛ به این فیضان اسم ”تعمید در روح القدس“ دادند؛ برخی از کلیساهای جدید آن را برابر تعمید در آب دانستند.

**فیضان روح القدس**

کلمات مربوط: Holy Spirit – Baptism – Pentecost

## Effusion

تجربهٔ پر شدن از روح القدس. فیضان روح القدس بر کسی که نیروی شهادت بر ایمان در خود پیدا می‌کند، به حدی که اطرافیانش آن را درک می‌کنند؛ نمونهٔ این فیضان در روز پنتیکاست بر رسولان ظاهر شد (اع۲: ۱ و بعد). کتاب اعمال رسولان

## Election

تعیین قومی یا شخصی توسط خدا، برای نجات.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، ”برگزیدن“.

در عهد جدید عیسی، خادم خدا و برگزیدهٔ خدا نامیده می‌شود: «صدائی از ابر رسید که می‌گفت: ”این است پسر

من، آن برگزیده: به او گوش فرا دهید!''» (لو۹: ۳۵). ر.ک. یو۱: ۳۴. به همین نحو عیسی است که رسولان را انتخاب می‌کند (و نه رسولان عیسی را)، ر.ک. یو۱۵: ۱۶؛ و کلیسا، برگزیدهٔ خداست و هیچ قدرتی از خود ندارد بلکه قدرتش از عیسی فیضان می‌یابد.

ایمانداران در کلیسا وارث این انتخاب الهی‌اند؛ همه دعوت شده‌اند، «بسیاری خوانده شده‌اند و اندکی برگزیده» (مت۲۲: ۱۴).

در قرون اولیه، جامعهٔ مسیحیان یک محل در گزینش اسقف نظر می‌دادند؛ انتخاب اصلی، معمولاً دست مسئولین کلیسا بود، در کلیساهای شرق در اختیار مجمع مشاورهٔ اسقفی؛ در بعضی کشورها در اروپا، پیمان بین دولت و کلیسا مقررات انتخاب اسقفان را تعیین می‌کند.

## برگزیدگی

للمات مربوط: Saint – Predestination – Covenant – Clergy – Jansenism – Concordat

## Elevation

Élévation

در آیین‌های سپاسگزاری کلیساهای شرقی، کشیش نان تقدیس شده را بالا برده، می‌گوید «آنچه مقدس است، از آنِ مقدسین باد».

در کلیساهای غرب، این عمل بالا بردن نان و شراب (تن و خون خداوند)، بلافاصله بعد از تقدیس انجام می‌گیرد، و نیز بار دیگر قبل از دعای ''ای پدر ما''، همراه با سخنان «از راه مسیح، به همراه مسیح، در پیوند با مسیح، تو را ای خدا، پدر پر توان، در اتحاد روح القدس، حرمت و جلال تا ابد الاباد، آمین»؛ به این بالا بردن مجدد نان و شراب (تن و خون خداوند)، بالا بردن کوچک نام داده‌اند.

از قرن دوازدهم میلادی به بعد، کلیسای غرب اهمیت خاصی به عمل بالا بردن و به پرستش نان و جام شراب تقدیس شده، در حین دعای سپاسگزاری قائل شد؛ در

آن لحظه مسیحیان، زانو زده یا ایستاده در حالت احترام، نگاهی به نان و به جام شراب تقدیس شده انداخته، به نشان احترام خاص، خم می‌شوند.

**بالا بردن نان وجام مقدس**

**برافراشتن (نان وجام مقدس)**

## Elohim

ر.ک. Yahveh.

## Encyclic / Encyclical

Encyclique

«به شکل دایره» **Gr.** *encyclios*

رسالهٔ پاپ یا پاتریارخ به کلیسا. بیانیه یا نامهٔ رسمی که از پاپ خطاب به همهٔ مسیحیان کاتولیک صادر می شود، به صورت فرمان مسجل و مهروموم شده است (Bull) یا به صورت رساله های رسمی همگانی با محتوای عقیدتی و معنوی خاص، در مورد یکی از مسائل مربوط به ایمان یا زندگی مسیحیان کاتولیک.

**رسالهٔ پاپ**

**نامهٔ رسمی پاپ**

کلمات مربوط: Bull

## End of Times

Fin des temps

تاریخ نجات به دوران‌هـای مختلفی تقسیم شده است. بعد از دوران وعده، با آمدن عیسی دوران تحقق و انجام رسیده است؛ دوران پایانی، با رستاخیز مسیح شروع شده است (۱قرن۱۰: ۱۱).

ر. ک. فرهنگ عهد جدید، "آخر جهان"، "زمان".

زمـان آخـر، یعنی زمـان مأموریت روح القدس و کلیسا، بعد از رستاخیز؛ این زمان، با روز فرجامین فرق می‌کند

که روز رستاخیز همگان و داوری است (یو۶: ۳۹).

**زمان آخر**

**دوران پایانی**

کلمات مربوط: Eschatology – Apocalypse – Lord's Day – Parousia – Promise

## Energy

Energie

''انرژی'' یا ''نیرو''، اینجا در قلمرو فیزیک نیست بلکه چیزی قوی‌تر از عمل است که به توانایی در زندگی، زندگی خدای زنده و روح القدس اشاره می‌کند. هر وقت نیروی انسان که سرچشمهٔ آن روح باشد با نیروی خدا هماهنگ شود، نیروی هماهنگ نامیده می‌شود. آیین نیایش، همان نیروی هماهنگ روح القدس و کلیساست. روح القدس به سه شیوه در ما عمل می‌کند: نزد ما، به مسیح شهادت می دهد (او را آشکارمی سازد). ر.ک. یو ۱۵:۲۶؛ مارا به تن پر جلال خداوند تبدیل و دگرگون می‌کند. ر.ک. فی ۳:۲۱؛ ما را در اتحاد مسیح با پدر شریک می‌سازد. ر.ک. یو ۱۷:۲۱.

**نیرو**

**عمل روح القدس**

کلمات مربوط: Synergy

## Entry

Entrée

در آیین نیایش کلیسای شرقی دو مرحلهٔ مختلف، ''ورود'' نامیده می‌شوند:

ورود کوچک در قسمت اول نیایش (که برای تعمیدخواستگان آزاد است)، وقتی شماس با قرائت انجیل وارد می‌شود، آن‌را به کشیش نشان می‌دهد و روی مذبح می‌گذارد؛

ورود بزرگ در قسمت خاص تعمید-یافتگان، زمانی است که شماس وارد قربانگاه شده، با بخور دادن هدایا (نان و شراب برای دعای سپاسگزاری)،

آنها در کلیسا گردانده می شوند و سرود خوانده می شود.

**ورود**

## Eparchy

Éparchie

در اصل، یکی از قسمت‌های اداری در امپراتوری روم بوده است؛ امروزه، منطقهٔ زیر نظر اسقف در کلیساهای شرق می باشد.

**حوزهٔ اسقفی**(مربوط به کلیسای شرق)

**قلمروی اسقف**

**اسقف نشین**

کلمات مربوط: Diocese

## Epiclesis

Épiclèse

**Gr.** *epi* = "روی" + *kaleo* = "خواندن، صدا کردن"

نیایش درخواستی از پدر تا روح القدس را فرستاده، رازهای هفتگانهٔ کلیسا را عملی سازد؛ هر راز با این دعا برای نزول روح القدس شروع می‌شود: "در راز ازدواج روی عروس و داماد، روی شخص مستغفر در راز آشتی، روی نان و شراب تقدیم شده در آیین سپاسگزاری". این فراخوان مدار اصلی آیین تقدیس و برافرازی است. خادمین دستگذاری شده، که در خدمت روح قادرند، اصولاً خادم فراخوان روح هستند. در فراخوان روح، پرقدرت‌ترین هماهنگی روح و کلیسا انجام می‌شود.

**نیایش طلب نزول روح القدس**

**فرا خوان روح القدس**

کلمات مربوط: Synergy – Anamnesis – Anaphora – Paraclete – Institution (of the Eucharist) – Holy Spirit

## Epiphany

Épiphanie

**Gr**. *epi-phaino* = "به نور ظاهر شدن"

**۱)** مفهوم اصلی، پدید آمدن و ظاهر شدن در روشنایی است. زیارت عیسی توسط سه مجوسی در بیت لحم، تعمید عیسی، اولین نشانهٔ عیسی در عروسی قانا، تجلی عیسی بر سه تن از شاگردانش فراز کوه، و ظهور عیسی به شاگردان بعد از رستاخیز؛ از مراحل ظهور عیسی به عنوان مسیح است.

**۲)** جشن ظهور عیسی که دو هفته بعد از جشن میلاد می‌گیرند (۶ ژانویه / ۱۷ دی یا یکشنبهٔ بعد از آن). در این فصل، هنگامی که نور آفتاب مجدداً بر تاریکی زمستان غلبه پیدا می‌کند، مسیحیان "جشن نور" می‌گرفتند؛ در آن روز، کلیسای لاتین از "مجوسیان" یادآوری می‌کند که دنبال ستاره رفته، عیسای نوزاد را می یابند (مت ۲)؛ بدین معنی، فرزانگان جهان هم به حضور مسیح پذیرفته می‌شوند و اقوام غیر یهود در طرح نجات وارد می‌شوند.

در کلیساهای شرق، آن روز جشن تعمید عیسی است و آن را جشن تجلی می‌نامند، یعنی ظاهر شدن او به عنوان "پسر محبوب" و ظاهر شدن روح خدا و رابطهٔ فرزندی عیسی با خدای پدر (مت۳: ۱۳-۱۷)؛ در همین روز کلیساهای شرق، تبرک آب توسط عیسی را جشن می‌گیرند.

**ظهور**

کلمات مربوط: Transfiguration – Baptism – Christmas – Theophany

## Episcopal

**۱)** آنچه مربوط به اسقف است.

**۲)** آنچه مربوط به کلیسای انگلیکان است در شاخه‌های خارج از انگلستان، نظیر ایالات متحدهٔ آمریکا. کلیسای «اسقفی» آن است که خلاف کلیساهای دیگر (از جمله « پرسبیتریان » Presbyterian)، سلسله مراتب اسقفان و تواتر رسولی را

حفظ کرده‌اند.

**اسقفی**

کلمات مربوط: Anglicanism – Bishop – Presbyterian

## Episcopal Conference
(Bishops' Conference)

Conférence épiscopale

در کلیسای کاتولیک بعد از شورای اسقفان واتیکان دوم، هیأتی مشورتی است تحت نظر پاپ، متشکل از اسقفانی از سراسر یک کشور یا یک ناحیهٔ جغرافیایی.

**مجمع اسقفان**

**هیأت اسقفان**

کلمات مربوط: Bishop – College – Council – Synod

## Episcopate

Épiscopat

خدمت اسقفی، یا مدت این خدمت برای یک شخص.

**مقام ومنصب اسقفی**

کلمات مربوط: Bishop – College of the Bishop – Hierarchy

## Episcopos

کلمهٔ یونانی به معنی ''اسقف''.

ر.ک. Bishop.

## Epistle

Épitre

**Gr.** *epistellein* = ''خبر فرستادن''

نوشته‌های نسبتاً کوتاهی که رسولان به مسیحیان شهرهای مختلف می‌فرستادند و محتوای عقیدتی و تعلیمی دارند، و بعد از انجیل چهارگانه و اعمال رسولان، در عهد جدید گنجانده شدند؛ این نامه‌ها عبارتند از: نامه‌های پولس(رومیان، قرنتیان ۱ و ۲، غلاطیان، افسسیان، فیلیپیان، کولسیان، تسالونیکیان ۱ و ۲، تیموتاوس ۱ و ۲،

تیطس، فیلمون)؛ نامه به عبرانیان (منسوب به پولس)؛ نامه‌های یعقوب، پطرس (۱ و ۲)، یوحنا (۱، ۲ و ۳)؛ نامهٔ یهودا.

**رساله**

**نامه**

کلمات مربوط: New Testament

## Eschatological

Eschatologique

ر.ک. Eschatology.

**آخرتی**

**آخرت‌شناختی**

**معادشناختی**

## Eschatology

Eschatologie

**Gr.** *eschata* = "آخرت" + *logos* = "سخن"

گفتاری در ارتباط با زمان آخر، ایام آخر یا روز داوری؛ برای مسیحیان، آخرزمان یا مرحلهٔ آخر زمان با آمدن عیسی یا رستاخیز او آغاز شده، با آمدن پر جلال او به اتمام خواهد رسید.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "آخرت جهان"، "آخرت‌شناسی".

**آخرت شناسی**

**پایان شناسی**

**معادشناسی**

للمات مربوط: End of Times – Millenarianism – Parousia – Revelation

## Essence

ر.ک. Substance.

## Essenes

Esseniens

یهودیانی بودند که به مانند راهبان، به نشانهٔ اعتراض به کهانت یهودیان، دور از شهر و درکنار بحرالمیت می‌زیستند. پس از اینکه در ۱۹۴۷م دست نوشته‌هایی در «قمران» کشف گردید، اطلاعات

بیشتری راجع به نظریات آنان به دست آمد؛ این فرقه تحت سرپرستی کاهنی بودند که او را «استاد حقیقت» می‌نامیدند واز سایر یهودیان جدا شده بودند زیرا معتقد بودند که آنها در امور دینی جوش و حرارت کافی ندارند؛ اسنیان هر روز غسل تطهیر می‌گرفتند و روزگار خود را به دعا کردن وتفکر وتعمق در بارهٔ نوشته‌های مقدس می‌گذراندند و برای فرا رسیدن سلطنت الهی، آماده می شدند. در میان متون به دست آمده از آنها، نسخه‌های متعدد کتاب اشعیای نبی پیدا شد. یحیی(یوحنا تعمید دهنده) احتمالاً با اسنیان همبستگی داشت. رومیان در ۷۰م صومعهٔ آنان را خراب و با خاک یکسان کردند. اسنیان در عهد جدید ذکر نشده اند ولی با مسیحیت وجه مشترکی دارند، مثلاً مانند مسیحیان، آنها نیز دوران آخر را انتظار می کشیدند.

ر.ک فرهنگ عهد جدید، "اسنیان".

**اسنیان**

## Estrangelo / Estrangela

خط قدیمی سریانی (قرن پنجم میلادی) کـه در آن، کلمات را بهم پیوسته می‌نوشتند.

**استرانگلا**

## Eternity

Éternité

کیفیت آنچه نـه شـروع و نـه پایانی داشته باشد. به طور مطلق فقط خدا که جهان را آفریده است، جاودان است. در آخرت‌شناسی مسیحی، زندگی جاودان در واقع، ابتدای زمانی دارد ولی ابدی است، خلاف ازلیت روح در مکاتب فلسفی یونانی. چیزی نیست که ذاتاً متعلق به فردی باشد ولی توسط فیض خداوند و به وسیلهٔ رستاخیز به ما عطا می‌شود.

ر.ک. فرهنگ عهد جـدیـد، "زنـدگـی"، "ابدی / جاودان".

زندگی تعمید یافتگان، اگر در ایمان

استوار باشند، به زندگی جاوید استحاله پیدا می‌کند.

**ابدیت**

**از ازل تا ابد**

**جاودانگی**

کلمات مربوط: End of Time – Everlasting

## Eucharist

Eucharistie

**Gr.** *eucharistia* = ”شکرگزاری“

یهودیان در تناول نان فطیر عید فصح، یک نیایش سپاسگزاری به خاطر آزادی از بردگی مصر می‌خواندند (خروج ۱۲: ۳۴، ۳۹). هنگام تکه کردن نان در شام آخر، عیسی از پدر سپاسگزاری می‌کند. سپاسگزاری قسمت اصلی قربانی مقدس و مدار زندگی کلیسا می‌باشد. از قرن دوم میلادی به بعد، کلمهٔ ”سپاسگزاری“ در مورد تن و خون خداوند (نان وشراب تقدیس شده) به کار رفته است؛ گاهی اصطلاحاتی نظیر ”عشای ربانی“، ”قربانی مقدس“ یا ”راز نان و جام“ گفته می‌شوند ولی ”سپاسگزاری“ معنی را درست‌تر می‌رساند.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، ”فطیر“، ”سپاسگزاری“.

**آیین سپاسگزاری**

## Eucharistic Hospitality

Hospitalité eucharistique

در اثر عدم توافق کلیساها دربارهٔ اساس ایمان، مسیحیان از کلیساهای مختلف نمی‌توانند در تناول تن و خون مسیح مشارکت داشته باشند؛ این ممانعت در اصلاحات ناشی از تقریب بین کلیساها مورد مطالعه قرار گرفته است و در برخی از موارد اعضای کلیساهای جدای از هم، اجازه دارند که با هم در آیین سپاسگزاری شرکت کنند.

**پذیرایی در آیین سپاسگزاری**

کلمات مربوط: Ecumenism – Eucharist – Intercommunion

## Eucharistic Prayer

Prière eucharistique

این اصطلاح، بعد از شورای واتیکان لاتین برای بر پا کردن آیین سپاسگزاری به کار رفت. در این آیین، این قسمت‌ها با ترتیب مختلف وجود دارند: در آغاز، فراخواندن روح القدس است؛ سپس یادآوری شام آخراست و بازخوانی حرف‌های عیسی در تأسیس راز سپاسگزاری؛ سرانجام با دعای همگانی برای احتیاجات مردم دنیا و کلیسا، برای مردگان و برای همهٔ انسان‌ها، آیین به پایان می رسد. زمانی که حرف‌های عیسی در هنگام تقسیم تن و خونش تکرار می‌شوند، نان و جام مقدس بالا برده می‌شوند. روایت‌های مختلفی برای اجرای این دعا رایج است.

### نیایش سپاسگزاری

کلمات مربوط: Eucharist

## Euchologion

Eucologe / Euchologue

**Gr.** *euchè* + *logion* = "دعا + رساله"

جُنگ دعاها؛ کتابی شامل نیایش‌ها و آیین دعا و آیین رازها در کلیسای یونانی.

### کتاب دعا و نیایش

کلمات مربوط: Prayer

## Eulogia

Eulogies

درکلیسای یونانی، باقی ماندهٔ نانی که بر مذبح برکت یافته است بین کسانی تقسیم می‌شود که هنوز برای تناول تن مسیح در آیین سپاسگزاری پذیرفته نشده اند (تعمید خواستگان). درکلیساهای غرب، اصطلاح "نان برکت داده" شده، آمده است.

### نان تقدیمی

## Eulogy

Eulogie

**Gr.** *eu – legein* = "خوب گفتن، برکت دادن"

این لغت، در معنای عمومی عبارت است از: ”گفتار نیک و تجلیل کننده از کسی“، بخصوص از شخص مرده؛ علاوه بر آن، به معنای برکت کوتاهی آمده است که در گفتار، به عنوان دعا و امثال آن بیان می شود.

**ستایش**

**کلام ستایش وتقدیس**

**کلام متبرک**

کلمات مربوط: Blessing – Doxology – Praise

## Evangelical

Évangélique

**۱)** همسان با تعلیم انجیل، مسیحی به معنی واقعی.

**مطابق انجیل**

**۲)** وابسته به یکی از کلیساهای پروتستان که به نام ”انجیلی“ معروف هستند؛ گرایش ”انجیلی“ بدین مفهوم (به انگلیسی Evangelicalism)، شامل این خصوصیات است:

- تأکید روی نوشته‌های مقدس به عنوان منبع اصلی ایمان؛
- تجربهٔ شخصی ”تولد دو باره“ (Born Again)؛
- بازخریده شدن انسان گنهکار توسط عیسی، روی صلیب؛
- لزوم بشارت انجیل در میان همهٔ ملت‌ها.
- تأکید بر اخلاقیات سنتی؛

در ایران، کلیسای انجیلی، که در ۱۹۳۳م به طور مستقل مستقر شد، در اثر بنیانگذاری مبشران آمریکایی پرسبیتری به وجود آمد.

**انجیلی**

**کلیسای انجیلی**

کلمات مربوط: Gospel – Born Again

## Evangelist

Évangéliste

**۱)** یکی از نویسنده‌های چهار انجیل

(متی، مرقس، لوقا، یوحنا).

**انجیل نگار**

**۲)** آن که به وسیلهٔ بشارت و تبلیغ سعی می‌کند دیگران را به مسیحیت دعوت کند، بخصوص در ایمان و امور دینی.

**مبشر**

کلمات مربوط: Gospel

## Evangelization

Évangélisation

اعلام کردن مژده و انتشار ایمان به عیسی مسیح.

**بشارت دادن**

**ترویج مژده**

کلمات مربوط: Gospel

## Eve

نام اولین زن، که در رابطهٔ نزدیک و محرمیت عمیق با آدم آفریده شد؛ نام او بنابر کتاب آفرینش، به معنای«آن زنده»، «مادر زندگان» (پید ۳: ۲۰) می باشد. حوا به طور جدا ناپذیر از آدم آفریده شد، به عنوان یار و یاور او، چرا که آدم به تنهایی نمی‌تواند مانند خدا باشد: «خوب نیست که آدم تنها باشد» (پید ۲: ۱۸). «خدا انسان را به صورت خود آفرید، به صورت خدا او را آفرید؛ نر و ماده ایشان را آفرید» (پید ۱: ۲۷). اولین زوج قادر به محبت و عشق که به صورت خدا آفریده شدند اما حوا به جای یاوری آدم در موقعیت ضعف، وسوسهٔ تکبر خود را به او انتقال داده، باعث گناه او شد. این گناه به برکات الهی اصابت کرد: زن در درد خواهد زایید در حالی که حیات بخشیدن بزرگترین برکت او می‌باشد، و نزدیکی و محرمیت او با شوهرش دچار تمایلات نفسی و جنسی نامنظم و آشفته و رقابت‌جویی‌ها خواهد بود (پید ۳:۱۶)؛ اما زندگی زوج انسانی که به این صورت جریحه دار گشته، نجات

خواهد یافت؛ خدا خودش، با قوم برگزیده عهد و پیمان خواهد بست و خود را چون همسری مطلوب برای این قوم، از ورای تجربه‌های در صحرا ( زمان خروج از مصر) آشکار خواهد ساخت (هو ۲: ۱۶؛ تث ۱: ۵-۸). عیسی، انسانیت ما را در راز تن گیری خود بر صلیب، در پیمان و عهدی نوین به عنوان همسر، برگرفته است. او شوی کلیسا گردید؛ کلیسا، مادر زندگان، به مانند مریم (یو ۱۹: ۲۶)، آن حوای نوین، باکره، همسر و مادر است.

### حوا

کلمات مربوط: Mother – Adam – Original Sin – Virgin

## Everlasting Life

Vie éternelle

جاودانگی به خدا اطلاق می‌شود که خارج از زمان وجود دارد؛ اسم یهوه ''من هستم'' به این جاودانگی اشاره می‌کند.

### زندگی جاودانی

کلمات مربوط: Eternity – Yahveh

## **Everlasting** (Without Genealogy)

Éternel (Sans généalogie)

در عهدعتیق، شخصیت‌های مهم معمولاً با ذکر اجدادشان معرفی می‌شوند، در زمان و در تواتر نسل‌ها قرار دارند. عیسی، مثل ملکیصدق، ''بدون تبار'' است(عبر۷: ۳): این عبارت به این معنی نیست که زاده نشده باشد، بلکه به این معنی است که پسر خدا از ازل زاده شده است؛ نه آفریده بلکه از پدر زاده شده است؛ متی (مت۱: ۱۷-۱) و لوقا (لو۳: ۳۸-۲۳)، با ذکر شجره‌نامهٔ یوسف، تبار انسانی عیسی را به موازات تبار الهی تعریف می‌کنند؛ در ضمن، عیسی از تبار آدم است (نه صرفاً ابراهیم) یعنی که ارتباط او با

تمام بشریت است.

**بدون تبار**

کلمات مربوط: Eternity

## Evil one (the)

Le Mauvais

ر.ک. Daemon.

## Exarch

Exarque

**Gr.** *ex-archos* = " حاکم + فرا (منطقه) "

در کلیسای شـرق، به اسقفی اطلاق می شود که به نام پاتریارخ، منطقه‌ای را به عهده گرفته است که خـارج از قلمرو پاتریارخ باشد؛ مقام آن اسقف، بین پاتریارخ و متروپولیت است.

**نایبِ پاتریارک**

**نمایندهٔ پاتریارخ**

**اکزارخ**

کلمات مربوط: Patriarch

## Excardination

کشیش یا خادم کلیسا وابسته به اسقف محل است و وقتی که برای خدمت در منطقهٔ اسقف‌نشینی دیگری فرستاده می‌شود، اول باید از اسقف خود اجازه بگیرد.

**مرخصی‌نامه**

کلمات مربوط: Incardination

## Excommunication

**Lat.** *ex-communicare* = " از مشارکت برادرانه بیرون کردن"

درکلیساهای قدیم چنانکه یک عضو کلیسا یکی از قوانین بنیادی کلیسا را زیر پا بگذارد، او را از مشارکت با کلیسا، نیز از نان و شراب عشای ربانی محروم می‌کنند و تا توبه نکرده، مجدداً به تابعیت کلیسا نیامده باشد، او را طرد می‌کنند. دو نوع طرد تشخیص داده می‌شود:

**طرد کامل:** شامل منع مشارکت در تمام

مراسم و آیین نیایش کلیسا؛

**طرد جزئی:** محدود به منع مشارکت در تناول تن و خون خداوند.

گاهی، محکومیت‌های چند صد ساله که باعث جدا شدن جوامع مسیحی از هم است، در اثر گفتگوها و تفاهم در اصول ایمان لغو می‌شوند؛ مثلاً بین کلیسای کاتولیک و کلیسای آشوری شرق، اقرار نامهٔ مشترک ایمان مورد توافق قرار گرفت و محکومیت لقب "نسطوری" به طور رسمی باطل شد.

با نام دیگر (Shunning, Placing Under Discipline) تدابیر مشابهی در کلیساهای پروتستان به عمل می آید.

**طرد از مشارکت**

**تکفیر**

کلمات مربوط: Anathema – Communion – Nestorianism

## Exegesis

Exégèse

**Gr.** *exegesis* < *ex* + *hegeisthai* = "در آوردن، به بیرون هدایت کردن"

یکی از مراحل تحلیل متون قدیم: تفسیر انتقادی از لحاظ لغت‌ها، معانی و سبک، با استفاده از سایر علوم غیر مذهبی نظیر تاریخ، زبان‌شناسی و تاریخ ادبیات.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "تفسیر"

**علم تفسیر**

کلمات مربوط: Hermeneutics

## Exile

Exil

**Lat.** *exiliare* = "تبعید کردن".

داستان نجات با مهاجرت ابراهیم شروع شده است و تجربهٔ تبعید، همواره در تاریخ قوم برگزیده نقش اساسی دارد.

مسیحیان مانند ابراهیم وبازماندگانش و مثل موسی، در این دنیا خود را غریب و دور از وطن می‌دانند و منتظر ورود به سرزمین موعودند (عبر ۱۱: ۹). غربت یا تبعید و برگشت پیروزمندانه، به تجربهٔ مرگ و رستاخیز بی شباهت نیست؛ البته

برای مسیحیان راه زنده به سوی قدس واقعی باز شده است (عبر ۱۰: ۱۹) ولی به انتهای این راه نرسیده‌اند و ”می‌دانیم با بسر بردن در جسم، در تبعید و دور از خداوند هستیم“ (۲قرن۵: ۶).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، ”تبعید“.

**تبعید**

**غربت**

کلمات مربوط: Exodus

## Exodus

Exode

**Gr.** *Ex + hodos* = ”راه به خارج“

خروج قوم اسرائیل از مصر و رهایی از بردگی که در کتاب خروج بیان شده‌است. خروج جدید و نهایی توسط مرگ، رستاخیز و صعود عیسی متجلی می‌شود. خروج قوم یهود از مصر تصویر رهایی قوم جدید خداست با قربانی بره و عطای نان آسمانی و آب حیات جدید و ”بالا بردن پسر انسان“ مانند ماری که توسط موسی در صحرا بالا برده شد (یو۳: ۱۴).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، ”خروج“.

**خروج**

کلمات مربوط: Exile

## Exorcism

Exorcisme

آمدن ملکوت خدا با سقوط قدرت شیطان همراه است؛ ”اگر من به وسیلهٔ روح خدا دیوها را می‌رانم، پس فرمانروائی خدا بهر شما فرا رسیده است“ (مت۱۲: ۲۸). جن‌زدایی‌های عیسی که اشخاص مبتلا را از سلطهٔ ارواح پلید آزاد می‌سازد، پیش‌قدم پیروزی نهایی عیسی بر ”رئیس این جهان“ است (یو۱۲: ۳۱)؛ و کلیسا، در پیروی از عیسی و به نمایندگی از وی، ارواح را از اشیا یا از اشخاص اخراج می‌کند. در کلیسای قدیم یک

کشیش، با اجازهٔ اسقف محل، دعاهای خاص اخراج ارواح را ادا می‌کند.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "اخراج ارواح".

**جن‌زدایی**

کلمات مربوط: Possession – Daemon

## Expiation

**Lat.** *expiare* = "با آیین تطهیر پاک کردن"

"یوم کیپور" یا روز بخشایش گناهان که به نام روز آمرزش نیز شناخته می‌شود، یکی از مهم‌ترین جشن‌های مذهبی یهودیان است؛ روز دهم ماه هفتم، یعنی در پایان فصل کشاورزی، یهودیان روزهٔ ۲۴ ساعته را رعایت می‌کنند و قربانی را برای آمرزش گناهان ذبح می‌کنند (لاو۲۳: ۲۷). گناه، نزد یهودیان، عصیان ضد خداست، و مراسم تطهیر که آدمی را در خون می‌شوید مجدداً انسان را با خدا متحد می‌سازد و خشم خدا را فرو می‌نشاند؛ طی مراسمی دیگر، کاهن اعظم بز نری گرفته، دست خود را روی سر آن می‌گذاشت و گناهان همگان را بر آن نهاده، بز را به بیابان می‌برد و رها می کرد. (لاو۱۶: ۲۰ و بعد).

برای مسیحیان، عیسی هم کاهن بزرگ است و هم قربانی، که با کفارهٔ خون خود انسان را با خدا آشتی می‌دهد. (عبر۵: ۷، ۷: ۲۵، ۹: ۲۴).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "کفاره"، "کفاره دادن".

**استغفار**

**تاوان**

**کفاره** (دادن)

کلمات مربوط: Forgiveness – Propitiatory – Redemption – Atonement – Sacrifice

## Extreme Unction

Extrême onction

ر.ک. Anointing of the Sick.

**مسح آخرین**

**F**

## Faith

Foi

یکی از سه فضیلت بنیادین مسیحیت، همراه با امیدواری و محبت (۱قرن۱۳: ۱۳).

دو مفهوم مختلف در سرسپردگی مذهبی آمیخته می‌شوند: اعتقاد به واقعیت یا حقیقتی، و ایمان به شخص یا مقامی. ایمان، تکیهٔ بر یک شخص است. نمونهٔ ایمان، ابراهیم است: به خاطر ایمان او در دعوتی که خدا از او کرد، به او وعده داده شد که وارث جهان خواهد بود (روم۴: ۱۳-۱۸). ابراهیم است که علی‌رغم ظاهر موقعیت خویش (پیری، بی‌فرزندی) به خدا گوش فرا داد و حتی حاضر بود پسر یگانه‌اش را تقدیم کند (عبر۱۱: ۸ و بعد). عیسی برای ایمان، قدرتی عظیم قائل شده است که حتی کوه‌ها را جا به جا می‌کند (مت۱۷: ۲۰؛ ۱قرن۱۳: ۲).

میان مسیحیان اختلافی بر سر اهمیت و کاربرد ایمان نسبت به اعمال نیک به میان آمد. "ای برادران من، چه فایده‌ای دارد اگر کسی می‌گوید ایمان دارد ولی اعمالی ندارد؟ آیا ایمان می‌تواند او را نجات دهد؟" (یع۲: ۱۴).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "ایمان".

**ایمان**

کلمات مربوط: Credo – Faithful – Gift of Faith – Works

## Faithful

Fidèle

زبان یونانی در عهد جدید، تفاوتی بین «ایمان» و « وفاداری» قائل نشده است؛ وهمچنین «مؤمن» و «با وفا» به یک معنی آمده است. وفاداری خدا در تعهدش

نسبت به قوم برگزیده الگویی است برای وفاداری ما.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "وفادار - وفاداری".

**مؤمن**

**وفادار**

کلمات مربوط: Faith – Apostasy

## Fall

Chute

توسط سقوط آدم، گناه به نسل بشر وارد شد (روم۵: ۱۵ و بعد).

ایمانداران، بارها به سنگ مانع بر می‌خورند و تصادم می‌کنند (روم۵: ۳۲)؛ و حتی عیسای مصلوب، خود در نظر ملت‌ها، رسوایی است (۱قرن۱: ۲۳)؛ یعنی حقیقتی که فهم آن برای عقل انسان دشوار است.

حتی المقدور مسیحیان باید کوشش کنند تا باعث لغزش دیگران قرار نگیرند: پولس در مورد خوردن گوشتی که برای قربانی شده بود، می‌نویسد: «اگر نخوریم چیزی کم نداریم، اگر بخوریم افزوده نمی‌شویم. اما مواظب باشید که این حق شما به طوری وسیلهٔ لغزش ناتوانان نشود. ... بدین‌سان اگر خوراکی برادرم را دچار لغزش کند مسلماً تا ابد گوشت نخواهم خورد تا اینکه برادرم را به لغزش نیندازم.» (۱قرن۸: ۸-۱۸).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "سقوط".

**هبوط**

**سقوط**

**لغزش**

## **Fall** (of Adam)

Chute (d'Adam)

به دنبال باورهای یهودیان، مسیحیان به زیبایی خلقت خدا اعتقاد دارند و داستان گناه آدم و حوا در باغ بهشت را سرچشمهٔ هبوط انسان در زندگی سخت و پر گریه و زاری و مرگ می‌دانند (ر.ک. پید۳). در مورد

نتیجهٔ ناشی از هبوط اختلاف است؛ آگوستینوس و سنت کلیساهای غربی برآنند که انسان ذاتاً در گناه وارث آدم است و تنها عیسی با مرگش بشر را نجات می‌دهد. به هر صورت، بین تخلف آدم و گناهان شخصی هر فرد آدمی ارتباط و پیوستگی وجود دارد. در سنت ارتدکس، روی این نقطه تأکید می‌شود که انسان به شباهت خدا آفریده شده است (پید۱: ۲۷) و گناه آدم، این بُعد الهی را محو نکرد بلکه صورت الهی در درون انسان پوشانده شد و گناه، فقط جدایی ذاتی انسان از خداست. بنابراین از نظر مسیحیت ارتدکس، هیچ بِزِهْمندی دسته‌جمعی در اثر گناه آدم وجود ندارد و گناه آدم، فقط بیماری عارضی است که بوسیلهٔ نجات مسیح برطرف می‌شود و ما را مجدداً به راه شباهت خدا هدایت می‌کند.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "آدم"، "کارها (اعمال)".

**هبوط آدم**

**سقوط آدم**

کلمات مربوط: Sin – Original Sin

## Fasting

Jeûne

توبهٔ انسان در سنت مسیحی به سه شکل اصلی است: اگر نسبت به خود توبه کننده باشد، روزه؛ اگر نسبت به خدا باشد دعا؛ و اگر نسبت به دیگران باشد، صدقه. مسیحیان هر سه را در نهان اجرا می‌کنند تا کسی نبیند، «مگر پدر که آنچه نهان است می‌بیند» (مت۶: ۱۶-۱۸). روزهٔ مسیحیان، پرهیز از گوشت و برخی از غذاهای لذیذ است ودر آن، بین روز و شب تفاوتی نیست (خلاف روزه در اسلام). یکشنبه که روز خداوند است، روزه نمی‌گیرند.

در بدو پیدایش، غذای حیوانات و همچنین انسان، محدود به گیاه بود: «به هر حیوان وحشی، به هر پرندهٔ آسمان، و به هرچه که بر روی زمین می‌خزد و در خود جان حیوان دارد، هر گیاه سبز را همچو خوراک می‌دهم.» (پید۱: ۳۰). وقتی نوح از کشتی بیرون آمد،

روابط انسان با حیوانات عوض می‌شود و گوشت حیوانات تناول می‌شود (پید۹: ۲). در تعریف از ایـام نهایی نجات، اشعیای نبی محیطی را ترسیم می‌کند که شیر با گاو هم‌آخور می‌شود و علف می‌خورد (اش۱۱: ۷؛ ۶۵: ۲۵)؛ به همین نحو ایام روزه، با پرهیز از غذای حیوانی، به معنی انتظار برگشت "داماد" (لو۵: ۳۵) است و عدم تعلق به دنیا. در رابطهٔ محبت‌آمیز با خدا، هیچ خشونتی نسبت به جهان مخلوق باقی نمی‌ماند.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "روزه‌داری".

**روزه**

کلمات مربوط: Ascetic

## Father

Père

آدم، به مانند خدا آفریده شده‌است (پید۱: ۲۷). پدر بودن بُعد ذاتی رابطهٔ انسان با خداست و قولی که به ابراهیم داده شده، پدری او بر همهٔ ایمانداران است. اصطلاح "خدای پدر"، در اغلب مذاهب خاور باستانی موجود بود، ولی در میان یهودیان، به خاطر یگانگی یهوه و عدم آمیزش وی با انسان، پدر بودن را به معنی خاص روحانی به خدا نسبت داده‌اند. همانطور که در مزمور می‌خوانیم: "مرا فرموده است: تو پسر من هستی، امروز، تو را مولود گرداندم." (۲: ۷). خود عیسی که نه مولود پدر انسانی‌است بلکه توسط روح‌القدس "از پدر زاده شده"، رابطهٔ خود را با پدر همیشه عنوان می‌کند. بعد از تعمیدی که از جانب یحیی(یوحنا تعمیددهنده) دریافت می‌کند، صدایی از آسمان هویت واقعی عیسی را اعلام می‌کند: "این است پسر من و آن محبوب که از او خوشنودم" (مت۳: ۱۷). پولس رسول می‌نویسد: "در مقابل پدر زانو می‌زنم، آنکه هر خانواده‌ای در آسمان‌ها و بر روی زمین از او نام گرفته است."عیسی، پسر یگانه

و نخست‌زادهٔ خدا، ما را به این رابطه توسط فرزندخواندگی در تعمید فرا می‌خواند.

نیایش خاص مسیحیان با کلمات ''ای پدر ما که در آسمانی'' شروع می‌شود (افس۳: ۱۴-۱۵).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، ''پدر''.

در میان یهودیان، ربی را ''پدر'' خطاب می‌کردند. عیسی از این رسم، به خاطر خطر تکبر، انتقاد کرد: ''در میان خود هیچکس را بر زمین پدر نخوانید زیرا پدر آسمانی شما یکی است. شما را رهبر نخوانند زیرا رهبر شما یکی است یعنی مسیح'' (مت۲۳: ۹-۱۰). ولی پولس مثلاً چندین بار به رابطهٔ پدرانهٔ روحانی خود نسبت به مسیحیانی که آنها را تعلیم داد اشاره می‌کند (مثلاً ۱قرن۴: ۱۵). خیلی از مسیحیان او را نمونه گرفته، عادت دارند که به اسقف یا کشیش لقب ''پدر'' بدهند.

کلمات مربوط: Pater Noster – Trinity – God – Fathers of the Church – Mother – Bridegroom – Adoption

## Fathers of the church

Pères de l'Église

اولین مبشرین مسیحیت را با لقب ''پدر'' نامیدند (ر.ک. ۲پطر۳: ۴). به اسقف، ''پدر در عیسی'' می‌گفتند؛ به همان نحو، به بزرگان نسل‌های اول مسیحیت تا قدیس یوحنای دمشقی (قرن هشتم میلادی)، ''پدران کلیسا'' می‌گویند. آنها اغلب، اسقف یا راهبان صحرایی بودند که با ارائهٔ مکتب مسیح و با زندگی مقدسشان رهبر مسیحیان شدند. پدران کلیسا مرجعی برای ایمان جامعهٔ مسیحی هستند.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، ''پدران کلیسا''.

## پدران کلیسا

کلمات مربوط: Doctors of the Church – Patristics – Tradition

## Fault

Faute

ر.ک. Sin.

## Fearing God

Craignant Dieu

در اصل، این اصطلاح به کسانی اطلاق می شد که یهودی نبوده، به خدای یگانه و عبادت یهودیان گرایش داشتند؛ خیلی از آنان به مسیحیت پیوستند. ر.ک. اع۱۰: ۲. ممکن است لغت پهلوی "ترساگ" (فارسی: ترسا) که به معنی مسیحی آمده، از آن سرچشمه گرفته باشد.

**خدا ترس**

**ترسا**

## Fellowship

Communion

ر.ک. Church Fellowship.

## Festal Letters

Lettres festales

رساله‌هایی بودند که پاتریارخ یا اسقف به مناسبت شروع ایام روزه و تعیین تاریخ عید گذر به مسیحیان کلیسای خود می‌فرستادند و در آنها راجع به مسائل مذهبی روز، تعلیماتی و توضیحاتی می‌دادند.

**رساله های تعیین اعیاد**

## Figure

کلمهٔ یونانی tupon و همتای آن، anti-tupon به چیزهایی دلالت دارند که کاملاً باهم تطبیق دارند؛ مثل عکسی که از یک صفحهٔ حکاکی شده روی کاغذ چاپ می‌شود. در مسیحیت به معنی چیزی آمده است که عین تصویر یک شیئی است ولی آن شیء نیست؛ مثلاً حضرت آدم، تصویر (tupon) عیسی است، یا به قول پولس «تصویر کسی است که باید می‌آمد» (روم۵: ۱۴). برخی از نمونه‌های عهد قدیم(عتیق) - مثل بره (اشعیای نبی)، نوح، یونس، ایوب،... -؛ نقش تصویر داستان بعدی نجات را دارند که عیسی به آنها معنی نهایی و کاملی

می‌بخشد. «این وقایع به صورت نمونه بر ایشان روی داد و به خاطر آموزش ما نوشته شده‌اند که به پایان دوران‌ها می‌رسیم.» (۱قرن۱۰: ۱۱).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "نماد و نمونه".

**تصویر**

**نمونه**

کلمات مربوط: Accomplishment – Prefiguration – Symbol

## Filioque

**Lat.** *qui ex Patre Filioque procedit* = "که از پدر و پسر صادر می‌گردد"

این اصطلاح که در بیان اصول ایمان نیقیه به روایت کلیسای لاتین اضافه شد، باعث اختلاف مکتبی بین کلیسای لاتین و کلیسای ارتدکس گردید؛ طبق این اصطلاح، صدور روح القدس از پدر و پسر می‌باشد. حال، پدر، اصل و سرچشمهٔ همه چیز می‌باشد و روایت کلیسای شرق اولویت اصلی پدر را مورد تأکید قرار می‌دهد: روح صرفاً از پدر صدور می‌یابد، هر چند که به وسیلهٔ پسر صادر می‌شود؛ در روایت کلیسای غرب، تأکید روی مشارکت ذاتی پدر و پسر است.

**فیلیوکْوه** (و از پسر)

کلمات مربوط: Procession of Holy Spirit – Nicene creed

## First Fruits

Prémices

نزد یهودیان، همچون اغلب اقوام خاوری، اولین محصول سال و اولین نوزاد مذکر ـ خواه از حیوانات خواه از خانواده‌های انسانی ـ به خدا تقدیم می‌شده است. پسر اول طبق آیین خاصی، همچون اسحاق، کشته نمی‌شود ولی باز خرید می‌شود (خروج۱۳: ۱-۱۶)؛ طبق این سنت عیسی نیز در معبد، از دست مریم به خدا تقدیم و بازخرید شد (لو۲: ۲۲ و بعد).

عیسی بعد از رستاخیز، نخستزادهٔ از میان مردگان میباشد (کول۱: ۱۸)؛ و «مسیح از میان مردگان برخیزانیده شده است، نوبر آنان که مردهاند» (۱قرن۱۵: ۲۰).

پولس، این اصطلاح را برای اپینطس، ایمانیافتهٔ جدید به کار میبرد: "نوبر آسیا برای مسیح" (روم۱۶: ۵)؛ همچنین همهٔ تعمید یافتگان، نوبر تقدیمی ملت و فرهنگ خود هستند (یع۱:۱۸؛ مکا۱۴:۴).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "نوبر".

**نوبر**

کلمات مربوط: Earnest – Unleavened – Bread

## Flesh

Chair

انسانیت در بُعد ضعیفش، که شامل مرگ است. درترجمه قدیم دیاتسرن، اصطلاح «گوشتمندی» به کار رفته است (یو۱۷: ۲). کلمهٔ یونانی sarx گاهی به معنی جسم و گوشت آمده، گاه به معنی شخص عینی (فیزیکی)؛ مثلا "سخن تن شد" (یو۱: ۱۴) یعنی شخص انسانی با ضعف ذاتی، ساختهٔ جسم و خون.

در نوشتههای پولس، "جسم" (sarx) در برابر "روح" قرار دارد و کسی که اسیر جسم باشد، به مقدسات دسترسی ندارد. "آنان که در جسم باشند نمیتوانند خوشایند خدا باشند. اما شما در جسم نیستید بلکه در روح، حال که روح خدا در شما سکونت دارد" (روم۸: ۸-۹)؛ در این معنی، عیسی در شب قبل از تصلیب به شاگردان میگوید: "روح راغب است، ولی تن ضعیف" (مت۲۶: ۴۱).

از سوی دیگر جسم، توسط مسیح، پاک و مقدس میشود. عیسی، طبق اصطلاح اقرارنامهٔ ایمان مسیحیان، "تن گرفت و انسان گردید"؛ "سخن تن شد" (یو۱: ۱۴). عیسی تن خود را میدهد: "نانی که من خواهم داد، تن من است برای زندگانی جهان" (یو۶: ۵۱).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "جسم، بشر".

در خیلی از نوشته‌های مسیحی متأخر، کلمهٔ Flesh، به دنبال نظریهٔ پولس، مترادف با گناه و شهوت می‌باشد.

**تن**

**جسم**

کلمات مربوط:- Body – Carnal – Concupiscence – Soul – Spirit

## **Font** (Baptismal -)

Fonts baptismaux

**Lat.** *Fons* = "چشمه، آبشار"

در کلیساهای قدیم، حوضی بود که پیروان جدید با سه بار فرو رفتن در آب آن تعمید می‌یافتند و امروز در بعضی کلیساها به همین گونه تعمید می‌دهند؛ این حوض هم رَحِم کلیساست و هم قبر عیسی، که در آن زندگی نوین شروع می‌شود (روم۶: ۱-۴). در غرب (مثلاً کلیسای کاتولیک لاتین)، معمولاً تعمید با ریختن مقداری آب بر سر تعمید شوندگان انجام می‌گردد و حوض تعمید، قدری کوچکتر است.

**حوض تعمید**

کلمات مربوط: Baptism

## **Forgiveness**

Pardon

**۱)** آشتی رحمت آمیز خداوند با انسان گناهکار.

**۲)** لغو کردن دین و بدهی، منحل کردن گناه و بخشیدن: «او شما را دوباره با خود زنده کرده و تمام خطاهای ما را بخشیده است» (کول۲: ۱۳ و ۳: ۱۳).

در نیایش روزانه، مسیحیان از خدا طلب آمرزش گناهان می‌کنند و متقابلاً وامداران خود را می بخشند. خدا نمونهٔ رحم و محبت است، و مثل پدر داستان پسر بازیافته، شادی پدری را ابراز می‌کند که گناه پسرش را بخشیده، او را با مقام بالاتری به خانه می‌پذیرد (لو۱۵: ۱۱ به بعد). بخشیدن، در اثر ضعف نیست بلکه در اثر محبت است؛

همین گونه که عیسی روی صلیب گفت: «ای پدر، ایشان را ببخش زیرا نمی‌دانند چه می‌کنند». (لو۲۳: ۳۴).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "بخشیدن".

**آمرزش / آمرزیدن**

**بخشایش / بخشودن**

**گذشت / گذشتن**

کلمات مربوط: Absolution – Atonement – Expiation – Offering – Penance – Remission

## Form Criticism

Formgeschichte

کلمهٔ آلمانی بـه معنی تحت‌اللفظی "تاریخ اَشکال". زندگی از قطعه‌های مکرر تشکیل می‌شود؛ زندگی از اَشکال مکرر سخن، از سبک‌های سخن و از سبک‌های ادبی تشکیل می‌شود. مفسران کتاب مقدس از وجود سبک‌های مختلف متون کتاب مقدس آگاه هستند؛ این اشکال و اصطلاحات مکرر به مقررات ادبی و به موقعیت‌های مختلفی دلالت دارند که شناسایی و تحلیل آنها در روشن کردن معنی متن کتاب مقدس کمک می‌کند.

"تاریخ اشکال" گفتار، تحلیل آن سبک‌هاست و در پی آن است تا تحولات سبک‌ها را بازشناسایی کند و به شناخت واحدهای سخن برسد، قبل از وارد شدن آن واحدها در متن کتاب مقدس. تحلیل ویرایش متن تا به شکل نهایی متن می‌رسد. هدف تاریخ سنت‌ها، تحقیقی کامل در مورد جریان سخن، از اصل شفاهی آن تا به تفسیر و شرح معاصر آن می‌باشد.

**نقد سبک‌های گفتار**

**مکتب انواع ادبی**

**بررسی سبک‌های گفتار**

کلمات مربوط: Myth

## Fundamentalism

Fondamentalisme

مکتبی که فقط معنی و مفهوم تحت اللفظی نوشته‌های مقدس را مورد

توجه قرار دهد، بدون توجه به مجموع متن و سبک ادبی و معنی کلی آن و بدون رعایت سنت کلیسایی در تفسیر کلام خدا. اغلب مسیحیان به دو منبع اصلی وحی الهی قائل هستند: نوشته‌های الهامی و سنت کلیسا، در صورتی که بنیادگرایان تنها نوشته‌های کتاب مقدس را پایهٔ ایمان می‌دانند. بنیاد واقعی در شخص زندهٔ عیسی مسیح است. "نوشته‌های مقدس را کاوش می‌کنید زیرا می‌پندارید که زندگانی جاودانی را در آنها خواهید داشت و همین نوشته‌ها است که در بارهٔ من شهادت می‌دهند. و نمی‌خواهید بسوی من آئید تا زندگی داشته باشید" (یو۵: ۳۹-۴۰). کتاب مقدس قابل تفسیر هر فرد نیست؛ پطرس رسول می‌نویسد: «هیچ پیامبری نوشتهٔ مقدس از تفسیری خصوصی ناشی نمی‌شود» (۲پطر۱: ۲۰).

## بنیاد گرایی

کلمات مربوط:- Integrism – Tradition

# G

## Gehenna

Géhenne / Guéhenne

اسم دره‌ای در جنوب اورشلیم که در آن زباله‌های شهر را می‌ریختند. مکان کیفر و مکافات.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، ”جهنم“.

**جهنم (وادی-)**

**دوزخ**

کلمات مربوط: Abyss – Hades – Hell

## Genesis

Genèse

**Gr.** *genesis* = ”زایش، تولد“

زایش، تولد. به طور مطلق: کتاب پیدایش، کتاب اول عهد قدیم(عتیق)، که در آن خلقت دنیا و آدم و حوا و ابتدای داستان نجات، تعریف شده است.

**تکوین**

**پیدایش**

## Geniza

**Aram.** *gnz* ”پنهان کردن“

نوعی گنجه که در کنایس یهودیان بوده است و طومارهای فرسودهٔ تورات را، قبل از اینکه به خاک سپرده شوند، در آن انبار می‌کردند (این طومارهای فرسوده را به نشانهٔ احترام به کلام خدا نابود نمی‌کردند). در ”جنیزهٔ“ معروف قاهره، متونی به دست آمد که بین قرن نهم و قرن نوزدهم میلادی نوشته شده اند؛ آنها اطلاعات مهمی را راجع به متن کتاب مقدس و سنت یهود فاش کردند.

**جنیزه**

**گنجینه**

## Gentiles

Gentils

**Lat**. *gentes* = "ملت‌ها"

در عهد قدیم (عتیق)، جنس بشر به دو بخش تقسیم می‌شود: قوم برگزیده (اسرائیل)، که از وعدهٔ خدا و از عهد الهی برخوردار است؛ سایر ملت‌ها (goyim) که یهوه را نمی‌شناسند. خود عیسی در ابتدا فقط در چهارچوب قوم اسرائیل موعظه کرد و حتی به دوازده رسول اخطار داده، می‌گوید: «راه امت‌ها را در پیش نگیرید و در هیچ شهر سامریان وارد نشوید» (مت۱۰: ۵)؛ ولی در مناسبت‌های مختلف، در برخورد با خارجیان رومی یا سامری، آنها را شفا می‌دهد یا تعلیم می دهد. عیسی عبادت واقعی را به زن سامری (غیر یهودی) یاد می‌دهد (یو۴: ۷-۲۶) و رسولان را به بشارت همهٔ ملت‌های جهان می‌فرستد: "پس رفته همهٔ ملت‌ها را شاگرد سازید و آنان را به نام پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید" (مت۲۸: ۱۹). پولس که خود یهودی سنت‌گرا بود، بعد از گرایش به مسیح، نمونهٔ "رسول ملت‌ها" گردید. (روم ۱۱: ۱۳).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "کافران".

**غیریهودیان**

**امت‌ها**

**کافران**

کلمات مربوط: Heathen – Pagan – Pagano – Christian – People – Proselyte – Heathen

## Genuflexion

زانو زدن یا دو زانو نشستن برای تعظیم و عبادت (مثلاً در برابر تن مسیح در آیین سپاسگزاری). یهودیان ایستاده دعا می‌کردند؛ همچنین مسیحیان اولیه و در کلیساهای شرقی، به نشانهٔ مسیح زنده شده بعد از مرگ، و به یاد تعمید خود، اغلب ایستاده و دست دراز کرده، دعا می‌کردند.

پولس رسول بارها اصطلاح زانو زدن را در ارتباط با دعا به کار می‌برد.

خیلی از کلیساها حالت زانوزده را برای لحظه‌های مهم آیین سپاسگزاری مرسوم کرده اند ولی در کلیسای لاتین بعد از شـورای اسقفان واتیکان دوم، حالت ایستاده مجدداً رسم شد. کشیش، معمولاً ایستاده است و فقط بعد از تقدیس نان و شراب به عنوان تعظیم، زانو می‌زند.

**زانو زدن**

کلمات مربوط: Adore

## Gift of Faith

Dépôt de la foi

کلیسا، میراث ایمان را از عیسی دریافت کرده، عهده‌دار آن است تا این میراث را با وفاداری و کمک روح القدس به نسلها منتقل کند و روشن نماید.

**هدیهٔ ایمان**

**ودیعهٔ ایمان**

کلمات مربوط: Faith – Tradition

## Gifts of the Holy Spirit

Dons de l'Esprit

اشعیای نبی (باب ۱۱) شش فضیلت بر می‌شمارد که عطایای روح یهوه است: فرزانگی، درایت، مشورت، قدرت، دانش و خداترسی. سنت یهودیان متأخر و کلیسا، برای آنکه به عدد کامل هفت برسد، عطیهٔ خداترسی را دو بار حساب کرده است؛ یعنی "پارسایی" را اضافه نموده است.

**عطایای روح القدس**

کلمات مربوط: Holy Spirit – Charism

## Gloria

**Lat.** *Gloria* = "جلال"

سرود قدیم حمد و ستایش که در دعای صبح ادا می‌شد و اکنون در کلیسای لاتین در آغـاز نیایش سپاسگزاری خوانده می‌شود. متن آن از این قرار است:

«خدا را در برترین آسمان‌ها جلال / و در زمین صلح و سلامت بر مردمان باد که

مورد لطف او می‌باشند / تو را می‌ستائیم / تو را متبارک می‌خوانیم / تو را پرستش می‌کنیم، تو را جلال می‌دهیم / تو را از برای جلال عظیمت سپاس می‌گوئیم، / ای خداوند، خدا، پادشاه آسمان / خدایا، ای پدر قادر مطلق. / ای خداوند، پسر یکتا، عیسای مسیح، / ای خداوند، خدا، برّهٔ خدا، پسرِ پدر / ای که گناهان جهان را بر می‌داری، / بر ما رحم کن./ ای که گناهان جهان را برمی‌داری، / التماس ما را بشنو! / ای که به دست راست پدر نشسته‌ای، / بر ما رحم کن. / زیرا تنها تو قدوس / تنها تو خداوند / تنها تو متعال هستی، / ای عیسای مسیح، / با روح القدس / در جلال خدای پدر./ آمین»

**سرود شکوه و جلال**

## Glory

Gloire

در عهد قدیم (عتیق)، مفهومی نظیر شکوه، شهرت، آنچه شهرت بر آن‌مبتنی است و به آن سنگینی می‌بخشد، نظیر ثروت و اهمیت اجتماعی است. خدای جلال، آن وجود غنی و قدرتمندی است که با پُری، لبریز شده است و غنای خود را در میان خلقت می‌پراکند. «آسمان‌ها عظمت خدا را آشکار می‌کنند، و فلک، حکایت از عمل دست‌هایش دارد. روز، پیام را به روز دیگر می‌رساند و شب، پیام معرفت را به شبی دیگر...» (مز ۱۹: ۲-۳). نیز اشعیای نبی می‌گوید: «خداوند را دیدم که بر کُرسی بلند و عالی نشسته بود و هیکل از دامن‌های وی پُر بود. و سرافین بالای آن ایستاده بودند که هر یک از آنها شش بال داشت. و با دو از آنها روی خود را می‌پوشانید و با دو پایهای خود را می‌پوشانید و با دو پرواز می‌نمود. و یکی دیگری را صدا زده می‌گفت "قدّوس، قدّوس، قدّوس یَهُوَه صبایوت تمامی زمین از جلال او مملو است. و اساس آستانه از

آواز او که صدا می‌زد می‌لرزید و خانه از دود پُر شد.» (اش ۱: ۱-۴).

در عهد جدید نیز تجلیات خداوند همراه با ابری است که آن را می‌پوشاند و در عین حال آن را آشکار می‌سازد (مثلاً لو ۹: ۲۸ و بعد). این غنا در عیسی مسیح متمرکز شده است (یو ۱: ۱۴)؛ جلال خدا، همانا ظهور عیسی مسیح، در شادی ایمانداران منعکس است: «و همگی ما که با چهرهٔ بی‌پوشش، شکوه خداوند را منعکس می‌کنیم، به همین تصویر تغییر شکل یافته‌ایم، از شکوه به شکوه، همچون بوسیلهٔ خداوند، که روح است» (۲قرن ۱۸).

"مباهات کردن" به معنای "مغرور بودن" از خدا و کار وی می‌باشد (روم ۵: ۱۱) ولی این حالت ممکن است به "خودستایی" تبدیل شود (فی ۲: ۳). شایسته است در ضعف‌های خود به خویشتن افتخار کنیم چون در این صورت چیزی از جلال خدا کاسته نخواهد شد (۲قرن ۱۱: ۳۰).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "جلال".

**جلال**

**شکوه**

کلمات مربوط: Haughtiness – Gloria

## Glossolalia

**Gr.** *glosso* + *lalein* = "زبان + حرف زدن"

در معنی دقیق این اصطلاح که در عهدجدید آمده است اختلاف است. در نخستین عید پنتیکاست (پنجاهه) بعد از صعود عیسی، یهودیان بیگانه‌ای که از مناطق مختلف دنیا آمده بودند، زبان شاگردان مسیح را می‌فهمند (اع۲: ۳ به بعد، ۱۰: ۴۶، ۱۹: ۶)؛ در مجلس‌های دعای مسیحیان بعضی‌ها به نحو انبیا وعرفا با اصطلاحات خودجوش و بداهه‌پردازی، احساسات مذهبی را ابراز می‌کردند، به طوری که برای فهم آن به مترجم احتیاج بود

(۱قرن۱۲: ۱۰، ۲۸: ۳۰، ۱۳: ۱، ۸: ۱۴). کوچکترین عطایای روح القدس (۱قرن ۱۲: ۱۰ و ۳۰) که به نظر کلیساهای پنتیکاستی، نشانهٔ تعمید روح القدس است.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، ”به زبان‌ها صحبت کردن“.

## تکلم به زبان‌ها

کلمات مربوط: Gifts of the Holy Spirit

## Gnosis

Gnose

**Gr.** *gnôsis* = ”دانش، معرفت“

به معنی عام، نظریه‌ای که رستگاری را در محض شناخت و معرفت اسرار الهی دانسته، منکر ارزش های دنیوی است. طبعاً در این نظریه، رستگاری محدود به یک عدهٔ خاص است که به اسرار الهی آگاهی می‌یابند. این باور بین قرن اول پیش از میلاد و قرن چهارم میلادی شیوع یافته بود، ولی گاهی هم به عنوان گرایش فکری در نوشته‌های اسلامی، یهودی (قبالا) یا مسیحی جدیدتر هم نمایان شده است.

تا اندازه‌ای مکتب تصوف در اسلام به نظریهٔ Gnosis نزدیک است و اسم عرفان، ترجمهٔ Gnosis است. این نظریه با مسیحیت، که اصل آن انسان شدن پسر خدا و رستگاری بشر توسط مصائب عیسی می باشد، مختلف است و توسط پدران کلیسا قطعاً مردود شده است.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، ”گنوسی، عرفان“.

## گنوستیسیزم

## مذهب معرفت

کلمات مربوط: Gnosticism – Mysticism

## Gnosticism

Gnosticisme

مکتب‌های التقاطی مربوط به قرون دوم و سوم مسیحی که از عقاید سامی قدیم سرچشمه می‌گرفتند و در آنها برخی

باورهای ایرانی (مزدایسنا، مکتب مانی) و پاره ای از مسیحیت هم پذیرفته شده بود؛ شناخت این مکتب توسط متون پیدا شده در نجع حمادی (Nag Hammadi) کامل‌تر شد.

**آیین گنوسی**

کلمات مربوط: Gnosis – Nag Hammadi

## God

Dieu

می توان با احتیاط، همان کلمهٔ ''خدا'' و یا حتی ''الله'' را به کار بریم که مترادف همان مفهوم در چهارچوب مسیحیت می باشند. یگانگی و جاودانی و رحم و خالق دنیا بودن، اساسا صفت ها یا اسم های الهی اند که در عقاید ادیان ''ابراهیمی'' مشترک می باشند؛ هر چند که شناخت خدا با اسم پدر، پسر و روح القدس چهرهٔ جدیدی به مفهوم خدا می‌دهد.

**خدا**

کلمات مربوط: Father – Lord – Yahveh – Elohim

## Godfather - Godmother

Parrain - Marraine

چون تعمید، راز ورود شخص ایمان آورده به جامعهٔ کلیساست، از یک یا دو نفر خواسته می‌شود که در راه شناخت عقاید مسیحیان، وی را همراهی کرده، نقش پدرخواندگی و معرف و ضامن او را در کلیسا ایفا کنند. در مورد تعمید کودک، پدرخوانده تعهد می‌کند که در تعلیم مسیحیت به فرزندخوانده، به والدین کمک کند.

**پدرخوانده / مادرخوانده**

کلمات مربوط: Baptism

## Golgotha

از واژه آرامی gulgolta که با واژهٔ عبری gulgolet به معنای «جمجمه» مطابقت دارد.

۱) منطقه، باغ ها و مقبره‌های خارج از شهر، واقع در شمال غربی اورشلیم؛ شاید در این منطقه تپه‌ای به شکل جمجمه

موجود بوده است. مطابق برخی روایات یهود، جمجمهٔ آدم‌ابوالبشر در زیر این تپه قرار داشت.

**۲)** محل مصلوب شدن عیسی مسیح.

**جُلْجُتا**

کلمات مربوط: Calvary – Passion

## Good Friday

Vendredi saint

جمعهٔ قبل از عید رستاخیز، روزی که عیسی به صلیب کشیده شد و مراسم یادبود رنج و شکنجهٔ عیسی در آن روز برگزار می‌شود؛ آیین سپاسگزاری در آن روز برگزار نمی‌شود.

در مناطق کاتولیک نشین جنوب اروپا، در آن روز دسته‌های با شکوهی برای عزاداری تشکیل می‌دهند که دسته های ماه محرم، بی شباهت به آنها نیستند.

**جمعهٔ مقدس**

**جمعة الصليب**

## Good Samaritan

Bon Samaritain

در جواب آن شخص فریسی که پرسیده بود، همسایهٔ نزدیک من کیست؟ عیسی مثال سامری نیکو را آورد؛ در این حکایت، این شخص بیگانه علی رغم یهودی نبودنش، وظیفهٔ محبت را انجام داد و عیسی او را سرمشق قرار می‌دهد (لو۱۰: ۳۰ وبعد).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، ''سامره، سامریان''.

**سامری نیکو**

کلمات مربوط: Samaria – Neighbor

## Gospel

Ėvangile

کلمهٔ یونانی eu-angelô به معنی ''خبر خوش دادن'' و اسم مشتق از آن، که کلمهٔ فارسی ''انجیل'' از آن آمده، از قرون پنجم و ششم پیش از میلاد معنی ومفهوم مذهبی گرفته، در نوشته‌های

ثانوی منسوب به اشعیا به کار رفته است. در عهد جدید فقط مرقس و پولس این کلمه را به کار برده اند و متی آن را با افزودن اصطلاح « فرمانروایی [خدا]» آورده است (مثلاً مت۴: ۲۳). امروز کلمهٔ انجیل به معنی کتاب، شامل چهار انجیل (متی، مرقوس، لوقا و یوحنا) است.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "انجیل".

**انجیل**

**بشارت**

**مژده**

کلمات مربوط: Evangelist – Evangelization – Synoptic – New Testament

## Grace

Bénédicité

دعای کوتاهی قبل از غذا خوردن که در آن برکت خدا را خواستارند و شکرگزاری می‌کنند.

**دعای سر سفره**

**شکرانه**

کلمات مربوط: Bless (to) – Thanksgiving

## Grace

Grâce

**Gr.** *charis,* **Lat.** *gratia* = "عطیه به رایگان"

کلمهٔ یونانی charis اول، "زیبایی دلگیر" معنی می‌دهد، سپس "اشاعهٔ درونی سخاوت و جوانمردی"، و سرانجام "اعطاهایی که از این سخاوت فیضان می‌یابد". عطیهٔ رایگان خدا که دریافت کننده را فاضل (فزونی یابنده) و عادل می‌گرداند، هم به منبع عطیه رجوع می‌دهد و هم به اثر عطیه در دریافت کنندهٔ آن. در عهدقدیم (عتیق) خدا، خود را "یهوه! یهوه! خدای رحیم و رئوف، و دیرخشم و کثیر احسان و وفا" معرفی می‌کند (خروج۳۴: ۶).

کلمهٔ "فیض" و نظریه پردازی در مورد آن در نوشته‌های پولس به تفصیل بیان

شده است؛ برای پولس، در تمام ادوار تاریخ نجات، خدا فقط با فیض خود از بین بازماندگان اسرائیل کسانی را بر می‌گزیند که واقعاً از گزینش بهره‌مند می‌شوند. ”پس به همین گونه، در حال حاضر، باقیمانده‌ای برگزیده بوسیلهٔ فیض وجود داشته است. ولی اگر بوسیلهٔ فیض است بوسیلهٔ اعمال نیست؛ وگر نه دیگر فیض، فیض نیست“ (روم۱۱: ۵). نظام فیض جانشین نظام قانون می‌شود؛ و فیض، رایگان است: ”در جایی که گناه فراوان شده، فیض چندین برابر شده است“ (روم۵: ۲۰). از طرف دیگر، عمل در زندگی مسیحیان، اساسی است: «چه فایده‌ای دارد اگر کسی می‌گوید ایمان دارد ولی اعمالی ندارد؟» (یع۲: ۱۴)

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، ”فیض“.

## فیض

## لطف

کلمات مربوط: Charism – Gifts of the Holy Spirit – Effusion – Pelagianism – Holy Spirit

**Gregorian** (Adj.)

Grégorien (Adj)

مربوط به «گرگوار» (گرگوریوس).

**۱)** گاهی کلیسای ارمنی را کلیسای گرگوری می‌نامند که مربوط به نخستین واعظ ارمنی به نام «گرگوار منوّر» می‌باشد که در حدود ۳۰۰ میلادی می‌زیسته است.

**۲)** سرودهای مذهبی «گرگوری» اشاره به سرودهایی است که در دوران پاپ «گرگوار اول» (۵۹۰ - ۶۰۴ م) تنظیم وتدوین شده است.

**۳)** تقویم «گرگوری» نام تقویمی است که در زمان «گرگوار سیزدهم» (۱۵۷۲-۱۵۸۵م) ترتیب یافته است.

## گرگوری

# H

## Hades

Hadès

این کلمه یونانی (به عبری ''شائول'' Sheol) به معنی «جایگاه مردگان» و اقامتگاه مردگان آمده است (و ارتباطی با ''جهنم'' ندارد).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، ''هادِس''، ''هاویه''.

**وادی مردگان**

**هاویه**

کلمات مربوط: Abyss – Gehenna – Hell

## Haggadah

واژهٔ عبری به معنی ''اعلام کردن'' و ''حکایت کردن'' تفسیر یهودیان با موعظه‌ای در بارهٔ متنی از کتاب مقدس که یک واقعهٔ تاریخی یا یک تعلیم اخلاقی را بررسی می‌کند. هاگادا اغلب حاوی شرح و بسطهای افسانه‌ای یا ناشی از باورهای مردمی می‌باشد؛ همچنین عنوان روایت رسمی شب عید گذر است.

**هاگادا**

## Hagiography

Hagiographie

**Gr.** *hagios* + *graphein* = ''قدیس + نوشتن''

نگارش شرح حال قدیسان به نحوی که تجلیل بر تحقیق برتری دارد.

**سیرت قدیس ...**

## Hail Mary

Je vous salue Marie

دعایی است، خطاب به حضرت مریم که از ایشان تقاضای شفاعت می‌کند.

ر.ک. Ave Maria.

**دعای شفاعت از مریم مقدس**

## Halleluyah

**Heb.** *hallelu* + *Yah* = ”تجلیل کنید + یهوه را“

ندای استقبال که در آغاز و یا پایان پاره‌ای از مزامیر سر داده می‌شود و در آیین نیایش تکرار می‌شود؛ همچنین، بنابر کتاب مکاشفهٔ یوحنا (باب ۱۹)، برگزیدگان این ندا را در طی آیین نیایش آسمانی سر می‌دهند. ندای شادی و ستایش مرسوم عید گذر و ایام شادی است.

**هللویا**

**هلهله**

کلمات مربوط: Praise

## Hallow (to -)

Sanctifier

شریک ساختن کسی یا شیئی در قدوسیت خدا. قدیس دانستن، تجلیل کردن از مقام قدیسان. ”خجسته باد نام تو“ (از دعای ”ای پدر ما“).

**خجسته دانستن**

کلمات مربوط: Saint

## Haughtiness

Orgueil

گناه آدم که می‌خواست با خدا برابر شود، تکبر بود (پید۳: ۵). و باز، ساختن برج بابل، تکبری بود که تفاهم آدمیان را از بین برد (پید۱۱). خدا از انسان متکبر تنفر دارد (مز۱۱۹: ۲۱).

«آنچه در نظر مردم والاست در برابر خدا قبیح است» (لو۱۶: ۱۵). فروتنی فضیلت مقابل تکبر است: ”عدالت“ در آن است که کوچکی خود در برابر خدا را قبول کنیم.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، ”تکبر“.

**تکبر**

کلمات مربوط: Humble – Babel – Babylon

## Heart

Cœur

واژه یونانی:kardia و به عبری : leb. این واژه در عهد جدید به معنای محل تمرکز قوای حیاتی است (لوقا۲۱: ۳۴)؛ معمولاً مفهوم استعاری دارد اما معنای آن منحصراً زندگی عاطفی نبوده، بلکه سر چشمهٔ مظاهر مختلف انسان را نشان می دهد.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "دل".

**دل**

**قلب**

کلمات مربوط: Soul – Spirit – Conscience

## Heathen

Païen

کسی که به یکی از ادیان بت پرستی دوران باستان اعتقاد و تعلق داشته باشد، غیر مسیحی.

دو واژهٔ مختلف به این مفهوم اشاره می‌کنند:

**۱)** لغت یونانی ethnikos به "ملل" اطلاق می‌شود یعنی به غیر یهودیان؛ تفاوت و تمییز بین یهودیان و ملل در دوران وجود کلیسا ادامه دارد و در کلیسا آشتی آن دو پیشاپیش واقع می‌گردد.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "امت‌ها - ملت‌ها"، "مشرک".

**۲)** لغت لاتین paganus به معنی "دهاتی، غیر شهری" (در زمانی که مراکز عمدهٔ امپراتوری رم به مسیحیت گرویده بودند و افراد غیر مسیحی به شهرستان‌ها پناه بردند).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "کافر"، "مشرک".

**مشرک**

**کافر**

کلمات مربوط: Pagan – Gentiles

## Heaven(s)

Ciel / Cieux

در تصور یهودیان زمان مسیح، دنیا به

قلمروهای مختلف تقسیم می شد:

**۱)** آسمان‌های نامریی یعنی بالاتر از قدرت درک انسان؛ آنجا خداوند در عرش، بر تختی نشسته است (مت۵: ۳۴؛ مکا۴: ۲) و فرشتگان در بارگاه وی حضور دارند.

**۲)** زمین، محل جانوران و انسان‌ها.

**۳)** و پایین‌ترین مکان، که زیر زمین بود؛ مکان تاریکی و خطرناکی.

واضح است که این قسمت‌های عالم در دنیای عینی وجود ندارند بلکه اشاره است به حالت‌های بنیادی زندگی.

مردم بابل برجی ساختند "که سرش به آسمان برسد" (پیدا۱۱: ۴)؛ و اشعیای نبی خطاب به انسان متکبر می‌گوید:«و تو در دل خود می‌گفتی به آسمان صعود نموده کرسی خود را بالای ستارگان خدا خواهم افراشت... بالای بلندی‌های ابرها صعود کرده مثل حضرت اعلی خواهم شد.» (اش۱۴: ۱۳ به بعد).

عیسای جلال یافته به آسمان بالا می‌رود و همان جاست که سرای واقعی مؤمنان می‌باشد. زیر زمین، و شاید در اقیانوس اولیه، اقامتگاه مردگان یا هاویه قرار دارد(روم۱۰: ۷).

در سخنان عیسی، اصطلاح "ملکوت آسمان‌ها" مترادف با ملکوت خداست؛ دعایی که به شاگردان یاد می‌دهد خطاب به "پدر ما که در آسمان‌هایی" است (مت۶:۹).

توسط عیسی، این پیوند زمین به آسمان عملی شد: روز تعمید عیسی، "آسمان‌ها گشوده شدند" (مت۳: ۱۳-۱۷)؛ به نام عیسی «زانوی موجودات آسمانی و زمینی و در زیر زمین خم می‌شود» (فی۲: ۱۰). بعد از عیسی، و با طی کردن راهی که او باز کرد، ما نیز به عالم سعادت دسترسی پیدا کردیم (عبر۴: ۱۰، ۱۰: ۲۰)؛ درِ این اورشلیم مسیحایی همیشه باز خواهد ماند (مکا۲۱: ۲۵).

در تجربه‌های مختلف، شاگردان شاهد ظهور نور از آسمان گردیدند، نظیر پولس

در راه دمشق (اع۹: ۳). «زیرا شهروندی ما در آسمان‌ها است، و از آنجا منجی، خداوند عیسی مسیح را، انتظار داریم» (فی۳: ۲۰).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، مقدمه، باب پنجم، "کائنات شناسی".

**آسمان**(ها)

کلمات مربوط: Babel / Babylon – Hell – Hades – Gehenna – Sheol

## Hegumen (-os)

Higoumène

**Gr.** *higoumai* = "هدایت کردن، جلو رفتن"

رئیس دیر ارتدکس (کلیسای روسی، رومانی، یونانی).

**هیگومن**

کلمات مربوط: Abbot – Monk – Archimandrite

## Hell

Enfers

در این لغت دو مفهوم کاملاً متفاوت آمیخته شده است.

۱) مترادف Sheol.

طبق باورهای یهودیان، انسان، بعد از مرگ به محلی خاص مردگان - به شکل زندانی که نمی‌توان از آن خارج شد -، در "شائول" (جایی در زیر زمین)، مهاجرت می‌کند و جدا از جامعهٔ زندگان و دور از حضور خدا می‌ماند. اعتقادنامهٔ رسولان به اقامت عیسی در آن محل بعد از تصلیب اشاره می‌کند (که در ۱پطر ۳: ۱۹ و افس ۴: ۹-۱۰ ذکر شده است). عیسی قبل از رستاخیز، پیام پیروزی بر مرگ را به ارواح شائول می‌دهد. «همان‌گونه که یونس، سه شبانه روز در شکم ماهی بزرگ بوده است همچنین پسر انسان سه شبانه روز در قلب زمین خواهد بود» (مت ۱۲: ۴۰).

ر.ک. Heavens.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "سیاهچال".

**وادی مردگان**

**ورطه**

## هاویه

**۲)** جهنم، در مقابل بهشت (پایین در برابر بالا)، محل (حالت) گنهکارانی است که بخشش عیسی را رد کرده‌اند و به رنج بی‌پایان محکوم شده‌اند. باورهای عام، جهنم را به عنوان محل با آتشی سوزناک و زیر سطح زمین ترسیم می‌کنند (در صورتی که بهشت را در آسمان‌ها قرار می‌دهند)؛ عیسی از چنین تصویری برای تعریف مجازات بعد از مرگ هم استفاده کرد. کلمهٔ ''تون'' فارسی، به معنی گلخن و کورهٔ حمام آمده است، و به مفهوم ''مکان ملعون مردگان'' هم رجوع می‌دهد؛ استفاده از کلمهٔ ''آتش'' در این مورد، نشانه‌ای از بدترین و سخت‌ترین رنج بدن انسانی می‌باشد.

ر.ک. Gehenna.

## جهنم

## دوزخ

کلمات مربوط: Gehenna – Hades – Sheol – Heaven – Abyss

## Heresy

Hérésie

نوعی از کج‌اندیشی دینی از طرف کسی که بعد از ایمان آوردن به عقاید کلیسا، آنها را انحراف داده، عقایدی غلط منتشر می‌کند. با ارتداد (رد ایمان) فرق می‌کند.

## انحراف عقیدتی

## بدعت گذاری

## الحاد

کلمات مربوط: Apostasy – Atheism – Schism

## Hermeneutics

Herméneutique

**Gr.** *hermeneuein* = ''تفسیر کردن''

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، ''علم تفسیر کتاب مقدس''

## تأویل

## علم تأویل کتاب مقدس

## علم تفسیر کتاب مقدس

کلمات مربوط: Exegesis

## Hermit

Ermite

**Gr.** *erèmia* = "بیابان، مکان غیر مسکون"

راهبی که برای عبادت، در انـزوا و در بیابان گوشه نشین شده است؛ مانند الیاس نبی در عهد عتیق و یحیی (یوحنا تعمیددهنده) در عهد جدید. عیسی نیز در مواقعی از جمع شاگردان خود را کنار کشیده جهت عبادت به بیابان می‌رفت. ترک جامعه، اول در مصر (قرن سوم)، در بین النهرین و سپس در قرون وسطی، به مناطق غربی سرایت کرد.

**راهب منزوی**

**راهب معتکف**

**زاهدگوشه نشین**

کلمات مربوط: Monk – Cenobit

## Hesychasm

Hésychiasme

**Gr.** *hèsuchia* = "آرامش در سکوت و بی‌حرکت"

نهضت ریاضت طلب در میان راهبان ارتدکس، که با پرهیز و زهد، در پی رهایی از امیال دنیوی هستند. ریشهٔ تاریخی این نهضت به قرن چهارم میلادی برمی‌گردد؛ می‌گویند که با راهنمایی یک "پیر"، با عبادت مداوم و به تعویق درآوردن فعالیت‌های بدنی، درک نور عرفانی که مظهر نور غیر مخلوق خداست، میسر می‌شود. تماشای آن نور روحانی، که عالی ترین مقام زندگی انسان است، اتحاد با خدا را فراهم می‌آورد. آن، همان نوری است که در راه اورشلیم، عیسی به برخی از شاگردان در تجلی خود بر کوه نشان داد (مت۱۷ : ۱-۹ ؛ مر۹: ۲-۹). چون تن ما معبد روح‌القدس است (۱قرن۶: ۱۹)، باید با تسلط بر تن خود، پذیرای خدا گردیده، ارادهٔ خود را مهار کنیم و کاملاً ابزار ارادهٔ خدا شویم. در شبه جزیرهٔ آتوس (شمال یونان)، در دیرهای ارتدکس، نهضت هزیکَسْم رونق پیدا کرد و سنت

"دعای عیسی" و "فیلوکالی" سرشار از این روش روحانی است.

**هزیکَسْم**

**زهد و آرامش عرفانی**

کلمات مربوط: Philocalia – Prayer of Jesus

## Hierarchy

Hiérarchie

**Gr.** *hièros* + *archès* = "فرمانروایی دینی"

کلیسا، قوم خدا در عهد جدید، شامل همهٔ تعمید یافتگان است. اصولاً دو گرایش بنیادین در کلیسا روابط ایمانداران را تنظیم می‌کند: برابری برادرانه بین فرزندان خدا، و حاکمیت پدرانهٔ رهبران. عیسی دوازده تن را از میان شاگردان برگزید و به آنان مسئولیت خاصی داد تا مژدهٔ نجات را به همهٔ ملت‌ها برسانند؛ در میان دوازده رسول، به پطرس مأموریت خاصی داد: «امّا من برای تو نیایش کرده‌ام، تا ایمان تو سست نگردد و وقتی برگشتی برادرانت را تقویت کن» (لو۲۲: ۳۲). در کلیساهای قدیم، اسقفان رسولانند. در کلیسای کاتولیک، اسقف رم (پاپ)، جانشین پطرس، به خاطر مسؤلیت خاص او در حفظ اتحاد بین کلیساهای محلی و بین اسقفان، نقش اول در میان سایر اسقفان را دارد.

در کلیسای قدیم، سه مقام اصلی تشخیص داده می شوند: اسقفان، کشیشان و خادمان (شماسان).

**سلسله مراتب کلیسایی**

**سلسلهٔ سران کلیسا**

کلمات مربوط: Episcopate – Cardinal – Layman

## High Priest

Prêtre (grand -)

کاهن اعظم، در میان یهودیان، دارای امتیاز بزرگی بود که توسط مسح خاصی دریافت می‌کرد و او بود که قربانی را - بخصوص در روز یوم کیپور، روز عید بزرگ بخشش گناهان - تقدیم می‌کرده است.

در مسیحیت، فقط عیسی مسیح کاهن اعظم است و آن هم به یک معنی جدید: عیسی به عهد و پیمان کهن تحقق کامل می‌بخشد و خود، هم کاهن است و هم قربانی، و شفیع یگانه در عهد نوین؛ از این پس قربانی مذهبی فقط در قربانی مسیح تحقق می‌پذیرد (عبر۵ و ۹).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "پیشوایان دینی".

## کاهن اعظم

کلمات مربوط: Priest

## History of Salvation

Histoire du salut

باز خرید گناهان توسط عیسی، به تکامل رسیدن تاریخ نجات است که با حضرت آدم شروع شده بود و رابطهٔ خدا با قوم برگزیده را در بر می گیرد؛ این تاریخ که ما در دورهٔ فرجامین آن هستیم، شامل همهٔ خلقت است (افس ۱؛ کول ۱).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "زمان".

## تاریخ نجات

## Holiness

Saintet

**۱)** مقام عالی در زندگی معنوی. صفت هر شخصی یا هر شیئی که برای خدمت الهی تقدیم شود. در زبان یونانی دو واژهٔ مختلف این مفهوم را ابراز می‌کنند:

hagiosynè به معنی تقدسی که در عیسی است و ما باید آن را در خود عملی کنیم (۲قرن۷: ۱). پولس می‌گوید: «[خداوند] دل‌های شما را تقویت نماید تا در تقدّس در برابر خدا، پدر ما بی‌نقص باشید، هنگام آمدن خداوند عیسی با تمام مقدسانش» (۱تسا۳: ۱۳).

hosiotès به معنی پارسایی، وفاداری شخص ایماندار نسبت به خدا یا مطابقت امور و اشیا با قانون الهی. «خودتان را نو کنید و انسان را در بر کنید که بر طبق خدا در عدالت و قدوسیت حقیقت آفریده شده است» (افس۴: ۲۴).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "مقدس / قدوس".

## تقدس

**قدوسیت**

**سپنتایی**

**۲)** در اصطلاحاتی نظیر His Holiness (Sa Sainteté)، لقبی است که خطاب به مقام عالی روحانیت مانند پاتریارخ یا پاپ به کار می‌برند.

**حضرت**

کلمات مربوط: Glory – Holy – Sacred – Holy of Holies – Canonization

## Holocaust

Holocauste

**Gr.** *holos* + *kaustos* = "کاملاً سوخته"

این قربانی، از میان آیین‌های قربانی دیگر، در معبد اورشلیم تقدیم می‌شد و به نشان بخشش بدون برگشت، حیوان قربانی شده، کاملاً سوزانده می‌شد (لاو ۱)؛ این قربانی در برابر قربانی عیسی باطل شد: "او پس از اینکه قربانی یگانه‌ای برای گناهان تقدیم کرد، برای همیشه بدست راست خدا نشسته است" (عبر ۱۰: ۶-۸)؛ عیسی گفت: "و محبّت کردن او با تمام قلب و با تمام فهم و تمام قدرت و همسایه را چون خود محبّت کردن، بیش از قربانیهای سوختنی و [دیگر] قربانی‌ها است" (مر ۱۲: ۳۳).

کلمهٔ Holocaust (هولوکاست)، در نیمهٔ دوم قرن بیستم میلادی به طور اخص به معنی کشتار حدود شش میلیون یهودی توسط نازی‌ها و همکارانشان در جنگ جهانی دوم آمده است؛ برای این واقعه اطلاق کلمهٔ Shoah (شعا) بهتر است.

**قربانی سوختنی**

**قربانی آتشین**

کلمات مربوط: Altar – Sacrifice

## Holy

Saint

صفت خدایی؛ به کسانی اطلاق می‌شود که با خدا رابطهٔ خاصی دارند. به طور

مطلق تنها خدا قدوس است و نام او قدوس است.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، ''پاک''، ''مقدس، قدوس''.

مقدسین یا قدیسین، ایماندارانی هستند که در اثر فیض خاص، در قدوسیت خدا مشارکت دارند.

**قدوس**

**مقدس**

**خجسته**

کلمات مربوط: Holiness – Holy Spirit – Sacred

۴۴۰ سانتیمتر بود و در معبد اورشلیم در پشت قدس قرار داشت؛ این اتاق کاملاً تاریک و بعد از تبعید، خالی، محل حضور الهی بود و سالی یک بار تنها کاهن اعظم می‌توانست در آن داخل شود. زمان مرگ عیسی، «پردهٔ قدس از بالا تا پایین به دو قسمت شکافته شد»، به نشانهٔ باز شدن قدس زمان آخر (مت۲۷: ۵۱).

ر. ک. فرهنگ عهد جدید، «قدس الاقداس».

**قدس الاقداس**

کلمات مربوط:Ark – Day of Atonement

## Holy of Holies

Saint des Saints

**Gr.** *hagia tôn hagiôn*, ''مقدسِ مقدسات''

جای مخصوصی در حرم معبد اورشلیم که در آن صندوقچهٔ پیمان قرار داشت (عبر۹: ۳-۵). قدس الاقداس اتاقی به شکل مکعب بود که اندازهٔ هر طرف آن

## Holy Oil

Huile Sainte

سه نوع روغنی که در طول سال برای تدهین تعمیدخواستگان و راز تعمید، برای راز تثبیت روح‌القدس و برای راز مریضان به کار می‌برند، و روز پنجشنبهٔ مقدس (یا یکی دو روز قبل از آن) طبق

آیین خاصی توسط پاتریارخ یا اسقف تقدیس می‌شود.

ر.ک. Oil و Unction.

**روغن مقدس**

**روغن تقدیس شده**

کلمات مربوط: Chrism – Oil – Baptism – Anointing of the Sick – Christ

## Holy See

Saint – Siège

قرارگاه اصلی رئیس کلیسای کاتولیک، پاپ، در شهرک واتیکان در میان شهر رم پایتخت ایتالیا. مشهور است که مکان کلیسای پطرس قدیس، همان مکان شهادت و تدفین پطرس و پولس است؛ برای کلیسای کاتولیک و کلیساهای شرقی که به آن وابسته اند، پاپ جانشین پطرس است.

**کرسی ریاست اعظم کلیسا واتیکان**

کلمات مربوط: See – Pope

## Holy Sepulchre

Saint Sépulchre

مسیحیان برآنند که عیسی روی صلیب مرد و جسد او در یک قبر نوساز که نزدیک اورشلیم، در صخره کنده شده بود قرار گرفت؛ او همان جا جلوی قبر خالی، یکشنبهٔ صبح روز "گذر"، بر اولین شاهدان رستاخیز، در حالی که از مرگ برخاسته بود ظهور کرد. محل دفن عیسی از ابتدای تاریخ مسیحیت مکان زیارت بوده است. کلیساهای شرق نام این مقام را Anastasis نام دادند، یعنی مقام رستاخیز.

**مقبرهٔ عیسی**

**مقام رستاخیز**

## Holy Spirit

Esprit Saint

در تعریف دقیق کلمهٔ "مقدس" معنی "تقدیس شده" گنجانده شده است، بنابراین

نمی‌شود گفت که روح خدا (یکی از سه شخص سه‌گانهٔ اقدس) ”مقدس“ است. پس ترجمهٔ Holy Spirit بهتر است ”روح القدس“ باشد.

در عهد قدیم(عتیق)، روح خدا نیرویی است که اشخاص را تقویت کرده، به آنها توانایی انجام دادن اعمال یا اظهار سخن فوق العاده می‌بخشد. به پیامبران الهام می‌دهد تا موعظه کنند؛ خادم یهوه سرشار از روح می‌باشد: ”من روح خود را بر او می‌نهم تا انصاف را برای امّت‌ها صادر سازد“ (اش ۴۲: ۲). روح و سخن خدا باهم عمل می‌کنند. آخرین پیامبر، یحیی(یوحنا تعمید دهنده)، تعمید در روح‌القدس و آتش توسط عیسی را اعلام می‌کند (مت ۳: ۱۱). عیسی به وسیلهٔ روح‌القدس متولد شد و هنگام تعمید در رود اردن، ”روح‌القدس به صورت جسمانی، چون کبوتری بر او نازل شد و صدایی از آسمان رسید: تو هستی آن پسر من، آن محبوب و از تو خشنودم.“ (لو ۳: ۲۲).

روح در رابطهٔ پدر به پسر الزامی است و همیشه همراه عیسی است. دریافت روح زمانی برای شاگردان عملی می‌شود که عیسی در مرحلهٔ مرگ و رستاخیز، ”شکوهمند“ می‌گردد «روح نبود زیرا عیسی هنوز شکوه نیافته بود» (یو ۷: ۳۹). این اصطلاح، به سنت یهودی اشاره می‌کند که طبق آن، در آغاز پیدایش، روح به همهٔ انسان‌ها داده شده بود، سپس در اثر گناه، محدود به اعقاب ابراهیم، سپس باز محدود به تنها هفتاد نفر از پیران که موسی را به بالای کوه سینا همراهی کرده بودند، شد (خروج ۲۴: ۹)؛ سپس محدود به پیامبران گردید. اما چون قوم پیام ایشان را رد کرده نپذیرفتند، در نتیجه عمل ایشان روح را خفه نمود و آسمان بسته شد و دیگر پیامبری وجود نداشت (مز ۳۴: ۹؛ دان ۳: ۳۸)؛ پس یهودیان آمدن مسیح را همراه با یک فیضان نوین روح القدس انتظار داشتند.

عیسی تا در میان شاگردان بود، روح را - که آن را ”مدافع“ (paracletos)

نام داد - نمی‌توانست جدا از خود نشان دهد (یو ۷: ۳۹)؛ "به نفع شماست که من بروم، زیرا اگر نروم، آن مدافع به سوی شما نخواهد آمد، اما اگر بروم او را برایتان خواهم فرستاد" (یـو۱۶: ۷، نیز ر.ک. یو۱۵: ۲۶). این روح حقیقت برای شهادت در زمان تعقیب، پشتیبان شاگردان خواهد بود. کلیسا، زمانی به وجود می‌آید که روز عید پنجاهه (پنتیکاست) روح‌القدس را دریافت می‌کند و اعمال رسولان یک نوع "انجیل روح" می‌باشند؛ «چون روح‌القدس بر شما می‌آید، قوّت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود بر اورشلیم و تمامیِ یهودیه و سامره و تا اقصای جهان» (اع ۱: ۸). پولس، زندگی در مسیح را جدا از زندگی در روح نمی‌تواند تصور کند (غلا ۲: ۲۰؛ روم ۸: ۱).

**روح القدس**

**روح قدوس**

کلمات مربوط: Paraclete – Spirit – Whitsun – Pentecost – Confirmation – Epiclesis – Effusion – Trinity

## Holy Water

Eau bénite

در کلیساهای قدیم، آبی که توسط کشیش تقدیس شده است و آب دریای احمر که قوم یهود هنگام خروج از مصر از آن عبور کرد یا آب رود اردن که عیسی در آن تعمید گرفت و یا آب تعمید را یادآوری می‌کند. برای تعمید، تقدیس خاصی بر آب اجرا می‌شود و در ورود به کلیسا و مراسم دیگری (مثل تشییع جنازه) از این آب، که نشانهٔ رهایی از گناه است، به نشان تطهیر استفاده می‌کنند.

**آب مقدس**

**آب تقدیس شده**

کلمات مربوط: Ablution – Asperges – Baptism

## Homily

Homélie

**Gr.***homilein*="باکسی مشارکت یا همنشینی داشتن"

گفتگو یا گفتار در رابطه با آیین

سپاسگزاری (اع ۲۰: ۱۱). معمولاً، موعظهٔ کلیسا در تفسیر قرائت نوشته‌های مقدس برگزیده در آیین نیایش روز است؛ نمونهٔ آن در زندگی عیسی داده شد، وقتی به کنیسه رفته، کتاب اشعیای پیامبر را قرائت کرده، آن را تفسیر نمود (لو۴: ۱۶-۲۰).

**موعظه**

## Hope

Espérance

یکی از سه فضیلت الهی (همراه ایمان و محبت).

عهد با ابراهیم به طور مشخص، امید به پدید آمدن نسل‌های بی شمار و خوشبختی می‌دهد و سپس قول سرزمین موعود به موسی داده می‌شود:«من فرود آمده‌ام تا ایشان را از دست مصریان رهایی دهم و ایشان را از این سرزمین به سوی سرزمینی نیکو و وسیع، به سوی سرزمینی که شیر و شهد در آن جاری است، برآورم...» (خروج۳: ۸). نزد یهودیان ایام عیسی، امید قومی و دست‌جمعی رفته رفته به یک امید فردی و شخصی تبدیل می‌شود: امید رهایی توسط "پسر انسان" (دان۷: ۱۳)، امید آرامش و نجاتی که دیگر نه روی زمین بلکه در زندگی آتی خواهد بود (حکمت۳: ۳-۴، ۴: ۷، ۵: ۲).

ملکوتی که عیسی اعلام می‌کند، واقعیتی روحانی است که توسط ایمان یافت می‌شود. مسیحیان به سوی آینده می‌نگرند و منتظر ظهور خداوند هستند؛ زندگی مسیحیان سرشار از امید این خوشبختی‌است: «در امیدواری شادمان [باشید]» (روم۱۲: ۱۲).

پولس، بیش از همه، روی امید رستاخیز تأکید می‌کند؛ مانند ابراهیم که «بر خلاف هر امیدی امیدوار بوده ایمان آورد...» (روم۴: ۱۸).

نوشته‌های یوحنا پیام زندگی جاودانی

می‌دهد که از هم اکنون «هر کس تن مرا می‌خورد و خون مرا می‌نوشد زندگانی جاودانی دارد و من او را در واپسین روز بر خواهم خیزاند» (یو۶: ۵۴)؛ و در پایان مکاشفه داماد ندا می دهد: «خوشا بر آنان که لباس‌های خود را می‌شویند تا بر درخت زندگانی اقتدار داشته از دروازه‌ها به شهر درآیند». داماد، بازگشت نزدیک خود را اعلام می‌نماید و عروس جواب می‌دهد: «بیا، ای خداوند عیسی!»، ندایی که انعکاس نیایش ''آرامی'' مسیحیان اولیه است(مارانا تها)، ۱قرن۱۶: ۲۲. امیدواری مسیحیان در اینجا خلاصه می‌شود، اشتیاق محبتی است که تشنهٔ حضور خداوندش است.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، ''امید''.

**امید**

**امیدواری**

کلمات مربوط: Parousia – Promise – Covenant – Maranatha

## Hosanna

این کلمه در زبان های عبری وآرامی به معنی «نجات بده!» آمده است (مز۲۵: ۱۱۸)؛ از این سبب به معنی «زنده باد!» وهلهله عمومی به کار برده می شود .

**هوشیعانا**

**درود بر خدا**

## Host

Hostie

این لغت در اصل از کلمهٔ لاتین hostia مشتق شده است، به معنی قربانی که به حالت کفاره تقدیم می‌شود؛ نظیر مسیح که قربانی تقدیمی می باشد و نان تقدیس شده، تن اوست.

نانی است که در آیین عشای ربانی، همراه جام شراب، تقدیس و تناول می‌شود.

**نان مقدس**

کلمات مربوط:– Bread – Communion Offering

## Humble

**Lat.** *humilis* = ”زمینی“

از طبقات پایین، در برابر متکبر. در کتاب صفنیای نبی آمده است: ”در پی خداوند باشید، شما فروتنان زمین، ...در پی عدالت باشید، در پی فروتنی باشید، تا بلکه، روز خشم خداوند، در پناه باشید.“ (صف۲: ۳)؛ اینجا فروتنان در برابر کسانی هستند که در خویشتن نیرو پیدا می‌کنند: اعیان، ثروتمندان، آنانی که به خدا احتیاجی ندارند. ارزش‌های عادی وارونه شدند؛ به همان گونه مسیح که «به صورت خدا بود...خود را تهی کرده، صورت برده گرفت، و به مانند آدمیان شد. و ظاهر او همچون یک انسان گردید، خود را پایین آورد، و تا به مرگ فرمانبردار شد، مرگ بر روی صلیب» (فی۲: ۶-۷).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، ”فروتنی“.

**فروتن**

**متواضع**

کلمات مربوط: Kenosis – Haughtiness – Poverty

## Humility

Humilité

**فروتنی**

**تواضع**

کلمات مربوط: Humble – Poverty

## Hymn

Hymne

**Gr.** *hudein* : ”آواز خواندن“

مترادف ”مزمور“، ولی در تعریف دقیق کلمه، مزمور به سروده‌های داوود گفته می‌شود، در صورتی که هر شعری که محتوای روحانی داشته باشد سرود خوانده می‌شود.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، ”سرود“.

**سرود**

## Hypostasis

Hypostase

**Gr.** *hypostasis* = ”ماهیت، واقعیت وجودی“

مفهوم فلسفی (افلوطین): جوهر، در برابر صفت.

از این کلمه بـرای تعریف اقنوم سه گانهٔ اقدس استفاده شده است. از دیدگاه مسیحیان یکتا اقنوم پسر خـدا، عیسی مسیح طبیعت الاهی و طبیعت انسانی را متحد ساخت. در شورای اسقفان کالسدون (۴۵۱م) تعریف رسمی از عیسی به عنوان یک شخص در دو سرشت، جزو تعلیمات رسمی کلیسا گردید.

**اقنوم / اقانیم**

للمات مربوط: Divine Person – Hypo-Static Union – Substance – Chalcedon

## Hypostatic Union

Union hypostatique

"سخن" خـدا در زمانی معین چون یک انسان از مریم عذرا تولد یافت «و سخن تن شد و در بین ما ساکن گردید» (یـــو۱:۱۴). بدین معنی که پسر خدا سرشت کامل انسانی برخود گرفت و با سرشت الهی و انسانی مسیح - اتحاد بین سخن و انسانیت - اتحاد طبایع نامیده می شود. در راز تن گیری، سخن که همان پسر جاودانهٔ خدا و شخص دوم سه گانهٔ اقدس است سرشت انسانی به خود گرفت و آن را در شخص عیسی با طبیعت الهی متحد ساخت. مسیح، به تمام معنی خدا و تمام معنی انسان است؛ بنابراین توسط او انسان ها نجات یافتند - یهوه نجات دهنده -.

شورای اسقفان کالـسدون (۴۵۱ م) به تعریف جدید برای سرشت دوگانهٔ عیسی رسید: «تعلیم ما در بارهٔ مسیح واحدی است که هم پسر، هم خداوند و هم تک فرزند (خدا) است، که در دو سرشت شناخته شده، بدون التقاط، بدون تغییر و بدون جدایی.»

**اتحاد طبایع**

**اتحاد ذاتی**

**اتحاد بِلاُقنوم(طبایع)**

کلمات مربوط: Divine Person – God –

# I

## Icon

Icône

شمایل، وسیلهٔ تعمق و سیر و نظر در حقیقت رازهـای مسیح می‌باشد که در تکامل تعلیمات شفاهی یا نوشتاری، برای انتقال این رازها از ورای امکان تصور به عالم تصور اسـت؛ بنابر این برای ساده‌دلان اهمیت بسزایی دارد چون از راه نشانه‌های مختلف به قلب انسان سخن می‌گوید. در کلیسا این شمایل‌ها مورد احترامی عمیق می‌باشند، مثل اینکه راز نشان داده شده، در برابر چشمان ایماندار حضور پیدا می‌کند.

همان گونه که سرودها به وسیلهٔ تخیل و زیبایی موسیقی نیایش را آسان‌تر می‌کنند، تصاویر شمایل یک راه شناخت رازهای نجاتند.

**شمایل**

**تمثال**

کلمات مربوط: Perichoresis

## Iconoclasm

Iconoclasme

**Gr.** *eikôn* = "تصویر" + *klaô* = "شکستن"

نهضت مخالفت با استفاده از شمایل در کلیسا که شدت آن در قرن هشتم میلادی بود؛ گفته شده است که اسلام، فکر مبارزهٔ با پرستش بت و بت سازی را به بعضی از مسیحیان این دوره داده بود.

اگر در عهد قدیم (عتیق) خدا - که هیچ کس او را ندیده بود - به موسی فرمان داد که هیچ گونه تصویری از او تولید نکنند (تث۴: ۱۵-۱۶)، از زمان عیسی که به صورت دیدنی در میان ما راز خدا را آشکار ساخت، کلیسا از تجسم صورت انسانی عیسی جلوگیری نکرد.

در دوران معاصر، کلیساهای قدیم هم

شمایل و هم مجسمه‌های قدیسان و عیسی را در کلیساها می‌پذیرند، در صورتی که اغلب کلیساهای پروتستان از استفاده از این تصویرها پرهیز می‌کنند.

**مخالفت با شمایل**

**شمایل شکنی**

**شمایل ستیزی**

## Iconostasis

Iconostase

در معبد اورشلیم، یک پرده بین قدس الاقداس و جایگاه مردم حایل بود.

همچنین در کلیساهای یونانی یا روسی (ارتدکس یا کاتولیک)، دیوارچه‌ای بین قربانگاه (مختص خادمین) و جایگاه ایمانداران عادی حایل است و روی آن صحنه‌های مذهبی نقاشی شده است؛ معمولاً مسیح در دست راست در ورودی و مریم در چپ آن نقاشی شده‌اند.

**پردهٔ شمایل**

کلمات مربوط: Holy of Holies

## Immaculate Conception

Immaculée conception

جبرائیل فرشته مریم را سلام کرده به او می‌گوید: «شادی نما، ای سرشار از فیض، خداوند با تو است!» (لو ۱: ۲۷). مریم از اثر گناه پاک است: این اعتقاد در سوریه از قرن پنجم میلادی شکل گرفت و جشن معصومیت مریم از گناه را در نهم دسامبر می‌گرفتند؛ چون از اثر گناه اولیه معصوم است، مریم شامل محکومیت "بازگشت به خاک" نبود (پید ۳: ۱۹) و بعد از مرگ بی‌رنج (یا بعد از غنودن) به آسمان برده شد. پاپ پیوس نهم در ۱۸۵۴ م، اعتقاد به معصومیت مریم را به طور رسمی در کلیسای کاتولیک اعلام کرد؛ سه سال نیم بعد، برنادت سوبیرو (Berna-dette Soubirous)، دختری بی‌سواد اهل لورد( فرانسه)، مریم را در غاری می‌بیند و وقتی نام او را جویا می‌شود، جواب می‌دهد "معصومیت مادر زادی

هستم". جشن آن را در کلیسای کاتولیک، روز ۸ دسامبر می‌گیرند.

**لقاح مطهر**

**لقاح پاک**

**معصومیت مادرزادی**

کلمات مربوط: Original Sin

## Impassibility

اغلب متألهان عهد باستان و قرون وسطی این نکته را مسلم می انگاشتند که شرط کمال خداوند انفعال ناپذیری اوست - بدین معنی که خداوند نباید دستخوش عواطف شود، بویژه نباید از مصائب مخلوقاتش دچار هیچگونه رنج و اندوهی گردد -. موجود کامل نباید قابلیت رنج‌کشیدن داشته باشد، زیرا رنج نوعی نقصان است، و به موجودی که دچار آن است آسیب می رساند. بسیاری از متألهان متأخر، بر مفهوم خدای «انفعال ناپذیر» شوریده اند و تاکید می ورزند که کمال خداوند بویژه صفات محبت و شفقت او، ایجاباً اقتضا می کنند که وی بتواند همراه مخلوقاتش رنج بکشد؛ همچنانکه پسر خدا انسانیت ما را بر خود گرفته، متحمل رنج و مرگ گردید.

**انفعال ناپذیری**

**رنج ناپذیری**

کلمات مربوط: Attributes of God – Passion – Circumincession – Divine Person – Perichoresis – God – Hypostatic Union

## Imposition of Hands

Imposition des mains

دست روی شخصی گذاشتن فراتر از تبرک بخشیدن است: تماس بر بدن آن شخص است و به وی چیزی از خود منتقل کردن؛ در عهدقدیم(عتیق)، دستگذاری نشان تبرک و تقدیس کسانی است که مورد محبتند و یا کسانی که به سمت خاصی انتخاب شده اند. در مراسم قربانی، روی قربانی دست گذاشته،

قربانی دهنده - با این عمل -، نیات خویش را به آن منتقل کرده، آن را به خداوند تقدیم می‌دارد.

در انجیل، عیسی دست روی کودکان گذاشته، برکتی را که به بینوایان در روح بشارت مـی‌دهـد، بدیشان منتقل می‌کند (مر۱۰: ۱۶)؛ در موارد دیگر، دستگذاری عیسی مریض را شفا می‌بخشد و کوران را بینایی (لو۱۳: ۱۳؛ مر۴: ۴۰). این نیرو را نیز عیسای رستاخیز یافته به شاگردان می‌دهد که به سراسر جهان برای اعلام انجیل فرستاده می‌شوند «... بر دردمندان دست گذاشته و آنها سالم خواهند شد» (مر۱۶: ۱۸).

در کلیسای ابتدایی، دستگذاری نشان تقدیس اسـت کـه موهبت‌های الهی و مخصوصاً روح را منتقل می‌سازد (اع۸: ۱۷)؛ رسولان از این نشان پر معنی و مقتدر بارها استفاده نمودند.

توسط این نشانه، کلیسا اقتداری روحانی را برای رسالت خاص منتقل می‌سازد: تأسیس هیأت هفت‌تنان، مأموریت برنابا و سولس (پولس) (رک اع۱۳: ۳ و غیره). پولس به نوبت خود، دست روی تیموتاؤس می‌گذارد و دستور می‌دهد تا او نیز بر کسانی که برای خدمت انتخاب می‌کند، دست گذارد. (۱تیمو۵: ۲۲).

در راز دستگذاری شماسان و کشیشان و اسقفان، دستگذاری مدار آیین است و در سایر رازها نیز (تعمید، کفاره) نقش اساسی دارد.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "دست".

**دستگذاری**

کلمات مربوط: Order – Ordination

## Incardination

وابستگی کشیش به یک حوزهٔ اسقفی.

**وابستگی به حوزه اسقفی**

کلمات مربوط: Excardination

## Incarnation

راز انسان شدن پسر خدا که توسط مریم

با قدرت روح القدس انجام گرفت «سخن تن شد» (یو ۱: ۱۴).

استفاده از واژهٔ «حلول» برای Incarnation صحیح نمی باشد زیرا که حلول کلمه ای عربی است و در فرهنگ مذاهب اسلامی، دارای معانی مشخصی است و به روحی یا شیئی که به بدن کسی یا شیئی دیگر وارد شود دلالت دارد. کتاب مقدس به ما می آموزد که کلمه جسم شد؛ یعنی تبدیل به گوشت (به یونانی sarx) شد و نه این که خدا در گوشت و پوستی که عیسی بوده، داخل شد .

**تن‌گیری**

**تجسم**

**تن‌یافت**

کلمات مربوط: Body

## Inculturation

در پایان قرن هفدهم میلادی، ژزوئیت‌ها در چین گروه‌های مسیحی را جمع کرده بودند و با آنان آیین مذهبی خاصی تنظیم کردند که مطابق با آداب و رسوم محلی بود؛ اقدام ایشان بعداً از طرف کلیسای کاتولیک محکوم گردید، ولی ابتکار ژزوئیت‌ها هنوز نمونهٔ تطبیق اعلام مسیحیت به ملت‌هاست.

در سخنرانی لیستره و آتن، پولس نمونهٔ موعظه ای را ارائه می دهد که در خطاب به ملت‌های غیر یهود است: وارد "گفتگو" با ارزش‌های فرهنگی و مذهبی اقوام دیگری می‌شود (اع۱۴: ۱۵-۱۷، ۱۷: ۲۲-۳۱)؛ خدایی که به آنها معرفی می‌کند، در زندگی شان از قبل بوده، اوست که آنها را مخلوق ساخته است و به طور عجیبی قوم‌ها و تاریخ را هدایت می‌کند.

شورای اسقفان واتیکان دوم، در منشور "به سوی ملل" (Ad Gentes)، رسالت اعضای عمومی کلیسا را چنین ترسیم می‌کند: «اعضایی که وفادار هستند هم متعلق به قوم خدا می‌باشند و هم به جامعهٔ

مدنی؛ ایشان متعلق به ملت خود هستند ... ایشان باید این تازگی حیات را در محیط اجتماعی و فرهنگ میهن خود، مطابق سنن ملی، نمایان سازند. ایشان باید این فرهنگ را بشناسند، آن را پاک سازند، حفظ کنند، و بر اساس موقعیت‌های جدید شکل بخشند، تا آن را در مسیح به کاملیت برسانند، و ایمان مسیح و حیات کلیسا برای اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند، اموری بیگانه نباشند، بلکه شروع کنند به نفوذ در آن و متحول ساختن آن. ایشان باید با محبتی اصیل به هم‌میهنان خود محلق شوند تا در رفتار ایشان پیوندی نوین از وحدت و همبستگی جهانی دیده شود، وحدتی که از راز مسیح نشأت می‌یابد.» (باب ۳، بند ۲۱).

در نامهٔ همگانی "رسالت نجات دهنده" (Redemptoris Missio، ۱۹۹۰م)، پاپ ژان پل دوم متذکر می‌شود که سخن مسیحیان باید جوابگوی انتظار و امید مردم، مطابق دردهایشان و فرهنگشان باشد تا پیام نجات در مسیح را برساند.

**تعامل با فرهنگ**

**تعامل با جامعه**

کلمات مربوط: Adaptation – Acculturation – Particular Church

## **Inerrancy** (Biblical-)

Inerrance (biblique-)

آموزه‌ای که کتاب مقدس را الهام روح‌القدس دانسته، آن را از نظر الهیاتی کاملاً مصون از هر گونه خطایی می داند.

**عصمت وحی**

**خطاناپذیری کتاب‌مقدس**

کلمات مربوط: Infallibility – Inspiration

## **Infallibility**

Infaillibilité

عیسی حقیقت است (یو ۱۴: ۶). او راز پدر را بر ما آشکار می‌سازد و پس از

صعود خود، روح القدس را به ما عطا کرد تا ما را به سوی حقیقت کامل هدایت کند (یو ۱۴: ۲۶، ۱۶: ۱۳)؛ به این ترتیب، کلیسا به دور از حقیقت، سرگردان نخواهد بود و غیر از حقیقتی که دریافت داشته است چیزی تعلیم نخواهد داد. عیسی قول داد که شیطان، پدر دروغ، او را مغلوب نخواهد ساخت و او را به سوی خطا نخواهد کشاند (مت ۱۶: ۱۸). برای رسمیت بخشیدن به ایمان کلیسا، عیسی دوازده رسول انتخاب کرد و به ایشان مسئولیت تعلیماتی را واگذار نمود (مت ۲۸: ۲۰)؛ او مسئولیت مراقبت از رسولان را به طور خاص به پطرس سپرد (یو ۲۱: ۱-۱۸؛ لو ۲۲: ۳۲). به این نحو، وقتی مسیحیان به سخنان مسئولین کلیسا گوش فرا می‌دهند، بخصوص سخنان اسقفان که جانشین رسولان هستند، به همان حقیقت دسترسی می یابند. وقتی اسقفان در شورای اسقفان گردهم می آیند و آموزه‌ای را که جزء مکتب کلیساست تعیین تعریف می‌کنند، گمراه نمی‌توانند باشند؛ پاپ نیز که جانشین پطرس است، اگر بعد از مشورت با اسقفان بر آموزه‌ای که مستقیماً با ایمان و اخلاق مرتبط باشد نظر خود را رسماً اعلام کند، گمراه نمی‌تواند باشد؛ اما این موقعیت‌ها بسیار نادر می‌باشند، و اگر چنین موردی پیش آید، پاپ روشن می‌کند که به عنوان اسقف رم و جانشین پطرس در مصونیت از اشتباه سخن می گوید.

اصل قصورناپذیری پاپ (با محدودیتی که در بالا ذکر شد) در شورای اسقفان کاتولیک "واتیکان اول" (۱۸۷۰ م) اعلام شد؛ کلیساهای جدید بر آن هستند که فقط عیسی قصورناپذیر می‌باشد و مرجع نهایی در ایمان را، تنها نوشته‌های مقدس می‌دانند، هرچند که برخی از آنان سنت کلیسا را هم مرجع و اصل ایمان می‌دانند.

## مصونیت از اشتباه قصورناپذیری

کلمات مربوط: Council of Vatican (First ) Pope

## **Inspiration** (Biblical-)

Théopneustie

طبق این آموزه، تمامی قسمت های کتاب مقدس تحت الهام مستقیم روح‌القدس بوده است؛ بنابراین نویسندگان بشری از راه فرهنگ عصر خود راز خدا و آمدن مسیح را در نور روح‌القدس اعلام می کردند.

**الهام جامع**

کلمات مربوط: Revelation – Inerrancy – Scripture – Vision – Apparition

## **Institution** (of the Eucharist)

Institution eucharistique

در یادآوری نیایش سپاسگزاری عیسی در روز قبل از مرگ، کشیش، هم حرکت‌های یاد شده از عیسی را حضوراً به عمل می‌آورد و هم حرف‌های عیسی را می‌گوید: «بگیرید و همه از این بخورید، این تن من است که از بهر شما تسلیم می‌شود...بگیرید و همه از این بنوشید، این جام خون من است، خون پیمان جدید و جاودانی که از بهر شما و همهٔ آدمیان برای بخشایش گناهان ریخته می‌شود»، «این کار را به یاد من بکنید» (۱قرن۱۱: ۲۳؛ لو۲۲: ۱۵-۲۰). در مکتب کلیساهای قدیم، کل آیین سپاسگزاری عامل این راز است؛ بین کلیساها اختلاف بر سر این است که آیا عین نیایش سپاسگزاری باعث تبدیل نان و شراب به تن و خون عیسی می‌باشد؟

**یادآوری تأسیس سپاسگزاری**

کلمات مربوط: Epiclesis – Eucharist

## **Integrism**

Intégrisme

در لغت (بخصوص در فرانسوی)، این کلمه به معنی ''افراط گری مذهبی'' و ''اصول‌گرایی مذهبی'' به کار رفته است و حتی برای گروه‌های مسلمان افراطی

نیز استفاده می‌شود.

افراط گری مذهبی در جهت حفظ بی چون و چرای سنت و در جهت رهبری روحانیت در تعیین اخلاق و نظام اجتماعی می‌باشد؛ در اصل، این کلمه برای کاتولیک‌های سنت‌گرای قرن بیستم میلادی به کار رفته است که مخالف هر گونه تغییر در نظام کلیسا بودند و حتی بعضی از آنها اصلاحات و نوگرایی‌های مذهبی شورای جهانی اسقفان واتیکان دوم را قبول نکردند. در مقابل، "بنیادگرایی" روی تفسیر بدون واسطهٔ نوشته‌های الهامی تأکید می‌کند.

### سنت‌گرایی افراطی

کلمات مربوط: Fundamentalism

## Intercommunion

توافق بین دو کلیسا، که معمولاً در دو منطقهٔ جدا قرار دارند، بدون قرار اتحاد بین آنها، برای اینکه اعضای یک کلیسای خاص بتوانند در عشای ربانی کلیساهای دیگر شرکت کنند. در کلیساهای قدیم، چنین پذیرایی وجود ندارد مگر به شرطی که مسیحیان کلیساهای دیگر به حضور واقعی عیسی در نان و شراب تقدیس شده اعتقاد داشته باشند.

### پذیرایی در آیین سپاسگزاری

کلمات مربوط : Church Fellowship – Communion – Eucharistic Hospitality

## Interreligious Dialogue

Dialogue interreligieux

ر.ک. Dialogue (Interreligious -)

## Israel

در اصل، به معنی "خدا مبارزه می‌کند" می باشد. اسمی است که به یعقوب، بعد از کشتی گرفتن با خدا یا فرشتهٔ خدا داده شد (پید۳۲: ۲۵ به بعد ، ۳۵: ۱۰)؛ بعداً این اسم، به «قوم عهد» اطلاق گردید، که

به او وعده‌های پیامبران داده شد؛ بعد از عهد و پیمان، دوازده قبیلهٔ اسرائیل به نام دوازده پسر یعقوب نامیده شدند.

عیسی، در زمان حیات خود، نجات را خطاب به قوم اسرائیل اعلام می‌دارد (مت۱۰: ۶، ۲۳) و بعد از رستاخیز، هنوز مخاطبان اصلی، ''خاندان اسرائیل'' می‌باشند (اع۲: ۳۶). با انتخاب دوازده رسول، عیسی کلیسای خود را به شکل قوم برگزیده بنا می‌کند، که بر قبیله‌های اسرائیل داوری خواهند کرد. کلیسا، در واقع، همان اسرائیل جدید می‌باشد که عهد جدیدی با آن بسته می‌شود؛ برای شرکت در این ''اسرائیل خدا'' (غلا۶: ۱۶)، دیگر لازم نیست که بر طبق جسم اسرائیلی شوند (۱قرن۱۰: ۱۸)؛ وقتی ملل(غیر یهودیان) به ایمان برسند، سخت‌دلی اسرائیل به پایان می‌رسد «و بدین گونه تمام اسرائیل نجات خواهد یافت» (روم۱۱: ۲۶).

برای اجتناب از هر گونه سوء تفاهم (ارتباط با کشور اسرائیل فعلی)، هر وقت در متون مذهبی مسیحی اشاره به اسرائیل می‌شود، بهتر است اصطلاحاتی نظیر ''قوم برگزیده''، ''قوم اسرائیل'' یا ''یهودیان'' به کار برده شود.

**قوم برگزیده**

**قوم اسرائیل**

# J

## Jacobite

Jacobite

متعلق به کلیسای سریانی یعقوبی که طبق روایتی، توسط تومای رسول تأسیس شده است و در جنوب هند مستقرگردید؛ سلسلهٔ اسقفان این کلیسا از یعقوب بردئوس می باشند (Jacob Bar Addaï ، قرن ششم میلادی).

ر.ک. Monophysitism.

**یعقوبی**

## Jansenism

Jansénisme

مکتب ژانسنیوس ( Jansenius ۱۵۸۵ ـ ۱۶۳۸م)، اسقف هلندی که سخت، ضد ژزوئیت‌ها موضع گرفت. افکار ژانسنیوس در کتابی خلاصه شد که راجع به مکتب اگوستینوس، و بعد از مرگ او منتشر شد و از طرف مقام پاپ خلاف عقاید کلیسا معرفی و ممنوع گردیده است؛ طبق عقاید او، مسیح برای نجات کل بشرمصلوب نشد، بلکه برای عده‌ای مصلوب گردید که از اول جزو انتخاب‌شدگان بودند.

**ژانسنیسم**

کلمات مربوط: Election – Jesuit – Predestination

## Jesuit

Jésuite

عضو "جامعهٔ عیسی"، یک نظام کشیشی در کلیسای کاتولیک که در۱۵۳۴م توسط قدیس "ایگناتیوس لویولا" تأسیس شد؛ یکی از اهداف این نظام، مبارزه با نهضت اصلاحات و

کلیساهای پروتستان بود؛ در کارهای علمی و تعلیم و تربیت (دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها)، صاحب شهرت عظیمی شدند.

**ژزوئیت**

**یسوعیون**

## Jesus, Jesus-Christ

Jésus, Jésus-Christ

نامی است که به پسر مریم داده شد (مت۱: ۲۱). اصل آن به عبری به صورت "یشوعا" (Yeshu'a) است و به معنی "یهوه نجات می‌دهد" می باشد. اسم مرکب "عیسی مسیح" (عیسی مسح شده)، به شخصیت تاریخی و مورد ایمان مسیحیان داده شد و در اعمال رسولان و رساله‌های رسولان بارها یافت می‌شود. شکلی که در قرآن و سپس در زبان فارسی پذیرفته شد (عیسی)، ممکن است که در اصل اقتباسی باشد از نام توهین‌آمیز «عیسو» برادر یعقوب که بدنام بوده است و یهودیان به جای یشوع به کار می‌بردند؛ به هر صورت اسم دیگری در فارسی نیست که به شخص عیسی اشاره کند؛ لازم به ذکر است که در اناجیل عربی برای نام عیسی از کلمه «یسوعَ» استفاده می شود.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "عیسی مسیح".

**عیسی**

کلمات مربوط: Savior

## Justice

از این کلمه، با استفاده از یک ریشهٔ واحد یونانی dikè به معنی حق و پاداش و انتقام، چهار مفهوم مختلف درهم آمیخته شده است:

۱) عدالت خدا که نجات‌بخش است. این عدالت در سطح دادگستری یا جریمهٔ مجرم نیست؛ خشم و عدالت خداوند، دوران پیاپی تاریخی نیستند، بلکه رفتار

وفادارانهٔ خدا را نشان می‌دهند که انسان گناهکار را باز می‌خوانند یا از خود دور می‌کنند. عیسی، تجسم این عدالت است (۱قرن۱: ۳۰)؛ خدا عادل است، بدین معنی که نسبت به خود و مشیتی که در بارهٔ نجات آدمیان داشته وفادار است. تبرئهٔ رایگان و نخستین، با داوری نهایی ارتباط دارد.

**۲)** خدا تبرئه می‌نماید، به سوی راستی برمی‌گرداند. انسان به تنهایی خود را راست و درست نمی‌کند، بلکه خداست که او را تبرئه کرده است، نه به خاطر عمل نیک یا رعایت شریعت، بلکه بخاطر فیض و به نحو رایگان؛ هر گونه تبرئه‌ای که منشأ آن خود آدمی باشد، مردود است (ر.ک. مثلاً به روم۳: ۱۹-۳۰).

**۳)** آدم، با گناه خویش مقام خود را نسبت به خدا حفظ نکرد بلکه خود را برابر با خدا دانست؛ در عوض، عیسی، وقتی تعمید یحیی ( یوحنا تعمید دهند) را قبول می‌کند، او که پاک بود تسلیم به ارادهٔ خدا شد و به یحیی گفت: «فعلاً بگذار [چنین کنیم] بدین گونه مناسب است تمام عدالت را به تحقق برسانیم» (مت۳: ۱۵)؛ اینجا "عدالت" یعنی وفاداری اصولی و جدید به ارادهٔ خدا: عیسی - خلاف انتظاری که یهودیان از یک مسیح قدرتمند داشتند - خود با گنهکاران شریک می‌شود تا همه را نجات دهد.

**۴)** انسان به این معنی عادل می‌شود که درست آنچه خدا از او توقع دارد بشود و ارادهٔ خدا را انجام دهد؛ یعنی که در چهارچوب پیمان بماند و طبق خواست خدا زندگی کند تا ثمره‌های شکوه خدا را در بر داشته باشد. هر کسی طبق کارهای خود داوری خواهد شد (روم باب ۲، روم۱۴: ۱۰-۱۲؛ ۲قرن۵: ۱۰)؛ از سوی دیگر در این داوری، آدمی اعتماد خود را بر پایه و مبنای اعمال قرار نداده است، بلکه بر خدایی اعتماد می‌کند که تبرئه می‌نماید و بر مسیح اعتماد می کند

که مرده است و برای همه شفاعت می‌نماید (روم۸: ۳۰-۳۹؛ فی۳: ۸-۱۴).

ر.ک. روم۳: ۲۴ و زیر نویس (TOB)

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "عدالت".

**عدالت**

**تبرئه**

**داد**

## Justification

عـادل گردانیدن انسان توسط فیض رایگان خـدا، یعنی عـادل اعـلام کردن آدمی در برابر خدا و طبق خواست خدا. در مکتب لوتر، در پیروی از نوشته‌های پولس، آنچه عادل می‌گرداند، رعایت قانون و مقررات اجتماعی یا اعمال انسان ها و مطابقت آنها با اخلاق نیک نیست، بلکه عملکرد نجات‌بخش مسیح است؛ انسان توسط ایمان در عیسی مسیح عادل می‌گردد (غلا۲: ۱۷). همهٔ ایمانداران همراه ابراهیم متبارک هستند، آنکه ایمان آورد (غلا ۳: ۹ ، ۳۱: ۱۱): ایمان، آدمی را به سوی زندگی کردن در مسیح هدایت می‌کند، در صورتی که قانون یا شریعت تورات، او را افتاده، به‌نفرین واگذار می‌کند.

برای کلیسای کاتولیک، ایمان از اعمال جدا نیست و آنچه کسی را عادل می‌گرداند، اعمالی است که از ایمان زاده می‌شوند؛ حتی کسانی که عیسی را به اسم نمی‌شناسند ممکن است از روی محبت، اعمالی انجام داده باشند که در روز داوری آنها را عادل معرفی کنند (مت ۲۵: ۳۱ به بعد)؛ منجی واحد، در هر صورت، عیسی مسیح است و انسان به شیوه های مختلف به عیسی پیوند می خورد.

**عمل عادل گردانیدن**

کلمات مربوط: Faith – Works

## Kenosis

Kénose

**Gr.** *kenôsis* = "خالی کردن"

خالی گشتن از تعلقات مربوط به تکبر

و قدرت.

در راز تن‌گیری و مرگ روی صلیب، پسر خدا از شکوه الهی خود چشم‌پوشی کرده، به شکلی در می‌آید که دیگر او را نمی‌شناسند (اشعیا، باب ۵۳)؛ این ''خالی گشتن''، روش محبت و عشق الهی است که هیچ زوری اعمال نمی‌کند؛ سرانجام، روح القدس در کلیسا به همان نحو عمل می‌کند. خدایی شدن انسان، به هم رسیدن ''خالی شدن'' او و ''خالی شدن'' خداست؛ انسان، روزی با مسیح یکی می‌شود که خود را در او از دست دهد.

حالت عیسی که پایین ترین مقام را قبول کرده است: «او که به صورت خدا بود، از برابر بودن با خدا بهره نجست، بلکه خود را تُهی کرده، صورت برده گرفت و به مانند آدمیان شد.» (فی۲: ۶-۷).

**کِنوسیس**

**تُهی گشتن**

کلمات مربوط: Poverty – Humble

## Kerygma

Kérygme

**Gr.** *kerygma* = ''اعلام با صدای بلند، موعظه''

اعلام ملکوت (متی۴: ۲۳) و راز عیسی مسیح (روم۱۶: ۲۵) برای کسانی که هنوز از آن خبر نداشتند. اولین اعلام کلیسا در بارهٔ عیسی مسیح و نجات توسط رستاخیز، مثلاً وقتی پطرس در روز پنتیکاست شهادت می‌دهد (اع۲: ۲۲ - ۲۴، ۳۲، ۳۸)؛ به طور کلی، تعلیم کلیسا از روی تجربهٔ ایمان برای دعوت غیر مسیحیان است.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، ''بشارت''.

**اعلام اولیه نجات**

**بشارت ملکوت**

کلمات مربوط : Sermon – Teaching – Catechesis – Proclamation – Announce the Gospel

## kingdom

Royaume

نهاد سلطنتی قوم خداوند در سرزمین

موعود که به داوود بر می‌گردد (۱سمو ۸). قول خدا بعد از دوران آوارگی و از بین رفتن مملکت یهودیان همواره این بود که مسیح موعود، که پادشاه قوم برگزیده هم خواهد بود، سلطنت را احیا خواهد کرد. تا روی صلیب کشیده شدن مسیح و حتی بعد از رستاخیز، شاگردان او منتظر بودند که پادشاهی اسرائیل را برگرداند؛ در جواب این انتظار، عیسی از برقراری "فرمانروایی آسمان‌ها" (فرمانروایی خدا) سخن می‌گوید و آمدن روح القدس را وعده می‌دهد (اع۱: ۶)؛ در جواب پیلاطس که از او می‌پرسد «آیا تو شاه یهودیان هستی؟» عیسی می‌گوید: «ملکوت من از این جهان نیست» (یو۱۸: ۳۶).

ملکوت، مترادف "مملکت" یا "قلمرو" نیست، و به جای اصطلاح "سلطنت خدا"، متی اصطلاح کاهنانه‌ای به کار می‌برد: "سلطنت آسمان‌ها" که اینجا آسمان‌ها به جای "خدا" آمده است. فرمانروایی و سلطنت خدا مکانی نیست بلکه ارتباط خاص خدا با آدمیان و مخصوصا بینوایان است؛ عیسی در این مورد اعلام کرده است که سلطنت خدا نزدیک است. عیسی پادشاهی است که سودای سلطنت زمینی ندارد و فرمانروایی او بر این دنیا نیست. خدا با دوباره زنده کردن عیسی او را به عنوان پادشاه واقعی تجلی می‌دهد؛ از آن پس، حاکمیت او بر تمام آدمیان خواهد بود تا آنکه سلطنت و فرمانروایی را به خدای پدر واگذار کند.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "پادشاهی".

**پادشاهی**
**فرمانروایی**
**ملکوت**

# L

## Laicism

Laïcisme

طرفداری جدایی دین از سیاست، معمولاً با گرایش خصمانه نسبت به مذهب.

**مکتب لائیک**

کلمات مربوط : Secular

## Laicity

Laïcité

اصل حکومتی حاکی از جدایی دین از سیاست برای جلوگیری از نفوذ کلیسا در امور سیاسی. یکی از گرایش‌های اصلی تاریخ سیاسی فرانسه و خیلی از کشورهای غربی، در بعد از انقلاب فرانسه (۱۷۸۹ م). در کشورهای غربی که در آنها این جدایی جا افتاده باشد، معمولاً کلیسا از آرامش و آزادی بیشتری برخوردار می‌شود و هویت مستقلی دارد.

**جدایی مذهب و حکومت**

**لائیک بودن دولت**

**لائسیته**

کلمات مربوط: Secular – Layman

## Laity

Laïcat

مسیحیانی که کشیش (اسقف، شماس، یا راهب) نیستند. مقام یا موقعیت ایماندارانی که عهده دارخدمت رسمی در کلیسا نیستند.

ر.ک. Layman.

**مسیحیان عام**

**مقام مسیحیان عام در کلیسا**

**عوام**

## Lamb

Agneau

حیوان بی دفاع و قربانی بی گناه و آیندهٔ گله. در کتاب مقدس، خون برهٔ عید گذر از مرگ نجات می‌بخشد (خـروج۱۲: ۱۳)؛ برهٔ بی زبان، تصویر خادمی است که تقصیرات همه را بر گردن می‌گیرد (اش۵۳: ۶-۷). مکاشفه ۳۰ بار بره را به عنوان تصویر مسیح مرده و قیام کرده، "به پاخاسته"، مذبوح، پیروزمند، خداوند تاریخ، و سرچشمهٔ حیات ذکر می‌کند.

ر.ک. یو۱: ۲۹؛ فرهنگ عهد جدید، "برهٔ خدا".

**بره**

کلمات مربوط: Paschal Lamb

## Last day

Dernier jour

قوم یهود، در طول تاریخ خود، همواره منتظر روز یهوه بـوده است که روز پیروزی و رهایی خواهد بود؛ اعلام آن روز برای اسرائیل، به اعلام روزی تبدیل می شود که برای همهٔ جهان خواهد بود، و این هم نه در سیر زمان بلکه در پایان دوران‌ها، در پایان دنیای فعلی است.

برای مسیحیانی که رسیدن عیسی را نشان تکامل روزگار می‌بینند، باز، انتظار بازگشت مسیح پر جلال در پایان روزگاران، مدار بُعدِ زمانی ایمان است؛ باید بیدار ماند و نیایش کرد (لو۲۱: ۳۶؛ افس۶: ۱۸).

ر.ک. Lord's day.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "زمان".

**روز واپسین**

**روز آخر**

## Lay Apostolate

Apostolat des laïcs

هر مسیحی تعمید یافته در مأموریت

کلیسا نقشی سازنده دارد؛ یکی از نظامنامه‌های شورای اسقفان واتیکان دوم، رابطهٔ تعمیدشدگان عام با مقامات رسمی کلیسا را تعریف می‌کند (۱۹۶۵م).

**رسالت عوام**

**رسالت تعمید شدگان عام**

## Layman

Laïc

**Gr.** *laos* = "مردم، عامه"

آن که تخصص نداشته باشد؛ در کلیسا، تعمید شدهٔ عام، غیر کشیش یا راهب.

**توضیح:** لغت Laïc فرانسه به دو معنی آمده است:

۱) (کلیسا) به مسیحیانی اطلاق می شود که مسئولیت خدمت رسمی در کلیسا ندارند.

**تعمید شدگان عام**

۲) در جامعه شناسی، در چهارچوب جدایی دولت از هر گونه نظام مذهبی، به طرفداران این جدایی، در برابر طرفداران دخالت کلیسا در سیاست اطلاق می شود؛ در زبان فارسی هم به این معنی ثانوی آمده است: "طرفدار جدایی دین و سیاست". این صفت به سازمانهای گوناگون تعلق پیدا کرده، بدون آنکه مخالفت خاصی نسبت به مذهب در آن گنجانده شود؛ مثلاً نظام آموزشی "لائیک"، متعلق به دولت است و هیچ گونه درس مذهب در آن داده نمی‌شود. می‌شود گفت که نظام سیاسی ایران، در بین انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی، گرایش لائیک داشت.

**لائیک، طرفدار جدایی دین از سیاست**

کلمات مربوط: Clergy – Hierarchy – Decular

## Leaven

Levain

مادهای که قدرت آن را دارد که حجم

تمامی ماده را بزرگ کند (مت۱۳: ۳۳).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "خمیرمایه".

### خمیر مایه

کلمات مربوط: Bread – Unleavened Bread

## Liturgy

Liturgie

**Gr.** *leitourgia: laos*="مردم"+*ergon*="عمل"

حرکت‌ها و حرف‌های جامعهٔ ایمانداران در دعای دسته‌جمعی و آیین نیایش.

خدمت عبادتی قوم خدا (اع ۲: ۱۳) محدود به مسیحیت و حتی به قوم خدا در عهد قدیم نمی‌باشد، بلکه در تمام اعصاراست؛ انسان‌ها با یکدیگر خدای آفریدگار را با برگزاری مراسمی تجلیل و ستایش کرده‌اند، بخصوص به مناسبت برآمدن فصل‌ها و مراحل ماه و یا وقایع تاریخی نظیر جنگ، پیروزی، تولد، ازدواج، تشییع جنازه و غیره؛ در عهدقدیم(عتیق) مثل عهدجدید، این مراسم بیشتر به وقایع نجات‌بخش، وابسته می‌باشد تا به گذشت فصل‌ها.

دورهٔ جشن‌ها در کلیسا، با یادآوری مرگ و رستاخیز مسیح (جشن بزرگ گذر)، صعود وی، و فرستادن روح القدس، و نیز میلاد و تعمید و تجلی وی، و انتظار بازآمدن او در جلال، مشخص و تعیین شده است. این نیایش‌های جمعی، پاره‌ای از زندگی کلیساست، اما جایگزین دعای شخصی نمی‌باشد؛ هدف آن نیایش‌ها، که تقدیس ایام سال و ساعت‌های روز است، شکرگزاری و استغاثه کردن از خداست. برای اجرای نیایش کلیسا، این چیزها استفاده می شود: از متون کتاب مقدس، بخصوص مزامیر، سرودها و غزل‌ها، دعاهای استغاثهٔ آماده یا پرداخته از فیض و جوشنده از الهام آنی، همین طور از جامه‌های مخصوص، حرکات بدن، راه رفتن دسته‌جمعی، و هر چه که در آفرینش، زیبا و خوشایند، خوشبو و خوش‌آواز است و می‌تواند برای جلال

خدا اهدا گردد؛ مثل نور، رنگ، موسیقی، شمایل، سبک و تزیین معماری، گل‌ها، و تمام نشانه هایی که بیان کنندهٔ ایمان، قدرشناسی، پرستش و ستایش ماست. اوج آیین‌عبادت، هر یکشنبه در آیین سپاسگزاری به یادبود رستاخیز مسیح است.

**آیین عبادت**

**آیین نماز**

کلمات مربوط: Eucharist – Breviary – Mass – Missal – Alb – Priest – Deacon – Sacrament

## Local Church

Église locale

کلیسایی که مسئولیت بر عهده گرفتن یک فرهنگ را دارد؛ کلیسای محلی، منطقه‌های اسقفی (”کلیساهای خاص“) مختلفی را طبق منطقه یا زبان هر محل، دربر دارد. ”کلیسای کاتولیک“، در اصل، شامل مجموع کلیساهای محلی است؛ پاتریارخ کلیسای محلی، با مجمع مشاورهٔ اسقفی خود، نشانهٔ اتحاد بین کلیساهای خاص آن محل است.

**کلیسای محلی**

کلمات مربوط: Particular Church – Catholic – Diocese – Patriarch

## Logion

Logia

قطعه‌ای کوچک از عهد جدید که شامل گفتاری از عیسی مسیح است.

**کلمات قصار** (مسیح)

کلمات مربوط: New Testament

## Lord

Seigneurie

از ترجمهٔ کلمه یونانی Kyrios که دارای معانی متعددی می باشد.

**۱)** این واژه در کاربرد عمومی، به

عمومی، به نشانهٔ احترام به اشخاص والامقام، نظیر امپراتور به کار می رود؛

**۲)** بعد از تبعید، یهودیان از تلفظ اسم یهوه پرهیز کردند؛ در نوشته های ایشان، چهار حرف آن را می‌نگاشتند ولی بین حروف، آواهای نامی را که للفظ می‌کردند، یعنی "اَدُنَیْ" (Adonaï) را ترسیم می‌کردند که منجر شد به شکل تصنعی یَهُوَهْ. در ترجمهٔ یونانی "هفتادتنان"، این اسم به Kurios، "خداوند" تبدیل شد. اصطلاح «خداوند خدا» که در ترجمه های فارسی کتاب مقدس در نظر گرفته شده، در واقع معادل « یَهوه خدا» است؛

**۳)** مسیحیان اولیه که عیسی مسیح را پسر خدا دانسته، صفت خداوند را که معادل kyrios است، برای او به کار می بردند (فی۲: ۹)؛

امروز نیز برخی از کلیساها سرودی را (Kýrie eléison) در آیین عبادتی می سرایند که به این معناست:«ای خداوند بر ما رحمت فرما».

**خداوند**

کلمات مربوط: Father – Lord – Yahveh – Elohim – God

## Lord's Day

Jour du Seigneur

اصطلاح "روز خداوند" (مکا۱: ۱۰) در نوشته‌های عهدقدیم(عتیق) در مواردی به کار برده شده است که خدا در جریان تاریخ، دخالتی مخصوص می‌نماید. بعد از تبعید یهودیان این اصطلاح بیش از پیش به معنی "پایان روزگار" آمده است.

برای مسیحیان، پایان روزگار با رستاخیز مسیح آغاز شده است و "روز خداوند" به پیروزی عید گذر اشاره کرده، باز آمدن مسیح را در تجلی کامل اعلام می‌کند. از همان اوایل دوران مسیحیت، مسیحیان روز یکشنبه را ضمن عبادت و نیایش، به یادبود عید گذر و انتظار

باز آمدن مسیح، گرامی داشته، جشن می گرفتند (ر.ک. اع۲۰: ۷؛ ۱قرن۱۱: ۲۶، ۱۶: ۲).

**روز خداوند**

کلمات مربوط: End of Times – Sunday

## Love

Amour

سه کلمهٔ یونانی مفهوم کلی ”دوست داشتن“ را می‌دهند: agapè، ”محبت“ بیشتر در متون مذهبی (نظیر ترجمهٔ کتاب مقدس ”هفتاد تنان“) به کار رفته است و در برابر دوستی (filia) و عشق (eros) قرار دارد، هر چند که تضادی هم بین این مفاهیم نیست؛ کلمهٔ عشق (eros) در عهد جدید نیامده است. الگوی محبت مسیحیان (agapè)، عیسای روی صلیب است که زندگی خود را برای باز خرید ما تقدیم کرد؛ نمونه‌ای که عیسی به عنوان دستوری برای محبت کردن ما پیش می‌کشد، محبت خداست که در سه شخص سه‌گانهٔ اقدس، عین محبت درونی ذات خدا جلوه می‌کند. فرمان جدید عیسی به شاگردانش این است: «به یکدیگر محبت داشته باشید، همچنان که من به شما محبت داشته‌ام. هیچ کس محبتی بزرگتر از این ندارد که کسی جانش را به خاطر دوستان بدهد» (یو۱۵: ۱۲-۱۳)؛ البته چنین محبتی بدون کمک روح‌القدس میسر نیست.

محبت، به عنوان نشان شاگردی عیسی، فقط توسط روح‌القدس عملی می‌شود؛ چه محبت به طور مطلق تنها در وجود خداست، و آن مشروط به علاقهٔ انسانی یا گرایش عاطفی نیست.

زیباترین تعریف محبت در مسیحیت را پولس رسول در سه قسمت داده است: برتری محبت، اعمال محبت و همیشگی بودن محبت (۱قرن۱۳)؛ در این باب، اگرچه سخن در بارهٔ محبت برادرانه است و از محبت خدا مستقیماً ذکری نشده

است ولی آن به طور ضمنی همواره وجود دارد؛ مخصوصاً در آیه ۱۳ که محبت را در برابر ایمان و امیدواری آورده است. عیسی با ایثار خویش محبت خود را ظاهر می‌کند. محبت، انسانها را از یوغ خشم آزاد ساخته، آنان را با خداوند آشتی می‌دهد، زیرا که محبت قویتر از موت است.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، «محبت - صدقه».

کلمهٔ ''عشق'' (eros)، هر چند که در نوشته‌های مقدس نیست، ولی مفهوم آن با استفاده از واژهٔ محبت (agapè) در غزل غزل‌ها روشن است که در معنی عشق معنوی به کار رفته است؛ در عوض، عرفای مسیحی بارها رابطهٔ عرفانی با خدا را با کلمات عشق انسانی (eros) توصیف کرده اند.

**عشق**

**محبت**

**دوستی**

کلمات مربوط: Agape – Charity – Neighbor

## Lucifer

این اسم لاتینی، به معنی ''آن که نور می‌برد''، معادل کلمهٔ عبری به معنی ''ستارهٔ صبح''، که در روایت یونانی عهد عتیق به صورت ''آن که پگاه می‌آورد'' می‌باشد.

**۱)** ستارهٔ صبح در اساطیر باستان مورد پرستش قرار می‌گرفت؛ اشعیای نبی از سقوط آن سخن می‌گوید: «ای زُهْره، دختر صبح چگونه از آسمان افتاده‌ای؟ ای که امّت‌ها را ذلیل می‌ساختی چگونه به زمین افکنده شده‌ای؟» (اش۱۴: ۱۲)؛ در نهایت مسیح آن را مجدداً به جلال اولیه برمی‌گرداند: «چنانکه کوزه‌های سفالین را خُرد می‌کنند، همچنان که من از پدرم اقتدار یافته‌ام، و به او ستارهٔ صبح را خواهم داد» (مکا۲: ۲۸)؛ همچنین پطرس رسول در تشویق قرائت صحیح نوشته‌های پیامبران می‌نویسد: «به مانند چراغی که در جایی تاریک می‌درخشد تا اینکه روز روشن شود و

تاریک می‌درخشد تا اینکه روز روشن شود و ستارهٔ صبح در دلهای شما طلوع نماید» (۲پطرس۱: ۱۹).

**۲)** در سنت یهودیان طبق کتاب هنوک (Henoch، قرن‌سوم‌میلادی)، قشنگ‌ترین و منورترین فرشته به اسم لوسیفر (ستارهٔ صبح) در تکبر خود، نخواست در برابر خدا سجده کند و همراه با فرشتگانی که با او هم‌عقیده بودند، از بالاترین آسمان‌ها به پایین افتاد و به وسوسه‌گر انسان‌ها تبدیل شد. او انسان ها را مخصوصاً به تکبر دعوت می‌کند؛ همان که در کتاب مقدس، "شیطان" نامیده می‌شود.

**ستارهٔ صبح**

**شیطان**

کلمات مربوط: Daemon

## Lutheranism

Luthéranisme

مکتب پروتستان، مارتین لوتر (Martin Luther ۱۵۴۶-۱۴۸۳م)؛ در مذهب لوتر، رازهای هفتگانهٔ کلیسای کاتولیک به دو راز خلاصه می‌شوند: «تعمید و قربانی مقدس». لوتر، کلام خدا را برتر از سنت کلیسا می‌دانست و به این باور داشت که انسان توسط ایمان عادل می‌گردد و فیض خداست که انسان را نجات می‌بخشد، نه اعمال نیک او.

**آیین لوتری**

**لوتریسم**

کلمات مربوط: Calvinism – Justification

**M**

## Magisterium

Magistère

اقتدار در کلیساهای قدیم، به صورت "ولایت"، به منظور تعریف و نقل تعالیم کلیسا.

جامعهٔ کلیسایی، مسئولیت شهادت به ایمان و حقیقت را دارد و به این عنوان درخور آن است که مورد تقبل و اطاعت اعضای خود باشد، نسبت به تعالیم رسمی مسؤلان. ایمان کلیسا از روح‌القدس تغذیه می‌شود و اقتدار اسقفان - به عنوان جانشینان رسولان - بر این است که آن را تشخیص داده، به نحوی تحویل مردم امروز دهند که مورد فهم و قبول قرار گیرد.در کلیسای کاتولیک، پاپ به همراه اسقفان، اصول عقاید را تعیین، تدوین و تبیین می‌کند. مشروعیت مقام پاپ از برتری پطرس در میان رسولان سرچشمه می‌گیرد، و از گفته‌های عیسی که به پطرس می‌گفت: «برادرانت را تقویت کن!» (لو ۲۲:۳۲).

کلیساهای ارتدکس اقتدار پاپ را به عنوان جانشین پطرس رسول قبول دارند اما طرز به عهده گرفتن این خدمت را نمی‌پذیرند؛ کلیساهای اسقفی و پروتستان به طور کلی اقتدار پاپ را قبول ندارند.

**مرجع رسمی تعلیمی**

**مجمع رسمی تعلیمی**

کلمات مربوط: Infallibility

## Magnificat

کلمهٔ لاتین به معنی "(جانم خداوند را) ستایش می‌کند"؛ سرودی که مریم، بعد از زیارت الیصابات، در ستایش خداوند گفته است (لو ۱: ۴۶-۵۵).

**سرود ستایش مریم**

## **Magus** (Wise Men)

Mages

فرزانگان دانا که در انجیل متی ذکر شده‌اند، و نه تعدادشان معلوم است (در روایت‌های سنتی غربی سه نفر، در روایت های شرقی ۱۲ نفر)، نه مقامشان (”شاهزادگان؟“)، ر.ک. متی ۲. در محافل یونانی این اسم به افراد ساحر و جادوگر تعلق داشت؛ (اع۸: ۹، ۱۱؛ ۱۳: ۶، ۸): در اینجا مغان، مترادف بیگانهٔ از راه دور است. آمدن این مغان، به نزد عیسای نوزاد و تقدیم کردن عطایای نفیس، انعکاس حرف اشعیای نبی است (اش۶۰: ۱-۷) که آمدن پادشاهان و اعیان ملل بیگانه را به اورشلیم و تقدیم کردن هدیه به نور قوم برگزیده را توصیف می‌کند.

در سنت کلیسای شرق، دوازده نفر دانشمند زرتشتی بودند که از ولایت فارس آمدند و چون بعد از دیدن عیسی برگشتند، برای آماده ساختن مأموریت توماس رسول، عجایبی را که در فلسطین دیده بودند در زادگاه خود اعلام کردند.

**مجوسیان**

**مغان**

## **Manna**

Manne

**Heb.** *mân hu* = ”این چیست؟“

در زمان عبور از بیابان، عبرانیان نسبت به حضور یهوه به تردید افتادند و خدا در جواب، جلال خود را توسط موهبت ”مَنّ“ نشان داد؛ او به نحو معجزه‌آسا، خوراک روزانه را به صورت دانه‌های سفید به اندازهٔ نیاز عطا می‌کرد (خروج۱۶: ۱۱ به بعد). خود ”مـان“ یا ”مَـنّ“، سؤالی است که خدا از قوم خویش می‌کند: آیا می‌خواهید فرمانبردار باشید یا نه؟ خود اسم نانی که خدا می‌دهد، عین لفظ سؤال است، ”این چیست؟“.

مان (مَنّ )، غذای آسمانی است که بعداً

به‌صورت کامل‌تری از پدر می‌طلبیم (مت ۱۶: ۱۵) و در تناول تن و خون مسیح داده خواهد شد (ر.ک. ۱قرن۱۰: ۱-۴).

**مائدهٔ آسمانی** (منّ)

**منّ** (مان)

کلمات مربوط: Bread

## Maranatha

عبارت آرامی در خط آخر کتاب مکاشفه که بیان امید بازگشت مسیح در پایان روزگار است و در آیین پرستش به کار می‌رود (ر.ک. ۱قرن ۱۶: ۲۲).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "ماراناتا".

**ای سرور ما عیسی مسیح بیا**

**بیا ای خداوند ما**

کلمات مربوط: Hope

## Mariology

Mariologie

شناخت مقام مریم در تاریخ مسیحیت و در نظام کلیسا.

**مریم‌شناسی**

کلمات مربوط: Coredemption

## Maronite Church

Église Maronite

کلیسای شرقی در لبنان و سوریه؛ این کلیسا توسط قدیس مارون که یک راهب زاهد در سوریه بود، در قرن پنجم میلادی تأسیس شده است؛ طبق سنت این کلیسا، مشارکت آن با کلیسای رم، همیشه بوده، همیشه هست. اقامتگاه پاتریارخ مارونی در دیر بکرکی (Bkerké) در لبنان است.

**کلیسای مارونی**

## Marriage

Mariage

دراینجا فقط به خصوصیات و معانی

ازدواج، به عنوان پدیده ای انسانی در مسیحیت می‌پردازیم؛ ازدواج در مسیحیت یکتا همسری و دائمی ـ تا به مرگ یکی از دو همسر ـ می‌باشد. هدف ازدواج، تکامل و شکوفایی اشخاص، باروری زوج و تعلیم و تربیت فرزندان است. چون ازدواج به محبت و عشق مسیحی دعوت می‌کند «همچنان که من شما را محبت نموده‌ام» (یو ۱۳: ۳۴)، تنها اتکای به نیروی فردی در ازدواج کافی نیست؛ ازدواج یکی از هفت راز کلیساست، و در رابطه با عهد و پیمانی است که خدا را با قوم خود متحد می‌سازد (اش ۵۴: ۴-۸). در عهد جدید، عیسی به عنوان داماد کلیسا مورد تأمل قرار می‌گیرد (غلا ۴: ۲۲-۲۷؛ مکا ۲۱: ۹)؛ این پیمان نوین که توسط مسیح، روی صلیب منعقد گشته، نمونهٔ ازدواج مسیحی می‌باشد. دو نامزد، دورهٔ آمادگی روحانی می‌بینند، سپس ازدواج در شادی و سرور، با آیینی خاص انجام می‌گیرد: در حضور خدا، ازدواج کنندگان رضایت و توافق خود را با یکدیگر اعلام کرده، به یکدیگر سوگند وفاداری می‌دهند؛ کلیسا، دعا می‌کند و از روح القدس می‌خواهد تا بیاید و این پیوند را در عشق و محبت تقدیس نماید. نشانه و نماد آیین ازدواج در کلیساهای مشرق زمین، تاجگذاری ازدواج کنندگان و در کلیساهای غرب، تبادل حلقه‌های آنها می‌باشد.

**ازدواج**

**راز برکت ازدواج**

کلمات مربوط: Adam and Eve – Love – Faithful – Celibacy – Bridegroom

## Martyr

**Gr.** *martyros, martus* = "گواه"

شخصی که در راه شهادت ایمان، همان گونه که عیسی به پدر شهادت داده، جانش را تقدیم کند. اولین شهید مسیحی استیفان بود که در حین شکنجه دیدن، در اوج شادی خداوند را نظاره می‌کرد (اع۷: ۵۷-۶۰)؛

پولس هم در حین شادی از درد، رنج‌هایی را که می‌کشد به رنج‌های عیسی مربوط می‌داند (کول۱: ۲۴)، در اینجا منظور از رنج‌های عیسی، رنج هایی برای زدودن گناهان نیست بلکه آزمون‌هایی مربوط به پایان روزگار و در نتیجهٔ اعلام ندای انجیل است (مـر۱۳: ۵-۱۰)؛ چون رسول به منظور تحقق بخشیدن به سخن خدا خوانده شده‌است، در مقابل، توانایی تحمل آلام مسیح را تا به انتها دریافت می کند. مسیح در شاگرد خود زندگی می‌کند و در نتیجه پولس خوانده شده است تا در سرنوشت خداوند خود سهیم باشد؛ همهٔ مسیحیان به رنج کشیدن در مشارکت با خداوند دعوت دارند«همهٔ آنان که می‌خواهند با پارسایی در مسیح عیسی زندگی کنند، شکنجه خواهند شد» (۲تیمو ۳: ۱۲).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "استیفان".

## شهید

کلمات مربوط: (Persecution) Testimony – Witness

## Martyrdom

Martyre

شهادت تا مرحلهٔ مرگ در جهت وفاداری به ایمان.

## شهادت

## Mary

Marie

به یونانی Maria، عبری Miriam.

مریم مادر عیسی که اصلش از ناصره بود، همسر یوسف و دختر عموی الیصابات می باشد؛ طبق اناجیل وی دختر صهیون است. باکره‌ای که مسیح را به دنیا آورد؛ او ایمانداری به اعلی درجه است و مادر بودن وی بیانگر ایمان و اطاعت کامل می باشد. مادر عیسی در آغاز و در پایان زندگی اجتماعی پسرش حضور دارد. سنت، وی را به عنوان«حوای جدید» و مادر همهٔ

ایمانداران به شمار می آورد.

**مریم**

کلمات مربوط: Virginal Birth – Virgin – Mother – Virginity – Mariology

## Mass

Messe

**Lat.** *missa* = «مرخصی»

آیین یادآوری از عشای ربانی در کلیسای قدیم شامل آیین کلام خدا، آیین سپاسگزاری، آیین تناول تن و خون عیسی، و آیین مرخصی است. اصطلاح پایان آیین، ite, missa est (به لاتین: ”بروید، می‌توانید تشریف ببرید“)، احتمالاً به این معنی است که مأموریت مسیحیان در جهان است. استفاده از کلمهٔ ”نماز“ که به فارسی برای آیین نیایش مسلمانان (صلات) به کار می‌برند، مطلوب نیست.

**آیین سپاسگزاری**

**عشای ربانی**

**آیین یادآوری از عشای ربانی**

کلمات مربوط: Eucharist – Liturgy – Prayer

## Melkite Greek Catholic Church

Église grecque-catholique Melkite

یکی از کلیساهای ”اتحاد یافته“ کاتولیک است که طبق آیین بیزانس نیایش می‌کند؛ این کلیسا در اصل، مسیحیانی بودند که به امپراتور بیزانس سرسپردگی داشتند و زبان آرامی را رها نموده، یونانی را قبول کرده بودند. این کلیسا اغلب در سوریه ولبنان و فلسطین گسترش پیدا کرد، و زبانش شامل هر زبان متداولی از جمله، عربی و یونانی است؛ عنوان رسمی سرِ این کلیسا ”پاتریارخ انطاکیه و قاطبهٔ شرق، اسکندریه و اورشلیم“ می‌باشد و در دمشق اقامت دارد.

**کلیسای یونانی کاتولیک مِلکی**

کلمات مربوط: Patriarch – Uniate

## Memento

**Lat.** *memento* = ”به یاد بیار“

یک نیایش استغاثه برای زندگان یا مردگان، در آیین سپاسگزاری.

**یادآوری زندگان/مردگان**

کلمات مربوط: Memorial

## Memorial

چیزی که یادآور شخصی یا اتفاقی باشد. روح القدس است که آنچه را عیسی به شاگردان تعلیم داده، یادآوری می‌کند (یو۱۴: ۲۶). آیین عشای ربانی هم یادبود شام آخراست و هم مشارکت در یگانه قربانی، عیسی مسیح است. ”شکر کرده [نان را] تکّه نمود و گفت: این جسم من برای شما است. این را به یاد من بکنید ... این جام پیمان در خون من است. هربار که احیاناً به یاد من خواهید آشامید این کار را بکنید“ (۱قرن۱۱: ۲۵).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، ”یاد / ذکر“.

**یادبود**

**یادواره**

کلمات مربوط: Memento – Anamnesis

## Mennonite

کلیسایی که توسط Menno Simons (۱۵۵۱- ۱۴۹۶م) در شمال آلمان تأسیس یافته، سپس در شمال آمریکا رشد کرد؛ این کلیسا فقط بزرگسالان را تعمید می‌دهد و مخالف شرکت اعضا در نظام وظیفه و حتی در مشاغل دولتی است.

**منّونیت**

کلمات مربوط: Anabaptism

## Messiah

Messie

کلمهٔ عبری به معنی مسح شده.

ر.ک. Christ.

**مسیح**

## Messianic

Messianique

مربوط به انتظار مسیح موعود.

**مسیحایی**

کلمات مربوط: Christ – Messiah

## Messianism

Messianisme

حالت قوم یهود در انتظار مسیح و پادشاهی که یهودیان را از ظلم و ناامیدی رهایی دهد. در معنی عام‌تر، این کلمه برای مکاتب عقیدتی دیگر و حتی در مورد کمونیسم به کار برده شده است؛ انتظار رهایی مطلق از ظلم و بی‌عدالتی توسط یک ناجی.

**انتظار قریب‌الوقوع منجی** (آمدن مسیح)

**نجات بخش باوری**

**مسیحا باوری**

کلمات مربوط: Messianic – Millenarianism – Parousia

## Metany

Métanie

در آیین کلیسای بیزانتینی، تعظیم کردن و سر به زمین ساییدن، به نشانهٔ احترام، توبه و پشیمانی و فروتنی، همراه با نشان صلیب کشیدن است.

**سر بر زمین نهادن**

**پیشانی بر خاک نهادن**

کلمات مربوط: Genuflexion – Adore

## Metaphor

Métaphore

داستانی که در آن هر یک از عناصر و بخش‌ها پیام و معنای خاصی دارد؛ به عنوان مثال در داستان "شبان نیک" (یو ۱۵)، عناصر مختلف : شبان، گوسفندان، در، خانه یا آغل، دربان، هر یک به خوبی معانی مشخصی دارند. به معنای آنچه که در مورد تمثیل یا مثل ها صحت ندارد (مجازی است).

**نمادگونه**

**استعاره**

**مجازی**

کلمات مربوط: Parable – Symbole

## Metropolitan

Métropolite

در کلیساهای شرق، سراسقفی که بر یک منطقهٔ وسیع، شامل چندین منطقهٔ اسقف نشین اقتدار دارد.

**اسقف اعظم**

**سراسقف**

**مطران**

کلمات مربوط : Archbishop – Bishop – Patriarch

## Midrash

برخی از روش‌های ”میدراش“ (تفسیر سنتی کتاب مقدس نزد یهودیان)، در سبک تألیف انجیل نمایان است؛ در ”میدراش“، مفسر، داستانی را تعریف می‌کند تا متن مورد تفسیر را با آن، روشن کرده، توضیح دهد.

**میدراش**

**تفسیر تورات**

کلمات مربوط: Exegesis

## Millenarianism

Millénarisme

**Lat.** *millennium* = ”هزار سال“

**۱)** مکتبی که منتظر آمدن منجی، در سر یک دورهٔ هزار ساله باشد و امید به سرزمینی موعود و عصری طلایی را در میان پیروانش می‌پروراند.

**هزاره باور**

**۲)** به معنای دقیق در مسیحیت، تعلیمات ناشی از مکاشفه است (۲۰: ۱-۶): قبل از داوری واپسین و برقراری ملکوت خدا، دورهٔ هزار ساله‌ای خواهد بود که طی آن،

مسیح پرجلال، روی زمین با مشارکت مقدسین، پادشاهی خواهد کرد.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، ”سلطنت هزار ساله“.

**سلطنت هزار ساله**

کلمات مربوط: Eschatology – Messianism

## Minister

Ministre

شخصی که در کلیسا یکی از خدمات رسمی را به عهده گرفته، مثلاً اسقف، کشیش، شماس؛ در کلیساهای پروتستان، به جای ”کشیش“ (Priest) از اصطلاح ”خادم“ یا ”شبان“ استفاده میشود.

**خادم**

**مأمور خدمات کلیسا**

کلمات مربوط: Ministry – Order – Pastor – Priest

## Ministry

Ministère

**Lat.** *ministerium* = ”خدمت“ ; ”وظیفه“

هر کدام از خدمت هایی که در کلیسا توسط مسئولین کلیسا انجام می گیرد. خدمات مختلفی در کلیسا تعیین شده اند: مثلاً رسولان، ”خدمت سخن“ برای خود قائل بودند (اع۶: ۲-۴)؛ در کنار خدمات رسمی که توسط دستگذاری محول می‌شوند، خدمات مختلفی در کلیسا مطابق عطایای الهی وجود دارند (۱قرن ۱۴).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، ”مأموریت - خدمت کلیسایی“.

در کلیساهای قدیم، سه مرتبه از خدمت را تعیین می‌کنند: اسقف، کشیش، شماس.

**خدمت** (کلیسایی)

کلمات مربوط: Minister – Order – Priesthood – Charism

## Miracle

سه کلمهٔ متفاوت یونانی در اینجا معانی شبیه را از هم مشخص می‌کنند:

۱) (یونانی dynamis) عمل قدرت،

عمل مقتدرانه (مثلاً مت۷: ۲۲)؛ این اسم به اعمال رسولان، بعد از صعود عیسی اطلاق می‌شود که بیماران را به نام مسیح رستاخیز یافته، شفا می‌دهند (اع۳: ۶، ۱۲، ۱۶)؛ چنین عملی به عنوان گواه نجات و تأیید پیام آن است.

**معجزه**

**۲)** (یونانی semeion، انگلیسی Sign) "نشانه"، عجایبی که دارای معنی هستند؛ از زمان پیامبران عهدقدیم (عتیق)، چنین نشانه‌هایی در تأیید گفته‌های الهامی می‌آمدند. عیسی در جواب یحیی (یوحنا تعمید دهنده) که از زندان در مورد هویت او سؤال کرده بود، به نشانه‌های آمدن ملکوت آسمان‌ها اشاره می‌کند: «کوران می‌نگرند و لنگان راه می‌روند، جذامیان پاک می‌شوند و کران می‌شنوند و مردگان قیام می‌کنند و به درماندگان نوید داده می‌شود» (مت۱۱: ۵).

**نشانه**

**آیت**

**۳)** (یونانی terata، انگلیسی Prodigy) شگفتی‌ها، کرامات؛ این اصطلاح، در انجیل، همراه با "نشانه" به کار برده می‌شود؛ «اگر نشانه‌ها و کرامات نبینید، ایمان نخواهید آورد» (یو۴: ۴۸).

**شگفتی‌ها**

**عجایب**

کلمات مربوط : Sign

## Mishnah

مجموعه قوانین شفاهی در میان یهود.

**میشنا**

**روایات حقوقی یهودیان**

## Missal

Missel

**Lat.** *mittere* = "فرستادن"

کتابی شامل نیایش و آیین کلیسا، بخصوص آیین سپاسگزاری و قرائت‌های مختلفی از کتاب مقدس که در طول سال

خوانده می‌شوند.

**کتاب دعا و نیایش**

کلمات مربوط: Mass – Sacramentary

## Missiology

Missiologie

مطالعات در مورد تبلیغ مذهبی و تاریخ و روش‌های آن.

**رسالت شناسی**

## Mission

**Lat.** *mittere* = "فرستادن"

در ادیان مختلف، مفهوم رسالت موجود است؛ درمیان پیامبران عهدقدیم(عتیق)، رسالت در چهارچوب تاریخ نجات انجام می‌گیرد؛ قوم برگزیده هم به طور دسته‌جمعی به رسالت کاهنانه خوانده شده است (خروج۱۹: ۵).

عیسی خود را فرستادهٔ خداوند معرفی می‌کند: در کنیسهٔ ناصره، کتاب اشعیای نبی را می‌خواند: «روح خداوند بر من است، زیرا مرا مسح کرده است. مرا فرستاده تا بینوایان را نوید دهم...» (اش۱۶: ۱-۲)، و حرف‌های آن را به خویشتن اطلاق می‌کند (لو۴: ۱۶ و بعد). عیسی بعد از رستاخیز به شاگردانش می‌گوید:«همچنان که پدر مرا فرستاده من نیز شما را می‌فرستم» (یو۲۰: ۲۱ و بعد)؛ و وعده می دهد که برای این مأموریت روح‌القدوس را خواهد فرستاد (یو ۱۴: ۱۶ و ۲۶، ۱۵: ۷، ۲۶-۲۷، ۱۶: ۱۳-۱۴)؛ و بعد از روز پنتیکاست، رسولان با دریافت فیض و در همکاری روح القدس، به شهادت دادن شروع می‌کنند (اع۱: ۱۸، ۲: ۱۴ به بعد).

در ادامهٔ رسالت رسولان، کلیسا همواره مبلغینی به جاهای دور فرستاده، کلام خدا را اعلام می‌کند. شورای اسقفان واتیکان دوم اعلام کرد که:«کلیسا که از سوی خدا نزد غیر مسیحیان فرستاده شده تا "راز جهانی رستگاری" باشد، به واسطهٔ

مطالبات فطری جهانی بودن خود، و با اطاعت از حکم بنیانگذار خویش (مـر۱۶: ۱۶)، با تمام تـوان خـود به موعظهٔ انجیل به تمام انسان‌ها توجه دارد. ... کلیسا بنابر ماهیت خود، و در طول سفرش بر روی زمین، فرستاده شده است، زیرا اصل و منشأ وجود خود را از "پسر" و از رسالت روح القدس، مطابق طرح خدای پدر دریافت می‌کند.»(مقدمهٔ "منشور در باب فعالیت رسالتی کلیسا م Ad Gentes, ۱۹۶۵)

**مأموریت**

**اعزام**

کلمات مربوط: Apostolate – Apostolicity of the Church –Missionary – Send to Mission

## **Missionary** (Adj.)

Missionnaire

**رسالتی**

**بشارتی**

کلمات مربوط: Mission – Missionary (N-)

## **Missionary** (N.)

Missionnaire

یعنی "فرستاده‌شده"؛ منظور کسی است که از سوی کلیسا برای اعلام پیام انجیل به سوی غیر مسیحیان فرستاده می‌شود. هر مسیحی به یک نحوی بشارت دهندهٔ انجیل است.

**بشارت دهنده**

**مبلغ مذهبی**

**میسیونر**

کلمات مربوط: Mission – Apostle

## **Modernism**

Modernisme

تجددگرایی، در هر محیط فکری، گرایش به همرنگ شدن با طرز فکر حاکم در جهت ترقی و نوآوری است، و در مقابل سنت گرایی می‌باشد. در۱۹۰۷م، پاپ پیوس دهم، نامهٔ رسالتی رسمی معروف به پاسندی (Pascendi) را به منظور محکوم

ساختن تجددگرایی در کلیسای کاتولیک منتشر کرد؛ موضوع‌های مورد طرد پاپ، عبارت بودند از: گرایش و تعلق متفکران تجددگرا به مکتب‌های فلسفی عقل‌گرا، به روش‌های تاریخی و علمی در تفسیر نوشته‌های مقدس بدون رعایت اقتدار کلیسا، و به عقاید دموکراسی و جدایی دین از سیاست؛ اغلب موضوع های محکوم شده، یک قرن بعد، در خود کلیسای کاتولیک، پذیرفته شدند، ولی ترس از نوگرایی در میان مسیحیان همچنان باعث تنش‌های بسیاری است.

**تجددگرایی**

**مدرنیسم**

**نوگرایی**

کلمات مربوط: Integrism

## Monastery

Monastère

محل زندگی راهبان که در آن، هم محل زندگی مشترک، و هم محل نیایش است؛ معمولاً اطاق‌هایی هم برای زائرین و کسانی وجود دارد که برای گذراندن دورهٔ سکوت یا انزوا و دعا می‌آیند.

**دیر**

**صومعه**

کلمات مربوط : Abbey – Monasticism

## Monasticism/Monachism

Monachisme

رهبانیت در میان برخی از یهودیان مثل اِسِنیان، موجود بود، ولی در مسیحیت از قرن چهارم میلادی به بعد - یعنی بعد از خاتمهٔ دوران تعقیب و شکنجه و کشتار مسیحیان - به نحوی که امروز هست به وجود آمد؛ اول در مصر و بین‌النهرین، بعد در فلسطین و سوریه، سپس در ارمنستان و در تمام امپراطوری روم. راهبان مرد (از قرن پنجم میلادی، راهبه‌ها) جاهای متروک را نظیر

بیابان، جنگل را برای بنا کردن دیر اختیار می‌کردند. قرن دهم و یازدهم میلادی دورهٔ شکوفایی نظام‌های رهبانیت در مسیحیت است.

**رهبانیت**

**زندگی رهبانی**

**دیرنشینی**

کلمات مربوط: Vocation – Monastery – Monk

## Monk

Moine

**Gr.** *monos* = "تنها، مجرد"

تارک دنیا؛ کسی که از زندگی دنیوی چشم‌پوشی کرده، در کلیسا تعهد می‌کند که در فقر و بکارت و اطاعت به مسئول خود زندگی کند؛ با جمعی دیگر از راهبان مشترکاً در زهد و عبادت و مطالعه و یا خدمات کلیسایی زندگی می‌کند. راهب، لزوماً کشیش نیست و فقط در کلیسای کاتولیک لاتین است که کشیش لزوماً راهب است (تعهد به مجرد ماندن می‌کند). در کلیساهای شرق، اسقف از میان راهبان انتخاب می‌شود.

**راهب**

کلمات مربوط : Abbot – Anchorites – Cenobite – Monasticism – Novice – Secular

## Monophysitism

Monophysisme

**Gr.** *mono* = "واحد" + *physis* "طبیعت"

طبق این نظریه، سرشت انسانی عیسی در سرشت الهی وی - مانند قطرهٔ آب در دریا - حل و محو شده است. طرفداران این نظریه، یک سرشت واحد در عیسی قائل هستند، سرشت الهی او.

این مکتب در کلیسای قبطی در شهر اسکندریه سرچشمه گرفت و در کلیساهای شرق سرایت کرد: در کلیسای یعقوبی (تأسیس شده در قرن ششم میلادی

توسط یعقوب بردئوس) که در سوریه و بین‌النهرین و هند مستقر است، در کلیسای ارمنی (با وجود اختلاف جزئی، ر.ک. Monothelism)، در کلیسای حبشه، و در کلیسای قبطی مصر.

تک سرشتی مسیح در شورای اسقفان کالسدون (۴۵۱ م) محکوم شد.

ر.ک. Chalcedon.

**بدعت تک ذات انگاری**

**نظریهٔ تک سرشتی مسیح**

**نظریهٔ طبیعت واحد**

کلمات مربوط : Dyophysitism – Jacobite – Nestorianism – Oriental – Chalcedon – Monothelism

## Monotheism

Monothéisme

اعتقاد بر یکی بودن خدا. در ادیانی که از ابراهیم سرچشمه دارند، هر گونه مشارکت خدا با موجود دیگری انکار می‌شود؛ اما اسلام، طبق تعریف انحصاری از "توحید"، مسیحیت را در میان ادیان یکتاپرستی قبول ندارد؛ ولی یکتاپرستی قوم یهود، که پایهٔ ایمان مسیحیان است، منافاتی با اعتقاد به سه گانهٔ اقدس ندارد: در مشارکت محبت؛ پدر و پسر و روح‌القدس یکی هستند.

**یکتا پرستی**

کلمات مربوط: Trinity

## Monothelism

Monothélisme

**Gr.** *monos* = "تنها" + *thelein* = "اراده کردن"

در ۶۱۹ م، به منظور آشتی دادن بین طرفداران تک‌سرشتی و سایر مسیحیان، سرگیوس(پاتریارخ قسطنطنیه) نظریه‌ای اظهار کرد که طبق آن، دو سرشت مختلف در مسیح موجود است؛ الهی و انسانی، ولی تنها یک نیرو، یک ارادهٔ الهی- انسانی؛ بعداً گامی فراتر رفتند و گفتند که مسیح دو سرشت دارد ولی تنها یک ارادهٔ الهی. در رد این نظریه،

سومین شورای اسقفان قسطنطنیه در ۶۸۱ م، بر این عقیده اتفاق نظر کرد که در مسیح دو نیرو و دو اراده موجود است که تضادی بینشان نیست، زیرا ارادهٔ انسانی او در برابر ارادهٔ الهی فرمانبردار است: شب قبل از مصلوب شدن، عیسی در باغ جتسیمانی دعا کرده گفت «ای پدر نه به ارادهٔ من باشد بلکه طبق ارادهٔ خودت»(لو ۲۲: ۴۲).

**بدعت تک اراده انگاری**

**نظریهٔ تک‌ارادی**

## Mortal Sin

Péché mortel

گناهی است که حیات بخشیده از خدا را توسط عدم رعایت قانون الهی در قلب آدمی از بین می‌برد و او را از خدا دور می‌کند.

**گناه مرگ‌آور**

**گناه مهلک**

کلمات مربوط: Venial Sin

## Mother

Mère

محبت خدا نسبت به قوم خود نه فقط مانند رابطهٔ پدر به فرزند است بلکه مانند پیوند مادر به بچهٔ خود نیز می‌باشد؛ «آیا زن، بچهٔ شیرخوارهٔ خود را فراموش کرده بر پسر رَحَم خویش ترحّم ننماید؟ اینان فراموش می‌کنند، امّا من ترا فراموش نخواهم نمود» (اش۴۹: ۱۵؛ ر.ک. ار۳۱: ۲۰).

حوا مادر همهٔ انسان‌هاست و همان طور که با اطاعت او از وسوسهٔ شیطان، گناه را در میان آورد؛ مریم، مادر باکره، مادر مسیح نجات‌بخش، سر مار را زیر پایش له خواهد کرد (پید۳: ۱۵؛ مکا ۱۲)؛ مریم، حوای نوین است که توسط او و پسر او آدمیان از گناه رها می‌شوند.

اورشلیم شهر مادر است«"مادرمان" صهیون را می‌گوییم: "زیرا هر انسانی در او متولد شده" و خدای متعال است که آن را استوار می‌سازد» (مز۸۷: ۵)؛

ولی به خاطر بی‌وفایی و نشنیدن پیام مسیحانه، شهر مقدس جای خود را به اورشلیم جدیدی می‌دهد، که به طور واقعی مـادر ماست (غـلا۴: ۲۶)؛ آن مـادر، کلیساست که همواره در درد و شادی زایش به سر می‌برد.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "مادر".

**مادر**

## Myron

**Gr.** *myron* = "عطر"

اسمی که کلیسای شرق به روغن مقدس می دهد؛ در کلیسای ارمنی تنها پاتریارخ این روغن را تقدیس می نماید.

**روغن مقدس**

کلمات مربوط : Chrism – Chrismation – Holy Oil – Ointment

## Mystagogy

Mystagogie

**Gr.** *mystès* = "آن که به اسرار راه دارد" + *agôgos* = "رهنما"

در ادیان اسرار(سری)، نقش کاهنی یا مرشدی که اسرار الهی را حل می‌کند. در مسیحیت، تعلیمی که بعد از تعمید در بارهٔ رازهای هفت‌گانه داده می‌شود.

**معرفی اسرار**

کلمات مربوط : Mystery

## Mystery

Mystère

راز یا سری که درک آن فوق قدرت فهم انسانی است، ولی در معنای آن می‌شود تعمق نمود و در راه درک آن قدم برداشت. ادیانی هستند که بر پایهٔ اسرار و غیب قرار دارند و مؤمنان باید به سوی درک حقیقت‌های باطن هدایت شوند و مسیر کشف آن‌ها را طی کنند؛ یکی از مشهورترین این ادیان در ادوار باستانی، دین هِرمِز است.

نزد یهودیان، نقش نجات به طور تدریجی توسط پیامبران الهام شده است و

سرنوشت تاریخی قوم برگزیده همین است که فرا رسیدن نجات را در دورهٔ آخرین تأمین کند (اش۴۱: ۲۱-۲۸). کتاب دانیال نبی "مکاشفه" است، یعنی اظهار اسرار (عبری: "راز") الهی است؛ خدا، آن رازها را توسط خواب، رؤیا یا پیام یک فرشته، الهام می‌کند: خدا، کاشف اسرار است.

در عهد جدید سه معنی به راز داده می‌شود:

**۱)** اعمال عالی خدا، دخالت‌های وی در استقرار ملکوت، حکمت پنهانی که در عیسی مسیح ظاهر می‌شود، راز در حد اعلا؛

**۲)** مکاشفات سری؛

**۳)** معنی عمیق بعضی از حقایق.

عیسی از میان شنوندگان تعلیمات خود، کسانی را جدا می‌کند که قابلیت فهم راز را دارند: «راز فرمانروائی خدا به شما داده شده است امّا برای کسانی که از خارجند همه چیز به مَثَل‌ها می‌آید...» (مر۴: ۱۱). راز عیسی، همان فرارسیدن ملکوت است بر طبق طرح خدا؛ و عیسی بنیاد ملکوت را در همین دنیا ساخته، رازهای نهانی را فاش می‌کند: «تمام این‌ها را عیسی به جماعت با مثل‌ها گفت و بدون مثل چیزی به آنان نمی‌گفت. تا آنچه پیامبر گفته بود تحقق یابد وقتی می‌گوید: "دهانم را به مثل‌ها باز خواهم کرد، چیزهایی را که از بنیاد جهان پنهان بوده است برملا خواهم کرد"» (مت۱۳: ۳۴-۳۵ با نقل از مزمور ۷۸: ۲). پرده از مثل‌ها فقط برای کسانی برداشته می‌شود که گوش شنوا دارند؛ توانایی شناخت اسرار، مربوط به عقل انسانی نیست، عطیهٔ الهی است.

در نامه‌های پولس رسول، اعلام راز خدا (۱قرن۲: ۱) با اعلام انجیل مترادف است. چیزی که پولس راز الهی می‌نامد، بدون الهام از خدا در گنجایش فهم انسانی نیست (۱قرن۱۴: ۲)؛ و هر مسیحی به تأمل و تعمق جلال آن دعوت شده

است (کـول۲: ۲). پولس در آخرین نـامـه‌هـای خـود، بـه معنی راز خدا می‌پردازد؛ آن، همان راز مسیح است که «قوام همه چیز در او است» (کول۱: ۱۷).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "راز".

در کلیسا، راز به معنی اعمالی است که ما را در زندگی ملکوتی سهیم می‌گردانند.

ر.ک. Sacrament

**راز**

**سر، اسرار**

کلمات مربوط : Mystagogy – Sacrament

## Mystical Body

Corps mystique

کلیسا نه تنها مانند بدنی است که اعضای آن با هم متصلند و اتحاد دارند، بلکه یک پیکر روحانی و رازگونه‌ای است که سَرِ آن، مسیح است:«یک جسم و یک روح هست... و مقدسات را برای عمل خدمت در بنای جسم مسیح مجهز نمایند، تا اینکه همگی ما، به یگانگی ایمان و شناختن پسر خدا و [مقام] مرد بالغ به اندازهٔ قامت مسیح در تمامیت آن برسیم» (افس۴: ۴-۱۳). اعضای جسم کلیسا در رازهای کلیسا نیرو می‌گیرند؛ کلیسا، توسط این اعضا رشد می‌کند. طبق این اتحاد، کلیسا تمامیت مسیح است:«و [خدا] همه چیز را به زیر پاهای او [یعنی مسیح] گذاشته و همچون رئیس والای کلیسا داده است، که جسمِ او است، و تمامیت آن که همه را در همه پر می‌کند» (افس۱: ۲۲-۲۳). همچنان که در کالبد بشری کثرت اعضا مبدل به وحدت می‌شود، به همین نحو مسیح که اصل وحدت‌بخش کلیسای خویش است، تمامی مسیحیان را در یگانگی پیکر خویش وحدت می‌بخشد (روم۱۲: ۵؛ ر.ک. ۱قرن۱۲: ۱۲)؛ تغذیهٔ این جسم، همان تن و خون عیسی است: «جام تبرّکی را که برکت می‌دهیم آیا همرأیی به خون مسیح نیست؟ نانی

را که تکّه می‌کنیم آیا همرأیی با جسم مسیح نیست؟ چون فقط یک نان، پس ما یک جسم در تعداد زیادی هستیم، زیرا همگی در همین یک نان شرکت می‌کنیم» ۱قرن۱۰: ۱۶-۱۷).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "بدن مسیح".

**پیکر معنوی**

**جسم معنوی**

کلمات مربوط: Body – Ecclesiastical Body

## Mysticism

Mystique/Mysticisme

راه معنوی و روحانی در مذهب، در برابر راه شریعت.

**عرفان**

کلمات مربوط : Gnosis

## Myth

Mythe

اسطوره‌های باستانی، داستان‌هایی دربارهٔ خدایان و الهه‌ها و قهرمانان دوران باستان هستند که به پرسش‌های دائم پاسخ می‌دهند: جهان، چگونه به وجود آمده است؟ فلسفهٔ وجود انسان چیست؟ چرا رنج و مرگ وجود دارد؟ دلیل جاذبهٔ اسرارآمیز عشق بین زن و مرد چیست؟ انسان‌ها چه رابطه‌ای با الوهیت دارند؟ جواب اسطوره به صورت یک داستان، در عالمی غیر واقعی و ماقبل تاریخی یعنی قبل از آفرینش انسان است؛ آن حکایت خود ماست که در قالب دیگری نهاده شده است، الگویی می‌شود که انسان باید از آن تقلید کند.

کتاب مقدس نیز برای بیان افکار خود گاه‌گاهی این زبان را برگزیده است و در عین حال، آن را تغییر داده‌است. داستان‌های کتاب مقدس، به دور از آنند که ما را به عالمی تخیلی ببرنند؛ آنها زندگی روزمره را به یاد می‌آورند و ما را وادار می‌کنند به وجود خودمان بیندیشیم و آن را تحت تسلط خود درآوریم. کتاب مقدس، با

الهام از اساطیر مهم، بخصوص در داستان آفرینش، آنها را به عنوان جلوه‌ای از ایمان خود به خدای واحد در نظر می‌گیرد؛ خدایی که در تاریخ مداخله می‌کند و اراده‌اش برای انسان، آزادی اوست.

**اسطوره**

**افسانه**

کلمات مربوط : Demythologisation – Symbol

**N**

## Nag Hammadi

محلی در مصر، نزدیک "الاقصر" (Louxor) که در ۱۹۴۵م در آنجا سیزده جلد کتاب دستنوشت از قرن چهارم میلادی پیدا شدند. این نوشته‌ها شامل حدود پنجاه رساله به زبان قبطی قدیم، از مکتب گنوستیسیسم، و نوشته‌های دیگر، ازجمله پاره‌هایی از کتاب جمهوری افلاطون و متن کامل انجیلی منسوب به توماس است؛ همهٔ این متون، اکنون منتشر و ترجمه شده اند؛ اصل نسخه‌ها در موزهٔ قاهره نگهداری می‌شوند.

**نجع حمادی**

کلمات مربوط: Apocrypha – Canon – Gnosticism

## Nasorean

Nazoréen

**Gr.** *nasoraios* "مسیحی / اهل ناصره"

اسمی که به عیسی تعلق دارد (مت ۲: ۲۳)؛ ظاهراً به معنی "اهل ناصره" (محل اقامت عیسی در سال‌های کودکی و جوانی) است؛ ولی زبان‌شناسان، این اشتقاق را زیر سؤال برده، به معنایی نظیر "به طور معجزه‌آسا متولد شده" و یا "قدوس خاص خدا" اشاره می‌کنند، و یا این نام را مربوط به کلمهٔ نذر می‌دانند. به هر حال، در عهد جدید، یکی از اسم‌های عیسی است و نیز قبل از این که اسم "مسیحی" غلبه پیدا کند، اسم شاگردان عیسی بود (ر.ک. اع ۲۴: ۵)، در قلمرو سامی در کنار "مسیحی" ماند؛ در زبان فارسی هم تا امروز، بدون هیچ پیش‌داوری یا توهین، همراه با "نصرانیت" مورد استفاده قرار می‌گیرد. به روایت یوحنا، پیلاطس دستور داد تا روی صلیب عیسی، کتیبهٔ "عیسای

نازورای، پادشاه یهود'' را نصب کنند (یو ۱۹: ۱۹)؛ احتمالاً همان کلمهٔ ناصری است که در یک شکل دیگری نقل شده است.

**نصرانی**

## Nativity

Nativité

تولد عیسی که جشن آن در کلیساهای کاتولیک و پروتستان، روز ۲۵ دسامبر (۴ دی) برگذار می‌شود. برخی از کلیساهای ارتدکس بیشتر روی جشن تجلی عیسی، یا تعمید عیسی، ۶ ژانویه (۱۶ دی) تأکید می‌کنند.

**میلاد مسیح**

## Nature

در تعریف یک شیئی، از مفهوم ایستا نظیر ''ماهیت'' و ''صفت''، و نیز از مفهوم پویا نظیر ''طبیعت'' یا ''سرشت'' یا ''فطرت'' استفاده می‌کنند. در تعریف شخصیت یک فرد انسانی، طبیعت یا سرشت در مقابل زور و نفوذ تربیت قرار دارد. در الهیات، بین سرشت و اقنوم (شخص) تفاوت اساسی قائلند و بین طبیعت و فوق‌طبیعت.

در سه‌گانهٔ اقدس، سرشت الهی واحد به سه اقنوم منقسم است. در راز تن‌گیری، دو سرشت الهی و انسانی را در شخص واحد مسیح، تمییز می‌کنند.

میان مسیحیان خاورمیانه در مورد سرشت عیسی اختلاف به وجود آمد. طرفداران عقیدهٔ ''طبیعت یگانه'' (Monophysitism) بر آن شدند که در شخص عیسی فقط یک سرشت موجود است، سرشت الهی (که در آن سرشت انسانی ادغام و محو شد)، در صورتی که عقیدهٔ اغلب کلیساها (شورای اسقفان کالسدون Chalcedon، ۴۵۱ م) بر آن است که عیسی دو سرشت دارد، الهی و

انسانی در اتحاد شخص واحدی.

**طبیعت**

**فطرت**

**طبع**

للمات مربوط:– Dyophysism – Grace Mono – physitism – Substance – Supernatural

## Nazarene

Nazaréen

۱) مربوط به شهر ناصره؛*

۲) به طور مطلق، عیسی ناصری؛

۳) عضو یک فرقهٔ مسیحی - یهودی الاصل و متمرکز در دمشق در قرن چهارم میلادی - که روایت عبری از انجیل را در اختیار داشتند و قانون یهود را رعایت می‌کردند؛

۴) عضو یکی از فرقه‌های مسیحی انجیلی که در ۱۹۰۷ م در آمریکا به وجود آمد؛ * نسبت اهالی ناصره (عبری: نصرط Nasrath)، به طور طبیعی، در زبان آرامی به صورت نَصْرَیَه nasraya آمده است؛ در متن یونانی انجیل چهارگانه، به دو شکل پیدا می‌شود: nazôraios (متی، لوقا، یوحنا و اعمال رسولان) و nazarenos (مرقس و لوقا). این لفظ برای عیسی به کار می‌رفت و اصلیت او را مشخص می‌ساخت، و سپس برای پیروان او مورد استفاده قرار گرفت؛ آن، در مناطق سامی‌زبان برای دلالت بر شاگردان عیسی حفظ شد؛ در حالی که در مناطق یونانی‌زبان و در میان رومیان، نام "مسیحی" (Christos, Christianus) ارجحیت یافت. صفت "ناصری" در برخی از موارد، نظیر مت۲: ۲۳، احتمالاً به معنی "نذیری" به کار برده شده است که به معنی "قدوس خاص خدا" است.

**ناصِری - ناصُری**

کلمات مربوط: – Nazareth – Nazirite Nasorean

## Nazareth

شهری در جلیلیه، واقع در حدود ۵۰

کیلومتری شمال اورشلیم، که در عهد قدیم (عتیق) ذکری از آن پیدا نمی‌شود. محل اقامت مریم در زمان بشارت جبرائیل و محل سکونت عیسی در دورهٔ جوانی.

**ناصره**

کلمات مربوط : Nazarene – Nazirite

## Nazirite

Nazir

"قدوس خاص خدا". یهودی پارسا که در اثر زهد یا نذر از خوردن شراب و از تماس با جنازه خودداری می‌کند (اعد۶: ۲-۲۰).

**نذیری**

کلمات مربوط: Wine

## Nazorean

Nazoréen

ر.ک. Nazarene.

## Neighbor

Prochain

آن که نزدیک است، همسایه. برادر، "منِ" ثانی است، در صورتی که "نزدیک"، شخص بیگانه‌ای است که می‌شود او را در قلمرو خارج نگهداشت و می‌شود او را به برادری قبول کرد.

در عهدقدیم(عتیق)، همسایه، محدود به قوم اسرائیل بود و اغلب مترادف با برادر بود (خروج۲۰: ۱۶-۱۷)؛ شریعت یهود به بیگانهٔ مقیم در میان قوم توجه خاصی دارد و آن را نظیر یهودیان مطرح می‌کند: «چون بیگانه‌ای در سرزمینتان با تو اقامت گزیند، او را آزار نخواهید رساند. بیگانه‌ای که نزد شما مقیم شود، برای شما همچون بومی‌ای خواهد بود از میان خودتان: او را همچون خودت دوست خواهی داشت، زیرا که شما در سرزمین مصر غریبه بودید...» (لاو۱۹: ۳۳-۳۴).

عیسی، مفهوم "همسایه" را از مفهوم

"برادر" جدا می‌سازد و محبت به همسایه را ذاتاً با محبت به خدا پیوند می‌دهد و بزرگترین فرمان را چنین تعریف می‌کند: «خداوند، خدای خود را با تمام قلب و تمام روان و تمام ادراک خود محبت خواهی کرد. همین است بزرگترین و نخستین فرمان. دوّمی همانند آن است: همسایهٔ خود را مانند خود محبت خواهی کرد. تمام تورات و [کتاب‌های] پیامبران وابسته به این دو فرمان هستند» (مت۲۲: ۳۷-۴۰)؛ محبت حتی شامل دشمنان می‌شود.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "همسایه".

**همسایه**

**نزدیک**

کلمات مربوط : Love – Good Samaritan

## Neophyte

کسی که تازه به یک مذهب جدید پیوسته است. تعمید یافتهٔ نوینی که تعلیم در بارهٔ هفت راز کلیسا و حیات کلیسا را دریافت می‌کند.

**نوکیش**

کلمات مربوط : Catechumen – Converted- – Proselyte

## Nestorianism

Nestorianisme

نسطوریوس بر جدایی سرشت انسانی و سرشت الهی مسیح تأکید می‌کند و مسیح را دو شخص جدا می‌داند که متفقاً عمل می‌کنند؛ از نظر او مریم مادر خدا نیست، بلکه مادر عیسی است که پسر خداست.

نسطوریت، اسمی است که بعد از محکوم ساختن مکتب نسطوریوس (Nestorius) قرن چهارم میلادی) در شورای اسقفان افسس در ۴۳۱م به مکتب او و کلیسای او، از طرف کلیسای قسطنطنیه داده شد. روز ۱۱ نوامبر ۱۹۹۴ م، پاپ ژان- پل دوم و ماردینخای چهارم، پاتریارخ کلیسای آشوری شرق،

اقرارنامهٔ ایمان مشترکی امضا کردند و چندین قرن طرد و تکفیر را خاتمه دادند.

**نسطوریت**

**مذهب نسطوری**

**بدعت نسطوری**

للمات مربوط : Monophysitism – Theotokos – Excommunication – Assyrian

## New Testament

Nouveau Testament

مجموعه‌ای از چهار انجیل، کتاب اعمال رسولان، نامه‌های رسولان و مکاشفه است. این اسم، در برابر کتب "عهد قدیم"(عتیق) به نوشته‌هایی داده شده است که زندگی و سخنان عیسی را روایت می‌کنند و تشکیل کلیسا را تعریف کرده، پیمان جدید خدا با انسان را بیان می‌کنند.

**عهد جدید**

**پیمان نو**

کلمات مربوط: Gospel – Canon – Old-Testament

## Nicene Creed

Symbole de Nicée

در مجمع اسقفان نیقیه (۳۲۵م)، کلیسا بر متنی اتفاق نظر کرد که ایمان مسیحیان را خلاصه می‌کند و مورد قبول اغلب مسیحیان است:

«[ما ایمان داریم] به خدای یکتا \ پدر قادر مطلق، آفریدگار آسمان و زمین و هر آنچه پیدا و ناپیدا ست. \ [و همچنین] به خداوند یکتا \ عیسای مسیح، پسر یگانهٔ خدا \ مولودِ ازلی از پدر \ او خدا است از خدا، نور از نور \ خدای راستین از خدای راستین \ که زاده شده و آفریده نشده است \ همذات با پدر \ و از طریق او همه چیز هستی یافت. \ برای ما آدمیان و برای نجات ما \ از آسمان فرود آمد \ تن گرفت و انسان گردید \ رنج کشید \ و روز سوم رستاخیز نمود \ و به آسمان صعود کرد \ او باز خواهد گشت تا زندگان و مردگان را داوری کند \ و همچنین به روح القدس ایمان

داریـــم.\ [امـا کلیسای مـقدس جامع [کاتولیک] و رسولان \ کسانی را که این سخنان را می گویند:\ محکوم می کند\ «زمانی بوده است که پسر وجود نداشته است» \ و «او وجود نداشته و بعد بوجود آمده است»\ و «او از ذاتی غیر - ذات پدر - است \ و یا پسر خدا خلق شده \یا اینکه او تغییرپذیر است]

اصطلاح ''ما ایمان داریم'' (با استفاده از شخص اول جمع)، روایت اصلی متن یونانی است به معنی این که اقرار ایمان، پیوندی‌است مشترک که مسیحیان را با هم متصل می‌سازد. آیین کلیسایی بیزانس (قسطنطنیه) همان متن را با فاعل مفرد نقل می‌کند: هر مسیحی، شخصاً در ایمان متعهد است. آیین لاتین نیز همین سنت را قبول کرده، ''من ایمان دارم'' را سه بار تکرار می‌کند؛ ولی در مراسم تعمید، بعد از اینکه تعمیدیافتگان جدید ''من ایمان دارم'' را گفته باشند، شرکت کنندگان در مراسم به سؤال کشیش، با ''ما هم ایمان داریم'' جواب می‌دهند.

در مورد ''و پسر صادر می‌گردد''، ر.ک Filioque.

**اعتقاد نامهٔ نیقیه**

**اقرارنامهٔ ایمان نیقیه**

**بیان اصول ایمان نیقیه**

کلمات مربوط: Credo – Apostles' Creed – Symbol – Council of Nicea

## Novice

راهبی / راهبه‌ای که هنوز تعهد دائم نداده است و تازه به دیر وارد شده است.

**راهب مبتدی**

**راهب نو گرویده**

کلمات مربوط : Monk

## Novitiate (Noviciate)

Noviciat

دورهٔ آزمایش و تعلیم در دیر، تا راهب مبتدی ارادهٔ الهی را تشخیص دهد.

**دورهٔ ورود به رهبانیت**

## Nun

Nonne, Moniale

راهبه؛ زنی که زندگی راهبانه اختیار کند.

ر.ک. Monk.

**راهبه**

## Nuncio

Nonce

نمایندهٔ پاپ نزد دولت‌هایی که روابط رسمی با او برقرار کرده‌اند(نظیر ایران).

**سفیر واتیکان**

**O**

## Obedience

Obéissance

رابطهٔ انسان با خدا با عدم اطاعت آدم شروع شده است؛ درعوض، ایمان ابراهیم او را به اطاعت کاملی واداشت (پید۱۲: ۱، ۱۷: ۱، ۲۲: ۲). وفاداری به عهد قانون (شریعت) بر سخن و پیمان با خدا استوار گشته است؛ همچنین اطاعت مؤمن، خدمت بردگی نیست بلکه عمل عشق و محبت است. یهوه به موسی گفت: «خدای حسود هستم ... امّا وفاداری روا خواهم داشت بر هزاران برای آنان که مرا دوست می‌دارند و احکام مرا رعایت می‌کنند» (خروج۲۰: ۶).

اطاعت عیسی است که ما را از بند گناه رهایی می‌دهد: «زیرا به همان گونه که به سبب نافرمانی یک فرد آدمی انبوه مردم گناهکار گردیدند، به همین گونه بسبب فرمانبرداری یک فرد انبوه مردم تبرئه خواهند شد» (روم۵: ۱۹). عیسی «خود را پایین آورد، و تا به مرگ فرمانبردار شد، مرگ بر روی صلیب!» (فی۲: ۸)؛ وعیسی در مورد اطاعت خویش می‌گوید: «زیرا من از آسمان نازل شدم، نه برای آنکه ارادهٔ خود را انجام دهم بلکه ارادهٔ آن که مرا فرستاده است...» (یو۶: ۳۸)؛ و در شب مصائب دعا می‌کند: «ای پدر من! اگر ممکن است این جام از من بگذرد! اما نه چنان که من می‌خواهم بلکه چنان که تو» (مت۲۶: ۳۹).

مسیحیان به فرمانبرداری از اقتدار انسانی - که نهایتاً از خدا سرچشمه می‌گیرد - دعوت شده‌اند (روم۱۳: ۱-۲)؛ ولی در مواردی که فرمان غیرعادلانه باشد، فرد مسیحی، اطاعت از خدا را به اطاعت از بشر، ترجیح می‌دهد (اع۴: ۱۹).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "اطاعت کردن".

راهبان تعهد می‌کنند، به منظور پذیرش هدایتشان به سوی کمال روحانی، از سران دیر یا نظام روحانی که در آن وارد می‌شوند، اطاعت کنند؛ در این اطاعت، شخص راهب برای انجام اعمال محبت آمیز و نیایش، آزادی خود را تقدیم می‌کند.

**اطاعت**

**فرمانبرداری**

**سرسپردگی**

کلمات مربوط: Vow

## Oblate

Oblat

**Lat.** *oblatus* = ''تقدیم شده''

شخصی که در دیر زندگی کند ولی تشریفات تعهد رهبانیت را نگذرانده باشد. تعمید شدهٔ عام که عضو یکی از نظام‌های روحانی بوده است اما راهب نباشد.

**سرسپرده**

## Oblation

تقدیم شیئی به خدا؛ به طور خاص، تقدیم نان و شراب در آیین سپاسگزاری.

**پیش‌کشی**

**نیاز کردن (نان و شراب)**

کلمات مربوط : Offering – Table of the Shewbread

## Offering

Offrande / Sacrifice

در تمام دوره‌های تاریخ، قربانی برای ادای پارسایی فردی و گروهی تقدیم می‌شد؛ هیچ آیین مذهبی بدون قربانی نیست.

''قربانی'' به معنی نزدیک آمدن به خدا یا آشتی، از ریشهٔ ''قرب''(نزدیک بودن) است؛ قربانی یا به معنی ذبح حیوان و تقدیم کردن جسد او به خداست یا به معنی تقدیم کردن نوبرهای مختلف زمین مثل میوه‌ها، روغن زیتون و غیره که طبعاً

بدون ذبح کردن است. در یهودیت این دو نوع قربانی موجود بود: نوبر محصولات و نخست‌زادهٔ حیوانات به خدا تعلق داشت که سرچشمهٔ زندگی می‌باشند، اما از زمان ابراهیم، قربانی نخست زادهٔ پسر مطلقاً ممنوع شده بود.

در برخی قربانی‌های یهودیان، مثل قربانی سوختنی (هلوکاست)، حیوان تقدیمی به منظور بازخرید گناه، تماماً سوزانده می‌شد تا کلاً به خدا فدا شود؛ در آیین‌های دیگر، حیوان تقدیمی در جشن، و در حضور و مشارکت با خدا تناول می‌شد. کتاب لاویان، آیین‌ها و مراسم قربانی را به تفصیل توصیف می‌کند. در عهدقدیم(عتیق) نیز فکر این که توسط مرگ یک شخص، یعنی خدمتگزار خداوند، قربانی برای کفارهٔ گناهکاران تقدیم شود، آمده است: «جمیع ما مثل گوسفندان گمراه شده بودیم و هر یکی از ما براه خود برگشته بود و خداوند گناه جمیع ما را بروی نهاد. او مظلوم شد امّا تواضع نموده دهان خود را نگشوده، مثل برّه‌ای که برای ذبح می‌برند و مانند گوسفندی که نزد پشم بُرنده‌اش بی زبان است همچنان دهان خود را نگشود» (اش۵۳: ۶-۷).

قربانی عیسی، در ادامهٔ آیین‌های قربانی عهدقدیم است و پدیدهٔ نوینی وارد آن می‌کند «زیرا پسر انسان نیامده تا مخدوم شود، بلکه خدمت کند و زندگانی خود را برای بسیاری فدیه دهد» (مر ۱۰: ۴۵).

در میان مسیحیان، قربانی عیسی بنیاد عهد جدید است:«زیرا [قربانی] عید گذر ما، مسیح ذبح شده است» (۱-قرن ۵: ۷). صلیب، معنی عمیق قربانی خوشبو را نشان می‌دهد: ادای محبت؛ از این به بعد، مرگ، که سرنوشت انسان گناهکار است، وسیلهٔ رهایی و آشتی است (روم ۵). نامه به عبرانیان رابطهٔ آیین‌های عهدقدیم با قربانی عیسی را توضیح می‌دهد. ایمانداران در زندگی روزمره، با کمک روح القدس، خود را تقدیم کرده،

در قربانی خداوندشان شریک هستند:«ای برادران، پس شما را تشویق می‌کنم، به خاطر مراحم خدا، بدن‌های خودتان را، همچون قربانی زنده، مقدس، پسندیدهٔ خدا تقدیم نمایید؛ این از سوی شما پرستش معنوی است» (روم۱۲: ۱).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "قربانی".

توسط تعمید، هر مسیحی نوبر تمام جهان می‌گردد و از راه عیسی به پدر تقدیم می‌گردد. ر.ک. یع ۱: ۱۷؛ مکا ۱۴: ۴.

در میان مسیحیان عرب زبان، همچنین به زبان فارسی، کلمهٔ قربانی برای تناول تن و خون عیسی در آیین سپاسگزاری به کار می رود.

ر.ک. Communion.

**تقدیمی**

**قربانی کفاره**

**هدایا**

کلمات مربوط : Altar – Atonement – Atonement (Day of -) – Holocaust – Priest – Vow – Expiation – Offertory – Propitiation

## Offertory

Offertoire

آیین تقدیم هدایا؛ در این بخش از مراسم که بعد از آیین سخن خدا و قبل از آیین سپاسگزاری است، کشیش و سایر حاضران، نان و شراب را که ثمرهٔ زمین و کار و کوشش آدمیان، و جمع‌آوری هدایای مؤمنین است به خدا تقدیم می‌کنند.

**آیین تقدیم هدایا**

## Oikonomia

ر.ک. Economy of Salvation.

## Oil

Huile

ر.ک. Holy Oil.

## Ointment

Onguen

روغنی که برای هدف‌های خاص

آمـاده می‌کنند و توسط اسقف تقدیس می‌شود.

**روغن تقدیس شده**

کلمات مربوط : Holy Oil – Anointment of the Sick

## Old Testament

Ancien Testament

کتاب‌های دینی که تاریخ نجات قبل از آمدن مسیح را به عبری، آرامی و یونانی نقل می‌کنند؛ در میان ایـن مجموعه، کتاب‌هایی هستند که مورد قبول یهودیان و پروتستان‌ها نیستند. ''عهد قدیم (عتیق)'' اصطلاحی است که فقط برای مسیحیان معنی دارد و در برابر ''عهد جدید'' به کار برده می‌شود. عهد قدیم و عهد جدید با هم ''کتاب مقدس'' مسیحیان را تشکیل می‌دهند.

**عهد قدیم**

**عهد عتیق**

## Order

Ordre

**۱)** یکی از رازهای هفتگانه در کلیسای قدیم؛ رازی که برای انتصاب به منظور خدمت در کلیسایی خاص داده می‌شود. سه مرحله در خدمت کلیسا تشخیص داده می‌شود: شماس (خادم)، کشیش و اسقف؛ شماس و کشیش توسط اسقف انتخاب و دستگذاری می‌شوند؛ اسقف توسط مجمع اسقفان پس از آگاهی از آرای جماعت، انتصاب می‌شود و توسط حداقل سه اسقف دستگذاری می‌شود.

توسط این دستگذاری، رسولان اقتداری را که مسیح به آنها داده بود، به جانشینان خود منتقل کردند (۱تیمو۴: ۱۴، ۵: ۲۲؛ ۲تیمو۱: ۶).

**راز دستگذاری**

**راز تقدیس کهانتی** (اسقف، کشیش، شماس)

کلمات مربوط : Consecrate – Sacrament – Priesthood

**۲)** تشکیلات یا انجمن خاصی از

راهبان (مرد یا زن) که طبق مقررات معینی زندگی می‌کنند؛ نظیر نظام ژزوئیت، نظام دومینیکن، و غیره.

**نظام** (رهبانیت)

**تشکیلات** (رهبانیت)

کلمات مربوط: Monk – Regular – Monastery – Imposition of Hands – Religious Order

## Ordinary

Ordinaire

۱) مسئول رسمی یک کلیسای خاص که معمولاً اسقف می‌باشد، در برابر مسئول ویژه که از طرف پاپ یا پاتریارخ برای مأموریت خاص در حوزهٔ اسقفی فرستاده شده است.

آنکه بدون وکالت رسمی، به نام اسقف یا پاتریارخ، اقتدار او را دارد و خدمات او را انجام می‌دهد.

**نماینده**

۲) آن قسمت از آیین نیایش کلیساهای قدیم که هر روز تکرار می‌شود، در برابر متون خاص یادآوری قدیسین یا متون جشن‌های مهم سال.

ر.ک. Proper.

**متون ثابت آیین نیایش**

## Ordination

دستگذاری برای انتصاب به خدمت کلیسا.

**تقدیس خادمین رسمی کلیسا**

**دستگذاری**

کلمات مربوط: Consecrate – Order – Imposition of Hands

## Ordo Salutis

اصطلاح لاتین، ’ترتیب نجات‘‘. آرمینیوس (۱۵۶۰-۱۶۰۹ ، Arminius م) با پروتستان‌های زمان خود بر سر ترتیب مراحل نجات اختلاف پیدا کرد؛ ؛ او می‌گفت که اول مرحلهٔ اعلام انجیل می آید، سپس ایمان و برگزیدگی توسط

خدا، پس ازآن توبه، بعد نیز موهبت زندگی نوین، سپس تبرئه، آنگاه پایداری در ایمان، و سرانجام جلال؛ در صورتی که الهیدانان پروتستان چنین قائل بودند: برگزیدگی، دریافت انجیل، زندگی نوین، توبه، تبرئه، تقدیس و جلال.

**ترتیب نجات**

## Oriental

صفت کلیساهای شرق از لحاظ این که گرایش به سنت و آیین بیزانس دارند تا به سنت و آیین روم؛ مثلا در برابر کلیسای لاتین.

**شرقی**

کلمات مربوط : Orthodox – Uniate

## Origen

Origène

اوریجن (به یونانی: Ὠριγένης) یا اوریجن آدامانتیوس (۱۸۵-۲۵۴ م) از دانشوران و الهیدانان آغازین مسیحی و جزو پدران بزرگ اولیهٔ کلیسای مسیحی بود؛ او از تبار مصری بود و در اسکندریه و فلسطین تدریس می‌کرد.

**اوریجن**

**اوریگن**

**اوریگنوس**

کلمات مربوط: Philocalia

## Original Sin

Péché originel

خدا انسان را به شباهت(مانندگی) خود در محرمیت و صمیمیت با خود خلق کرد. گناه آدم و حوا، جراحتی بر سرشت انسانی باقی گذاشت که عواقب آن گناه اولیه، در هر فرد انسانی منعکس است. در طی قرون اولیهٔ مسیحیت، دو گرایش عقیدتی در بین جوامع مسیحی در این باره مورد مباحثه و مجادله بود؛ عقیدهٔ

خوش‌بینانهٔ راهبی به نام پلاگیوس (Pelagius، حدود ۴۲۰م، ف) بر آن بود که گناه اولیه، توسط تقلید و از آدم اوّلی اشاعه یافته است، و مادرزادی نیست؛ پس طبیعت انسانی در اصلیت خود دست‌نخورده می‌باشد؛ این نظریه توسط شورای اسقفان کارتاژ (Carthage) و شورای اسقفان اُرانژ (Orange) محکوم گردید.

رر مقابل پلاگیوس، آگوستنیوس (Au-gustin، ۴۳۰م) و شاگردان او، نظریه ای بدبینانه داشتند، و بر این تأکید می‌کردند که گناه آدم از طریق نفس و شهوت‌پرستی و در هر لقاحی، منتقل می‌شود؛ بنابر این نظریه، ربط مسئولیت ما در گناهان شخصی با مسئولیت آدم، روشن نمی‌باشد.

در شورای اسقفان کارتاژ و اُرانژ، کلیسا تعلیمات خود را با دقت به شرح زیر بیان نموده است:

**۱)** گناه اولیه به طور حقیقی به ما انتقال انتقال یافته است؛

**۲)** گناه آدم نه تنها بر بدن انسان توسط رنج و درد مرگ صدمه زده، بلکه حیثیت و ذات انسانی به طور کامل تیره گشته، بخصوص آزادی انسان جریحه دار شده است. علاوه بر این، ضد مارتین لوتر (Martin Luther م ۱۴۸۳-۱۵۴۶)، کلیسای کاتولیک در شورای اسقفان در شهر ترنت (Trent، ۱۵۴۵م) تأیید کرد که رابطهٔ بشریت با خدا در اثر گناه اولیه از بین نرفته، بلکه جریحه‌دار گشته است.

**گناه آغازین**

**گناه اولیه**

**گناه نهادین**

کلمات مربوط: Fall – Sin – Pelagianism – Immaculate Conception – Dormition of the Virgin Mary – Eve – Marriage – Adam and Eve

## **Ornaments** (Liturgical -)

Ornaments (Liturgiques)

**لباس مذهبی**

**تزئینات مراسم مذهبی**

کلمات مربوط : Liturgy

## Orthodox

Orthodoxe

**Gr.** *ortho* = ''راست'' + *doxa* = ''عقیده، مذهب''

در اصل، به معنی ''تعلیم راستین'' یا ''راست دین''، در برابر ''بی‌دین'' یا ''مشرک''؛ در اثر جدایی کلیسای رم از کلیسای بیزانس، صفت ''ارتدکس''، کلیسای بیزانس را در برابر کلیسای ''کاتولیک'' مشخص کرد.

**ارتدکس**

کلمات مربوط : Heresy – Oriental – Catholic

## Orthodoxy

Orthodoxie

**۱)** راست بودن مکتب یا تعلیمی، برابر بودن آن با تعلیم رسمی؛

**۲)** مسیحیت ارتدکس.

**راست دینی**

**مذهب ارتدکس**

# P

## Pagan

Païen

ر.ک. Heathen.

**بت پرست**

**مشرک**

کلمات مربوط : Gentiles – Heathen

## Pagano-Christian

Pagano-Chrétien

شخصی غیر یهودی که به عیسی ایمان آورد.

**مسیحی غیر یهودی**

کلمات مربوط : Proselyte

## Pantocrator

**Gr.** *pan* = "همه" + *kratos* = "قدرت"

صفت مسیح به عنوان "خداوند همه چیز". یکی از رایج‌ترین تصاویر هنرهای تجسمی بیزانس: مسیح روی تخت جلال نشسته، کتاب مقدس به دست چپ گرفته، با دست راست، علامت تبرک و تقدیس نشان می دهد.

**قادر متعال**

## Parable

Parabole

مَثَل‌هایی که عیسی در تعلیم خود به کار می‌برد همیشه واضح نیستند و احتیاج به تفسیر دارند؛ در انجیل‌های نظیر، مثل‌ها (یونانی parabolè)، اندرز یا مثال‌های مشهور را به ذهن شنوندگان عیسی می‌آورند. این مثل‌ها قیاس گسترده‌ای را تشکیل می‌دهند که در روایتی جالب گنجانیده شده‌است؛ مثلاً مثل‌های مربوط به ملکوت خدا، تاکبانان قاتل، جشن عروسی، درخت انجیر بی بار، و غیره. عناصر مختلف این مثل ها اگر جدا از زمینهٔ متن گرفته شوند،

معنی اصلی خود را از دست می‌دهند، و همه به تعلیم واحدی اشاره می‌کنند.

در انجیل یوحنا، لفظ دیگری (paromia) مفهومی شبیه مثل را می‌رساند: حکایت‌های تمثیلی، نظیر حکایت "شبان خوب" (یو ۱۰: ۶)، یا "تاک راستین" (یو ۱۵: ۱-۶)، به نظر یوحنا، طرز بیان مختص رسالت عیسی در این دنیاست، و آنها را نمی‌توان درک کرد، مگر به وسیلهٔ ایمان و در پرتو اظهارات نهایی در هنگام عطای روح القدس.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "مثل"

**حکایت**

**داستان تمثیلی**

**مَثَل**

کلمات مربوط: Sign – Symbol – Allegory

## Paraclete

Paraclet

"وکیل مدافع"، یعنی روح القدس که عیسی قبل از جدا شدن از شاگردانش به ایشان نوید داد تا او را بفرستد. «... اما مدافع، روح‌القدس، که پدر به نام من خواهد فرستاد وی همه چیز را به شما خواهد آموخت...» (یو ۱۴: ۲۶)؛ این روح، هم تسلی بخش است و هم شفیع، و هم وکیل مدافع کسانی است که در تعقیب و آزار به خاطر ایمانشان هستند.

کلمهٔ یونانی parakletos، واژهٔ قضایی است، به معنی کسی که برای کمک به متهم و دفاع از وی در دادگاه تعیین می‌شود؛ یک بار یوحنا این کلمه را در مورد خود عیسی به کار برده است (۱یو ۲: ۱). بعضی از مفسران این کلمه را نزدیک به کلمهٔ دیگری که در اع ۲: ۴۰ و ۱قرن ۱۴: ۳ آمده، دانسته اند که در مورد تشویق افراد مسیحی به پایداری در میان دشواری‌هاست. در ترجمهٔ قدیم لاتین از انجیل یوحنا این کلمه به همان شکل paracletus در آمده است ولی تفسیری را که از آن می‌کردند با تعریف

نادرست ”تسلی‌بخش“ تطبیق می‌کردند.

سه نقش برای روح مدافع عنوان شده است:

- حضور عیسی (یو۱۴: ۱۵ - ۱۷)؛
- گواهی ایمانداران از عیسی: «هنگامی که مدافع بیاید، که من از سوی پدر برایتان خواهم فرستاد، روح حقیقت که از پدر می‌آید در بارهٔ من شهادت خواهد داد. اما شما نیز شهادت خواهید داد، زیرا از آغاز با من بوده‌اید.»* (یو۱۵:۲۶-۲۷)؛
- یادبود زندهٔ کلیسا تا آنچه را عیسی می‌گوید تحقق بخشد (یو۱۴: ۲۶).

* در اسلام، از این سطر از انجیل یوحنا، با استناد به قرآن (سورهٔ ۶۱ الصف، آیهٔ ۶) آمده است که عیسی، آمدن محمد را به همان نحو اعلام کرد که پیغمبران عهد قدیم ظهور عیسی را اعلام ررردند. منبع این باور در کلمهٔ parak-letos است که آن را اشتباهاً periklu-tos (”مجلل“، ”سزای حمد“) خواندند و نتیجه گرفتند که عیسی با نوید آمدن ”فارقلیط“، آمدن ”احمد“ یعنی محمد، پیامبر اسلام را اعلام کرد. در تأیید این تفسیر نیز بخش هایی از به اصطلاح ”انجیل برنابا“ را نقل می‌کنند که طبق آرای محققین، اصل آن به زبان اسپانیولی است و در قرن شانزدهم میلادی (یازدهم ه.ق) نگاشته شده است و جز در جدال مذهبی اعتباری ندارد.

**مدافع**

کلمات مربوط : Holy Spirit – Whitsun – Barnabas

## Parenesis

Paranèse

**Gr.** *parenesis* = ”موعظه“

هر گفتاری که انسان را به سوی راستی و اخلاق شایسته و فضیلت دعوت کند.

**اندرز**

**نصیحت**

**موعظهٔ تشویقی**

کلمات مربوط : Homily – Sermon

## Parish

Paroisse

**Gr.** *paroikein* : "در جایی ساکن شدن (به عنوان مهاجر یا مسافر)"

جامعهٔ ایمانداران یک محل، زیر نظر یک کشیش مسئول؛ این کلمه در ابتدا به ناحیهٔ اسقفی تعلق داشت و تدریجاً به حوزهٔ محلی کلیسا، کوچکتر از ناحیهٔ اسقفی، تعلق پیدا کرد.

### کلیسای ناحیه‌ای

کلمات مربوط : Church – Community – Diocese

## Parousia

Parousie

**Gr.** *par-eimi* = "اینجا بودن"

آمدن خداوند (مسیح) در آخرالزمان، که مورد انتظار مسیحیان است.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "باز آمدن مسیح".

### بازگشت مسیح

کلمات مربوط : Schatology – Messianism – Parousia – End of Times

## Particular Church

Église particulière

کلیسای خاص، جامعهٔ کلیسایی است که زیر مسئولیت و ریاست یک اسقف است، یا شخصی در مقام برابر با اسقف؛ حوزهٔ اسقفی.

### کلیسای خاص

کلمات مربوط: Local Church – Diocese – Rite – Catholic – Patriarch

## Pasch

Paques

ر.ک. Easter.

## Paschal Lamb

Agneau pascal

بره‌ای که یهودیان در مراسم عید گذر ذبح و تقسیم می‌کنند و گوشت کباب شدهٔ آن را تماماً با نان تخمیر نشده تناول می‌کنند(ر.ک. خروج۱۲: ۳-۱۱). برهٔ

گذر نمادی از مسیح می‌باشد؛ ''برهٔ خدا'' که با ریختن خون خود دنیا را بازخرید کرد.

**برهٔ گذر**

**برهٔ ذبح شده**

کلمات مربوط : Agnus Dei – Eucharist – Easter

## Passion

۱) در لغت (اسم، با p کوچک)، این کلمه به معنی گرایش شدید و اشتیاق انسان می‌باشد به سوی آنچه در طلب آن است.

**شور و شوق**

۲) در مسیحیت (اسم خاص، با حرف P بزرگ مراسمی که در یادبود مصائب عیسی، بخصوص در کلیسای کاتولیک و در مناطق جنوب اروپا، روز جمعهٔ مقدس (دو روز قبل از عید گذر)، برپا می‌کنند.

**مصائب**

**الم**

**اندوه و عذاب**

کلمات مربوط : Calvary – Martyrdom

## Pastor

Pasteur

سرپرست ایمانداران؛ در جوامع پروتستان، مسئولان کلیسا را کشیش یا شبان می‌نامند.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، ''شبان''.

**شبان**

کلمات مربوط : Minister – Priest – Shepherd

## Pastoral Care

Pastorale

مأموریت شبانی در کلیسا، کار هدایت و موعظه برای ایماندارانی که در کلیسا جمع هستند، در برابر مأموریت رسالتی، که شامل ابلاغ مژده برای نوگرایان است و برای کسانی که ایمان نیاورده‌اند.

**مراقبت شبانی**

**مأموریت شبانی**

کلمات مربوط : Mission – Pastor

## Paten

Patène

ظرف صافی، نوعی بشقاب کوچک بـرای تقدیم کـردن نانی کـه در آیین سپاسگزاری به تن عیسی تبدیل می‌شود؛ معمولاً این بشقاب فلزی است با لعاب طلایی؛ آن را روی جام شـراب قرار می‌دهند.

**بشقاب نان عشای ربانی**

## Pater Noster

در کلمهٔ لاتینی به معنی "پدر ما"، نام نیایشی است که خود عیسی به شاگردانش آموخت و نیایش روزمرهٔ مسیحیان است، به این شکل:«ای پدر ما که در آسمانی، خُجسته باد نام تو، بیاید فرمانروائیِ تو، روان باد خواست تو روی زمین، چنان که در آسمان است. آن نان روزانه امروز به ما ده، ببخشای گناهان ما را، چنان که ما نیز می‌بخشیم مدیونان خود را، ما را در بوتهٔ آزمایش میاور، بلکه ما را از شریر رهائی ده، زیرا فرمانروائی و قدرت و جلال تا به ابد از آن توست. آمین» (مت۶: ۹-۱۳).

**"ای پدر ما"**

کلمات مربوط: Father – Heavens – Prayer

## Patriarch

Patriarche

**۱)** از حضرت آدم تا موسی، هر کدام از پیشوایان یهود که عمر طولانی کرده بود.

**پدران قوم**

**پاتریارخ**

**۲)** هرکدام از سران کلیساهای قدیم در روم، قسطنطنیه (استانبول)، اسکندریه، انطاکیه و اورشلیم؛ بعداً کلیساهای شرق این نام را به سران کلیساهای ملی مستقل دادند، نظیر پاتریارخ مسکو برای روسیه؛ پاتریارخ، مسئولیت مشارکت

اسقفان و سرپرستی کلیسا را بر عهده دارد.

در کلیساهای شرق که به کلیسای کاتولیک پیوستند، برای رعایت سنت‌ها و سلسله مراتب خادمین هر کدام از این کلیساها، عنوان "پاتریارخ" به هر کدام از سران این کلیساها تعلق می‌گیرد:

- پاتریارخ ملکی انطاکیه، اسکندریه، اورشلیم و قاطبهٔ شرق (دمشق)؛
- پاتریارخ انطاکیه و قاطبهٔ شرق سریانی‌ها (بیروت)؛
- پاتریارخ مارونی انطاکیه و قاطبهٔ شرق (دیر بکرکی در لبنان)؛
- پاتریارخ قبطی کاتولیک اسکندریه (مصر)؛
- کاتولیکوس یا پاتریارخ بابل کلدانی (بغداد).

## پاتریارخ

کلمات مربوط : Patriarchate Exarch – Metropolitan – Catholicos – Uniat or Uniate

## Patriarchate

Patriarcat

منطقهٔ مورد سرپرستی پاتریارخ، محل اقامت او یا دورهٔ خدمت او.

ر.ک. Patriarch.

## منطقهٔ پاتریارخی

## مقام پاتریارخی یا اسقف بزرگ

کلمات مربوط : Autocephalous Church – Patriarchs – Pentarchy

## Patristics

Patristique

مجموعهٔ تحقیقات و مطالعات در نوشته‌های پدران کلیسا.

## شناخت پدران کلیسا

کلمات مربوط : Fathers of the Church

## Pauline Privilege

Privilège paulin

پولس، قرنتیان را به اصل همیشگی بودن پیوند زناشویی خاطرنشان می‌سازد

- حتی اگر قبل از تعمید بسته شده باشد - ولی استثنائاً در مورد شخصی که همسر غیر مسیحی او وی را به خاطر انتخاب ایمان مسیحیت ترک کند، ازدواج قبل از تعمید او را باطل اعلام کرده، مجاز می‌داند که مجدداً ازدواج کند؛ در چنین وضعی بـرادر یا خواهر، مقید نیست (۱قرن۷: ۱۰-۱۵).

### استثنا طبق نظریهٔ پولس

کلمات مربوط : Petrine Privilege

## Peace

Paix

مفهوم صلح، عمدتاً عدم جنگ است و سلامتی و سازش. کلمهٔ یونانی eirénè برابر ”شَـلُم“ عبری است و به معنی آشتی و خوشی با خدا آمده است. یکی از لقب‌های مسیح موعود ”سرور صلح“ است، صلحی که فقط عطیهٔ خداست و از دست انسان برنمی‌آید: «او در میان قوم‌های بسیار داوری خواهد نمود و امّت‌های عظیم را از جای دور تنبیه خواهد کرد و ایشان شمشیرهای خود را برای گاوآهن و نیزه‌های خویش را برای داس‌ها خواهند شکست و امّتی بر امّتی شمشیر نخواهد کشید و بار دیگر جنگ را نخواهند آموخت» (میک۴: ۳).

طبق تصویر پیامبرانه، در ملکوت مسیح موعود، دیگر خشونت نخواهد بود: «گُرگ با برّه سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر و پرواری باهم...» (اش۱۱: ۶-۷). نجات دهندهٔ مسیحیان خود صلح است که یهودیان را با ملل غیر یهود آشتی می‌دهد؛ این صلح یکی از ثمره‌های روح است (غلا۵: ۲۲). بعد از تبرئه توسط ایمان، مرحلهٔ بعدی نجات، برخورداری از صلح با خداست «ما که بوسیلهٔ ایمان برائت یافته‌ایم، با خدا در صلح بسر می‌بریم به توسط خداوند ما عیسی مسیح» (روم۵: ۱).

صلح مسیح ربطی به موقعیت مطلوب سیاسی ندارد، و به معنی رابطهٔ جدید بین ما و خداست. وقتی پولس می‌گوید: «او صلح ما است... دیوار جدایی کینه را نابود ساخته است، قانون فرمانها با دستورات آن را از بین برد، تا از آن دو [یهود و غیر یهود] در خودش انسان نو، یکتا و صلح بسازد، و همگی را بوسیلهٔ صلیب، در یک جسم با خدا آشتی داده کینه را در آن بکُشد» (افسس ۲: ۱۴)، منظور او همان قربانی صلح قوم یهود است (ر.ک. اش۵۳: ۵).

عیسی، همواره اعلام کنندهٔ صلح است و "آرامش دهندگان" را "پسران خدا" می‌نامد (مت ۵: ۹)؛ ولی صلح او صلح دنیا نیست؛ تا حدی هم صلح عیسی، جنگ با "سرور این دنیا" است، یعنی با شیطان «خیال نکنید که من آمده‌ام تا آرامش را بر روی زمین بیاورم. من نیامده‌ام آرامش را بیاورم بلکه شمشیر را» (مت ۱۰: ۳۴).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "صلح".

**آرامش**

**صلح**

کلمات مربوط : Reconciliation

## Pedobaptism

Pédobaptisme

**Gr.** *pais/paidos* = "بچه"

سنت تعمید دادن به بچه‌های نوزاد خانواده‌های مسیحی؛ رسم تعمید کودکان در عمل پطرس رسول سرچشمه می‌گیرد که دستور داده بود یک خانوادهٔ رومی را همگی باهم تعمید بدهند (اع۱۰: ۴۷-۴۸). کودکان هم باید دو مرتبه تولد یابند،«هیچکس نمی‌تواند وارد ملکوت خدا گردد مگر از آب و روح زاده شود. آنچه از تن زاده شده، تن است، آنچه از روح زاده شده، روح» (یو۳: ۵-۶). تمام کلیساهای قدیم، تعمید نوزادان را به شرط ایمان والدین قبول دارند اما بعضی

از کلیساهای پروتستان این سنت را رد می‌کنند و فقط ایمانداران بالغ را تعمید می‌دهند.

**تعمید کودکان**

کلمات مربوط : Anabaptism – Baptism

ارانژ (Orange، جنوب فرانسه، ۲۹ م) محکوم گردید.

**بدعت پلاگیوس**

**مکتب پلاگیوس**

کلمات مربوط: Grace – Original Sin

## Pelagianism

Pélagianisme

عقاید منحرف در مورد فیض: پلاگیوس (Pelagius قرن پنجم میلادی) به اثر گناه اولیه در همهٔ جنس بشر اعتقاد نداشت و نقش عیسی را به موعظه محدود می‌دانست؛ او اهمیت فیض را کم می‌گرفت و بر کوشش فردی و تقوا تأکید می کرد، و بر این عقیده بود که انسان به اختیار خود و با اتکا به نیروی خویش، می‌تواند از گناه پرهیز کند و رستگار شود؛ مکتب او توسط آگوستینوس مورد انتقاد و رد قرار گرفت و در شورای اسقفان افسس (۴۳۱م) و دومین شورای

## Penance (Sacrament of -)

Pénitence (Sacrement de -)

اقرار به معصیت و طلب مغفرت؛ خداست که گناهان را می‌بخشد و عیسی بارها گناهان را بخشیده بود و گناهکاران را به جامعه باز گردانده بود و سرانجام این قدرت را به رسولان سپرد؛ «کلیدهای ملکوت آسمان‌ها را به تو خواهم داد و آنچه را بر زمین ببندی در آسمان‌ها بسته خواهد بود و آنچه را بر زمین باز کنی در آسمان‌ها باز خواهد شد» (مت۱۶: ۱۹). در کلیساهای قدیم، انابت یا بخشش، رازی است که کشیش، بعد از شنیدن اعتراف گناه جویندهٔ بخشش،

به او می‌دهد تا به شرط توبه از گناه به نام اقتداری که عیسی به رسولان سپرده است، تبرئه شود. این راز را هم ”راز آشتی“ می‌نامند.

**راز بخشش**

**راز اعتراف گناه**

**راز توبه**

کلمات مربوط : Absolution – Contrition – Forgiveness – Penitence – Sacrament Reconciliation

## Penitence

Repentir

قبل از این که انسان با خدا آشتی داده شود، از او انتظار می‌رود که پشیمان شود؛ در راز آشتی کلیساهای قدیم، مرحلهٔ اساسی، بخشیدن گناه است که قیمت آن را عیسی پرداخت.

**پشیمانی**

**ندامت**

**توبه**

کلمات مربوط : Contrition – Penance

## Penitent

Repenti

آنکه توبه کند. آن که راز آشتی به او داده می‌شود.

**پشیمان**

**نادم** (ندامت)

کلمات مربوط : Converted – Penance

## Pentarchy

Pentarchie

درهزارهٔ اول تاریخ کلیسا، به معنای اقتدار پنج پاتریارخ کلیسا با مسئولیت مشترک زیر نظر پاتریارخ روم می باشد؛ سرکشی از این مقام، جدایی در مکتب ایجاد می‌کند. هر کدام از این پاتریارخ‌ها در اصل، اسقف شهری بود که توسط یکی از رسولان تأسیس شده بود: رم، قسطنطنیه، اسکندریه، انطاکیه و اورشلیم.

**اقتدار پنج پاتریارخ**

**اقتدار هیأت پنجگانه**

**هیأت پنج پاتریارک**

کلمات مربوط : Autocephalous Church – Schism – Patriarch

## Pentateuch

Pentateuque

**Gr.** *penta* = "پنج" + *teuchos* = "کتاب"

پنج کتاب اول کتاب مقدس؛ یعنی پیدایش، خروج، لاویان، اعداد و تثنیه؛ یهودیان آن را تورات می‌خوانند.

**کتاب‌های پنجگانه**

**تورات**

کلمات مربوط : Bible – Torah

## Pentecost

Pentecôte

هرعیدی سه معنی دارد:

۱) ارتباط با فصل‌ها و مراحل کشاورزی؛

۲) یادآوری از اتفاقات تاریخی قوم برگزیده (عهد قدیم (عتیق) )؛

۳) یادآوری زندگی عیسی مسیح.

عبرانیان سه عید مهم را جشن می‌گرفتند: عید گذر (به مناسبت نوبر درو و با تجدید خمیرمایه)، عید پنتیکاست و عید چادرها (آلونک‌ها)، (خروج۲۳: ۱۴).

پنتیکاست، یا جشن تقدیم گندم، عید کشاورزان است و هفت هفته (به اضافهٔ یک روز، یعنی کلاً پنجاه روز) بعد از عید گذر برگزار می‌شود. عبور از دریای سرخ و رهایی از بردگی جز با عهد خداوند معنی نداشت، از بردگی مصر تا خدمت به خدا؛ روز پنتیکاست، روز یادآوری از عهد خدا با قوم خویش بر کوه سیناست و روز تجدید این عهد می‌باشد.

طبق باب دوم اعمال رسولان، شاگردان عیسی، بعد از مرگ او در ترس و وحشت ماندند و منتظر آن مدافعی بودند که عیسی قول داده بود. روز پنتیکاست روح القدس به صورت زبانه‌های آتش

روی آنها نزول کرد و نیروی عجیبی در سخن به آنها عطیه نمود؛ پنتیکاست، برای مسیحیان، روز عطای روح القدس است، روز پیمان جدید و روز پیدایش کلیسا.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "پنتیکاست".

**پنتیکاست**

**عید پنجاهه**

کلمات مربوط: Holy Spirit – Glossolalia

## People

Peuple

خدا با قومی عهد می‌بندد؛ پیمانی که با یک شخص تنها می‌بندد، در رابطه با جمع کردن یک قوم است. در عهد قدیم(عتیق)، قوم برگزیده در برابر امت‌های غیر یهود قرار داشت ولی عیسی توسط مرگ خود این دیوار را از بین برد و قوم یهود و امت‌ها را باهم در قوم جدیدی جمع کرد که آن را توسط خون خود تبرئه کرد. شورای جهانی اسقفان «واتیکان دوم»، کلیسا را "قوم خدا" تعریف کرد (نظامنامهٔ نور امت‌ها، Lumen Gentium).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "قوم".

**قوم**

کلمات مربوط : Community – Heathen – Gentiles – Laymen

## Perichoresis

Périchorèse

۱) در بارهٔ راز سه‌گانهٔ اقدس: ادغام عمیق و متقابل بین پدر و پسر و ما بین این دو و روح القدس؛ زیرا هر یک، شخص متفاوتی است ولی چون طبیعت ایشان یکی است، جداناپذیر می‌باشند، تداخل هر یک در دیگری به شکل یک اراده و فعل ظاهر می گردد. در حقیقت تنها یک حرکت، یک اراده و یک فعل است که در سه گانهٔ اقدس تحقق می یابد (سه شخص و یک طبیعت). ر.ک. یو۱۰: ۳۸، ۱۶: ۹-۱۱؛ ۱قرن۲: ۱۰-۱۱.

**تداخل متقابل**

**تداخل اشخاص سه‌گانهٔ اقدس**

**۲)** آگاهی در بارهٔ راز عیسی مسیح: ادغـام عمیق و ناگسستنی بین طبیعت انسانی و طبیعت خدایی او، چون شخص وی واحد است، یعنی پسر خدا. طبیعت انسانی و طبیعت خدایی عیسی به نحوی متصل است که می تـوان اصطلاحات انسانی (مثلاً ''عیسی رنج کشیده'') را به شخص الهی او مربوط کنیم و بگوییم ''سخن خدا'' در طبیعت انسانی خود رنج کشید؛ تماشای این اتحاد که در شمایل صورت الهی- انسانی عیسی مسیح ظاهر می شود، ترکیب ما را به عنوان شمایل یا نقش خدا یادآوری می کند.

در کلیسای لاتین از لغت مترادف Circumincession استفاده می‌شود.

**تداخل متقابل**

**تداخل دو طبیعت در شخص عیسی**

کلمات مربوط: Trinity – Circumincession – Icon

## Pericope

**Gr.** *perikoptein* = ''دُور بریدن''

بخشی از متن کتاب مقدس یا از قرائت نماز که مستقلاً معنا را می‌رساند و مورد تفسیر قرار می‌گیرد.

**بخش مورد تفسیر**

**قطعهٔ مورد تفسیر**

کلمات مربوط : Logion

## Persecution

پیامبران، در عهدقدیم(عتیق)، همیشه مورد تعقیب، شکنجه و آزار قرار می‌گرفتند (مت ۲۳: ۲۹-۳۷)؛ مسیح هم به شدت مورد آزار و شکنجه قرار گرفت و به شکنجه‌گران تسلیم شد.

مسیحیان نیز، از ابتدا مورد اذیت و سرکوب خشونت آمیز یهودیان قرار گرفتند، مثل سنگسار شدن استیفان (اع ۶ و ۷). نمونهٔ مظلومیت، عیسی است که تحقیر شد، تازیانه خورد و روی

صلیب کشیده شد. پولس رسول که خود، قبل از ایمان آوردن به عیسی در شکنجهٔ استیفان نقش اساسی داشت، به نوبهٔ خود شدیداً درد کشید و شکنجه شد و آن درد را همچون تکمیل صلیب مسیح معنی می‌کرد؛ او در آخرین نامهٔ خود، بعد از ذکر رنج‌هایی که دیده بود، نوشت:«چه شکنجه‌هایی که تحمّل کردم و خداوند از همهٔ آنها مرا رهایی داد. و همهٔ آنان که می‌خواهند با پارسایی در مسیح عیسی زندگی کنند، شکنجه خواهند شد» (۲تیم۳: ۱۱-۱۲).

**تعقیب و شکنجه**

**آزار**

کلمات مربوط: Martyrdom – Confessors of Faith

## Person

Personne

معادل لاتین persona که خود از مصدر یونانی prosopon استفاده شده است؛ وجه تسمیهٔ این کلمه در ابتدا این بود، که به نقابی گفته می شد که بازیگران تأتر، در یونان باستان به چهره می‌زدند تا نقشی را که به عهده دارند، ایفا کنند؛ در معنای متاخرتر به نقشی که فرد در جامعه بر عهده می گرفت دلالت می کرد؛ آباي کلیسا از این واژه برای بیان راز سه گانهٔ اقدس، سه شخص در یک جوهر واحد، سود جسته‌اند. این کلمه معادل Hypostasis است.

**شخص**

کلمات مربوط: Divine Person – Hypo-static Union – Substance – Hypostasis – Trinity

## Peshitta

Pshitta

ترجمهٔ قدیمی از کتابهای عهدقدیم(عتیق) و عهدجدید به زبان سریانی ”ساده“ یا آرامی (قرن ۴ یا ۵ میلادی). یکی از قدیمی‌ترین روایت‌های انجیل چهارگانه.

**پشیتا**

# Peter’s Primacy

Primauté de Pierre

عیسی مسیح، کلیسا را با سلسله مراتب و تقسیم مسئولیت‌ها تأسیس کرد و زمانی که دوازده رسول را به مأموریت رسالتی فرستاد، پطرس مقام اول را داشت (مت۱۰: ۱-۵).

در مورد برتری پطرس و جانشین وی، اسقف رم (پاپ)، بین کلیساها اختلاف است؛ کلیساهای قدیم برآنند که مأموریت اسقفان بر جانشینی رسولان اولیه قرار دارد و اسقف بودن، در اتحاد با پطرس و جانشین وی، وابسته به مشارکت در هیأت رسولان است؛ سرچشمهٔ این برتری، در نظر کلیسای قدیم، در سخنان عیسی به پطرس است: «خوشا بر تو! ای شمعون پسر یونا!... و من به تو می‌گویم که تو پطرس [صخره] هستی و بر روی این صخره کلیسای خود را بنا خواهم کرد و درهای وادی مردگان بر آن استیلا نخواهد داشت. کلیدهای ملکوت آسمان‌ها را به تو خواهم داد...» (مت۱۶: ۱۶ و بعد).

کلیساهای ارتدکس برآنند که این برتری پطرس در پنجگانهٔ پاتریارخ‌ها و در خدمت اتحاد کلیسا اعتبار دارد و در طرز اجرای آن، مخالف با مقامات کاتولیک هستند؛ و بنابر قول عیسی مسیح، به پطرس تکیه می‌کنند( لو ۲۲: ۳۲. ر.ک. یو۲۱: ۱۵).

کلیساهای جدید، از طرف خود، چنین برتری و ارجحیت را انکار می‌کنند و برآنند که عیسی، کلیسا را بر شخص پطرس بنا نکرد، بلکه «بر روی پی‌ریزی رسولان و پیامبران بنا شده‌اید و مسیح عیسی سنگ زاویهٔ آن است» (افس۲: ۲۰).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، ”سنگ“ و ”پطرس (مقدس)“.

**ارجحیت پطرس**
**برتری پطرس**
**تقدم پطرس**

کلمات مربوط : Primacy – Pope – Infallibility – Pentarchy

## Petrine Privilege

Privilège Pétrinien

طبق این استثنا در قانون کلیسای کاتولیک در مورد ازدواج، اگر همسر غیر مسیحی شخص تعمید یافته او را ترک کند و خود او بخواهد مجدداً با یک مسیحی ازدواج کند، در شرایط معینی پاپ می‌تواند، "به خاطر ایمان"، ازدواج قبلی را باطل اعلام کند.

### اختیار ممتاز پطرس

کلمات مربوط : Pauline Privilege

## Pharisee

Pharisien

**Gr.** *pharisaios* (>**Aram**. *perichayya*) = "آنکه جدا است"

شخص یهودی با تقوا که سخت به کلام و ارادهٔ خدا توجه دارد و در رعایت قانون به طور افراطی کوشا باشد. عیسی خود مکتب فریسی را محکوم نساخت بلکه فریسی گرایی را سرزنش نمود، اهمیت زیاد دادن به پیروی ظاهری از شریعت و متکبرانه محکوم ساختن گنهکاران؛ بعضی از اعضای فرقهٔ فریسیان از عیسی طرفداری کردند (لو۱۳: ۳۱؛اع۵: ۳۴، ۱۵: ۵، ۲۳: ۹).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "فریسی".

### فریسی

کلمات مربوط: Scribe – Sadduceans

## Philocalia

Philocalie

**Gr.** *philos* = "دوستی" + *kalia* = "زیبائی"

**۱)** عنوان مجموعهٔ متونی از اوریجن؛

**۲)** عنوان مجموعهٔ متون برگزیده از گفتار و نوشته‌های عرفانی راهبان متعلق به قرون چهارم تا پانزدهم میلادی؛ این مجموعه در۱۷۸۲م در شبه جزیرهٔ آتوس (شمال یونان) توسط «مکاریوس نوتاراس» و«نیکودموس» جمع‌آوری شده است و مکتب "هزیکَسم"

را تعلیم می‌دهد.

**فیلوکالیا** (زیبادوستی)

کلمات مربوط: Origen – Prayer of Jesus – Hesychasm

## Phylactery

Phylactère

**Gr.** *phulatteyn* = ”حفظ کردن“

یهودیان پارسا خطوطی از تورات را روی کاغذ یا پوست نسخه برداری کرده، آنها را به وسیلهٔ جعبه‌های کوچک چرمی به لباس یا به بـازو، یا سر خویش به منظور یادآوری کلام خدا می‌بندند.

**تفیلین**

**حمایل**

**عصابه**

## Pietism

Piétisme

گرایش خاصی داخل کلیسای لوتری، در قرن هجدهم میلادی، که بر محور قرائت روحانی انجیل متمرکز شده بود؛ بر تقوای فردی و پارسایی و عرفان تأکید می‌کرد و نسبت به بحث‌های اصول الهیات، بی‌تفاوت مانده بود.

**پارساگرایی**

**زهد باوری**

## Piety

وفاداری و حمیت در اجرای وظایف مذهبی، نسبت به دیگران (محبت، کمک به نیازمندان و...)، و نسبت به خدا (نیایش)؛ به طور مطلق تنها عیسی پارساست (مکا۱۵: ۴ که این مفهوم را اغلب اینجا با واژهٔ ”مقدس“ ترجمه می‌کنند.).

**پارسایی**

**تقدس**

**خداترس**

کلمات مربوط : Holiness

## Plenitude

کمال در فراوانی؛ همان طور که در مورد الیصابات نوشته شد، که «زمان به کمال رسید که می‌بایست بزاید» (لو۱: ۵۷)، برای جهان نیز زمان به کمال رسید که عیسی وعدهٔ پیامبران را به انجام برساند.

**کمال**

## Pleroma

Plérôme

کمال و تکمیل، در مورد حقایق روحانی؛ کلیسا جسم مسیح و "کمال" او می‌باشد، یعنی «تمامیت آن که از همه چیز کاملاً پُر است» (افس۱: ۲۳). کلیسا به وسیلهٔ مسیح سرشار از ثروت‌های زندگی الهی است و خودش مملو از خداست (کول۲: ۹-۱۰).

**تمامیت و کمال**

**پُری**

کلمات مربوط : Accomplish – Plenitude

## Pluralism

Pluralisme

ارزشمند دانستن مذهب‌های مختلف، به معنای فرار از تعهد ایمان نیست، بلکه محترم شمردن راه‌های گوناگونی است که به شناخت خداوند هدایت می‌کنند.

در جوامع مسیحی، موضوع تقبل اختلاف‌های مذهبی و دینی، نخست در میان کلیسای پروتستان آمریکا بروز کرد؛ شورای جهانی اسقفان واتیکان دوم به لزوم گفتگو بین کلیساهای مسیحی، با ادیان غیر مسیحی تأکید کرد.

گفتگو بین ادیان به شرطی ممکن است که دو طرف، به باورهای یکدیگر احترام متقابل بگذارند؛ از میان هدف‌های چنین گفتگویی می توان اینها را برشمرد: رسیدن به عدالت اجتماعی، مبارزه برای برقراری صلح در بین ملت‌ها و یا کوشش برای شناخت

متقابل، و همزیستی مسالمت‌آمیز در جامعهٔ امروز.

**تعدد دینی**

**پلورالیسم دینی**

**تکثر باوری**

کلمات مربوط: Dialogue – Ecumenism

## Pneuma

این کلمهٔ یونانی به معنی "روح"، با پسوندهای مختلف، مفاهیم مختلفی را مربوط به روح می‌سازد؛ نظیر Pneumatology، "روح‌شناسی"؛ Pneumophoric، "حامل روح". صفت Pneumatic به معنی "روحانی" در برابر "نفسانی" است.

**روح**

کلمات مربوط : Spirit – Holy Spirit

## Pontiff

Pontife

**Lat.** *pontifex* = "کاهن بزرگ"

اسم تشریفاتی اسقف.

معمولاً اصطلاح Sovereign Pontiff، Souverain Pontife یکی از القابی است که به پاپ، رئیس و مقام عالی کلیسای کاتولیک می دهند و میراثی است از امپراتوری روم؛ پاپ، پاتریارخ غرب است و به عنوان جانشین پطرس رسول، مقام اسقف رم و مسئولیت متحد کردن همهٔ اسقفان و کلیساهای محلی را داراست.

**خلیفهٔ اعظم**

**مقام اعظم پاپ**

کلمات مربوط : Hierarchy – Pope

## Pontifical

**مربوط به مقام عالی کلیسای کاتولیک**

**اسقف اعظمی (پاپی)**

**خلافت اعظم**

## Pontificate

Pontificat

خدمت خلیفه‌گری پاپ، از زمان

انتخابش تا وفات؛ زمان این خلیفه‌گری.

**خلیفه‌گری**

## Pope

Pape

پاتریارخ. در کلیسای کاتولیک، عنوان پاتریارخ غرب که اسقف رُم است؛ در کلیسای قبطی، عنوان پاتریارخ است که اسقف اسکندریه می باشد.

**پاپ**

کلمات مربوط : Holy See – Pontiff

## Pope

کشیش کلیسای ارتدکس.

**کشیش** (به زبان روسی)

## Possession

حالت کسی که زیر نفوذ شیطان، اختیار عمل را از دست داده است و گوییا در حال جنون یا زیر سلطهٔ جنون قرار دارد.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "جن‌زده".

**جن‌زدگی**

**دیوزدگی**

کلمات مربوط: Exorcism

## Poverty

Pauvreté

تجلیل از فقر یا فروتنی در گفتار پیامبران عهدقدیم(عتیق) در رابطه با عدالت موجود است (صف۲: ۳).

اولین مژدهٔ سعادت عیسی، که در ابتدای موعظات وی ارائه شد، در تحسین فقر است: «خوشا بر شما ای فقیران زیرا ملکوت خدا از آن شما است! خوشا بر شما که اکنون گرسنه اید زیرا سیر خواهید شد...!» (لو۶: ۲۰-۲۱). عیسی، که سلطنت و قدرت را کنار گذاشته، خود را به مقام بَرده رساند، الگوی نهایی این فقر و فروتنی است؛ عیسی در فقر زندگی

کرد و خود را با حیوانات تشبیه کرده می‌گوید: «روباهان را لانه و پرندگان آسمان را آشیانه‌ها است، ولی پسر انسان را جایی برای سر نهادن نیست» (مت۸: ۲۰).

راهبان، با تعهد به فقر و مسکنت، از عیسی پیروی می‌کنند.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "فقیر - مسکین".

**تنگ دستی**

**فقر**

**مسکنت**

کلمات مربوط : Kenosis – Humility

## Praise

Louange

نیایشی که مانند سپاسگزاری، آکنده از شادی و تبرک است؛ در این نیایش، مرکزیت با خداست، نه با مؤمن و عطایایی که از خدا دارد. این نیایش به پرستش و عبادت مطلق نزدیک است و به هیچ عیدی یا مناسبت خاصی احتیاج ندارد؛ مزامیر، نمونهٔ این نیایش است و در آیین‌های مسیحی، از سال‌های نخستین تاریخ کلیسا، از آن استفاده می‌شود. در عهد جدید، نیایش حمد و ستایش در دهان فرشتگان و چوپانان زمان تولد عیسی قرار دارد (لو۲: ۱۳ و بعد). مثال‌های متعددی از عهد جدید ثابت می‌کنند که مسیحیان اولیه، از نیایشی که رازهای زندگی عیسی را موضوع اصلی قرار داده بود، سرشار بودند.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "ستایش".

**تجلیل**

**حمد**

**تمجید**

کلمات مربوط : Eulogy – Glory – Halleluyah – Contemplation – Prayer

## Prayer

Prière

برای پرهیز از سؤتفاهم، کلمهٔ "نماز"،

که به نیایش مسلمانان (عبادت مخصوص ایشان) اشـاره می‌کند، برای مسیحیان استفاده نخواهد شد. در نیایش و دعا، مسیحیان با خدا راز و نیاز می‌کنند. عبادت خواه فردی است (مت۶: ۶) خواه دسته‌جمعی است (مـت۱۸: ۱۹-۲۰). سه نوع نیایش تشخیص داده می‌شود: ستایشی، درخواستی (یـا استغاثه) و سپاسگزاری.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "دعا - نیایش".

**نیایش**

**دعا**

**عبادت**

## Prayer of Jesus

Prière de Jésus

نیایش تکراری که در کلیساهای شرق رایج است، «خداوند عیسی مسیح، پسر خدا و نجات دهندهٔ ما، بر من گنهکار رحم فرما»؛ این نیایش را هر شخص، در تنهایی و سکوت، در هر موقعیت می‌تواند تکرار کند؛ عالمان الهی ارتدکس که این نیایش را متداول ساختند بر آن هستند که به قول پولس: «ترجیح می‌دهم پنج کلمه با فراست خود بگویم، و دیگران را آموزش دهم، تا اینکه ده هزار کلمه به "زبانی"» (۱قرن۱۴: ۱۹). عیسی به شاگردان می‌گوید: «چون دعا می‌کنید، تکرار بیهوده نکنید، به مانند ملت‌ها که می‌پندارند به زورِ سخنان بسیار مستجاب خواهند شد» (مت۶: ۷، اشاره به ۱پاد۱۸: ۲۶-۲۸)؛ اما عیسی تأکید می‌کند که "همواره نیایش کنید" (لو۱۸: ۱).

### نیایش عیسی

کلمات مربوط: Chaplet – Hesychasm – Philocalia

## Precursor

Précurseur

آنکه به پیشواز می‌آید؛ معمولاً لقب

یحیی(یوحنا تعمیددهنده) است، که پیشگام عیسی بود و برای اعلام آمدن مسیح، نقش منادی را داشت.

**پیشگام**

**پیشقدم**

کلمات مربوط : Baptist

## Predestination

تقدیر الهی در سرنوشت انسان؛ گاهی مترادف قَدَرگرایی است.

در چهارچوب نوشته‌های عهد جدید، عمل خداست که بر زمان زندگی انسان‌ها تسلط دارد. ایماندارانی که نقشهٔ خدا را به تحقق رسیده می‌بینند، آن را از اصل، قبل از آفرینش دنیا، مقدر می‌دانند؛ درانجیل آمده است «...[خدا] ما را قبل از بنیان‌گذاری جهان، در او [یادر عیسی] برگزید، تامقدس و بی عیب، در محبت در مقابل او باشیم، ما را به کنار گذاشته است تا بوسیلهٔ عیسی مسیح، بر طبق مشیّت او، فرزندخوانده باشیم» (افس۱: ۴-۵)؛ افعال یونانی که در این عبارت "به کنار گذاشته‌است" به کار رفته، با پیشوند "پیش" (پیشاپیش، از قبل، ازازل) مرتباً تأکید می‌کند که ابراز فیض، ابتکار مطلق خداست و اینکه خدا ما را بر گزیده است و پیشاپیش به کنار گذاشته، مژدهٔ فرزندخواندگی است؛ ولی این امر، مسئولیت را تخفیف نداده، بر عکس، ما را موظف و مکلف می‌سازد.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "تقدیر - مقدر داشتن".

موضوع تقدیر و پیش‌تعیینی سرنوشت، همیشه مورد بحث و جدال بین عالمان الهیات و فیلسوفان بوده است. آگوستینوس می‌نویسد: "پیش‌تعیینی‌سرنوشت‌چیزی‌جز دانش پیشین و آمادگی آن عطایای پرقیمتی که نجات همهٔ نجات‌یافتگان را حتمی می‌سازد، نیست." عالمان الهی کلیسای قدیم برآنند که هیچ تقدیری انسان را به گناهی وادار نمی‌کند که به ارتکاب آن به عذاب همیشگی محکوم شود؛ اما طرفداران نظریهٔ تقدیر الهی، مثل کالوینیست‌ها و ژانسنیست‌ها، برآنند که‌شمار نجات‌یافتگان

محدود است و نجات را تا حدی، خارج از اختیار انسان می‌دانند.

**تقدیرباوری**

**پیش‌تعیینی**

کلمات مربوط : Jansenism – Election – Providence (divine -) – Damnation

## Pre-existence of the Soul

Pré-existence de l'âme

اصل این عقیده افلاطونی است؛ بر طبق این دیدگاه، نفس آدمی پیش از تولد وجود داشته است.

این دیدگاه توسط برخی از پدران یونانی پذیرفته شده بود؛ در نهایت از نظر کلیسا بدعت تلقی شده، رد گردید.

**پیش موجودیت نفس**

کلمات مربوط: Soul – Resurrection – Death

## Preface

Préface

نیایش افتتاحی آیین سپاسگزاری در آیین کلیساهای قدیم؛ این نیایش معمولاً با این کلمات شروع می‌شود: «براستی نیکو و شایسته است، ای پدر قدوس، ای سرچشمهٔ راستی و حیات، که تو را متبارک خوانده، سپاس گوییم».

**دیباچه**

کلمات مربوط: Anaphora

## Prefiguration

ر.ک. Type.

**پیش‌نماد**

**نمونه**

**پیش گُمانه**

کلمات مربوط : Prophet – Type – Antitype

## Presbyter

Prêtre

**Gr.** *presbyteros* = "سالمند"

کلمه‌ای است که در کلیساهای پرسبیتری

و اسقفی، برای کشیش استفاده می‌شود.

**پیر**

**کشیش**

کلمات مربوط : Pastoral Care – Priest – Presbyterian

## Presbyterial Council

Conseil Presbytéral

شورای کشیشان برای مشورت با اسقف.

**کشیشان مشاور**

کلمات مربوط: Presbytery

## Presbyterian

Presbytérien

برای مسیحیان پروتستان، سه نوع نظام کلیسایی موجود است:

- نظامی که تحت رهبری شورای اسقفان است؛
- نظامی که توسط شورای کلیسایی (Presbytaries) اداره می‌شود؛
- نظامی که در آن ایمانداران مستقیماً خود را اداره می‌کنند.

سازمان بعضی از کلیساهای پروتستان - نظیر کلیسای "پرسبیترین" - به خاطر اینکه همهٔ تعمیدیافتگان را دارای کهانت پادشاهی می‌دانند، حاکمیت اسقفان را نمی‌پذیرند و امور مربوط به وسیلهٔ شورایی شامل شبانان و اعضای دیگر کلیسا اداره می‌شود که آن را "سینود" می‌نامند؛ این تشکیلات از اصلاحات "کالون" سرچشمه می‌گیرد.

**پرسبیترین**

**مشایخی**

کلمات مربوط : Congregationalism – Episcopal – Synod – Presbytery

## Presbytery

Presbytère

اقامتگاه کشیش.

**خانهٔ کشیش**

## Presbytery

Presbyterium

**۱)** در کلیسای کاتولیک، همهٔ کشیشان یک منطقه که با اسقف، هیأت کشیشان را تشکیل می‌دهند.

**هیأت کشیشان**

**۲)** قسمتی از فضای داخلی کلیسا - یک یا دو پله بالاتر از قسمت عمومی - که در آن فقط کشیشان قرار داشتند، نظیر «بِما» در کلیساهای شرقی.

ر.ک. Bema.

**سکوی کشیشان**

**۳)** اصطلاحی مرتبط با کلیساهای پروتستان.

**شورای کلیسایی**

کلمات مربوط: Synod

## Presence

ر.ک. Real Presence.

## Presentation of Jesus in the Temple

Présentation de Jésus au Temple

طبق سنت یهودیان، چهل روز بعد از زایمان، پس از مراسم تطهیر مادر، نوزاد پسر را به معبد برده، طی مراسمی با اهدای قربانی، کودک را به خدا تقدیم می‌کردند. کلیسا با یادآوری روز تقدیم عیسی در معبد (۱۳ یا ۱۴ بهمن، برابر با ۲ فوریه در کلیسای لاتین)، آن را جشن می‌گیرد. ر.ک. لو۲: ۲۲ و بعد.

**تقدیم عیسی در معبد**

کلمات مربوط: Candlemas

## Priest

Prêtre

**۱)** در عهد عتیق، کاهن است - به عنوان میانجی یا شفیع - که هدایا را به یهوه تقدیم می‌کند و کلام خدا را قرائت می‌کند.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "پیشوایان دینی".

در عهد جدید، به طور مطلق، فقط یک کاهن موجود است، آن هم عیسی است که هم قربانی و هم قربانی دهنده است (عبر ۷: ۲۳ و بعد)؛ "زیرا تنها یک خدا و تنها یک میانجی بین خدا و انسانها، یک انسان هست: مسیح عیسی، که خود را به فدیه برای همگان داده است" (۱تیمو ۲: ۵-۶).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "کاهن".

**کاهن**

**۲)** در کلیساهای قدیم، به پیروی از روشی که پولس رسول نشان داده است (تیط۱: ۵)، خادمینی که به منظور تقدیس نان و شراب، راز دستگذاری را از اسقف دریافت می‌کنند، "کشیش" نامیده می‌شوند و در واقع همکاران اسقف می‌باشند؛ اسقف است که تمام راز کهانتی را داراست.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "کهانت".

رسالت خادمین کلیسا به طور خاص اعلام کلام خدا و تقدیس نان و شراب است. شماس برای اعلام کلام خدا دستگذاری می‌شود و کشیش، برای اعطای راز های کلیسا.

همهٔ مسیحیان تعمید یافته دارای کهانت پادشاهی اند (۱پطر۲: ۵-۹، ر.ک. "Priesthood of All Believers")؛

بنابراین اصل، کلیساهای جدید، صفت کشیش را برای تعیین مقام و نقش خادمین کلیسا انکار می‌کنند.

**کشیش**

**خادم**

**پیر**

کلمات مربوط : Minister – Clergy – Bishop – Deacon – Presbytery – Priesthood – Pastor

## Priesthood

Sacerdoce

مقام و وظیفه و سمت کشیش.

**کهانت**

**خدمت کاهنی**

**خدمت کشیشی**

کلمات مربوط : Clergy – Ministry – Priest – Sacerdotal

## Priesthood of All Believers

Sacerdoce de tous les croyants

این مفهوم، که ترجمه از کلمهٔ یونانی herateuma است و فقط در ویرایش یونانی کتاب مقدس هفتادتنان استفاده شده، در عهد جدید به رسالت همهٔ ایمانداران نسبت داده شده است «و خود شما همچون سنگهای زنده خانهٔ روحانی ساخته شوید، برای کهانتی مقدس ... اما شما ... کهانت پادشاهی دارید، ملتی مقدّس...» (۱پطر۲: ۵-۹).

**کهانت تمام ایمانداران**

## Primacy

Primatie

**Lat.** *Primas* = "آنکه در صف اول قرار دارد"

تقدم؛ مقام والا؛ مقام اسقف اعظم؛ قلمرو حاکمیت یک اسقف اعظم.

**حوزهٔ اسقف اعظم**

**مقام اسقف اعظم**

کلمات مربوط : Collegiality – Primate – Peter's Primacy

## Primate

Primat

مقام افتخاری بعضی از اسقفان که مسئولیت وسیعی بر اسقفان دیگر دارند.

**سراسقف**

کلمات مربوط : Bishop – Primacy

## Procession

راه رفتن جمعیت به صورت دسته‌جمعی یا با ترکیب خاص، به همراهی کشیش یا اسقف، در یکی از مراسم مذهبی؛ در کلیساهای قدیم، این نوع از مراسم یا به طور عادی جزو آیین است (نظیر دور کلیسا راه رفتن کشیش با در دست داشتن

انجیل یا نان تقدیس شده)، یا به مناسبت خاص انجام می‌گیرد (مثلاً راه افتادن دستهٔ دعا برای طلب باران در فصل خشکی).

**موکب**

**راهپیمایی مذهبی**

**دسته**

کلمات مربوط: Anaphora

## Procession of Holy Spirit

Procession du Saint-Esprit

صدور روح القدس از سوی پدر. در انجیل یوحنا آمده است: «هنگامی که آن مدافع بیاید، که من از سوی پدر برایتان خواهم فرستاد، روح حقیقت که از پدر می‌آید دربارهٔ من شهادت خواهد داد» (یو۱۵: ۲۶)؛ در کیفیت صدور روح از پدر، کلیسای لاتین عبارتی اضافه کرد که مورد قبول کلیسای شرق بیزانس قرار نگرفت و گفت که روح القدس از پدر و پسر صادر می‌شود؛ این نقطه، هنوز موضوع اختلاف بین کلیسای کاتولیک و کلیسای ارتدکس است.

**صدور روح القدس**

**فرود روح القدس**

**نزول روح القدس**

کلمات مربوط : Filioque – Spirit – Nicene Creed

## Proclamation

اعلام ملکوت (متی۴: ۲۳) و راز عیسی مسیح (روم۱۶: ۲۵).

ر.ک. Kerygma.

**اعلام ملکوت**

**آواز دهی**

## Prodigal Son

Fils prodigue

فرزندی که طبق مثلی که عیسی تعریف می‌کند، سهم ارثیهٔ خود را از دارایی گرفته، خانهٔ پدر را ترک کرد تا با آن

پول، خوشگذرانی کند؛ بعد از سال‌ها که پولش تمام می شود، به نیت توبه و خدمت به خانهٔ پدر باز می‌گردد و به جای سرزنش، پدر از او با جشن و شادی پذیرایی می‌کند (لو۱۵: ۱۱-۳۲).

**پسر ولخرج** (اسرافکار)

**پسر گمشده**

## Prodigy

Prodige

ر.ک. Miracle.

## Profession

**۱)** معنای عمومی، شغل.

**۲)** در کلیساهای قدیم، اعلام رسمی ورود در یکی از سلسله‌های رهبانیت، با ارائهٔ تعهد مربوط به چشم‌پوشی از ازدواج است؛ فقر و اطاعت.

**تعهد در رهبانیت**

کلمات مربوط : Vow

**۳)** در ارتباط با اعتقاد مذهبی، اعلام عقاید خویش در ملأعام.

ر.ک. Profession of Faith.

## Profession of Faith

Profession de Foi

مراسم بیان ایمان در مرحله‌ای از زندگی یک مسیحی. قبل از تعمید، اقرار نامهٔ ایمان به شخص تعمیدخواسته اعطا می‌گردد و با بیان اصول ایمان در میان سایر اعضای کلیسا، آن شخص هم‌عقیدگی خود را در ایمان مسیحی ارائه می‌دهد؛ در کلیساهای قدیم، که تعمید نوزاد را قبول دارند، مراسم خاصی برای تکرار بیان اصول ایمان در سن بلوغ در نظر گرفته شده است.

اعتراف ایمان، در زمان تعقیب و شکنجهٔ مسیحیان، علی‌رغم خطر، در ردیف شهادت است، حتی اگر شخص معترف نمیرد.

**اقرار ایمان**

**بیان اصول ایمان**

**شهادت (به ایمان)**

کلمات مربوط : Confess (to) – Credo

## Promise

Promesse

قولی که خدا در عهد عتیق به ابراهیم داد «تو را به ملتی عظیم تبدیل خواهم کرد؛ تو را برکت خواهم داد و نامت را بزرگ خواهم ساخت، تو برکت خواهی بود. برکت خواهم داد آنان را که تو را برکت دهند...» (پید۱۲: ۲-۳)؛ این عهد خداوند به صورت‌های مختلف تکرار شده است و در مسیح به کمال رسیده است و به صورت وعدهٔ زندگی ابدی در ملکوت تجدید می‌گردد؛ دوران وعده با دوران تحقق به پایان می‌رسد.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "وعده".

**وعده**

کلمات مربوط: End of Times

## Promised Land

Terre Promise

سرزمین موعود، قلمرویی بود که به قوم اسرائیل داده شد(تث۱۲: ۱) تا در آن با زحمت کارکردن و با رعایت مقررات دقیق، عهد خداوند به تحقق برسد. برای یادآوردن مالکیت خدا روی این خاک، جشن‌های مختلف، در هر فصل سال زراعتی، برگزار می‌شود.

بعد از گناه و تبعید، برگشت یهودیان به زمین موعود باید با وفاداری و عدالت انجام گیرد (زک۸: ۸)، «وای بر کسیکه شهری بخون بنا می‌کند و قریه‌ای به بی انصافی استوار می‌نماید!»(حب۲:۱۲).

امیدواری مسیحیان، زمین دنیای فانی نیست بلکه "زمینی نو" می باشد (مکا۲۱: ۱)، و «بر طبق وعدهٔ او انتظار داریم که در آن عدالت سکونت دارد» (۲پطر۳: ۱۳)؛ "سرزمین موعود" به امید فرا رسیدن ملکوت خدا در مسیحِ تبدیل شده می باشد؛ خلاف امیدواری‌های

دنیوی، این وعده «نخواهد گذشت» (مت۲۴: ۳۵).

**سرزمین موعود**

**ارض موعود**

کلمات مربوط : Promise

## Propagation of Faith

Propagation de la Foi

Congregation for the Evangeli- ..ک. .zation of Peoples

## Proper

Propre

آن قسمت از آیین نیایش کلیساهای قدیم که هر روز عوض می‌شود و متعلق به یادآوری قدیس روز یا جشن مهم فصل است، در برابر Ordinary (متون ثابت آیین نیایش).

**متون خاص روز**

## Prophecy

Prophétie

آنچه از طریق انبیا نازل می‌شود، سخنان انبیا؛ در لغت به معنی "پیش‌گویی" آمده است.

درمسیحیت، یکی از عطایای روح-القدس (اع ۱۱: ۲۷، ۱۳: ۱، ۲۱: ۱۰ به بعد)؛ پولس، ارزش این عطیه را بالا می‌داند (۱تس۵: ۲۰).

**نبوت**

**پیامبری**

**پیشگویی**

کلمات مربوط : Charism – Prophet

## Prophet

Prophète

درعهدقدیم(عتیق)، روشن نیست که چه کسی نبی است و چه کسی نیست؛ گاهی ابراهیم با این لقب نامیده می‌شود (پید۲۰: ۷) ولی استثناست؛ متقابلاً موسی، که به

نظر نبی نمونه است، جز در کتاب تثنیه نبی خوانده نمی‌شود. در اواخر دورهٔ داوران، انبیا ظاهر می‌شوند؛ صفت‌های مختلف، آنان را متمایز می‌کنند: دعوت شده، بیننده، رائی (صاحب رؤیت). در ابتدا، نبی توسط خدا دعوت می‌شود و زندگی خود را به وسیلهٔ تجربه‌هایی که با آنها روبرو می‌شود، با سخن خدا هماهنگ می‌سازد. حرف‌های نبی انحراف قوم از راه قانون را فاش می‌کند. هوشع نبی، پیمان با خدا را به صورت ازدواج توصیف می‌کند، که جز در محبت معنی ندارد.

عهد جدید، به کمال رسیدن گفتار انبیاست؛ بخصوص در کتاب اشعیا، نبی همچون نماد خادم رنجبری ترسیم شده است که در شخص عیسی ظاهر گشت. کل عهدقدیم، به صورت نبوتی برای اعلام عهد جدید، دانسته می شود.

اشخاصی در کنار عیسی ظاهر می‌گردند که مانند نبی هستند و پیامبری می‌کنند: زکریا (لو۱: ۶۷)، شمعون (لو۲: ۲۵)، نبیه حنّا (لو۲: ۳۶) و بیش از همه، یحیی ( یوحنا تعمید دهنده).

عیسی برخی از صفت‌های انبیا را در شخص خود تجسم می‌کند، اخطار می‌کند که اجرای قانون در وفاداری با عهد است، نه در تظاهر. او مثل خیلی از انبیای عهدقدیم، مورد تعقیب و آزار قرار می‌گیرد؛ مردم به او لقب نبی می‌دهند (مت۱۶: ۱۴؛ لو ۷: ۱۶؛ یو۴: ۱۹، ۹: ۱۷)، ولی عیسی بیش از پیامبری بود که فقط کلام خدا را می‌آورد، او عین کلام خداست که تن گرفت (یو ۱: ۱۴)، «پس از اینکه سابقاً خدا چندین بار و به چندین گونه، بوسیلهٔ پیامبران به پدران سخن گفته است، در این روزهای پایانی بوسیلهٔ پسری با ما سخن گفته که او را وارث همه چیز کرده و بوسیلهٔ او روزگاران را آفریده است» (عبر۱: ۱-۳).

پیامبران عهد جدید دیگر پیشگویی نمی‌کنند بلکه تهذیب، تشویق و تسلی می دهند (۱قرن۱۴: ۳). عطیهٔ پیامبری

در کلیسای رسـولان، ارزش خـود را حفظ کرد و ما از طریق قدیسین، صدای روح القدس را می‌شنویم.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "نبی - پیامبر".

توضیح: اسلام در برابر مفهوم واحد Prophet، بین "نبی" و "رسـول" و "رسـول اولـوالامـر" و "خاتم نبوت" تمایز قائل است؛ این تفاوت در مسیحیت معنی ندارد. کلمهٔ رسول برای دوازده تن از یاران برگزیدهٔ عیسی استفاده می‌شود که رسالت اعلام انجیل به آنها سپرده شد.

**پیامبر**

**نبی**

**پیغمبر**

کلمات مربوط : Prophecy

## Propitiation

آنچه خدا را به انسان نزدیک می‌کند و آشتی می‌دهد؛ مثلاً قربانی، خواباندن خشم خدا، آرامگری.

در مسیحیت، آنچه در زندگی و قربانی عیسی برای مغفرت گناهان و آشتی خدا با بشر، عمل می‌کند.

**کفاره**

کلمات مربوط: Offering – Atonement

## Propitiatory

Propitiatoire

**۱)** به عنوان"صفت"، آنچه رحمت خدا را جلب کند.

**آرامگر**

**بردارندهٔ گناه**

**۲)** به عنوان"اسم"، نام لوحی طلایی که با دو فرشتهٔ شکوه، تزیین شده بود و روی صندوق عهد در قدس الاقداس معبد قرار داشت، و نشانهٔ حضور و بخشش یهوه بود.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "تخت رحمت".

**تخت رحمت**

کلمات مربوط : Expiation

## Proselyte

در اصل، اسم شخص غیر یهودی که به دین یهود گرایش پیدا کرده است و توسط ختنه، غسل طهارت و قربانی در معبد، به قوم یهود پذیرفته شده است.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "نو گرویده".

### گرویده به دین یهود

### گرویده به یهودیت

کلمات مربوط : - Converted – Neophyte – Pagano – Christian – Christians

## Proselytism

Prosélitysme

دعوت (یا تبلیغ) به منظور جلب کردن افراد به ایمان یا مکتب دیگری. دعوت به ایمان با تبلیغ، با اعمال فشار و سلب اختیار، تفاوت دارد.

### تبلیغ و دعوت

## Proto-Canonical Books

Proto-Canoniques

**Gr.** *proto* = "اول"

نوشته های مقدسی که از ابتدا جزء کتاب‌های الهامی به شمار رفته، مورد قبول یهودیان بوده است.

### کتب بر حق متقدم

کلمات مربوط : – Canonical Books Deuterocanonical Books

## Providence (Divine -)

خلاف نظریهٔ فیلسوفان عقل گرا، مبنی بر آنکه انسان جز با عمل خویش، نمی‌تواند به خوشبختی برسد، تاریخ نجات، نقشهٔ خدا را روشن می‌کند؛ ارادهٔ خدا عملی است که طبق آن، نهایت همهٔ اتفاقات جهان سرانجام به هدفی برسد که با خلقت مطابقت داشته باشد؛ و هدف مخلوقات، جلال خدای خالق است. تجلیل خدا از طرف انسان، خود، گامی به سوی خوشبختی است. خدا جهان را در هستی نگه می‌دارد و همهٔ مخلوقات در طرح خلقت نقش دارند. علی رغم گناه، که نتیجهٔ گمراهی اختیاری انسان است، خدا همه را به سوی نهایت سیر و زندگی

خود، هدایت می‌کند.

فیض و محبت خدا همواره، به صورت ”مَنّ“ در بیابان سینا (خروج ۱۶) و در همهٔ اتفاق‌های زندگی، به نیازهای انسان جواب می‌دهد.

**مشیت الهی**

**عنایت خدا**

**تدبیر الهی**

کلمات مربوط: Predestination

## Prudence

**Lat.** *prudentia (> providentia)* = ”پیش دیدن“

به‌کار بردن استدلال درست در عمل؛ یکی از چهار فضیلت اساسی که مرکب است از بیداری، پرهیز، دوراندیشی و برکناری که به‌یک معنی، عین حکمت عملی است.

**تدبیر**

**کاردانی**

**دوراندیشی**

کلمات مربوط: Wisdom – Cardinal Virtues

## Psalm

Psaume

بخشی از کتاب مزامیر داوود. ”آهنگی که با نی می‌زنند“.

**مزمور** (ج. مزامیر)

**سرود**

کلمات مربوط : Psalter

## Psalter

Psautier

کتاب مزامیر، با نظمی که در آیین‌های کلیسا خوانده شود.

**دیوان مزامیر**

**کتاب مزامیر**

کلمات مربوط : Psalm

## Psychic

Psychique

گاهی در ترجمه‌های انگلیسی یا فرانسوی

این صفت، به جای "Sensual"، در برابر، واژهٔ یونانی psychikos آمده است است و باعث تردید می‌شود. یونانیان کهن انسان را ترکیب دوگانه‌ای از جسم و روان (psychè) تعریف می‌کردند، در صورتی که عبرانیان انسان را موجودی می‌دانستند که به طور جامع و کامل در بدن، دل، جان و روح ظاهر است. در عهد جدید "نفس" در برابر "روح" قرار داده شده است.

ر.ک. "فرهنگ عهد جدید"، مقدمه، فصل پنجم، قسمت ۲- ب.

**نفسانی**

**نفس**

**روان**

کلمات مربوط : Soul – Body

## Publican

Publicain

افرادی که انجیل "باجگیر" می‌نامد (مثلاً لو۳: ۱۲)، مأموران مالیاتی رسمی و ثروتمند نبوده، بلکه معاونان و زیردستان آنان بوده اند؛ اینها یهودیانی بودند که از طرف نیروی اشغالگر رومی و به نام آنان، مالیات و خراج می‌گرفتند؛ بدین سبب مورد نفرت مردم بودند؛ همچنین به علت اینکه معمولاً بیش از حد مقرر مطالبه می‌کردند و اضافی آن را به جیب می‌زدند، مردم آنان را گناهکار و بزهکار به شمار می‌آوردند.

ر.ک. "فرهنگ عهد جدید"، "باجگیر".

**باجگیر**

**خراج گیر**

کلمات مربوط : Sin

## Purgatory

Purgatoire

خدا قدوس است، و انسان آلوده به گناه، نزد او راه ندارد، ولی او می‌خواهد که همه نجات یابند. خدا به خاطر رحمتش و

علی رغم گناه، به هر وسیله انسان را از کیفر گناه، نجات می‌دهد. بعد از مرگ، و قبل از ورود به جلال ملکوتی، انسان به دورهٔ طهارت هدایت می‌شود تا پاکیزه شود و بتواند در زندگی سه‌گانهٔ اقدس شرکت کند؛ بنابراین مسیحیان برای خویشانی که از دست رفته اند و درعالم برزخ به سر می‌برند دعا می‌کنند. کلیساهای قدیم با اندکی اختلاف به عالم برزخ معتقدند ولی پرتستان ها به کلی آن را رد می کنند.

**عالم برزخ**

**پاکیزه گاه**

کلمات مربوط : Sheol

**Puritanism** (Puritans)

Puritanisme (Puritains)

"آنهایی که طرفدار آیین عاری از پاپ‌گرایی" هستند؛ نهضت پاک‌دینی در کلیسای انگلیس، در اواخر قرن شانزدهم و هفدهم میلادی؛ در نظر آنها اسقفان کلیسای انگلیس، زیاد به کلیسای کاتولیک شبیه بودند. "پاک‌دینان"، از طرف این اسقفان تعقیب شدند و عده‌ای، در ۱۶۲۰م، به آمریکا فرار کردند؛ ایشان در اخلاق شخصی خیلی سخت و زاهدانه رفتار می‌کردند.

در تداول، به معنی فرد مذهبی تندرو آمده است.

**پیوریتانیسم** (پیوریتن‌ها)

**پاک‌دینان**

کلمات مربوط: Thanksgiving

## Purity

Pureté

صفت آنچه از اثر پلیدی و گناه، مبرا شده باشد.

**نیالودگی**

**بی آلایشی**

**پاکی / پاکیزگی**

**Q**

**اهل توکل**

**اهل رضا**

کلمات مربوط: Providence

## Qoheleth

ر.ک. Ecclesiastes .

## Quietism

Quiétisme

مکتب عرفانی مسیحی که در ایتالیا در قرن هفدهم میلادی پدید آمد و در فرانسه طرفداران بنامی پیدا کرد، مانند مادام گیون (Madame Guyon) و اسقف فنلون (Fénelon)؛ این مکتب راه خدا را در توکل مطلق می‌جوید، و در رابطهٔ عاشقانه که در آن ایماندار، کلاً به محبت خدا تسلیم می‌گردد؛ این مکتب، که یک نوع جواب افراطی به ژانسنیسم بود، از طرف کلیسای کاتولیک مردود شد.

**توکل گرایی**

# R

## Rabbi

Rabbin

**Heb.** *rabbi* = ”استاد من“

پیشوای دینی یهودیان.

**ربای**

**خاخام**

**عالم دین یهود**

کلمات مربوط : Priest

## Ransom

Rançon

بهایی است که برای باز خرید اسیر یا گروگان باید پرداخت؛ بهای آزادی.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، ”فدیه“.

**سَر بها**

**فدیه**

کلمات مربوط : Atonement – Redemption

## Real Presence

Présence Réelle

تغذیهٔ شاگردان مسیح، خود عیسی است؛ نان زندگی و حیات بخش، همان نانی که عیسی در شب قربانی شدن خود به شاگردانش عطا کرد «من آن نان زندگی هستم، آنکه به سوی من می‌آید گرسنه نخواهد شد و آنکه به من ایمان آورد هرگز تشنه نخواهد شد... من نان زنده هستم نازل شده از آسمان، اگر کسی از این نان بخورد همواره زندگی خواهد کرد و نانی که من خواهم داد، تن من است برای زندگانی جهان» (یو ۶: ۳۵ و ۵۱)؛

و نیز در شام آخر، نان را تکه کرد و گفت «این تن من است...» (لو ۲۲: ۱۹-۲۰)این راز، اساس برگذاری آیین سپاسگزاری در کلیساهای قدیم است. عیسی ضمن توزیع کردن نان بین تودهٔ مردم در بیابان، به شاگردانش یاد می‌دهد که چگونه می‌توان کلام خدا و آیین شام خداوند را به فراوانی اعطا کرد (مت ۱۴: ۱۵-۲۱، ۳۱؛ ۳۲-۳۸؛ یو ۶ : ۱-۱۵).

مصلحین مذهب پروتستان در مورد حضور واقعی مسیح در نان و شراب عشای ربانی اختلاف نظر داشتند؛ نظریهٔ لوتر شبیه عقاید کلیساهای قدیم است، در صورتی که به نظر زوینگلی (Zwingli) حضور عیسی در نان و شراب تقدیس شده، واقعی نیست بلکه نمادی از حقیقت روحانی است؛ کالون از حضور روحانی مسیح حرف می‌زد که روح القدس آن را واقعی می‌گرداند.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "نان".

## حضور واقعی

کلمات مربوط: Transubstantiation

## Recapitulation

همه چیز در مسیح، جمع و خلاصه می‌شود و همه چیز تحت ریاست او قرار داده می‌شود تا در او تمام خلقت از گناه آزاد شده، به پدر تقدیم شود. در مقدمهٔ نامه به افسسیان، پولس نقش نجات را خلاصه کرده می‌گوید: «در او، بوسیلهٔ خونش بازخرید و بخشش خطاها را داریم... با شناساندن راز مشیت خود که به‌طیب خاطر در خود مقدّر کرده بود، جهت نظام تمامیت زمانها: تا همه چیز در مسیح مجتمع گردد در او آنچه در آسمان‌ها و آنچه بر روی زمین است. هم در او، ما به عنوان سهم او گزیده شده‌ایم، چون پیشاپیش مقدّر بودیم، بر طبق مشیّت آنکه هرچیز را بر طبق ارادهٔ مشیّت خود انجام می‌دهد» (افس۱: ۷-۱۱).

## تحقق همه چیز در عیسی

## Reciprocal Admission

ر.ک. Intercommunion.

## Reconciliation

در کلیسای کاتولیک، آشتی با خدا توسط رازی که کشیش - از طرف اسقف - به گناهکار، بعد از اعترافش به گناه، می‌دهد.

## مصالحه

## آشتی

## Redeemer

Rédempteur

آنکه فدیه می‌دهد؛ عیسی.

ر.ک. Redemption.

**فدیه دهنده**

## Redmption

Rachat - Rédemption

در زبان یونانی، agorazô، به معنی ”آزاد ساختن یک برده، رها کردن از اسارت“ است؛ در عهد قدیم، به تجربهٔقوم برگزیده، و آزادی او از بردگی در مصر و رهایی از اسارت در بابل اشاره می‌کند. خدا خود را به عنوان منجی و رهایی بخش قوم، آشکار می‌سازد.

در عهد جدید، این تجربه یک معنای روحانی می‌یابد، به این معنا که انسان بردهٔ گناه است ( یو ۸: ۳۳-۳۵؛ روم ۶: ۱۷) و عیسی رهایی و نجات می‌بخشد و بهای آن را روی صلیب پرداخت می‌کند، که کاملا متضاد با تکبّر و نافرمانی می‌باشد. بعد از پیروزی بر ارواح پلید، او رستاخیر کرد تا روح القدس را به ما عطا کند؛ او که به طور کامل پسر می‌باشد، تنها پسر یگانه، ما را در خود، پسرخواندگان می‌سازد(یو ۸: ۳۵؛ روم ۸: ۱۵؛ غلا ۴: ۶-۷).

**بازخرید**

**فدیه دادن**

کلمات مربوط : Atonement – Ransom – Redeemer – Salvation – Savior

## Reformation

Réforme

نهضتی که در قرن شانزدهم میلادی با انتقاد مارتین لوتر (Martin Luther) از زیاده‌روی‌های کلیسای کاتولیک در مکتب و در عمل، شروع شد؛ این نهضت، از آلمان به شمال اروپا و سرانجام به سوئیس و فرانسه سرایت کرد، و شاخه‌های جدیدی از آن به پیروی از زوینگلی (Zwingli) و کالون (Calvin) منشعب شدند؛ هر یک، کلیسای جدیدی تأسیس کرد؛ به طور اجمالی، صفت ”پروتستان“(”معترض“) به این کلیساهای جدید داده شده است.

**اصلاحات کلیسا**

## Regular

مربوط به یکی از سلک‌های رهبانیت.

ر.ک. Secular.

## سِلکی

کلمات مربوط: Order

## Religious Order

Ordre Religieux

جمع کسانی - مرد یا زن - که تعهد می‌کنند تا در زندگی راهبانه، طبق نظامنامهٔ خاصی زندگی کنند؛ کلیسای کاتولیک و کلیسای انگلیکان تنها کلیساهایی هستند که این سنت را حفظ کردند؛ مثلاً نظام دومینیکن، نظام فرانسیسکن، و غیره.

همچنین به اینها نیز اطلاق می‌شود: برخی از نظام‌های رهبانی، نظیر فرانسیسکن‌ها و دومینیکن‌ها؛ نیز تشکیلات وابسته برای مسیحیانی که بدون تعهد رهبانیت، اصول آن نظام و خود نظامنامه را برای زندگی خود اختیار می‌کنند.

ر.ک. Third Order.

## سلک مذهبی

## طریق مذهبی

کلمات مربوط : Congregation – Order

## Remission

## بخشش گناه

کلمات مربوط : Forgiveness

## Remnant

Reste

در ایام تبعید، خدا، باقی ماندهٔ قوم را فراموش نمی‌کند و به هر قیمت، ایشان را نجات می‌دهد«چنانکه شبان دو ساق یا نرمهٔ گوش را از دهان شیر رها می‌کند»، بنی‌اسرائیل را هر کجا هستند رهایی خواهد داد (عا ۳: ۱۲). خدا در عدالت خود و علی رغم بی‌وفایی قوم اسرائیل، این عدهٔ قلیلی را که خیانت نکردند و به بت‌پرستی نیفتادند، نجات خواهد داد (۱پاد ۱۹: ۱۸؛ پید ۱۸: ۱۶-۳۳)؛ این بقیه، از آزمون، پاک شده در آمدند (اش۴: ۳). باقی‌ماندگان بعد از

فاجعه‌های تاریخی، با باقی‌ماندگان آخرالزمان - یعنی قدیسان- فرق می‌کنند. بعد از برگشت از تبعید، این عدهٔ قلیلی که برگشتند، خود را "باقی کوچک" نامیدند؛ آنها مظلومانی هستند که خدا بر ایشان «ترحّم می‌فرماید» (اش ۴۹: ۱۳). باز، انبیا بعد از تبعید، از باقی‌ماندگان آخرالزمان حرف می‌زنند، ولی دیگر ایشان شامل غیر یهودیان نیز هستند (اش۶۶: ۱۹؛ زک۹: ۷).

مریم، می‌شود گفت که مطلقاً و به تنهایی، باقی‌ماندهٔ قوم یهود است؛ از هر گونه بت‌پرستی بدور است و در وفاداری‌اش، بله گفت و چشمهٔ رستگاری همه در عیسی مسیح گردید.

پیام انجیل به عموم مردمان ابلاغ شده است و کلیسا که این پیام را دریافت کرده، مظهر باقی‌ماندگان قوم اسرائیلست که به عهد و پیمان خداوند وفادار می‌باشد (روم ۱۱: ۲۴-۱۱)؛ مثلاً «ای رمهٔ کوچک، مترس زیرا خوشنودی پدر شما بوده است که ملکوت را به شما عطا کند» (لو ۱۲: ۳۲؛ ر.ک. مت ۳: ۹و۱۲، ۲۲: ۱۴؛ یو ۱: ۱۱ و بعد؛ روم ۲: ۲۸). "باقی‌مانده"، در این دورهٔ جدید، خود کلیساست. به خاطر باقی‌ماندگانی که به مسیح ایمان آورده‌اند، بی‌وفایی اسرائیل، تعهد خدا را باطل نساخته است (روم۱۱: ۱-۷).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "بقیه - باقی‌مانده".

## بقیهٔ وفادار

## باقی‌ماندگان (اسرائیل)

کلمات مربوط: Poverty

.

## Reservation of the Sacred Sacrament

Sainte Réserve (Saint Sacrement)

در صندوقچه‌ای که در کلیسا و بر یک بلندی قرار داده می‌شود- مثلاً پشت قربانگاه -، تکه‌های نان تقدیس شده، یعنی تن عیسی، برای مریضان نگهداری می‌شود تا در صورت لزوم، خارج از آیین سپاسگزاری، به عنوان توشهٔ راه به شخص مریض داده شود. در کلیساهای

قدیم غرب، عادت این بود که مقداری قربانی مقدس ذخیره، در آن صندوقچه نگهدارند تا در آیین سپاسگزاری، زمان تناول تن و خون، به اندازهٔ کافی برای همهٔ شرکت‌کنندگان داشته باشند؛ عادت است که چراغی در جلوی صندوقچهٔ حامل قربانی مقدس، مدام روشن کنند تا مشخص باشد، که هر کس وارد کلیسا می شود، در برابر آن تعظیم نموده، ستایش نماید.

### ذخیرهٔ قربانی مقدس

کلمات مربوط: Ciborium – Tabernacle – Viaticum

## Resurrection

در یونان باستان، باور بر این بود که بعد از مرگ، تن پوسیده می‌شود و جان از تن رها شده، در محیطی فرا زمان و مکان، به حیات ادامه می دهد.

دیدگاه یهودیان، از رستاخیز با مفهوم یونانی ازلیت (مردنی نبودن جان) تفاوت اساسی دارد. در کتاب مقدس، شخص انسانی، در اثر گناه اولیه، ذاتاً به اقتدار مرگ محکوم است و تمام تاریخ نجات، مبارزه ضد قدرت مرگ است. در موارد استثنائی، الیاس و الیشع نبی، افراد مرده را دوباره زنده می‌گردانند تا اثبات شود که خداوند، خود، مردگان را از شائول احیا می‌نماید تا در ملکوت شرکت داشته باشند (۱پاد۱۷: ۱۷-۲۳ ؛ اش۲۶).

در میان یهودیان زمان عیسی، صدوقیان رستاخیز را رد می‌کردند (مت۲۲: ۲۳-۲۸؛ اع۲۳: ۸)؛ ولی یهودیان دیگر، نظریه‌ای از رستاخیز داشتند که در گفتار عیسی منعکس است:«در رستاخیز، نه زن می‌گیرند نه شوهر، بلکه مانند فرشتگان در آسمان هستند» (مت۲۲: ۳۰).

راز رستاخیز توسط عیسی باز می‌شود و عیسی، در حالی که از این نقش اساسی خود آگاه است، آن را اعلام می‌کند، و با عدم درک آن در میان دوستان خود - چه برسد به دشمنان - روبرو می‌شود (مثلاً

ر.ک. مـر۹: ۱۰)؛ رسـولان، تا روز رستاخیز عیسی، به احیای مردگان اعتقاد واثقی نداشتند، ولی نه تنها عیسای قیام کرده، به شاگردان خود ظاهر می‌شود، بلکه با آنها غذا می‌خورد و حتی اجازه می‌دهد که به جای زخم های میخ‌ها و نیزه دست بزنند، تا ثابت کند که از میان مردگان برخاسته و زنده است «انگشت خود را اینجا جلو بیاور، این دستهای من است... چون مرا می‌بینی ایمان می‌آوری، خوشا آن کسانی که ندیده‌اند و ایمان آورده‌اند» (یو۲۰: ۲۷-۲۹). رستاخیز، مدار اصلی ایمان مسیحیان است (اع۲: ۲۲-۳۵) و تکمیل نهایی نقشهٔ نجات است، "طبق نوشته‌های مقدس" (۱قرن۱۵: ۳).

رستاخیز، از دید مسیحیان، شامل احیای بدن است؛ آدم خاکی، فساد پذیر است و در مرگ به فنا محکوم است، در صورتی که آدم ملکوتی، فساد ناپذیری را بر گرفته است (۱قرن۱۵: ۴۹ به بعد). رازهای کلیسا در برگرفتن این زندگی نوین نقش اساسی دارند: تعمید، گذر از مرگ به زندگی نوین است (۱یو۳: ۱۴) و تناول تن و خون عیسی، مشارکت در زندگی اوست «من آن نان زندگی هستم، آنکه به سوی من می‌آید گرسنه نخواهد شد و آنکه به من ایمان آورد هرگز تشنه نخواهد شد. ... من نان زنده هستم نازل شده از آسمان، اگر کسی از این نان بخورد همواره زندگی خواهد کرد و نانی که من خواهم داد، تن من است برای زندگی جهان» (یو۶: ۳۵؛ ۵۱).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "قیام / رستاخیز".

**رستاخیز**

**قیامت**

**احیای مردگان**

کلمات مربوط : Rise (to) – Risen

## Return of Christ

Retour du Christ

درعهدقدیم(عتیق)، یهودیان انتظار آمدن

یـک مسیح را داشـتنـد «ای دختر صَهْیون بسیار وجد بنما و ای دختر اورشلیم آواز شادمانی بـده. اینک پادشاه تو نزد تو می آید. او عادل و صاحب نجات و حلیم می باشد و بر الاغ، بر کُـرّهٔ الاغ سوار است» (زک۹: ۹).

بعد از رستاخیز و صعود عیسی، مسیحیان انتظار بـاز آمـدن مسیح را در زمان آخر دارنـد و چشمشان به آمـدن روز خـداونـد دوخته است (مت۲۴).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "باز آمدن مسیح".

**باز آمدن مسیح**

**بازگشت مسیح**

## Revelation

Apocalypse

ر.ک. Apocalypse.

## Revelation

Révélation

**Lat**. *revelare* = "کشف المحجوب نمودن"

اعمال شگفت‌انگیز خدا که می‌خواهد راز خود را بر انسان‌ها آشکار سازد.

در کتاب مقدس، آشکار کردن نقش الهی توسط پیامبران و مسیح.

**آشکارسازی**

**الهام**

**مکاشفه**

کلمات مربوط : Inspiration – Scriptures

## Righteous

Juste

عادل؛ آنکه طبق خواست خدا، نسبت به خدا یا همنوعان انسانی اش عمل کند.

ر.ک. Justice.

**عادل**

**راست کردار**

کلمات مربوط : Justice

## Right Hand

Droite

جهت شریف انسان؛ مظهر قدرت الهی؛ جایگاه دست راست که نشان عزت، جلال و قدرت برتری است «تو راه زندگی را به من می‌آموزی. پیش روی تو کمال شادی، و به دست راست تو خوشی جاودانی است» (مز۱۶، ۱۱). در روز داوری، پسر انسان عادلان را به سمت راست خود فرا خواهد خواند (مت۲۵: ۳۱-۳۴).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "طرف راست".

**دست راست**

**طرف راست**

## Rise (to)

Ressusciter

بلند شدن (یونانی egeirô)، دوباره زنده شدن بعد از مرگ (یونانی anistemi).

**برخاستن**

**به پا خاستن**

**قیام کردن**

کلمات مربوط : Resurrection

## Risen

Ressuscité

آنکه از مرگ برخاسته است؛ صفت عیسی بعد از رستاخیز.

**برخاسته از مرگ**

**رستاخیز کرده**

**قیام کرده**

کلمات مربوط : Resurrection

## Rite

انسان، برای برقرار کردن ارتباط با خدا یا همنوعان، به آداب و رسومی به صورت حرکات یا نشانه‌ها، و یا حرف‌های مخصوص احتیاج دارد؛ همچنین در ایام مهم زندگی شخصی یا

اجتماعی‌اش، نیازمند به آداب و رسوم خاصی است.

**۱)** آیین برگزاری نیایش یا مراسم عبادتی که در هر کلیسا به نحو دسته‌جمعی یا انفرادی انجام گیرد؛ ''آیین سپاسگزاری''، ''آیین تعمید'' و غیره.

**آیین**

**رسوم مذهبی**

**۲)** کلیسا یا سنت کلیسایی که دارای خصوصیت دیرینه در اجرای مراسم مذهبی و آیین نیایش است؛ ''آیین کلدانی''، ''آیین مرونی'' و غیره.

**آیین**

**سنت**

کلمات مربوط : Church – Tradition – Worship

## Rosary

Rosaire

در کلیساهای قدیم برای نیایش‌های تکراری از تسبیح (سبحه) استفاده می‌شود. در کلیسای کاتولیک، دوره‌های تسبیح شامل یک بار نیایش ''ای پدر ما'' و ده بار نیایش ''سلام بر تو ای مریم'' است، و سرانجام حمد سه گانهٔ اقدس؛ مجموع این دعاها را پنج یا ده بار تکرار می کنند.

در تسبیح کاتولیکها، بیست بخش از حقایق بنیادین تاریخ نجات یا بیست ''راز نجات'' بدین گونه تقسیم می‌شوند: رازهای شاد، منور، دردناک، خجسته.

در کلیساهای شرق، نیایش عیسی را تکرار می کنند(''ای عیسی مسیح پسر خدا و نجات دهندهٔ ما، بر ما گناهکاران رحمت فرما'').

**تسبیح مریم عذرا**

کلمات مربوط : Chaplet

# S

## Sabaot

Sabaoth

یکی از نام‌های خدا؛ خدای لشکرها، خدای آسمان‌ها و ستارگان.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "صبایوت".

### صبایوت

کلمات مربوط: Yahveh – Sanctus

## Sacerdotal

مربوط به کهانت، به خدمت کهانتی، به کشیشان.

### کهانتی

### کشیشی

### کاهنانه

کلمات مربوط: Hierarchy – Priest – Priesthood – Tradition

## Sacrament

Sacrement

دنیا در پی آمدن عیسی، برکت یافته است و خود عیسی، مواد روزمره نظیر آب و نان و شراب و روغن، و یا اعمالی نظیر دستگذاری و شستن پا را انتخاب کرده است تا بعد از نیایش و تقدیس، توسط روح القدس، فیض نادیدنی خدا به ایمانداران داده شود؛ این نشان‌ها که بر مسیح استوارند، در کلیسا به نام راز منتقل شده اند.

در کلیساهای قدیم، هفت راز داده می‌شود: تعمید، بخشش یا استغفار، تدهین بیماران، استواری یا تثبیت، شکر نعمت (قربانی مقدس یا سپاسگزاری)، زناشویی یا پیوند همسری، دستگذاری کشیشان (مرتبت یابی یا وقف خدمت)؛ رازهای تعمید، تثبیت و دستگذاری کشیشان، فقط یک بار اعطا می‌شوند.

### رازهای کلیسا

کلمات مربوط: Baptism – Confirmation – Eucharist – Marriage – Mystery – Orders – Penance – Rite – Sacred – Liturgy – Unction

## Sacramentals

Sacramentaux

آیین‌های خاصی که در مناسبت‌های مختلف در کلیسا اجرا می‌شوند و راز نیستند، ولی مظهر نیایش و اعتقاد مسیحیانند؛ نظیر آب‌پاشی روی جامعه در آغاز آیین سپاسگزاری به عنوان تطهیر، مراسم تشییع جنازه در کلیسا، مالیدن خاکستر روی مؤمنین در شروع فصل روزه، و غیره.

**آداب و سنن عبادتی**

**آیین رازگونه**

کلمات مربوط: Sacrament

## Sacramentary

Sacramentaire

کتابی شامل مجموعهٔ متونی که کشیش، در طی مراسم سپاسگزاری یا سایر آیین‌های کلیسا، می‌خواند.

**مجموعهٔ قدسی**

**مجموعهٔ کتب عبادتی**

کلمات مربوط: Missal

## Sacred

Sacré

چیزی از دنیا که جدا کرده، تقدیم به خدا می‌کنند، یا به امور الهی اختصاص می‌دهند. برخی از اشیا یا جاها، در ارتباط با یک پدیدهٔ مذهبی، "مقدس" تلقی می‌شوند و قابل احترام بلکه پرستش می‌شوند. در مسیحیت همهٔ دنیا "مقدس" است؛ و کوهی مقدس، رودخانه ای مقدس، و یا شهر مقدسی در برابر سایر جاها وجود ندارد. البته در لغت، این اصطلاح گاهی با "پاک"، "قدیس"، "الهی" یا "تقدیس شده" مترادف است. این صفت، برای برخی چیزها نیز به کار می رود؛ نظیر کتاب مقدس یا ظروفی که تن و خون مسیح(متعلق به آیین سپاسگزاری) در آن است، یا متن الهامی نوشته های مقدس یا حتی موسیقی که در آیین کلیسا اجرا می شود (در برابر استفادهٔ غیر مذهبی از آنها).

**مقدس**

**وقف شده**

کلمات مربوط: Consecrate – Holy

## Sacred College

Sacré collège

گروه اسقفان گرد آمده، برای انتخاب پاپ جدید.

**شورای کاردینال ها**

کلمات مربوط: Cardinal

## Sacrifice

قربانی از دام یا از محصول زراعت، به خدا تقدیم می‌شده است. میان یهودیان، در قربانی سوختنی (Holocaust ر.ک. پید ۸: ۲۰)، حیوان تماماً سوخته می‌شد، تا مطلق و خالصانه بودن قربانی ثابت شود؛ در مراسمی دیگر، شخص مؤمن در حضور یهوه، غذای تقدیمی را می‌خورد و می‌نوشد (تث۱۲: ۱۸). قربانی، در اصل، رابطهٔ صمیمانه با خدا را نشان می‌دهد. در این مراسم، رفته رفته روی پاکی دل و خلوص نیت قربانی دهنده تأکید شد (اش۱: ۱۱-۱۶)؛ و سرانجام اشعیای نبی از خادم خدا تعریف می‌کند که "مثل بره‌ای که برای ذبح می‌برند"، زندگی خود را تسلیم می‌نماید (اشعیا ۵۳).

عیسی، همان تصاویر عهدقدیم(عتیق) را تجسم می‌کند و به "خون پیمان" اشاره می‌کند (مر۱۴: ۲۴)، اصطلاحی که به کتاب خروج (۲۴: ۸) رجوع می‌دهد. مرگ عیسی، قربانی فدیه‌ای است که برای تمام قوم تقدیم می‌شود. عیسی هم کاهن اعظم است و هم قربانی است که نظیر قربانی موسی، پیمان جدیدی بین خدا و قوم خود بر قرار می‌کند (عبر۸). مسیحیان نیز، با قدرت روح القدس، به تقدیم خود در مشارکت با قربانی عیسی دعوت هستند «و خود شما همچون سنگ‌های زنده خانهٔ روحانی ساخته شوید، برای کهانتی مقدس و تقدیم قربانی‌هایی که خوشایند خدا بوسیلهٔ عیسی مسیح باشید»(۱پطر۲: ۵).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "قربانی".

**قربانی**

## Sadduceans

Sadducéens

نام فرقه‌ای از یهودیان در دوران بعد از تبعید؛ در برابر فریسیان، که سخت ضد قدرت رومیان و نفوذ افکار یونانی موضع می‌گرفتند، صدوقیان که اغلب از اعیان و از محافل کهانتی بودند، به طرفداری از اشغالگران رومی شهرت داشتند. صدوقیان پایبند متن خالص نوشته‌های مقدس تورات، و مخالف تفسیرهای فریسیان بودند، ایشان به رستاخیز مردگان اعتقاد نداشتند (مت۲۲:۲۳).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "صدوقیان" و مقدمه، فصل۱۱.

### صدوقیان

کلمات مربوط: Pharisee

## Saint

ر.ک. Holy و Holiness.

### قدیس

## Salvation

Salut

در عهد قدیم(عتیق)، نجات و رهایی قوم برگزیده، از بردگی در مصر و پیروزی او در برابر دشمنان است؛ سپس، رهایی از تبعید بابل و برگشت به سرزمین موعود.

درعهدجدید، رهایی در رابطه با گناه مطرح می‌شود؛ عیسی مارا از گناه رهایی می‌دهد. طرح نجات این است که در زمانی که تنها پدر تعیین فرمود (اع۱:۷)، عیسی برای نجات ما فرستاده شد و در آن وقت، مسیح «به خاطر بی‌دینان جان سپرد»(روم۵: ۶) و این قربانی، «هنگامی که تمامیت زمان فرا رسید»(غلا۴: ۴) اتفاق افتاد و تکرار نخواهد شد؛ این قربانی، ابتدای دورهٔ آخرالزمان است.

### نجات

### رستگاری

### رهایی

کلمات مربوط: Redemption – Savior – Damnation

## Samaria

Samarie

نواحی شمال فلسطین که قوم آن، از ملل مخلوط بود. در دورهٔ تبعید، اقوام مختلف در آنجا سکونت یافتند و مذهبشان التقاطی بود، بدور از پرستش یهوه؛ این تفاوت با دیار یهودیان باعث شد که رفته رفته خشونت بین یهودیان و سامریان به وجود آید. در یکی از دهات سامره، اهالی از پذیرفتن عیسی خودداری کردند و عیسی اصرار نکرده، راه خودش را ادامه داد (لو ۹: ۵۲-۵۳). عیسی در جای دیگر که درس محبت به دشمنان به شاگردان می‌دهد، طی مثالی از رفتار یک مرد سامری تعریف می‌کند که نسبت به یک مسافر یهودی زخمی، دلسوزی نشان داد (لو ۱۰: ۲۹-۳۸)؛ سرانجام عیسی گفتار عمیقی با یک زن سامری دارد که با وجود این تضاد قومی، بسیار جالب و آموزنده است (یو ۴).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، ''سامره - سامریان'' و مقدمه، فصل ۳.

**سامره**

کلمات مربوط: Good Samaritan

## Sanctuary

Sanctuaire

با معبد به عنوان مکان مقدس مترادف است (ر.ک. مت۲۳: ۱۶).

**عبادتگاه**

**قدس**

**پرستشگاه**

کلمات مربوط: Temple – Holy of Holies

## Sanctus

اسم لاتینی سرود ''قدوس قدوس قدوس'' که در آیین کلیسای قدیم، قبل از دعای سپاسگزاری خوانده می‌شود؛ اقتباس از باب ششم کتاب اشعیای نبی و

باب چهارم مکاشفهٔ یوحنا.

**سرود قدوس**

## Sanhedrin

در زمان عیسی، سانهدرین دادگاهی بود شامل ۷۱ تن، به ریاست کاهن اعظم؛ این دادگاه به امور دینی و سیاسی می‌پرداخت؛ اعضای آن، پیران خانواده‌های اعیانی، کاهنان اعظم بعد از پایان دورهٔ خدمت، افرادی از صدوقیان، کاتبان، و فریسیان بودند. سانهدرین هفته‌ای دو بار - به اضافهٔ موارد اضطراری - تشکیل می‌شد و با حضور حداقل ۲۳ نفر می‌توانست رأی رسمی یا حکم صادر کند. در زمان اشغالگری فلسطین، حکم اعدام این دادگاه، مشروط به تأیید حاکم رومی بود (مت۲۶: ۵۷ و بعد).

**سانهدرین**

**دادگاه عالی یهود**

## Satan

از کلمهٔ عبری آمده است و به معنی «دشمن»، و مظهر قدرتی واقعی است که با خدا و نجات انسان‌ها مخالفت می‌کند؛ بدین معنی عیسی، در اعتراض به پطرس به او گفت «برو عقب من ای شیطان! تو باعث لغزش من هستی...»(مت۱۶: ۲۳). شیطان با اراده و عمل خدا مخالف است و انسان‌ها را از خدا دور می‌کند. عیسی مستقیماً با شیطان روبرو شد و او را مغلوب ساخت (مت۴: ۱-۱۱).

خدا آفرینندهٔ شرارت نیست و صورت عینی دادن به شیطان، مبارزهٔ آزادی انسان در مقابل دعوت خدا را تشریح می‌کند.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "شیطان".

**شیطان**

## Savior

Sauveur

خدای یهودیان، نجات بخش است،

آنی است که ”فریاد بنی اسرائیل“ را شنیده، قومش را از ستم مصریان رها می‌کند(خروج۳: ۹-۱۰). در آغاز انجیل، نجات دهنده، به نام «یسوع»، خوانده شد(مت۱: ۲۱) که معنی آن ”خدا نجات می‌دهد“ است «در هیچ کس دیگر نجات نیست، زیرا نامی دیگر در زیر آسمان به آدمیان داده نشده که بوسیلهٔ آن می بایست نجات یابیم» (اع۴: ۱۲).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، ”نجات دادن“.

**توضیح:** مکرر اسم ”ناجی“ را به معنی ”آن که نجات می‌دهد“ به کار می‌برند، در صورتی که در اصل، ناجی، به معنی ”آن که نجات می‌یابد“ می باشد.

**منجی**

**نجات بخش**

**نجات دهنده**

## Scandal

Scandale

لغزش و رسوایی، اثرات مثبت و منفی دارند. شمعون، دربارهٔ عیسی چنین پیشگویی کرد «اینک این کودک باعث افتادن و برخاستن بسیاری در اسرائیل خواهد بود و نشانه‌ای از تناقض‌ها، و تو نیز شمشیری جانت را خواهد شکافت تا استدلال‌های بسیاری از قلب‌ها آشکار گردد» (لو ۲: ۳۴-۳۵). خود شاگردان، به خاطر حرف‌های سخت عیسی، ”از او روگردان شدند“ (یو۶: ۶۶)؛ ولی بعد از رستاخیز، ایشان را مجدداً گرد هم می آورد «امشب همهٔ شما در بارهٔ من لغزش خواهید خورد چنان که نوشته شده است: ”شبان را می‌زنم و گوسفندان گله پراکنده می‌شوند“...» (مت ۲۶: ۳۱). «خوشا به آن که در بارهٔ من دچار لغزش نشود» (مت ۱۱: ۶). عیسی سنگ رأس زاویه است (۱پطر ۲: ۷)؛ سنگی که بر آن سکندری یا لغزش می‌خورند «ایشان به سنگ مانع تصادم کردند. برابر آنچه نوشته شده است (اش ۸: ۱۴): ”اینک در صهیون سنگی مانع و صخره‌ای

قرار می‌دهم که موجب لغزش می‌شود و هر کس به او ایمان بیاورد شرمساری نخواهد داشت"» (روم ۹: ۳۲-۳۳).

عیسی کسانی را که باعث لغزش "یکی از کوچکان" شوند به سخت‌ترین کیفر تهدید می‌کند (مت ۱۸: ۶) و پولس همچنین می‌نویسد، آزادی مسیحیان نسبت به شریعت یهود نباید "وسیلهٔ لغزش ناتوانان شود" (۱قرن ۸: ۹).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "لغزش - رسوایی".

**لغزش**

**رسوایی**

## Scape-Goat

Bouc émissaire

در دستورهای کتاب لاویان آمده است که اگر یکی از بزرگان قوم گناه کند،«به مجرد اینکه گناهی را که مرتکب شده به آگاهی او برسانند، برای هدیهٔ خود بُزی خواهد آورد، نر و بی عیب. او دست خود را بر سر بز تکیه خواهد داد و آن را در مکانی که قربانی سوختنی را ذبح می‌کنند، ذبح خواهد کرد، در حضور یهوه: این قربانی‌ای است برای گناه... بدینسان کاهن کفاره گناه او را انجام خواهد داد، و او بخشوده خواهد شد» (لاو۴: ۲۲-۲۶)؛ قربانی بز برای باز خرید گناه است؛ و در جای دیگر می‌نویسد که بز دومی را آورده، هارون او را ذبح نکند «دو دست خود را بر سر بز زنده تکیه خواهد داد و بر آن اعتراف تمام خطاهای بنی اسرائیل و تمام جرم‌هایشان، خلاصه تمام گناهانشان را به عمل خواهد آورد؛ او آنها را بر سر بز خواهد نهاد و آن را به دست شخصی حاضر به بیابان خواهد فرستاد. بز تمام خطاهای ایشان را بر خود خواهد برد، به سوی زمینی خشک، و بز را در بیابان رها خواهند کرد» (لاو۱۶: ۲۱-۲۲).

**بز فدوی**

**بز قربانی کفاره**

## Schism

Schisme

انشعابی که به جدایی در میان ایمانداران می‌انجامد؛ انشعاب ممکن است بدون مخالفت در بیان اصول ایمان به وجود آید؛ اگر اختلاف عقیده باشد "بدعت دینی" گفته می‌شود، یا "لغزش" یا "انحراف".

**انشعاب مذهبی**

**تفرقه**

کلمات مربوط: Heresy – Apostasy

## Scholastic - Scholasticism

از کلمه لاتین Scholasticus به معنای «منسوب به مدرسه»، و به تعالیم مَدرِسی که در مدارس دینی و جوامع اروپایی قرون وسطی رشد و نمو کرد، اطلاق می شود.

مهم ترین جنبهٔ این تعلیمات، عبارتند از: ارتباط آن با الهیات، ایجاد توافق بین وحی و عقل، و تکیه به قیاس در مسائل مورد بحث و تفسری متون باستانی، علی الخصوص آثار ارسطو؛ از معروف ترین نمایندگان این دوره می توان از قدیس توماس آکوئینی نام برد.

**مدرسیون**

**اصحاب مدرسه**

**اسکولاستیک**

کلمات مربوط: Theology – Apophatic – Theologian – Dogmatics – Theodicy– Thomism

## Scribe

"کاتب"، مقام رسمی در جامعهٔ یهودی، آن که نوشته‌های مقدس را می‌توانست تفسیر کند؛ بعد از مطالعات زیاد، معمولاً در سن چهل سالگی، به این مقام پذیرفته می‌شدند. گروهی از فریسیان که شریعت یهود را درس می‌دادند. عیسی خود را از سنت کاتبان آزاد می‌داند، ولی ارث نوشته‌های پیامبران و تورات را انکار

نمی‌کند، آن را به کمال می‌رساند. عیسی خطاب به آنان می‌گوید:«فرمان خدا را به کلی رد می‌کنید تا سنت خود را نگاه دارید... سخن خدا را به وسیلهٔ سنت خود که آن را به همدیگر منتقل کرده‌اید نفی می‌کنید و چه بسیار چیزهای مشابه دیگری می‌کنید!» (مر۷: ۸-۱۳).

ر.ک. لو۵: ۱۷؛ ۱تیمو۱: ۷.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "کاتب".

**کاتب / کاتبان**

**دانشمند قوانین یهود**

## Scriptural

Scripturaire

پایه‌هایی که بر نوشته‌های مقدس استوار است

**کتاب‌مقدسی**

**مربوط به نوشته های مقدس**

کلمات مربوط: Revelation

## Scriptures

Ecritures

در عهد قدیم(عتیق)، نوشته‌های قوم یهود، همان "نوشته‌های مقدس" است؛ ولی این اصطلاح در عهدقدیم پیدا نمی‌شود، بلکه لوحه‌هایی سنگی مطرح شده است که شامل قانون می‌باشند«که برای تعلیم دادن آنها نوشته‌ام»، لوح را «به انگشت خدا نوشته بود» (خروج۲۴: ۱۲؛ ۳۱: ۱۸). درعهد جدید، اصطلاح "نوشته‌های مقدس" یا "حروف مقدس" (۲تیمو۳: ۱۵) یا به طور مطلق "نوشته"، خواه به یک متن خاص اشاره می‌کند (مر۱۲: ۱۰؛ لو۴: ۲۱) خواه به کل عهدقدیم که کتاب‌های آن، در نظر مسیحیان، مجموعه‌ای واحد است و آن را به نام مطلق "کتاب" می‌نامند (یونانی Biblion). در واقع مسیحیان، یک کتاب ندارند بلکه کتابخانه دارند و "اهل کتاب" نیستند بلکه "اهل مسیح" یا "اهل سخن خدا" هستند. عیسی هیچ نوشته‌ای از خود بر جای

نگذاشته است ولی بارها یادآوری می‌کند که برای اتمام گفتار پیامبران آمده است «پس چگونه نوشته‌های مقدس انجام شود که بر طبق آنها می‌بایست همچنین شود؟» (مت۲۶: ۵۴) و ارزش کتاب را تا این حد قائل است «آمین به شما می‌گویم پیش از آن که زمین و آسمان در گذرد یک یوتا یا حتی نقطه‌ای کوچک از تورات نخواهد افتاد که همه انجام شده باشد» (مت۵: ۱۸).

هر نوشته دو وجه دارد: ظاهر و معنی؛ بدون معنی زنده کننده، فقط حرف مرده روی کاغذ می‌ماند (۲قرن۳: ۶). عیسی است که پوشش را از قرائت عهدقدیم بر می‌دارد (۲قرن۳: ۱۳-۱۷).

عهد جدید نه به حرف تعلق دارد بلکه به روح؛ هرچند که کلیسا، بتدریج، آنچه از حرف‌های عیسی و از تعریف اعمال او در سنت رسولان حفظ کرده بود، به رشتهٔ تحریر درآورد و کتاب‌های عهد جدید را برکتاب‌های عهدقدیم افزود «من آلفا و اُمگا، آغاز و انجام هستم» (مکا۲۱: ۶).

ر.ک. فرهنگ عهد عتیق، "الف و یاء".

## نوشته‌های مقدس

کلمات مربوط: Revelation – Canon

## Seal

Sceau

مُهر، نمودار شخص است و صحت سند را تأیید می‌کند و اسرار سند را پوشیده نگه می‌دارد؛ در واپسین روز، باز کردن مهر توسط بره (مسیح)، پیروزی نهایی خدا را آشکار می‌سازد (مکا ۵ و ۶). مُهر خدای زنده، نشانه‌ای است از تعلق انحصاری ایمانداران سرشار از فیضان روح القدس به عیسی (۲قرن۱: ۲۱-۲۲).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "مُهر".

در بین رازهای کلیسا، سه راز یعنی تعمید، تثبیت روح القدس و دستگذاری کشیشان درست مانند مُهر ذاتی، علامت

دائم در جان دریافت کننده می‌گذارد؛ بنابراین، این رازها در زندگی شخص دریافت کننده اش، فقط یک بار بدو داده می شوند.

**مُهر**

**صحه**

## Secular

Séculier

**Lat.** *saeculum* "دنیا"

کلمهٔ انگلیسی "Secular" به دو معنی مختلف آمده است:

**۱)** صفت زندگی راهبانه؛ در کلیساهای قدیم، راهبان دارای نظامنامهٔ خاصی هستند، هر کدام در سلسلهٔ رهبانیت خود، و آنان را "روحانیت نظام‌دار" (Regular) می‌نامند، در برابر روحانیت در خدمت اسقف محل، که آن را "عـادی" یا "جهانی" (Secular)، یعنی تابع اقتدار اسقف و در رابطهٔ دائم با "جهان" می‌نامند.

**تابع اسقف**

**جهانی و عادی**

**۲)** صفت امور دنیوی در برابر امور روحانی یا مذهبی؛ در اثر تجدد و گرایش‌های عقیدتی در سیاست (دموکراسی، جدایی دین از دولت)، در قوانین و اخلاق عمومی اغلب جوامع امروزی، قلمرو دنیوی نسبت به قلمرو مذهبی، گسترش بیشتری پیدا می‌کند. کلمات جامعه‌شناسی سیاسی، نظیر Secularism و Secularization از این معنی اشتقاق پیدا کرده اند.

**دنیوی**

**این جهانی**

**غیر مذهبی**

کلمات مربوط: World – Regular – Laity, Laymen – Laicity – Third Order

## See

Siège

جایی یا مقامی یا شهری که اسقف (یا

پاتریارخ، یا پاپ) در آن قرار دارد و اقتدار او از آن نامیده می‌شود.

**مَسند**

**کرسی**

## Seminary

Séminaire

در معنی عام، جلسهٔ تعلیم و تحقیقی که در دانشگاه یا در محافل دیگر به صورت بحث انجام گیرد.

**سمینار**

در کلیسا، حوزه یا مدرسهٔ مخصوص برای آمادهٔ خدمت کشیشی شدن، یا دیگر خدمت‌های کلیسایی است.

**مدرسهٔ الهیات**

**مدرسهٔ داوطلبان رتبهٔ کشیشی**

## Send (to – in Mission)

Envoyer (en Mission)

خداست که عیسی را به مأموریت می‌فرستد (۱یو۴: ۹)، و نیز اوست که مدافع (روح القدس) را می‌فرستد (یو۲۶:۱۴)؛ علاوه بر این، روح القدس نیز برای این فرستاده شده است تا رسولان بتوانند مأموریت خودشان را به انجام برسانند (یو۱۵: ۲۶).

عیسی خود را فرستاده از جانب پدر می‌داند،"به دنبال گوسفندان گم شدهٔ خاندان اسرائیل" (مت۱۵: ۲۴)؛ در جای دیگر خود را مأمور رساندن "نوید فرمانروایی خدا" معرفی می‌کند (مت۱۵: ۲۴؛ لو۴: ۱۸، ۴۳). خود، دوازده تن را از میان شاگردانش جدا کرده، آنان را برای اعلام مژده می‌فرستد و "رسول" می‌نامد (مت۱۰: ۱-۱۶).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "فرستادن".

**اعزام کردن**

**فرستادن** (به مأموریت)

کلمات مربوط: Apostle – Apostolate – Mission

## Sensus Plenior

هر متنی از کتاب مقدس دارای معنای اولیه‌است که منظور تاریخی نویسنده را در بر می‌گیرد، اما وقتی همان متن را در ارتباط با کلیت کتاب مقدس، در نور راز عیسی مسیح می نگریم، دارای معانی به مراتب عمیق‌تر از معنای اولیه است؛ به عنوان مثال، در اشعیا باب چهل به بعد، منظور تاریخی نویسنده در ارتباط با بازگشت قوم برگزیده از تبعید به سرزمین موعود است، اما در ورای معنای اولیه تاریخی، در نور راز عیسی مسیح، معنای عمیق‌تر آمدن مسیح و نجات بشریت را می توان دید.

**معنای کامل**

## Septuagint

Septante

ترجمهٔ عهدقدیم(عتیق) به زبان یونانی که بین سال های ۲۵۰ تا ۱۵۰ قبل از میلاد، در اسکندریهٔ مصر، برای یهودیان ساکن مصر که قادر به خواندن نوشته‌های عبری نبودند، انجام شد.

این ترجمه خیلی روشن و حتی در برخی از متون، واضح‌تر از اصل عبری است، نیز در تجلیل از ارزش والای آن، با استفاده از عدد هفت که نشانهٔ کمال می‌باشد، گفته شد که این ترجمه توسط هفتاد نفر جداگانه در مدت هفتاد روز به اتمام رسید و بدون اینکه قبلاً کار همدیگر را دیده باشند، عیناً هر کدام به متن واحدی رسیده بودند.

رسولان و مسیحیان اولیه در محدودهٔ دریای مدیترانه که اغلب (مثل لوقا و پولس) یونانی زبان بودند، از این روایت یونانی هفتادتنان برای خواندن نوشته‌های مقدس استفاده می‌کردند و در نقل قول از عهد قدیم برای عهد جدید، از آن اقتباس کردند.

**هفتاد تنان** (ترجمهٔ -)

کلمات مربوط: Canon of the old Testament

## Seraphim

Seraphin

به عبری، ''سوزندگان''، فرشتگان آتشین، ملائکه‌ای که جلال خدا را می‌خوانند (اش ۶). در مکاشفه (۴: ۴-۸)، همان فرشتگان برجستهٔ اشعیای نبی هستند که جلال خدا را می‌ستایند.

**سرافیان**

کلمات مربوط: Angle

## Sermon

معنای عمومی موعظه.

ر.ک. Homily.

**موعظه** (معنای عمومی)

## Servant

Serviteur (de Yahve)

در عهدقدیم(عتیق) به طور کلی، خدمت یهوه یکی از فرمان‌های پیمان است «او است که خدمت خواهی کرد» (تث۶: ۱۳). این خدمت، در تقدیم قربانی و هدایاست و در اطاعت از فرمان های شریعت؛ این رابطه در مسیحیت تبدیل به رابطهٔ فرزندی شد «زیرا روح بردگی دریافت نکرده‌اید تا باز بترسید بلکه روح فرزندخواندگی دریافت کرده‌اید که به وسیلهٔ آن فریاد برمی‌آوریم: ''ابا! ای پدر!''» (روم۸: ۱۵؛ ر.ک. غلا ۴).

به طور اخص، اشعیای نبی تصویر عیسی را در خدمتگزار رنجبر سرود «خوار و نزد مردمان مردود و صاحب غم‌ها و رنج دیده و مثل کسیکه روی‌ها را از او بپوشانند و خوار شده که او را به حساب نیاوردیم...»(اش۵۳: ۳). گذشته از تسلیم مطلق او در برابر ارادهٔ پدر، عیسی مقام استاد یا ربی را رد کرده، خود را خدمتگزار معرفی کرد: پای شاگردانش را خودش شُست و گفت:«شما مرا استاد و خداوند می‌نامید و بجا می‌گویید زیرا همان هستم. پس من که خداوند و استاد هستم پاهای شما را شسته‌ام، شما نیز باید پاهای یکدیگر را

بشوئید...»( یو۱۳: ۱۶).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "خدمت" - "خادم".

**خدمتگزار**

**بندهٔ رنجبر**

**خادم**

## Sheol

Cheol (Sheol)

در عهد قدیم(عتیق)، اقامتگاه مردگان که هیچ امیدی برای رهایی از آن وجود نداشت.

**جایگاه مردگان**

**هاویه**

ر.ک. Hades – Abyss.

## Shepherd

Berger

دامـداری، از زمان ابراهیم، یکی از فعالیت‌های بنیادین قوم برگزیده بوده است. شبان هم رئیس است و هم رفیق، از گلهٔ خود در برابر وحوش و دزدان دفاع می‌کند. گاهی در عهدقدیم(عتیق)، یهوه به عنوان شبان خوب برای قوم خویش معرفی می‌شود(اش۴۰: ۱۱). حزقیال نبی به سروران بد اسرائیل به عنوان شبان بد اشاره می‌کند که دلشان برای گوسفندان نمی‌سوزد؛ او آمدن شبان نیکو را پیشگویی می‌کند (حزق ۳۴). عیسی، خود را "شبان خوب" معرفی می‌کند(یو۱۰: ۱-۱۸) و حتی جان خود را برای گوسفندان خود فدا می‌کند (یو۱۰: ۱۵). اصل عبارت شبان خوب از داوود سرچشمه می‌گیرد که قبل از این که به پادشاهی برسد، چیزی جز شبان فرومایه نبود؛ بنابر این کلیسا رمهٔ خدا می‌باشد «ای رمهٔ کوچک، مترس! زیرا خوشنودیِ پدر شما بوده است که ملکوت را به شما عطا کند»(لو۱۲: ۳۲). مسئولان کلیسا باید همانند عیسی شبان‌های نیکو باشند (۱پطر۵: ۱-۴).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید "شبان".

## شبان

کلمات مربوط: Pastor

## Sign

Signe

درعهدقدیم(عتیق)، خدا از نشانه‌های مختلفی استفاده کرد تا توسط قوم خویش شناخته شود. در زمان عیسی، یهودیان در انتظار نشانه‌های قوی از طرف مسیح بودند، نظیر نشانه‌های خروج از مصر در زمان موسی؛ ظاهراً عیسی ایشان را مأیوس می‌کند ولی در واقع با نشانه‌های روشن به تردید مردم جواب می‌دهد، به یحیی (یوحناتعمید دهنده)، با نشانهٔ شفای مریضان و پیام رهایی جواب می‌دهد (لـو۱۱: ۲ به بعد)؛ به فریسیان نشانهٔ یونس را به عنوان پیش‌نمونهٔ مـرگ و رستاخیز خودش اعلام می کند (لو۱۲: ۳۸ به بعد)؛ به رسولان، جلال خویش در ملاقات با موسی و الیاس را به عنوان نشانه ارائه می دهد (لو۱۷: ۱-۸). زندگی وی، و نشانه‌های شگفت‌انگیزی که ارائه داد (تکثیر نان‌ها، آرام کردن دریا، شفای مریضان و سرانجام رستاخیز خود)، همه در جهت ظاهر ساختن رسالت و راز خود بود. معجزه‌هایی که بعد از صعود عیسی توسط رسولان و بعد در کلیسا به عمل آمده، در تأیید گفته‌های شان است «خداوند با ایشان کار می‌کرد و سخن را با نشانه‌هائی که به همراه آن بود تأیید می‌کرد» (مر۱۶: ۲۰).

انجیل یوحنا از کلمهٔ معجزه استفاده نکرد، بلکه از کلمهٔ یونانی semeion(نشانه)، استفاده کرد؛ در بیان معنی عجایبی که از دست عیسی پدید می‌آید، آمده است که کار خداست، که ما را به سوی ایمان به راز عیسی و تماشای جلالش هدایت می‌کند.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "آیت - نشانه".

از استفادهٔ از کلمهٔ عربی ''آیه'' (آیت)، به خاطر معنی آن در قرآن، پرهیز می‌کنیم.

**نشان**

**نشانه**

**علامت**

کلمات مربوط: Miracle – Symbol

## Sign of the Cross

Signe de Croix

آیین تعمید شامل ذکر نام پدر، پسر و روح القدس است (مت۲۸: ۱۹).

تکرار نام سه‌گانهٔ اقدس به یاد تعمید، همراه با ترسیم علامت صلیب روی بدن خود، رسمی‌است که از قرن دوم میلادی میان مسیحیان رایج شد. به نشانهٔ تعلق به صلیب مسیح، با دست راست، روی پیشانی، قلب و سمت راست و چپ سینه علامت صلیب ترسیم می‌کنند؛ اکثر کلیساهای جدید از استفاده از چنین علامت‌هایی پرهیز می‌کنند.

**نشان صلیب**

کلمات مربوط: Cross – Benediction – Crucifix

## Simony

Simonie

معاملهٔ ارزش‌های روحانی در عوض مال دنیا؛ همان طور که شمعون جادوگر، فیض روح‌القدس را می‌خواست که با پول بخرد(ر.ک. اع۸: ۹-۲۱).

**شمعونیه**

**رحمت فروشی**

## Sin

Péché

آدم و حوا از امر خدا سرپیچی کرده، می‌خواستند«همچون خدایان» شوند و نیک و بد را بشناسند (پید۳: ۵)؛ گناه تکبر در مقابل عدالت نسبت به خداست.

توسط گناه، دورهٔ زندگی در بهشت تمام شد و مرگ پدید آمد.

در حوادثی که برای فرزندان ابراهیم پیش آمد، قوم برگزیده خدا را انکار کرده، گوسالهٔ طلایی را پرستش کرد (خروج۳۲). پیامبران اسرائیل همواره ضد گناه مبارزه کرده، قوم را به سوی عدالت و وفاداری به خدا دعوت می‌کردند. عهدقدیم(عتیق)، آمدن نجات در قربانی خدمتگزار ناشناخته‌ای را اعلام کرد «بندهٔ عادل من به معرفت خود بسیاری را عادل خواهد گردانید زیرا که او گناهان ایشان را بر خویشتن حمل خواهد نمود. بنابراین او را در میان بزرگان نصیب خواهم داد و غنیمت را با زور آوران تقسیم خواهد نمود به جهت اینکه جان خود را به مرگ ریخت و از خطاکاران محسوب شد و گناهان بسیاری را بر خود گرفت و برای خطاکاران شفاعت نمود.» (اش۵۳:۱۱-۱۲). این خدمتگزار مرموز همان عیسی است، که برای گناهکاران آمد«اشخاص سالم به پزشک نیاز ندارند، بلکه آنان که بیمارند. من نیامده‌ام برای دعوت عادلان بلکه گناهکاران» (مر۲: ۱۷). عیسی به توبه دعوت می‌کند؛ در حین حال، نسبت به خطاکاران، رحمی بی‌حد قائل است؛ او آن محبت را در مثل‌های فراوان نشان داد، مثلاً ”پسر گمشده و بازیافته“ که از سوی پدرش بخشیده شد (لو۱۵: ۱۱-۳۲).

عیسی بر گناه پیروز است و پیروزی او در رستاخیز آشکار می‌شود. پولس رسول به تفصیل راجع به گناه و پیروزی مسیح می‌نویسد «زیرا همان گونه که گناه به وسیلهٔ یک فرد انسان در دنیا وارد شده و به وسیلهٔ گناه، مرگ، و بدینسان مرگ به همهٔ انسانها رسیده چون همگی گناه کرده اند...» (روم۵: ۱۲).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، ”گناه“.

## خطا

## گناه

کلمات مربوط: Fault – Venial Sin – Mortal Sin – Original Sin – Justice

## Sinlessness of Christ

Impeccabilité du Christ

آموزه ای بنیادین در الاهیات مسیحی که معتقد است مسیح از گناه اولیه کاملاً مبرا بوده است و در عدالت و معصومیت کامل، اراده پدر را به کمال رسانید.

**معصومیت مسیح**

**بی گناهی مسیح**

کلمات مربوط:Original Sin – Infallibility

## Sola Scriptura

در کلیساهای قدیم، مرجع ایمان بر سه ستون استوار است؛ کتاب مقدس، سنت، و کلیسا(مرجع رسمی تعلیمی). نهضت پروتستان با شعار لاتینی «تنها کتاب مقدس» آغاز به کار کرد، دیدگاهی که مرجعیت سنت و کلیسا (مرجع رسمی تعلیمی) را به کلی رد می کند و مرجع و منبع ایمان را تنها، کتاب مقدس می داند.

**تنها کتاب مقدس**

کلمات مربوط: Bible – Gospel – Scriptures – Pentateuch – Fundamentalism

## Son of God

Fils de Dieu

پسر خدا؛ در کتاب مقدس، همان طوری که تعلق یک شخص، به گروهی یا صفتی با اصطلاحات "پسر صهیون"، "پسر پیامبران"، "پسر صلح"، "پسر نور" ابراز می‌شود، اصطلاح "پسر خدا"، در اصل، اشاره به فرشتگان دربار الهی است؛ تدریجاً این اصطلاح به قومی تعلق پیدا می‌کند که رابطهٔ عمیقی با خدای خود دارد؛ فرزندان خدا، اعضای قوم خدا هستند چون خدا نسبت به ایشان رفتاری پدرانه (یا مادرانه) دارد«شما برای یَهْوِه، خدایتان، پسران هستید.

... چرا که تو قومی اختصاص یافته به یهوه، خدایت، هستی، و یهوه تو را بر گزیده تا از میان تمامی قوم‌هایی که بر سطح زمین هستند، قوم خاص او گردی» (تث۱۴: ۱-۲).

در زمـان خـروج، خدا نسبت به قوم برگزیده، در صحرا رفتاری پدرانه داشت و به آن غذا رسانده، از آن دفاع کرد (تث۱۴: ۱؛ ۳۲: ۶). داوود و تبار او پادشاهان برگزیدهٔ خاصی هستند که با یهوه رابطهٔ ذاتـی دارنـد «من او را پدر خواهم بود و او مرا پسر خواهد بود و اگر او گناه ورزد او را با عصای مردمان و به تازیانه‌های بنی آدم تأدیب خواهد نمود، ولیکن رحمت من از او دور نخواهد شد...» (۲سمو۷: ۱۴). بعد از داوود، لقب "پسر یهوه"، لقب سلطنتی است که به طور طبیعی به مسیح مورد انتظار تعلق پیدا کرد «مرا فرموده است: "تو پسر من هستی، امروز، تو را مولود گـردانـدم. درخواست نما تا امّت‌ها را میراث تو کنم و اقصای زمین را از آن تو گردانم."» (مز۲: ۷-۸).

در انجیل‌های نظیر، لقب "پسر خدا" به طور مرتب به عنوان عیسی مسیح تعلق دارد (مثلاً مت۱۶: ۱۶؛ مر۱۴: ۶۱). با پرهیز از هر گونه توقع پادشاهی دنیوی، عیسی بر معنی روحانی این رابطه تأکید می‌کند، هنگامی که در ضعف مطلق به دادگاه سانهدرین جواب می‌دهد «آنگاه همگی گفتند: "پس تو پسر خدائی!" بدیشان اظهار کرد: شما خودتان می‌گوئید که من هستم» (لو۲۲: ۷۰)؛ این ادعای عیسی برای یهودیان طبعاً کفرگویی بوده است که به خاطر آن، او را محکوم کردند اما بعد از رستاخیزش شاگردان عمیقاً درک کردند که او یکتا پسر خداست.

در انجیل یوحنا، پسر خدا بودن عیسی نقش مهمی دارد «خدا، پسر یکتای خود را به جهان فرستاد تا بوسیلهٔ او زندگی بیابیم» (۱یو۴: ۹). در شام آخر عیسی خطاب به پدر خود نیایش کنان می‌گوید:

«ای پدر، ساعت فرا رسیده است، پسرت را شکوه دِهْ تا پسرت تو را شکوه دهد» (یو۱۷: ۱).

مسیحیان، توسط عیسی، به فرزندخواندگی خدا پذیرفته شده‌اند و دعای ''ای پدر ما'' را می‌گویند (مت۶: ۹). همهٔ مسیحیان توسط ایمان به مسیح و راز تعمید، فرزند خدا شده‌اند (غلا۳: ۲۶؛ افس۱: ۵)؛ و سرانجام مسیحیان ''در سرشت خدائی سهیم'' می‌شوند (۲پطر۱: ۴).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، ''پسر خدا''.

**پسر خدا**

کلمات مربوط: Father – Mother – Trinity

## Son of Man

Fils de l'homme

''پسر انسان''، که صفات ضعف، کوچکی و میرا بودن او را در برابر خدا توصیف می‌کند. وقتی خدا حزقیال نبی را ''بنی آدم'' خطاب می‌کند (حزق۲: ۱ و جاهای دیگر)، مترادف است با آدم، انسان فانی؛ انسان در برابر خدا ناچیز است و خدا او را سرشار از هدایای فراوان ساخته‌است.

''سوشیانت''(Saoshyant)،منجی موعود دین زرتشت، نزد بعضی از مفسران، تصویری است که در اصل، مفهوم ''پسر انسان'' به عنوان منجی از آن آمده است. در ادبیات مکاشفه‌ای یهودی (نظیر کتاب دانیال)، ''پسر انسان'' به پادشاهی گفته می‌شود که جهان را از شر، رهایی می‌دهد. دانیال نبی می‌نویسد:«مثل پسر انسان با ابرهای آسمان آمد و نزد قدیم الایّام (پیر) رسید و او را به حضور وی آوردند. و سلطنت و جلال و ملکوت به او داده شد تا جمیع قوم‌ها و امّت‌ها و زبان‌ها او را خدمت نمایند» (دان۷: ۱۳-۱۴).

در انجیل، ''پسر انسان'' گاهی مترادف با ضمیر شخص اول است و ظاهراً

اصطلاح خاص خود عیسی است و اشاره به این ادبیات مکاشفه‌ای هم می‌کند؛ در این اصطلاح، عیسی بر این تأکید می‌کند که به عنوان پسر انسان دعوت خادم یهوه شدن و رنج کشیدن و مردن را می‌پذیرد، و نمونهٔ تسلیم به شهادت می‌شود، آن تسلیمی که سرچشمهٔ جلال قدیسان است. به خاطر توقعی که یهودیان از مسیح رهایی‌بخش داشتند، لقب ”پسر انسان“، بهتر از لقب ”مسیح“، سیر مأموریت عیسی را معرفی می‌کند «زیرا به همان گونه که پدر زندگانی را در خود دارد، همچنان آن را به پسر داده است که زندگانی را در خود داشته باشد و به او اقتدار داده تا داوری کند زیرا او پسر انسان است...» (یو۵: ۲۶-۲۷).

قبل از جلال نهایی، عیسی به نهایت پستی و خواری باید برود و مردن روی صلیب، با برگشت پسر انسان به آسمان یکی می شود تا جلال کامل او ظاهر گردد «پسر انسان باید بالا برده شود» (یو۳: ۱۴؛ ۱۲: ۳۴)؛ این ”آدم نوین“ را که در روز داوری در جلال خود خواهیم دید، همان است که به شکل فرومایه‌ترین انسان‌ها در همسایگی دیده بودیم «چون پسر انسان با شکوه خواهد آمد و تمام فرشتگان با او، آنگاه بر تخت شکوه خود خواهد نشست...“گُرسنه بودم و به من خوراک دادید، تشنه بودم به من نوشیدنی دادید، بیگانه بودم و مرا پناه دادید“...»(مت۲۵: ۳۱ به بعد).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، ”پسر انسان“.

**پسر انسان**

## Soteriology

Sotériologie

از ریشهٔ کلمه یونانی Soter به معنی نجات دهنده؛ نجات شناسی عبارت است از مطالعه و بررسی نجات و رستگاری انسان توسط خدای قدوس. گناه اولیه ذات انسان را خراب و سرشت او را فاسد

کرده، او را نیازمند به نجات و رستگاری گرداند؛ تجسم خدا در عیسی، رنج، مرگ و رستاخیز او، این نجات را مهیا ساخت.

**نجات‌شناسی**
**نجات‌بخش شناسی**

و کلیسا که قاطعانه رستاخیز و قضاوت پس از مرگ را تأیید می‌کند، آن را رد می‌کند.

**جان**
**نفس**

کلمات مربوط: – Conscience – Heart Spirit – Body – Resurrection – Death – Adam – Creation

## Soul

Âme

واژه‌ای که نفس کشیدن را به خاطر می‌آورد، دَم یا نَفَس یعنی حیاتی که از خدا و از دم و نفس وی می‌آید (پید ۲: ۷)؛ پس این اصطلاح از یک طرف به حیات دنیوی و زمینی و مردنی، و از طرف دیگر به زندگی نامیرا که وحدت با خدای زنده است اطلاق می‌شود. این عقیده که جان اسیر جسم است و باید خود را از آن آزاد سازد در اصل عقیدهٔ یونانی است. اعتقاد به تناسخ و اینکه جان برای آزاد ساختن خود، باید در بدن دیگری حلول یابد، در اصل، عقیدهٔ بودایی است

## Spirit

Esprit

بُعد روحانی انسان (یونانی pneuma)، خلاف بعد نفسانی وی(یونانی psuchè)، او را با روح القدس هماهنگ می‌کند. در نوشته‌های پولس، روح در برابر جسم و نفس آمده است و دو نیرویی است که در درون آدمی در کارند (روم ۸: ۴؛ غلا ۵: ۱۶ - ۲۵). انسان «روحانی» می‌تواند به مقام «روحی» برسد (۱قرن۲: ۳ به بعد) و حتی به مرتبهٔ جسمی و نفسانی پایین رود (۱قرن۳: ۱)؛ از سوی دیگر، جسم

زمینی یا «روحی» هم می‌تواند به روحانیت برسد(۱قرن ۱۵: ۴۴).

روح "سخن"، خلاف ظاهر حروف روی کاغذ، ما را از بند مرگ آزاد می‌سازد«حرف می‌کُشد اما روح زنده می‌کند» (۲قرن ۳: ۶).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "روح"، "روح خدا".

**روح**

کلمات مربوط: Body – Flesh – Holy Spirit – Soul – Psychic – Pneuma

## Spiritual

Spirituel

آنچه به روح و زندگی روحانی مربوط می‌شود، در برابر نفسانی.

**روحانی**

کلمات مربوط: Spirit

## Staretz

کلمهٔ روسی: "پیر"، راهب سالخورده‌ای است (الزامی نیست که مقام کشیشی داشته باشد) که دارای آگاهی و مهارت روحانی است و سرشار از روشنی روح‌القدس و دارای استعدادی برای معالجهٔ معنوی و هدایت روحانی می‌باشد.

**اِسْتارِتْس**

**مرشد**

## Subordinationism

بدعتی که در قرون نخست مسیحی به ظهور رسید؛ بر اساس آن دیدگاه، سه‌گانهٔ اقدس با هم در الوهیت برابر نبوده، زیرا پسر و روح‌القدس مخلوق پدر بوده‌اند و در نتیجه تنها پدر، خدای حقیقی است، و پسر و روح القدس مرئوس و تابع او هستند؛ این بدعت به شکل جدیدی در بدعت آریانیسم، به ظهور رسید.

**فرودست‌انگاری**

**زیردست‌باوری**

کلمات مربوط:- Arianism – Consubstantial – Trinity – Nicene Creed – Filioque

## Subsidiarity

Subsidiarite

یکی از اصول عمل در کلیسا، بدین معنی که برای اجرای اموری که احتیاج به مراجعه به مقام بـالاتـری ندارند، تصمیم‌گیری و اقتدار، در سطح محلی است.

**اختیار محلی**

## Substance

از اصل یونانی ousia، به معنای باشنده، کائن یا ”آنچه آدم دارد“ (مالکیت) آمده است که بر هستی، یا وجود ثابت، پایدار و دگرگونی ناپذیر دلالت می کند. جوهر یا ذات، آن چیزی است که قائم به خود و مستقل بوده، به چیزی دیگر محتاج نیست تا قائم به آن باشد و در تقرر وجودی اش، نیاز، محلی نداشته باشد. جوهر و یا ذات، به باطن و حقیقت شی ء اطلاق می شود، یعنی آنچه شیئیت شی ء به آن است.

جوهر- ذات، مقابل با عَرَض است

**جوهر**

**ذات**

للمات مربوط: Con- Consubstantial – substantiation – Transubstantiation – Arianism – Accident

## Sunday

Dimanche

روز اول هفته. به خاطر اهمیت رستاخیز عیسی و پیدایش زندگی نوین در عید گذر، مسیحیان روز یکشنبه را به جای شنبه (سبت یهودیان) روز استراحت یا ”روز خداوند“ می‌دانند؛ معمولاً مراسم نیایش جماعت با شکوهی در آن روز، برگذار می‌شود.

**یکشنبه**

**روز خداوند**

کلمات مربوط: Lord’s day

## Supernatural

Surnaturel

اسم یا صفت: ”ما فوق طبیعت“. قلمرو

فوق طبیعت، خارج از اقتدار جهان مخلوق است و به منظور بالا بردن انسان به زندگی الهی، به رایگان از خدا صادر می‌شود. به عبارت دیگر، در طبیعت، محدودیت‌های مختلفی موجود است؛ نظیر قوانین فیزیکی یا سلسلهٔ علت و معلول، و در نظریه‌ها عقل؛ در صورتی که برای خداوند، چنین مرزی وجود ندارد.

نظام فوق طبیعت، جز با الهام از خدا توسط معجزه و نبوت قابل درک نیست.

**فوق طبیعت / فوق طبیعی**

**فرا طبیعی**

**ماورای‌طبیعی**

کلمات مربوط: Nature – Mystery – Grace

## Symbol

Symbole

**۱)** معنی عام: نماد، آنچه نشانهٔ چیز دیگری است؛ مثلاً «صلیب نماد مسیحیت است».

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "نماد".

**نماد**

**سمبل**

کلمات مربوط: Parable – Sign – Symbolic – Type

**۲)** متنی یا کلماتی که اصول ایمان را خلاصه می کند؛ مثلاً "اعتقادنامهٔ رسولان"، "اعتقادنامهٔ نیقیه".

**اعتقادنامه**

کلمات مربوط: Credo / Creed – Nicene Creed

## Synagogue

**Gr.** *sun + agô* = "جمع شدن"
**Aram.** *kenishtâ* = "عبادتگاه"

از زمان پیامبران به بعد، جایی که یهودیان برای نیایش و قرائت تورات و پیامبران، بخصوص روز سبت (شنبه)، جمع می‌شوند. ساختمان کنیسه به طرف اورشلیم جهت داده شده است زیرا در نیایش، یهودیان به طرف معبد

رو می‌کنند. چون قربانی در کنیسه انجام نمی‌گیرد، مذبح ندارد، بلکه دارای گنجینه‌ای (یا صندوقچه‌ای) برای نگهداری تورات، به یاد صندوق پیمان است.

در ابتدا، مسیحیان در کنیسه‌ها انجیل را اعلام می‌کردند (اع۱۷: ۱۰-۱۲)؛ ولی بعداً کنیسه، در برابر کلیسا قرار گرفت.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "کنیسه".

**کنیسه**

**کُنشت**

کلمات مربوط: Temple – Ark

## Synaxis

**Gr.** *sun+ agô* = "جمع شدن"

تجمع به منظور نیایش یا آیین سپاسگزاری.

**گردهمایی**

## Syncretism

Syncrétisme

آمیزش نابجای عقاید؛ درهم آمیختگی ادیان؛گلچین عقاید.

**اختلاط دینی**

**التقاط (ادیان / عقاید)**

**درهم‌آمیزی**

## Synergy

Synergie

**Gr**. *sun + ergeia* = "عمل همراه"

در کلیساهای شرق به چهار معنی گفته می‌شود:

۱) عمل مشترک سه اقنوم اقدس؛

۲) اتحاد خدا و انسان در شخص عیسی؛

۳) عمل مشترک فیض خداوند و اختیار آزاد انسان در زندگی ایمانداران؛

۴) عمل مشترک روح القدس و کلیسا در آیین نیایش.

در اثر هماهنگی نیروی روح القدس با کلیسا، روند آیین نیایش و الهی شدن سرشت انسانی تحقق پیدا می‌کند. به این نحو، مقدس شدن زندگی مسیحی در این

نیروی هماهنگی خلاصه می‌شود:الهی شدن سرشت انسانی در مسیح و اتحاد ارادهٔ ما با ارادهٔ پدر در مسیح. محبت عملی همان است «نه به سبب اعمال است [که نجات یافته اید] تا کسی به خود افتخار نکند. زیرا ما، ساختهٔ او، آفریدهٔ در مسیح عیسی هستیم تا در اعمال نیکی که خدا قبلاً آماده کرده است رفتار کنیم» (افسس۲: ۹-۱۰؛ ر.ک. فی۲: ۱۳).

نیروی روح القدس قلب ما را برای دریافت مسیح آماده می‌کند (اشتراک مساعی سازگار کننده). روح القدس، حافظهٔ زندهٔ کلیساست و راز مسیح را برای ما یادآوری می‌کند (اشتراک مساعی یادآورنده). با نیروی خود، روح القدس گذر مسیح در ما را، از این دنیا تا زندگی پدر تحقق می‌بخشد (اشتراک مساعی در فراخوان روح). روح القدس ما ایمانداران را به اشتراک کامل با مسیح هدایت می‌کند، این هم نه فقط در حدی که آیین نیایش، بلکه در تمام زندگی نیز، تا حدی که آیین و زندگی به اتحاد ناگسستنی می‌رسند و شخص ایماندار به مسیح تبدیل می‌شود، روندی که تدریجی و در سیر زندگی بر قرار می‌شود (اشتراک مساعی در هماهنگ با مسیح شدن). تحولات درونی ناشی از این عمل، از آن خداست (افس ۲: ۹؛ فی۲: ۱۳).

**اشتراک مساعی**
**نیروی هماهنگ**
**همکوشی**

کلمات مربوط: Energy – Epiclesis

## Synod

Synode

گردهمایی اسقفان؛ در کلیساهای شرق، در این شورا، اسقفان زیر مسئولیت پاتریارخ خود با او همکاری می‌کنند تا ارادهٔ خدا را در اتفاقات، تشخیص دهند، قوم را هدایت کنند و احتمالاً اسقفان جدید

را انتخاب کنند.

در کلیساهای جدید، اسم شورای محلی یا عمومی است.

در کلیسای پرسبیتری، حوزهٔ محلی کلیسا توسط شورا (Synod) اداره می‌شود که در آن "پیران" کلیسا شرکت می‌کنند؛ در آن کلیسا اسقف نیست.

**گردهمایی اسقفان**

**شورای کلیسایی**

**سینُد**

کلمات مربوط: Council – Synod

## Synopsis

Synopse

روش مطالعهٔ چهار انجیل به طور متوازی که امکان می‌دهد تا هماهنگی روایات - یا عدم هماهنگی آنها - درک شود. سایت www.irancatholic.com ترجمهٔ فارسی "همنظری در چهار انجیل" بر اساس ترجمهٔ کتاب مقدس ترسایان را در اختیار خواننده قرار می‌دهد.

**همنظری در چهار انجیل**

## Synoptic Gospels

Synoptiques (Evangiles-)

انجیل متی، مرقس و لوقا در نظم کلی و در خیلی از فصل‌ها، شباهت و هماهنگی چشمگیری دارند. انجیل یوحنا به دلیل شخصیت مؤلف آن و به دلیل محیط تألیف آن، با آنها تفاوت‌های زیادی دارد.

**انجیل‌های همنظر**

**انجیل‌های همدید**

**انجیل‌های نظیر**

کلمات مربوط: Gospel – Synopsis

## Syriac Catholic / Orthodox

Église Syriaque (Catholique/ Orthodoxe)

مژدهٔ مسیح توسط رسولان از اورشلیم

به انطاکیه رسید و در آنجا گروهی به زبان یونانی نیایش می‌کردند و گروهی بیشتر به زبان آرامی؛ در شورای اسقفان کلسدون ( ۴۵۱م) که به زبان یونانی، دربارهٔ راز عیسی مسیح تصمیم گرفت، آرامی زبانان کنار ماندند و از نفوذ کلیسای بیزانس دوری کردند و کلیسای مستقلی در مصر، سوریه (شام) و ارمنستان بر پا کردند.

کلیسایی که در سوریه تشکیل شد، به نام کلیسای سریانی ارتدکس شناخته شده است؛ در اوایل قرن هفدهم میلادی، گروهی از این کلیسا با کلیسای کاتولیک رم متحد شدند که امروز "کلیسای سریانی کاتولیک" نامیده می‌شوند؛ اقامتگاه پاتریارخ این کلیسا در بیروت است. سنت این دو کلیسا (ارتدکس و کاتولیک) با سنت کلیساهای مارونی لبنان و سریانی مالانکار هند، مشترک می‌باشد. نام این کلیسا به زبان انگلیسی که "Syrian" بود، به خاطر پرهیز از ابهام لغوی با صفت "سوریه‌ای"، بعد از تشکیل دولت مستقل در دمشق (۱۹۲۰م)، به "Syriac" تبدیل شد.

**کلیسای سریانی کاتولیک/ ارتدکس**

# T

## Tabernacle

**Lat.** *tabernaculum* = "خیمه"

در کلیساهای قدیم، صندوقچه یا قفسهٔ کوچک روی مذبح کلیسا که درِ آن قفل است، و در آن ظرف حامل تن مسیح (نان تقدیس شده) برای راز مریضان نگهداری می‌شود.

### صندوقچهٔ کلیسا

کلمات مربوط: Ciborium – Reservation of the Sacred Sacrament

## Tabernacles (Feast of -)

Tentes (fête des -)

ر.ک. Booths.

## Table of the shewbread

Table des pains d'oblation

سفره و نانی که به خدا تقدیم شده است (خروج۲۵: ۲۳؛ عبر۹: ۲).

### میز و نان تقدیمی

کلمات مربوط: Oblation

## Tablets of the law

Tables de la Loi

لوحه‌های سنگی که موسی از خدا تحویل گرفت و روی آنها قوانین الهی نگاشته شده بود (ر.ک. خروج۳۱: ۱۸ به بعد)؛ این لوحه‌ها تا زمان تبعید، در صندوقچهٔ پیمان نگهداری می‌شدند.

### لوحه‌های قانون

کلمات مربوط: Ark

## Targum

Targoum

پس از بازگشت قوم برگزیده از تبعید، چون زبان عبری را کمتر می‌فهمیدند، ترجمه‌های تفسیری کتب عهدقدیم(عتیق)

را به زبان آرامی، که زبان عامی بود در کنیسه می‌خواندند، که بعد به تحریر درآمـد؛ ایـن ترجمه‌ها بـرای شناخت فرهنگ یهودیان زمان عیسی مهم هستند.

**ترگوم**

**ترجمهٔ تفسیری**

کلمات مربوط: Exegesis

## Teaching

Enseignement

عیسی در کنیسه‌ها، در معبد و در صحرا و میدان‌ها تعلیم مـی‌داد. او با قاطعیت و به استثنای جدال‌های لفظی، از نقل نوشته‌های مقدس پرهیز می‌کند: اقتدارش از "پدر" می‌آید «آموزش من از من نیست بلکه از آن کسی است که مرا فرستاده است»(یو۷: ۱۶).

در کلیسا، تعلیم، عطیه‌ای است که شامل تفسیر نوشته‌های مقدس و موعظهٔ با شور و نشاط می باشد؛ معلم اصلی، روح القدس است که مسح او به ما داده شده است(۱یو۲: ۲۰-۲۷).

**تعلیم**

**آموزش**

کلمات مربوط: Kerygma – Catechism – Catechesis – Didakhe – Sermon

## Temperance

یکی از فضیلت‌های اساسی چهارگانه، پرهیز از افراط، اعتدال.

**اعتدال**

**خویشتن داری**

کلمات مربوط: Cardinal Virtues

## Temple

در زمان خروج، خیمهٔ خاصی به منظور ملاقات قوم با خدا، در خارج از اردوگاه مستقر می‌کردند (خروج۲۶). داوود قصد داشـت که معبدی در پایتختش بسازد،

ولی خدا مانع شد (۲سمو۷) . سلیمان، پسر داوود معبد را در قرن دهم قبل از میلاد ساخت؛ آن، مسکنی است که در آن اسم خدا ساکن است (۱پاد۸: ۱۶-۲۱)؛ برگشتگان از تبعید، آن را مجدداً ساختند(معبد دوم).

برای یهودیان یک معبد بیشتر وجود ندارد، معبد اورشلیم، که نشانهٔ حضور خدا در میان قوم خویش می‌بود و در آن، صندوقچهٔ پیمان نگهداری می‌شد و نیز روی مذبح آن، قربانی توسط کاهن تقدیم می‌گردید. پیامبران همیشه تذکر داده‌اند که پرستش ظاهری در معبد بی ارزش است و به آیین روحانی و قلبی دعوت کرده‌اند.

عیسی کسانی را که از محوطهٔ معبد برای داد و ستد استفاده می‌کردند از آنجا با خشم بیرون کرد و اعلام کرد: «این قدس را ویران کنید، سه روزه آن را قائم خواهم کرد» (یو۲: ۱۹)؛ معبدی که عیسی می‌گفت بدنش بود زیرا حقیقتاً خود او از این به بعد، حضور خدا در میان قوم است؛ بعد از رستاخیز و صعود عیسی، آن حضور خدا، در آیین سپاسگزاری تأمین می‌گردد.

کلیسا، خود، همین تن مسیح است که عیسی هم سر آن است و هم بنیاد آن (۱قرن۳: ۱۰-۱۷)؛ در این معبد، یهودیان و غیر یهودیان بدون تمییز، به خانهٔ پدر دسترسی دارند. هر مسیحی، خود معبد روح القدس است (۱قرن۶: ۱۹). مسیح سنگ زنده است که بنایان آن را دور انداختند و از طرف خدا برگزیده شد. کتاب مکاشفه، از معبد آسمانی سخن می‌گوید که در آن عیسی، برهٔ خدا، روی تخت شکوهمند نشسته است و دائماً آیین پرستش و تجلیل، در آن برگزار می‌شود.

(در زبان فرانسوی، پروتستان‌ها کلمهٔ Temple را برای ساختمان کلیسای خود به کار می‌برند.)

**معبد**

**قدس**

**هیکل**

کلمات مربوط: Dedication – Holy of Holies – Synagogue – Ark

## Temporal

Temporel

مربوط به دنیا، در برابر آنچه مربوط به آخرت است، نظیر قدرت سیاسی در برابر اقتدار روحانی.

**دنیایی** (مربوط به دنیا)

## Temptation

Tentation

کل زندگی دنیوی در آزمایش به سر می‌رود. همهٔ مومنان در آزمایش قرار می گیرند، حتی حضرت ابراهیم (خروج۲۲: ۱؛ عبر۱۱: ۱۷)، حتی عیسی هم در آزمایش قرار می‌گیرد، از طرف پطرس (مت۱۶: ۲۳)؛ از طرف جمعیتی که غذا خوردند و می‌خواستند او را پادشاه کنند(یو۶: ۱۵)؛ از طرف رؤسای یهودیان که از او دعوت می‌کنند تا خود از صلیب پایین آید(مت۲۷: ۴۲). «هیچکس که به آزمایش گذاشته شده، نگوید: "از طرف خدا به آزمایش گذاشته شده‌ام"؛ زیرا خدا به دور از آزمون‌های بد است و خودش کسی را به آزمایش نمی‌گذارد.» (یع۱: ۱۳).

مسیحیان در دعای ای پدر ما می‌گویند: «ما را در وسوسه میاور، بلکه ما را از شریر رهایی ده !» تا وسوسه‌گر ایشان را به دام نیندازد؛ همین لفظ آزمایش برای خود آزمون مسیحیان به کار برده شده است تا ببینند واقعاً عیسی مسیح در قلبشان هست یا نیست؟(۲قرن۱۳: ۵)، در محاکمه‌هایشان ازعیسی کمک دریافت می‌کنند «زیرا به همین سبب که خودش به تجربه گذاشته شده و رنج کشیده است، می‌تواند آنان را که به تجربه درآمده‌اند یاری نماید» (عبر۲: ۱۸؛ ر.ک. ۴: ۱۵). مؤلف نامهٔ به "عبرانیان" در توجیه تأدیب خداوند و رنج‌هایی که به خاطر او می‌کشیم، آن را با تأدیب پدر به پسر مقایسه می‌کند «کدام پسری است که پدر تأدیب ننماید؟ اگر شما بدون این

تأدیب هستید که همه از آن سهم دارند، پس شما حرامزاده‌اید و پسر نیستید»(عبر ۱۲: ۵-۸).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "وسوسه".

**وسوسه**

کلمات مربوط: Sin – Test

است"» (لو ۲۲: ۲۰). این عهد جدید، نه برای ابطال عهدقدیم است، بلکه برای به اتمام رساندن آن.

**عهد**

**پیمان**

کلمات مربوط: Old Testament – New Testament

## Testament

Testament

کلمهٔ یونانی diathékè به دو معنی آمده است: "وصیت‌نامه" و "پیمان، عهد".

اصطلاح "عهد قدیم (عتیق)" برای نامیدن کتاب‌های مقدس قبل از عیسی، از نوشته‌های پولس سرچشمه می‌گیرد (۲قرن۳: ۱۴)؛ این اصطلاح، یادآور رابطهٔ عمیق خدا با قوم خود است، قبل از مسیح. "عهد جدید" همان پیمانی است که عیسی در شام آخر بسته است «جام را گرفت، گفت: "این جام عهد جدید در خون من است که برای شما ریخته شده

## Testimony (Witness)

Témoignage

خدا، زمانی که نام خود را به موسی فاش نمود، یا یگانگی خود را تأیید کرد، بر خودش شهادت داد (خروج۳: ۱۴، ۲۰: ۲۰)، و لوحه‌های عهد، "شهادات" نامیده شدند(خروج۲۵: ۱۶، ۳۱: ۱۸).

انسان‌هایی که از طرف خدا دعوت شدند، نظیر پیامبران، یا داوود، شاهدان تعهد قوم اسرائیل نسبت به خدا بودند. رسالت تمام قوم اسرائیل همان شهادت خدا برای همهٔ ملت‌هاست «یَهُوَه می‌گوید که شما و بندهٔ من که او را برگزیده‌ام شاهدان

من می‌باشید...من یَهُوَه هستم و غیر از من نجات دهنده‌ای نیست... شما شاهدان من هستید و من خدا هستم» (اش۴۳: ۱۰-۱۲).

در عهد جدید، شهادت به معنایی که در پیمان مطرح است، بر عهدهٔ عیسی است، "گواه وفادار و حقیقی، و اساس آفرینش خدا" (مکا۱: ۵، ۳: ۱۴)؛ او برای این شهادت به دنیا آمده است «من پادشاه هستم، به جهان آمده‌ام تا بر حقیقت شهادت دهم. هر کس از حقیقت است صدای مرا گوش می‌کند» (یو۱۸: ۳۷).

رسولان برای اعلام انجیل فرستاده شدند «این نوید ملکوت برای شهادت به همهٔ ملت‌ها در تمام دنیای مسکون اعلام خواهد شد...» (مت۲۴: ۱۴). با نیروی روح، رسولان، گواهان مسیح خواهند بود «در اورشلیم و در تمام یهودیه و سامره و همچنین تا به آخرین نقطهٔ زمین...» (اع۱: ۸)؛ ایماندارانی که چنین شهادتی را می‌دهند، عین شهادت عیسی را دارند؛ و اگر این شهادت شامل نثار جان شود، در پیروزی مسیح بر شیطان شریک می‌شوند «و ایشان به سبب خون بره و به سبب کلام شهادت خود بر [شیطان] پیروز شدند و تا سرحد مرگ از جان خود گذشته‌اند» (مکا۱۲: ۱۱).

**گواهی دادن**

**شاهد**

کلمات مربوط: Martyrdom – Martyr

## Tetragrammaton

Tétragramme

کلمه چهار حرفی به معنی خدا که از چهار حرف بی صدا تشکیل شده است(YHWH).

ر.ک. Yahveh.

**نام چهارحرفی**

## Thanksgiving

Action de graces

در اصل، آیین سپاسگزاری برای

محصول، در پایان سال زراعتی.

در ایالات‌متحدهٔ آمریکا، روز سپاسگزاری به یاد رسیدن پناهندگان پوریتان از انگلیس در کشتی Mayflower، به سال ۱۶۲۰م می‌باشد؛ در کانادا، دومین دوشنبهٔ ماه اکتبر برگزار می‌شود و در ایالات متحده آمریکا، چهارمین پنجشنبهٔ ماه نوامبر (اوائل آذرماه).

**سپاسگزاری**

**شکرگزاری**

کلمات مربوط: Eucharist – Grace – Prayer – Puritanism

## Theandric

Théandrique

**Gr.** *theos* = "خدا" + *anèr (andros)* = "مرد"

مربوط به اتحاد سرشت الهی و انسانی مسیح؛ کارهای عیسی به عنوان عمل خدا و انسان، نظیر شفای معجزه‌وار مریضان در اثر تماس با بدن او؛ جنبهٔ الهی و انسانی وجود کلیسا، آن را شبیه مسیح می‌کند.

**الهی-انسانی**

## Theodicy

Théodicée

گفتار عقلی فیلسوفان در مورد خدا.

**خداشناسی فلسفی**

کلمات مربوط: Theology

## Theologian

Theologien

آن که در حقیقت‌های دینی مطالعه و تعمق داشته باشد. متأله، الهیدان.

**الهیدان**

**حکیم‌الهی**

**دانشمند علوم‌الهی**

کلمات مربوط: Theology

## Theological Virtues

Vertus Théologales

سه فضیلت برتر- که هر سه خدا را هدف نهایی قرار می‌دهند - ما را با فیض

روح القدس، به مشارکت با سرشت خدایی(۲پطر ۱: ۴)آماده می‌سازند: ایمان، امیدواری، و محبت؛ در نهایت، تنها محبت خواهد ماند(ر.ک. ۱قرن۱۳: ۱۳).

**فضیلت‌های الهیاتی**

کلمات مربوط: Faith – Hope – Charity – Cardinal Virtues

## Theology

Théologie

**Gr**. *theos* = "خدا" + *logos* = "سخن، گفتار"

گفتار در مورد خدا. علم "خداشناسی" شامل بخش‌های مختلف است: نظری (در بارهٔ تعریف خدا و حقیقت‌های مکتب مسیحی)، اخلاقی (در مورد عمل، فرمان‌ها)، ...

**الهیات**

**خداشناسی**

**علم الهیات**

کلمات مربوط: Apophatic – Theologian – Dogmatics – Theodicy

## Theomorphosis

Théomorphose

**Gr.** *theos* = "خدا" + *morphè* = "شکل، صورت"

در روند تن گرفتن پسر خدا، شکل خدایی انسان ظاهر می‌شود؛ یا به قول یکی از پدران کلیسا (آتناسیوس اسکندریه ۲۹۳-۳۷۳م)، خدا انسان گردید تا انسان به وسیلهٔ آن فیض، الهی گردد. پطرس می‌نویسد:«بوسیلهٔ [شکوه و نیروی فعّال عیسی] وعده‌های خیلی بزرگ به ما داده شده تا بوسیلهٔ آنها شما در سرشت خدایی سهیم شوید»(۲پطر ۱: ۴). این اصطلاح در آیین هدایای مراسم سپاسگزاری کلیسای لاتین به کار برده می‌شود.

**خداگونه شدن**

**خداگونگی**

## Theonomy

Théonomie

در برابر خودمختاری انسان در زندگی

اخلاقی، خدامختاری، نظریه‌ای است که اصول عمل را تابع اراده و فرمان خدامی‌داند.

**خدا مداری**

## Theophany

Théophanie

**Gr.** *theos* = "خدا" + *phanein* = "ظاهر شدن"

"ظهور خدا" یا "تجلی خدا". ظهور خدا در بوتهٔ فروزان یا تولد و تعمید عیسی از تجلی‌های مهم عهد قدیم (عتیق) و عهد جدید هستند.

**تجلی**

**ظهورخداوند**

کلمات مربوط: Epiphany

## Theosis

روند الهی شدن انسان توسط فیض روح‌القدس «شما در سرشت خدایی سهیم شوید»(۲پطر ۱: ۴). "خدا انسان گردید تا انسان خدا گردد" (آتاناسیوس قدیس).

**تألّه**

**مظهر عدالت خدا شدن**

**خداگونگی**

کلمات مربوط: Theomorphism

## Theotokos

اصطلاح یونانی به معنی "مادر خدا"، که به مریم عذرا تعلق می‌گیرد(شورای اسقفان افسس۴۳۱م). برخی از متفکران شرقی، نظیر نسطوریوس، این لقب مریم را رد کردند: خالق را، مخلوق نمی‌تواند بزاید؛ او به جای آن لقب "مادر مسیح" Christotokos را قبول داشت.

**مادر خدا**

کلمات مربوط: Nestorianism – Mary

## Third Order

Tiers-Ordre

انجمن مسیحیانی که بدون تعهد رهبانیت

زندگی طبق نظامنامهٔ یکی از سلک‌های مذهبی را اختیار می‌کنند.

**سلک سوم**

کلمات مربوط: Secular – Order – Regular

## Thomism

Thomisme

مکتب قدیس توماس آکویناس (۱۲۲۴-۱۲۷۴م)

**تومیسم**

## Tithe

Dime

دادن یک دهم ارزش جنس مورد معامله، یکی از وظایف شرعی یهودیان است(لو۱۸: ۱۲؛ مت۲۳: ۲۳).

**ده یک**

**عشریه**

## Torah

**Heb.** *Torah* = "تعلیم، قانون"

اسم مجموعهٔ پنج کتاب اولیه که یهودیان و حتی سامریان نیز قبول داشتند و به خاطر اهمیت آن، این اسم اشاره به تمام عهد قدیم(عتیق) می‌کند؛ به زبان یونانی، Pentateuch.

**تورات**

کلمات مربوط: Pentateuch

## Tower of Babel

Tour de Babel

ر.ک. Babel / Babylon.

**برج بابل**

## Tradition

کلام خدا در متونی مقدس نقل شده است که یهودیان، نسل به نسل، اول سینه به سینه و تدریجاً به صورت نوشته آنها را منتقل کردند. فرهنگ یهودیان زمان عیسی آکنده از سنت‌هایی بود که دربارهٔ

نوشته‌های مقدس، توسط استاد به شاگرد، تدریس می‌شدند و آنها را ”سنت مشایخ“ می‌نامیدند (مثلاً مر۷: ۵)، و شامل دستورات و امور واجب، بر طبق تورات موسی بودند. پولس از ”سنّت‌هایی که از پدران من است“ حرف می‌زند (غلا ۱: ۱۴).

عیسی موضع خود را نسبت به سنت روشن کرد «خیال نکنید که من آمده‌ام تا تورات و [کتاب‌های] پیامبران را نابود کنم. من نیامده‌ام واژگون کنم بلکه تحقّق بخشم»(مت۵: ۱۷)؛ او سنت نوینی را پایه‌گذاری می‌کند که معنی کتاب‌های عهدقدیم(عتیق) را روشن می‌سازد.

پولس از آن سنت جدید حرف می‌زند: «نخست آنچه را دریافت کرده بودم به شما سپردم...» (۱قرن ۱۵: ۳)؛ و نیز می‌گوید: «من، آنچه را از خداوند دریافت کردم، آن‌را به شما ابلاغ کردم» (۱قرن ۱۱: ۲۳).

سنت رسولان از خود عیسی سرچشمه می‌گیرد و به صورت روایاتی از عیسی،اعتقادنامه‌ها، آیین‌های نیایشی انفرادی و دسته‌جمعی، سرودها، موعظات (مثلاً از پدران کلیسا)، نقل می شود تا سرانجام به صورت نوشته در می آید. سنت عهدقدیم، براقتدار پیامبران بنا شده بود و سنت جدید روی اقتدار مسیح. آنجا که رسول در برابر مسأله‌ای قرار دارد که گفتهٔ عیسی برای پاسخ موجود نیست، با همین اقتدار می‌گوید زیرا: «ما، فکر مسیح را در دست داریم» (اقرن ۲: ۱۶)؛ این امانت را، باید نگهداریم (۱تیمو ۶: ۲۰).

بعد از بسته شدن فهرست کتاب‌های قانونی عهد جدید - یعنی همان کتاب‌هایی که مستقیماً از عیسی توسط رسولان خبر می‌دهند -، کلیسا عهده‌دار سنت شد. منبع اصلی شناخت خدا، عیسی است که به دو نحو برای ما آشکار می‌شود: توسط نوشته‌های

مقدس، و توسط سنت کلیسا.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "سنت".

**سنت**

**روایت**

کلمات مربوط: Fathers of the Church – Rite – Teaching – Fundamentalism

## Transfiguration of Jesus

Transfiguration de Jésus

نورانی شدن عیسی در دید سه تن از شاگردان «در برابر ایشان تجلی یافت، صورتش چون خورشید درخشید، لباس‌هایش مانند نور سفید شدند»(مت۱۷: ۱-۹). الیاس و موسی همراه عیسی در جلال دیده شدند؛ آنها خلاصه‌ای بودند از تمام عهدقدیم(عتیق)، عیسی در وسط ایشان ایستاد؛ این تجلی به اعلام رستاخیز تعلق دارد (مت۱۶: ۲۱-۲۳، ۱۷: ۲۲-۲۳)؛ جشن یادبود این تجلی را روز ششم اوت می‌گیرند (۱۵ مرداد).

مسیحیان نیز دعوت دارند تا در تجلی مسیح، خود تجلی یابند «و همگی ما که با چهرهٔ بی پوشش، شکوه خداوند را منعکس می‌کنیم، به همین تصویر تغییر شکل یافته‌ایم، از شکوه به شکوه، همچون بوسیلهٔ خداوند، که روح [است]» (۲قرن۳: ۱۸).

**تجلی مسیح**

کلمات مربوط: Apparition – Energy – Epiphany

## Transubstantiation

Transsubstantiation

استحاله‌ای است - بدون تغییر شکل ظاهری - از جوهر نان و شراب به جوهر تن و خون مسیح، که در اثر تقدیس نان و شراب و به وسیلهٔ قوت روح القدس انجام می‌گیرد؛ این تعریف، در کلیسای کاتولیک، توسط شورای اسقفان ترانت (Trente)، در جواب نظریهٔ کالون و اغلب پروتستان‌هایی بود که در نان و شراب جز نمادی موقت از

تن و خون مسیح نمی دیدند.

**تبدیل جوهر**

**استحالهٔ جوهری**

کلمات مربوط: Consubstantial – Consubstantiation – Real Presence

## Trespasses

Offenses

مترادف ”Sin“، در ترجمه‌های سنتی دعای ”ای پدر ما“ به انگلیسی آمده است.

ر.ک. Sin – Debt

**گناه**

**خطا**

## Trinitarian

Trinitaire

مربوط به سه‌گانهٔ اقدس.

ر.ک. Trinity.

**تثلیثی**

## Trinity (the Holy -)

Trinité (Sainte -)

مسیحیان، به مانند یهودیان، خدا را یکتا می‌دانند؛ ولی خدا هم محبت است، نه به معنی این که نیاز به محبوب داشته باشد، بلکه به معنی اینکه از بدو آفرینش محبت خدا بین سه اقنوم (پدر، پسر و روح القدس) موجود است. در مورد این محبت عیسی می‌گوید: «هیچ کس نمی‌داند پسر کیست مگر پدر. و نه پدر کیست مگر پسر. و به کسی که پسر می‌خواهد آنرا مکشوف سازد»(لو۱۰: ۲۲). سه اقنوم (سه شخص) با هم در اتحاد کامل، خدای یگانه هستند؛ پسر، از ابتدا، ”مولود ازلی پدر“ است و بنابر اقرار به ایمان مسیحیان، ”زاده شده و آفریده نشده است، همذات با پدر“ است. روح‌القدس، ”خداوند و بخشندهٔ حیات است که از پدر (و پسر) صادر می‌گردد. .“ سه اقنوم در جاودانی متحدند و آفریده نشده‌اند.

مسیحیان ارتدکس، در این اقرارنامه

می‌گویند که روح القدس ”از پدر صادر می‌گردد“.

**تثلیث** (- اقدس)

**سه‌گانهٔ اقدس**

کلمات مربوط: Circumincession – Divine Person – Perichoresis – God – Love – Filioque – Monotheism

## Trisagion

**Gr.** *tris* = ”سه“ + *hagios* = ”قدوس، مقدس“

در پیروی از اش۶: ۳، در آیین کلیساهای شرقی، سرودی است که سه بار دعای تجلیل از خدا در آن تکرار می‌شود: ”خدای قدوس، قدوس و قادر، قدوس و جاودان“؛ اسم یونانی این دعا به سرودی هم مرتبط است که در آیین نیایش کلیساهای قدیم به صورت ذکر سه‌بارهٔ ”قدوس، قدوس، قدوس“ خلاصه شده است.

**سرود خدای قدوس و قادر**

## Triumphalism

Triomphalisme

غرورغالب بودن، بخصوص در مورد اعضای مذهب اکثریت مردم یک ناحیه.

**غرور پیروزمندانه**

**برترانگاری** (دین ، آیین)

**پیروزنمایی**

## Troparion

Tropaire

در آیین نیایش کلیساهای شرق، سرود کوتاهی که در حمد از یک راز یا جشنی باشد؛ این سرود، خاطرنشان می‌کند که انسان در برابر بزرگی و عظمت دهشتناک خدا حضور دارد و به حالت ضعف و فقر روحی خود، آگاه می‌شود.

**سرود حمد و تجلیل**

## Trust of Faith

Dépôt de la Foi

آنچه از ایمان و وحی به کلیسا

بخصوص توسط رسولان به صورت تعلیم و شهادت نقل شده است و نسل به نسل منتقل می‌شود؛ نگهداری این امانت را پولس به تیموتاؤس سفارش می‌کند(۱تیمو۶: ۲۰) و می‌نویسد: «سرمشق بگیر از سخنان صحیحی که در ایمان و محبت در مسیح عیسی از من شنیدی، این امانت نیکو را بوسیلهٔ روح القدس که در ما جای دارد نگهدار» (۲تیمو۱: ۱۴).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "ودیعه".

**امانت ایمان**

**سپردهٔ ایمان**

**ودیعهٔ ایمان**

کلمات مربوط: Faith – Tradition

## Type

**Gr**. *typos* = "مُهر"

نمونه و پادنمونه (یا پادنما)، مانند مُهر و تصویری هستند که مهر در مادهٔ نرم پدید می‌آورد؛ به همان نحو، تصویرهای نجات که در عهدقدیم(عتیق) مهر شدند به طور عینی و کامل در عهد جدید تحقق پیدا می‌کنند.

مثال یا پیش‌آمد پدیدهٔ مهمی در تاریخ نجات (۱قرن۱۰: ۶). همان هایی که خدا پدید آورده است تا واقعیت‌های روحانی عصر ظهور مسیحانه را پیشاپیش تجسم بخشند("پادنمونه‌ها"، Antitype، ر.ک. ۱پطر۳: ۲۱؛ در مقابل، ر.ک. عبر۹: ۲۴).

پولس چنین نظریه‌ای را به دفعات القا می‌کند، مثلا وقتی آدم را پیش‌نمونهٔ مسیح - یا "آدم جدید" - معرفی می‌کند (روم۵: ۱۲ به‌بعد؛ ۱قرن۱۵: ۴۵؛ ر.ک.۲تیمو۳: ۱۶). انجیل یوحنا یا رسالهٔ به عبرانیان مبتنی بر نمونه‌شناسی عهدقدیم هستند و به آن دائماً رجوع می‌کنند.

ایرنئوس قدیس می‌نویسد: "وقتی یهودیان نوشته‌های عهدعتیق را می‌خوانند، از دیدشان جز افسانه نیست، چون توضیح ندارند، در صورتی که در چشم مسیحیان

مانند گنجی است که در مزرعه پنهان شده بود و صلیب مسیح آن را متجلی می‌نماید".

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "گونه‌شناسی".

**پیش‌نمونه**

کلمات مربوط: Figure – Prefiguration

## Typology

Typologie

شناخت پیش‌نمونه‌های تاریخ نجات و روشن کردن معنی آنها در زندگی، مرگ و رستاخیز عیسی.

ر.ک.Type.

**پیش‌نمونه شناسی**

# U

## Uncircumcised

Incirconcis

ختنه برای یهودیان مهم بود، چون نمودار تعلق غیر قابل انکار به قوم برگزیده بود. نوگرویدگان به مسیحیت اگر غیر یهودی بودند، آیا ختنه - یعنی قبول کردن شریعت یهودیان - برای شان اجباری بود؟ مسأله در اعمال رسولان و رساله‌های پولس بارها مطرح شده است و سرانجام بر رهایی مسیحیان از رعایت قانون و شریعت یهود در شورای اورشلیم، حدود پنجاه میلادی توافق شد(اع ۱۵).

**ختنه نشده**

**نامختون**

کلمات مربوط: Circumcision – Pagan

## Unction

Onction

در فلسطین، درخت زیتون دارای اهمیت فوق‌العاده است؛ از میوهٔ آن برای تغذیه و از روغن آن برای پختن غذا، روشنایی، شفا دادن بیماران (مرهم)، قدرت بخشیدن به مبارزان، و برای جلوه (جلال) دادن و برکت دادن به افراد برگزیده استفاده می‌شد. بنابراین، نشانهٔ برکت خدا بود زیرا روح‌القدس قدرت می‌بخشد، شفا می‌دهد، جلال‌بخش است و همچون عملکرد روغن روی بدن، با فرو رفتن آن در جسم، روح القدس نیز با داخل شدن در شخص، به مانند مهر، اثر ثابتی را برجای می‌گذارد.

در عهدقدیم(عتیق)، تدهین و مسح، به معنی برکت و تقدیس شخص انتخاب شده است (کاهن، پیامبر، پادشاه). در تقدیس یک محلی مثل مذبح (هنگام تقدیس آن و بعد)، در آیین تقدیس پادشاه، مسح توسط کاهن یا پیامبر، اساسی است. هر شخصی

که مسح شده بود، مسیح خوانده می‌شد (مز۲ و انعکاس آن در اع۴: ۲۵)؛ اما بعد از تبعید که پادشاهی وجود نداشت، قوم در انتظار آن مسیح موعود بود که پیامبران آن را اعلام کرده بودند، و عیسی، همان مسیح موعود بود. برای مسح کردن از روغن معطر که نمودار شادی است و در جشن‌ها آن را روی پوست می‌مالیدند استفاده می‌شد «همچون روغنی گرانبها، با عطری بر سر پاشند، که بر رأسِ هارون روان شود و بر دامان ردایش فرود آید»(مز۱۳۳: ۲). روی مهمان روغن پاشیدن، نشانهٔ بالا بردن مقام او بود همچون مریم، خواهر ایلعازر، که شب قبل از ورود به اورشلیم، پای عیسی را با عطر گرانبها تدهین نمود(یو۱۲: ۱-۸).

در عهد جدید، روغن هم برای شفای زخم مالیده می‌شد (لو۱۰: ۳۴). رسولان، که از طرف عیسی برای اعلام مژده فرستاده شدند، مریضان را با روغن تدهین می‌کردند، عملی که با راز تدهین مریضان در کلیساهای قدیم تکرار می‌شود؛ چون مرض، اثر گناه است، تدهینی که "به نام خداوند" انجام گیرد رهایی شخص مریض را تأمین می‌کند و او را - در شفا یا در تقویت روحی در برابر مرگ - در پیروزی بر گناه و مرگ، شریک می‌سازد. راندن شیاطین و شفای مریضان با تدهین روغن، نشان فرا رسیدن ملکوت است (مر۶: ۱۳).

در عهدقدیم، تدهین به معنی مسح و تبرک است، مثلاً روی مذبح. در آیین تقدیس پادشاه، مسح توسط کاهن یا پیامبر، اساسی است؛ بعداً، مسح شاهانه نشان مسیح خواهد بود (مز۲ و انعکاس آن در اع۴: ۲۵). مسح عیسی او را کاملاً خداوند و مسیح می‌گرداند. مسح عیسی فقط یک بار روایت شده است، در ذکر روز تعمید، و آن روز، تدهین با روغن انجام نگرفت، بلکه با روح‌القدس که روغن، نمودار آن است (اع۱۰: ۳۸)

و عیسی خود این مسح را با الهام اشعیای نبی معنی می کند «روح خداوند یَهْوَه بر من است زیرا خداوند مرا مسح کرده است تا مسکینان را بشارت دهم و مرا فرستاده تا شکسته دلان را التیام بخشم و اسیران را به رستگاری و محبوسان را به آزادی ندا کنم»(اش۶۱: ۱).

مسیحیان از مسح سه‌گانه حرف می‌زنند: به‌مقام‌پادشاهی، کاهنی و پیامبری و نیز این مسح را، در مشارکت با مسح عیسی دریافت می‌دارند (۲قرن۱: ۲۱؛ ۱یو۲: ۲۰ و ۲۷).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، ”مسح کردن“.

**مسح**

**تدهین**

کلمات مربوط: Anointing of the Sick – Anointed – Anointing of the Sick – Oil – Ointment – Spices – Messiah

## Uniat / Uniate

Uniate

صفت کلیساهایی که سنت نیایش و الهیات قدیم شرقی دارند و با حفظ هویتشان، به کلیسای کاتولیک روم پیوستند یا متحد شدند؛ مثلاً بخشی از کلیسای قبطی مصر، بخشی از کلیسای ارمنی، یا کلیسای کلدانی، یا بخشی از کلیسای اوکراین، ”اتحاد یافته“ هستند.

**اتحاد یافته**

کلمات مربوط: Oriental – Orthodox – Patriarch

## Unity

Unité

کلیسا که تن مسیح است، دعوت شده است تا همچون خداوند و نجات دهندهٔ یگانه خود، واحد گشته، در اتحاد بماند. مسیح، کلیسای خود را واحد بنا نمود، تفرقهٔ در کلیسا نتیجه گناه است؛ بنابراین ایمانداران دعوت شده‌اند که از گناه پاک شده، واحد بمانند. باید متذکر شد که اتحاد به معنای همشکلی نیست بلکه هر کلیسای محلی می تواند با وفاداری به فرهنگ و تمدن کشور متبوع خود، در مشارکت و

اتحاد با دیگر کلیساها بماند.

**اتحاد**

**یگانگی**

کلمات مربوط: Community – Church – Body – Catholic

## Universalism (-Christian)

**۱)** برطبق کتاب مقدس، اول تیموتاؤس۴:۲«...می خواهد همه انسانها نجات یابند و به شناسایی حقیقت برسند». بنابراین ماموریت رسولان و پس از ایشان کلیسا، اعلان مژدهٔ نجات به همه انسانهاست تا همه توسط عیسی مسیح نجات یابند. بنابراین همهٔ کلیساهای قدیم، خود را کاتولیک به معنای «طبق کل» یعنی دارای تمام راز خدا و ارزش های انسان ها می دانند.

**۲)** برخی از مسیحیان و از جمله برخی از شاگردان اوریجن بر این اعتقادند که در نهایت همه نجات خواهند یافت حتی کسانی که در گناه افتاده، و یا ایمان به خدا را رد کردند؛ در این عقیده، آزادی اراده و تصمیم شخص، نقض شده است.

**رستگاری عام**

**آمرزش عام**

**نجات عام**

کلمات مربوط: Catholic – Damnation Redemption – Savior – Damnation – Salvation

## Unleavened Bread

Azyme

«نان فطیر» نانی است که خمیر آن ور نیامده باشد. ''عید فطیر'' عید شروع سال زراعتی یهودیان است و نان فطیر همراه نوبر گندم درو شده، تقدیم می‌شد(بعداً این عید با عید گذر، که عید بهار دامداران می باشد، یکی شده است)؛ در آن روز به یاد عجلهٔ عبرانیان در خروج از مصر، نان فطیر می‌پزند (خروج ۱۲). تجدید خمیرمایه، آیین تطهیر و نوکردن زندگی در سال جدید است (شبیه آیین نوروز در بین ایرانیان). خمیرمایه از خمیر کهنه

گرفته می‌شد، یعنی از خمیر گذشته، که یهودیان می بایست با طبیعت و سال نو، هماهنگ می بودند.

پولس نمونهٔ خمیر مایه را برای زندگی نـوین، بـه شکل تمثیل می‌گیرد «آیـا نمی‌دانید که اندکی خمیرمایه، همهٔ خمیر را ور مـی‌آورد؟ خود را از خمیرمایهٔ کهنه پاک کنید تا خمیری تـازه شوید، چونکه هم‌اکنون فطیر هستید، زیرا [قربانی] عید گذر ما، مسیح ذبح شده است، بنابراین، عید را برگزار کنیم، نه با خمیرمایهٔ کهنه، نه با خمیرمایهٔ بدخواهی و شرارت بلکه با فطیرهای پاکی و حقیقت» (اقرن۵: ۷).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "خمیرمایه".

## نان فطیر

کلمات مربوط: Bread – Leaven – Easter

# V

## Venial Sin

Péché Véniel

درکلیساهای قدیم، خطایی که ما را از بنیاد محبت خدا جدا نمی‌کند و مانع فیضان روح نمی‌شود؛ تکرار گناه خفیف، رفته رفته رابطه با خدا را قطع می‌کند.

**گناه‌خفیف**

کلمات مربوط: Mortal Sin

## Verse

Verset

کتاب مقدس توسط Jacques Lefèvre d'Etaples، در۱۵۲۳م با تقسیم و شمارش کتاب‌های آن به باب و خط، منتشر شد؛ به این صورت، مراجعه به نقلی از قسمت‌های مختلف آن آسان‌تر شد. شاید بهتر باشد که از واژهٔ "آیه" که خاص قرآن است، برای نامیدن هر خط، پرهیز کنیم.

**خط**

**آیه**

## Vespers

Vêpres

**Lat.** *vespera* = "عصر"

آیین نیایش عصر، شامل چند مزمور، سرود، قرائت کوتاه از کتاب مقدس، سرود ستایش مریم (لو۱: ۴۶-۵۵)، دعای استغاثه، دعای ای پدر ما و دعای خاص روز می‌باشد؛ زمان عصر، زمان تحویل روز است.

**دعای عصر**

## Viaticum

Viatique

درکلیساهای قدیم، روزیِ مریضان است که به صورت تن خداوند (نان تقدیس شده)،

بدان منظور، بعد از آیین سپاسگزاری، در جام نگهداری نان مقدس، در صندوقچهٔ کلیسا نگه می‌دارند و بدون اجرای نیایش سپاسگزاری، به مریضانی می‌دهند که با خطر مرگ روبرو هستند.

**توشهٔ راه**

**روزی**

کلمات مربوط: Host – Anointing of the Sick

## Vice

به رسم فیلسوفان دورهٔ باستان، فهرست رذائل در نوشته‌های عهد جدید نیز موجود است؛ ولی اینجا، بدی از خود انسان و از تعلق او به نفس و گناه سرچشمه می‌گیرد، و به مرگ هدایت می‌کند.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، ”رذائل“.

**خبث**

**رذیلت**

**بدخویی**

کلمات مربوط: Virtue

## Virgin

vierge

دوشیزه. انجیل متی و مرقس خبر باکره بودن حضرت مریم در زمان بارداری عیسی را می‌دهند و اعتقاد کلیساهای قدیم بر آن است که مریم باکره ماند. کلمهٔ یونانی parthenos، هم معنی عذرا را می‌دهد و هم معنی مجرد و حتی استعاره است(۲قرن۱۱: ۲) برای ”عروس پاکی“ - یعنی کلیسا - که به عقد مسیح داده می‌شود. دوشیزگی، حالت موجودات ملکوت است «پسران این جهان زن می‌گیرند یا شوهر می‌کنند امّا آنان که شایستهٔ داشتن آن جهان و رستاخیز از میان مردگان شده‌اند، نه زن می‌گیرند و نه ازدواج می‌کنند. زیرا نمی‌توانند بمیرند چونکه همشأن فرشتگانند و پسران خدا هستند در حالیکه پسران رستاخیزند...» (لو۲۰: ۳۵-۳۶).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، ”باکره“.

**عذرا**

**باکره**

**دوشیزه**

کلمات مربوط: Ascetic – Bridegroom – Mary

## Virginal Birth

Naissance Virginale

مریم به فرشته‌ای که بـارداری او را مـژده می‌دهد، با تعجب جـواب می‌دهد «"این چگونه خواهد شد؟ زیرا من مردی را نشناخته‌ام"، و فرشته در پاسخ به او می گوید: "روح‌القدس بر تو خواهد آمد و قدرت باری‌تعالی تو را زیر سایهٔ خود خواهد گرفت"» (لو۱: ۳۴)؛ حرف‌های فرشته به همان معنی در مـورد کلیسا اعتبار دارد، عروسی که به داماد خود، عیسی، (مکا۲۱: ۲) داده شـده، توسط نیروی روح القدس باردار می‌شود.

**زایش‌عذرایی**

**زایش از باکره**

کلمات مربوط: Annunciation – Virgin – Virginity

## Virginity

Virginité

حالت زنی که رابطهٔ زناشویی نداشته است. احترام به کمال جسم، اعم از مرد و زن و پرهیز از رابطهٔ زناشویی.

مثل همهٔ ملت‌ها، یهودیان همواره برای بارداری ارزش قائل بودند و باکرگی فقط برای حفظ طهارت قبل از ازدواج، والا تلقی می‌شد. در تاریخ قوم یهود قبل از عیسی، نمونه‌های زندگی مجردی اختیاری نادرند: یکی از آنها یحیی(یوحنا تعمیددهنده) است که خود را "دوست داماد" می‌نامید (یو۳: ۲۹).

اشعیای نبی پیوند داماد به دوشیزه‌ای را نماد عروسی مسیحانهٔ یهوه با قوم اسرائیل دانست. عیسی برای ملکوت، مجرد ماند(مت۱۹: ۱۲).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "باکره".

**عذرایی**

**باکرگی**

**دوشیزگی**

کلمات مربوط: Chastity – Immaculate Conception – Virgin

## Virtue

Vertu

فضیلت مثبت عمل انسانی. در روایات مختلف، فیلسوفان یا پیامبران، فهرست فضیلت‌ها را داده‌اند؛ فضیلت‌های بنیادین در نظر افلاطون (ف ۳۴۸/۳۴۷ق.م)، شامل مدارا، هشیاری، عدالت و قوت هستند، که همان فضیلت‌های چهارگانهٔ مورد ستایش در نوشته‌های مسیحی اند؛ ولی فضیلت مسیحی اصولاً نه در عقل انسان بلکه در ارادهٔ خدا بنا شده است و نتیجهٔ عمل روح القدس است.

فهرست فضیلت‌ها شامل اینها هستند: محبت - ایمان - صلح - شادی - مهربانی - خیرخواهی - ملایمت - همراهی و همدلی با دیگران - بخشش - آمادگی به خدمت - وفاداری - راستی - عدالت - مهمان نوازی - فروتنی - پایداری - صبر و تحمل - تسلط بر نفس - قناعت - پاکی - تقوا...؛ ولی ایمان، محبت و امیدواری از همه مهمترند (۱قرن۱۳: ۱۳؛ غلا۵: ۵ به بعد).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "فضایل"

**فضیلت**

کلمات مربوط: Theological Virtues – Vice

## Vision

درک فوق طبیعی در اثر دخالت قدرت بزرگتر از قدرت انسانی. برخی از دانشمندان الهی بین پدید گشتن‌های فوق‌العاده و رؤیت‌های فوق‌العاده تمییز داده، گفته‌اند که در ابتدا، ما نمی‌دانیم که موجود مورد نظر و تماشا موجودی واقعی است یا نه، در صورتی که در رؤیت، آن را به وجود عینی ربط می‌دهیم؛ عرفا، این دو را مترادف می‌دانند و حتی دید رؤیایی

را جزء درک الهامی می‌دانند؛ چنین تجربه ای را رسولان بارها داشتند (اع۵: ۱۹، ۷: ۵۵ به بعد، ۹: ۳ و ۱۰، ۱۰: ۳). مکاشفهٔ یوحنا خود توصیف مناظر رؤیایی و الهامی از دوران پایانی است.

**رؤیت**

**رؤیا**

**بینش**

کلمات مربوط: Apparition

## Visitation

دیدار حضرت مریم از خویشاوندش الیصابات در زمانی که هر دو باردار بودند. ر.ک. لو ۱: ۳۹ و بعد؛ جشن آن ۳۱ مِی (۱۰ خرداد) در کلیسای کاتولیک (سابقاً ۲ ژوئیه)؛ و ۳۰ مارس (۱۰ فروردین) در کلیسای ارتدکس گرفته می‌شود.

**دیدار مریم از الیصابات**

**زیارت مریم از الیصابات**

کلمات مربوط: Annunciation

## Vocation

دعوتی که هر کس، برای اجرای تعهد خود به پارسایی دارد؛ برخی چنین دعوتی را در زندگی راهبانه دارند و دیگران در زندگی زناشویی؛ در هر لحظه، هر کس با الهام روح‌القدس، در هر مرحله‌ای از زندگی خود، دعوت خویش را تشخیص می‌دهد.

**دعوت خدا**

**ندای درونی**

کلمات مربوط: Mission – Monachism – Chastity – Vow – Conversion

## Vow

Vœu

در کلیسای قدیم، تعهدی که یا به طور فردی و شخصی با خدا بسته می‌شود، یا به صورت عمومی و مرئی؛ مثلاً در مرحلهٔ ورود به یک دیر: تعهد به مجردی (نزاهت)، به فقر، به اطاعت.

**تعهدات دینی**

## نذر

## پیمان سرسپاری

کلمات مربوط: Chastity – Obedience – Poverty

# Vulgate

**Lat.** *vulgata* = "زبان رایج"

ترجمهٔ کتاب مقدس به زبـان لاتین در قـرن پنجم میلادی به دستور پاپ دامازوس و توسط هیرونیموس (ژروم) قدیس. لاتین، زبان رسمی امپراتوری روم بود و تا پایان قرون وسطی، تنها زبان علم و ادب در اروپا ماند.

## ترجمهٔ عامیانه

## وُلگات

# W

## Whitsun / Whit Sunday

Pentecote

ر.ک. Pentecost.

## Whitsunday

ر.ک. Pentecost.

## Wine

Vin

کاشتن درخت مو در فرهنگ قوم یهود نقش اساسی داشت. نوح، بعد از طوفان، روی زمینی که دیگر مورد لعنت خدا نخواهد بود، تاکستان کاشت تا یادآور آن شود که تبرک خدا در اثر گناه آدم تماماً از بین نرفته است (پید۹: ۲۰).

شراب، قلب غمناک را شاد می‌کند (امث۳۱: ۶؛ مز۱۰۳: ۱۵)، به شرطی که بیش از اندازه خورده نشود (بنسی۳۱: ۲۵-۳۱).

## White

Blanc

رنگ سفید، رنگ نور، این رنگ به خدا و موجودات آسمانی داده شده، مظهر پیروزی و تقدس است. سر و موهای پسر انسان، سفید هستند درست مانند پشم و برف (مکا۱: ۱۴)؛ ۲۴ شیخ به سفید ملبس می‌باشند (مکا۴:۴) و جماعت برگزیده شدگان نیز (مکا۷: ۹، ۱۳: ۱۴). در روز تجلی عیسی بر فراز کوه، «رختهای وی درخشان گردید، بی‌نهایت سفید، طوری که گازری بر روی زمین نمی‌تواند آن چنان سفید گرداند» (مر۹: ۳).

در آیین تعمید، شخص تعمید یافته لباس سفید تن می کند تا زندگی نوین را نمایان سازد.

**سفید**

شـراب که از خداست، در آیین‌های قربانی ریخته می‌شود؛ نوبری است که تقدیم می‌شود. جز در مورد نذر یا زُهد شخصی (مثلاً در رسم "نذیرگی"، اع۶: ۲-۲۰)، خوردن شراب برای یهودیان رایج و مجاز است.

در عهدقدیم(عتیق)، نبودن شراب نشانهٔ کیفر سخت برای قومی است که وفادار نمانده است (اش۲۴: ۷-۱۱)؛ آنگاه تنها، شراب خشم الهی باقی می‌ماند (اش۵۱: ۱۷)؛ درعـوض، خوشبختی یهودیان وفادار به صورت فراوانی شراب است (یول۴: ۱۸).

در عهد جدید، "شراب تازه"، نمودار دوران مسیحایی اسـت؛ پیمان جدید، مثل شراب تازه است (مر۲: ۲۲)؛ به همین نحو در عروسی قانا که در انجیل گزارش شده، شرابی که "تا کنون" در انتظار آن بودند، اعطای محبت مسیح بود، نشان شادی آمدن او (یو۲: ۱۰، ۴: ۲۳، ۵: ۲۵).

شراب تازه، همان است که در ضیافت آخر به شاگردان عیسی داده خواهد شد. قبل از خوردن شراب در ملکوت پدر (مر۱۴: ۲۵)، مسیحیان با شرابی که تبدیل به خون خداوند شده، سیراب خواهند شد. برای مسیحیان، شراب باعث شکرگزاری است و نیز یادآور قربانی‌است که سرچشمهٔ نجات و شادی جاودان است (۱قرن۱۱: ۲۵ به بعد).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "شراب".

**شراب**

کلمات مربوط: Bread – Nazirite

## Wisdom

Sagesse

فرزانگی، یکی از عطایای هفتگانهٔ روح‌القدس (اش۱۱: ۲).

نمونهٔ فرزانگی در عهد قدیم(عتیق)، سلیمان است: عطیهٔ خداست که توسط دعا به‌دست او رسید (۱پاد۳: ۶-۱۴). فرزانگی

واقعی از خداست و دانشی که انسان توسط میوهٔ ممنوع باغ بهشت کسب کرد، دانش خودخواهی است که ملعون است «وای بر آنانی که در نظر خود حکیمند و پیش روی خود فهیم می‌نمایند» (اش۵: ۲۱).

دانـش عیسی بـا دانـش کاتبان فرق می‌کند: از سن جوانی عجایب فرزانگی او بر همه روشن گردید (مر۱: ۲۱ به بعد) و در حکمت از سلیمان برتر است (مت۱۲: ۴۲).

حکمت صلیب، از دید انسانی، دیوانگی می‌نماید: پولس، حکمت خدا را دیوانگی در معیار حکمت انسانی توصیف می‌کند «زیرا آنچه دیوانگی خدا است از آدمیان حکیم‌تر است و آنچه ناتوانی خدا است از آدمیان نیرومندتر است» ۱قرن۱: ۱۷-۲۵).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "حکمت".

**فرزانگی**

**حکمت**

کلمات مربوط: Gifts of the Holy Spirit

**Wisdom** (Book of -)

Livre de la Sagesse

یکی از کتاب‌های عهدقدیم(عتیق) که به سلیمان نسبت داده‌اند ولی مؤلف واقعی آن ناشناس است؛ احتمالاً در اسکندریهٔ مصر، در حدود پنجاه قبل از میلاد به زبان یونانی تألیف شده است. این کتاب جزو کتاب‌های تورات یهودیان نیست و مورد قبول اغلب کلیساهای پروتستان هم نمی‌باشد.

**کتاب حکمت**

**Wise Men**

Rois mages

ر.ک. Magus.

**Witness**

Temoin

ر.ک.Testimony.

**شاهد**

**شهید**

**گواه**

## Word

Parole

کلمهٔ یونانی logos، که معمولاً ”سخن“ ترجمه می‌شود، به معنی گفتار و منطق و فکر و حساب هم آمده است؛ این کلمه در مسیحیت از اهمیت خاصی برخوردار است زیرا، همان طور که انجیل یوحنا در آیهٔ اول می‌گوید، عیسی، سخن خداست و سخن خدا تن گرفته است «سخن تن شد و در بین ما ساکن گردید» (یو۱: ۱۴).

در طرز بیان قدیم، کلمه و شیئی یکی هستند و حرف زدن با عمل کردن مترادف است، چیزی که در مورد خدا صحت دارد، این است که او با سخن گفتن خلق می‌نماید.

سخن خدا توسط پیامبران ارائه می‌شود، و این سخن، پیام باطنی نیست که فقط عده‌ای از آن برخوردار شوند، بلکه پیامی است همگانی برای عموم قوم؛ این سخن هم دستور است(همان طور که به موسی فرمان‌های دهگانه را نقل کرد) و هم الهام خدا و عمل او در دنیاست «خدا تمامی این سخنان را فرمود: ”من، یهوه، خدای تو هستم، که تو را از سرزمین مصر بیرون آوردم، از خانهٔ بردگان“...» (خروج۲۰: ۱-۲).

در انجیل، کلام خدا به عیسی به گونه‌ای داده نشد که سابقاً به یهودیان داده می‌شد، بلکه سخن وی، عین کلام خدا در عهدقدیم(عتیق) است، قوّتی است که عمل می‌کند و نوری است که آشکار می‌سازد. با یک کلمه، عیسی نشانهٔ ملکوت خدا را عیان می‌کند و تعین می‌بخشد؛ او گناهان را می بخشد و مریضان را شفا می دهد(مت۹: ۷). سخن او در شنونده‌ای که سخن او را نگه دارد، دارای زندگی جاودان است (یو۵: ۲۴، ۸: ۵۱)، بعضی‌ها گوش شنوا ندارند زیرا «هر کس مرا طرد می‌کند و سخنان مرا نمی‌پذیرد داوری کننده‌ای دارد: سخنی که من گفته‌ام او را در واپسین روز داوری خواهد کرد.

زیرا من از طرف خودم سخن نگفته‌ام بلکه پدری که مرا فرستاده است و به من آنچه باید بگویم و انجام دهم، فرمان داده است» (یو۱۲: ۴۸)

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "کلام - کلمهٔ خدا".

**سخن**

**کلام**

**کلمه**

## Works

Œuvres

خلقت جهان و پیمان با قوم برگزیده، از عجایب اعمال خدا می‌باشند که تأمل و تعمق در آنها انسان را به وجد می‌آورد «کارهای تو مرا از شادی لبریز می‌سازد، در برابر اعمال دست تو با فریاد می‌گویم: "خداوندا، کارهای تو چه عظیم است و فکرهای تو بی نهایت عمیق!"» (مز۹۲: ۵-۶).

عیسی، همان کارها را ادامه می‌دهد و تکمیل می‌کند «کارهائی که پدرم به من سپرده تا آنها را انجام دهم، همین کارها در بارهٔ من شهادت می‌دهند که پدر مرا فرستاده است» (یو۵: ۳۶)؛ و این کارها، بی‌وقفه است (یو۵: ۱۷)،

عیسی از شاگردان، انجام کارهای نیک را خواسته است تا شهادتی گردند «نور شما در برابر انسان‌ها بدرخشد تا کارهای نیک شما را دیده شکوه پدرشما را که در آسمان‌ها است بستایند» (مت۵: ۱۶)؛ و فرمان‌های متعدد شریعت یهود برای رضایت خدا به یکی خلاصه می‌شود، ایمان به عیسی که اعمال پدر را انجام می‌دهد (یو۶: ۲۸ و بعد).

سخنان پولس (نامهٔ به رومیان) در تأیید این است، او تبرئه به وسیلهٔ اعمال و قانون را رد کرده، می‌گوید که نجات در انجام کارهای نیک نیست بلکه در صلیب عیسی است، در فیضی که با ایمان دریافت می کنیم . انتقاد او محدود به شریعت یهودیان نیست، بلکه انتقاد از هر مذهبی است که ادعا کند، به خودی

خود، انسان را به نجات می‌رساند.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "کارها (اعمال)".

**کارها**

**اعمال**

کلمات مربوط: Faith – Grace

## World (1)

Monde

دنیا توسط خدا آفریده شده است و ذاتاً نیکوست «خدا دید که این نیکوست» (پید۱: ۱۲؛ ر.ک. اع۱۴: ۱۶-۱۷). در ابتدای تاریخ بشر، گناه و مرگ وارد دنیا شده است و دنیا زیر سلطهٔ شیطان قرار دارد «زیرا می‌دانیم که تا کنون تمام آفرینش با هم از دردهای زایمان ناله می‌کنند. نه تنها آنها، بلکه ما هم که نوبرهای روح‌القدس را داریم، در انتظار فرزندخواندگی و بازخرید تن خود در درون خودمان می‌نالیم»(روم۸: ۲۲-۲۳). در انجیل یوحنا، کلمهٔ یونانی cosmos معانی مختلفی دارد:عالم خلق شده (یو۱۷: ۵) اما مطابق سنت‌های یهود اغلب با معنایی پست؛ جهان تابع قدرت شیطان، که عیسی را قبول ندارد و سرانجام توسط مسیح مغلوب می‌گردد (یو۱۶: ۳۳). بر اساس سنت‌های یهودی، روزی "جهان آینده" جایگزین این جهان فانی خواهد بود و آن جهان هم‌اکنون حاضر است (یو۱۳: ۱). سرانجام خدا این جهان را تا حدی دوست دارد «که پسر خود، آن یگانه را داده تا هر که به او ایمان آورد هلاک نشود بلکه زندگانی جاودانی یابد» (یو۳: ۱۶). با مرگ روی صلیب، عیسی بر شیطان پیروز می‌شود (یو۱۲: ۳۱-۳۲)؛ البته این نبرد، در دنیای معاصر، پایان نیافت و بازخرید جهان در این دوران پر درد ادامه دارد.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "دنیا".

**جهان**

**دنیا**

کلمات مربوط: World

## World (2)

Siècle

**Gr.** *aion* = "قرن، عصر"

دنیا؛ عالم غیر روحانی و یا عالم خارج از قلمرو رهبانیت؛ زندگی دنیوی در مقابل زندگی روحانی؛ صفت انگلیسی Secular از کلمهٔ لاتین /Siècle Saeculum اشتقاق پیدا می‌کند و برای توصیف نظام اجتماعی به کار برده می شود که قوانینش از اصول مذهبی جدایند.

کلمهٔ فرانسوی Siècle به دو معنی آمده است:

۱) فاصله زمان صد سال، قرن(مترادف کلمهٔ انگلیسی Century)؛

۲) دنیای عمومی، یعنی هر چه از دیر و کلیسا خارج است، مترادف کلمهٔ انگلیسی World.

### عالم غیر روحانی

### دنیای خارج از دیر

کلمات مربوط: Universalism – Secular

## World Council of Churches (WCC)

Conseil œcuménique des Églises (COE)

«شورای جهانی کلیساها» انجمن برادرانهٔ کلیساهایی است که مشترکاً به خداوند عیسی مسیح، خدا و نجات‌بخش، طبق کتاب‌مقدس اعتقاد دارند و کوشش می‌کنند تا باهم به دعوت مشترک برای جلال یگانهٔ خدای پدر و پسر و روح‌القدس جواب دهند؛ این انجمن کلیساها در راه اتحاد علنی در ایمان واحد است و در راه مشارکت برای برگذاری آیین قربانی مقدس، به شکل اتحاد مراسم کلیسایی و زندگی مشترک در عیسی مسیح است. همان طوری که عیسی برای شاگردان خود دعا کرد «تا همگی یکی گردند همچنان که تو، ای پدر، تو در من هستی و من در تو، آنان نیز در ما باشند تا جهان ایمان بیاورد که تو مرا فرستاده‌ای» (یو۱۷: ۲۱).

شورای جهانی کلیساها در ۱۹۴۸م در

آمستردام تأسیس شده است و مرکز آن در ژنو (سوئیس) است. اغلب کلیساهای پروتستان و ارتدوکس عضو آن شورا هستند و کلیسای کاتولیک، با این که با شورای جهانی کلیساها فعالانه همکاری دارد، به خاطر اصـول کلیساشناسی خاص خود، از عضویت رسمی در آن شورا خودداری می‌کند.

## شورای جهانی کلیساها

کلمات مربوط: Ecumenism

# Worship

Adoration

حالت ایمانداران در برابر شکوه و بزرگی خدا. حزقیال نبی در اوایل کتابش، تجربهٔ شخصی خود را وقتی حضور خدا بر او الهام شد، تعریف می‌کند«...مانند نمایش رنگین کمان که در روز باران در ابر می‌باشد، همچنین آن درخشندگی گرداگرد آن بود. این منظرِ شباهتِ جلال یَهُوَه بود و چون آنرا دیدم به روی خود درافتادم و آواز گوینده‌ای را شنیدم» (حزق۱: ۲۸). همان طور موسی در برابر بوتهٔ فروزان «روی خود را پوشانید زیرا ترسید که به خدا بنگرد» (خروج۳: ۶). پرستش تنها برای خدا انجام می‌گیرد (مت۴: ۱۰) و اشاره به اینکه این پرستش شامل عیسای مصلوب، خداوند و مسیح می‌باشد(اع۲: ۳۶)، برای یهودیان رسوایی بود. پولس می‌نویسد، او که "به صورت خدا بود" و تا مرحلهٔ مرگ روی صلیب "مانند آدمیان شد"، «خدا او را بسی بالا برده و نامی به او بخشیده که برتر از هر نامی است، تا به نام عیسی، زانوی موجودات آسمانی و زمینی و در زیر زمین خم شود، و هر زبانی اقرار کند که عیسی مسیح خداوند است، برای شکوه خدای پدر» (فی۲: ۹ به بعد). مکاشفهٔ یوحنا پرستش آن پسر محبوب را توصیف و ترسیم می‌کند، در ملکوت آسمان که در آن معبدی جز خدا

نخواهد ماند و پرستشی بی‌پایان و شبانه
روزی به حضور او تقدیم خواهد شد.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، "تجلیل - سجده کردن".

**پرستش**

**Y**

## Yahveh

خدا، خود اسمی را به قومش یاد می‌دهد که آن را خطاب به او در نیایش خواهند خواند (خروج۳: ۱۳-۱۵)؛ این الهام در خشکی بیابان و به صورت دهشتناک آتش اتفاق می‌افتد؛ این اسم به شکل فعل ''بودن'' در شخص اول، یعنی ''من هستم'' است. در این اسم، حالت خودداری خدا از آنکه انسان او را در چهارچوب گفتار بشری بگنجاند اظهار می‌شود:''من، آنی هستم که هستم''، یعنی من منبع هستی ام. معنی دیگر این اسم، راز است: خدا آنی است که از دانش ما بیرون است؛ در این نام هم خدا حضور خود را ارزانی می‌دارد: ''من با تو هستم'' و ''من آنی هستم که خواهم بود''، یعنی اینکه ضمن آشکارسازی‌های تدریجی و ملاقات و تجربه‌های انسانی مرا خواهی شناخت. بعداً اسم یهوه به لقب صبایوت متصل گردید.

بعد از تبعید، یهودیان از تلفظ اسم یهوه پرهیز کردند؛ در نوشتنی‌های ایشان چهار حرف آن را می‌نگاشتند ولی بین حروف، آواهای نامی را که تلفظ می‌کردند، یعنی ''اَدُنَیْ'' (Adonaï) را ترسیم می‌کردند که منجر شد به شکل تصنعی یَهُوَهْ. در ترجمهٔ یونانی ''هفتادتنان''، این اسم به Kurios، ''خداوند'' تبدیل شد. مسألهٔ نام خدا با آمدن عیسی، برای مسیحیان، رفع شد زیرا خدا «نامی به او بخشیده که برتر از هر نامی است، تا به نام عیسی، زانوی موجودات آسمانی و زمینی و در زیر زمین خم شود، و هر زبانی اقرار کند که عیسی مسیح خداوند است برای شکوه خدای پدر» (فی۲: ۹).

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، ''یهوه''.

## یهوه

کلمات مربوط: Sabaot – Tetragrammaton – Eternity – Everlasting Life

# Z

## Zealot

Zélote

**Gr.** *zelotes* = "آن که با شور و شوق سرسپردهٔ مذهب باشد"

لقب شمعون (لـو۶: ۱۵؛ اع۱: ۱۳) به معنی «پرجوش، طرفدار شریعت» طرفدار نهضتی انقلابی که به قیام ضد ارتش روم انجامید، و سرکوب نهایی در ۷۰م رخ داد.

ر.ک. فرهنگ عهد جدید، مقدمه، باب ۱۱، بند۴، "غیوران".

## غیور

کلمات مربوط: Pharisee

فهرست انگلیسی

# A


Abba....1
Abbess....1
Abby....1
Abbot....1
Abjuration....1
Ablution....2
Absolution....2
Abstinence....2
Abyss....2
Accident....3
Accomplish (to -) [Accomplishment]....3
Acculturation....3
Acolyte....4
Act of faith....4
Adam....4
Adam and Eve....5
Adaptation....6
Ad Gentes....6
Adoption....6
Adore (to) / Adoration....7
Advent....7
Adventist (church)....8
Agape....8
Agnosticism....8
Agnus Dei....9
Agony of Christ....9
Agrapha....9
Alb....10
Allegory....10
Alleluia....10

All Saints day..... 11
Almighty.....11
Alpha & Omega.....12
Altar.....12
Altar of Burnt Offerings.....12
Altar of Incense.....13
Ambo.....13
Amen..... 13
Anabaptism..... 14
Analogy..... 14
Anamnesis.....14
Anaphora.....14
Anastasis.....15
Anathema.....15
Anchorites.....16
Angel.....16
Angelology.....17
Angelus.....17
Anglicanism.....17
Anglo-Catholicism.....18
Announce the Gospel (to).....18
Annunciation.....18
Anointed.....19
Anointing of the Sick..... 19
Antichrist.....19
Antimension (Antimensium).....20
Antiphone.....20
Antitype.....20
Apocalypse.....21
Apocalyptic.....21

Apocatastasis.....21
Apocrypha.....21
Apollinarianism.....22
Apologete.....22
Apologetics.....22
Apophatic.....23
Apophthegms / Apothegm.....23
Apostasy.....23
Apostate.....24
Apostle.....24
Apostles' Creed.....24
Apostolate.....26
Apostolic.....26
Apostolic Constitution.....27
Apostolic Constitutions.....27
Apostolic Father.....27
Apostolic See.....28
Apostolic Succession.....28
Apostolicity of the Church.....28
Apothegm.....28
Apparitions.....28
Archangel.....29
Archbishop.....29
Archdeacon.....29
Archimandrite.....30
Arianism.....30
Ark.....30
Armageddon.....31
Armenian Church.....31
Ascension.....32

Ascetic - Asceticism.....32
Ash Wednesday.....33
Asperges.....33
Assemblies of God.....33
Assumption.....33
AssyrianChurch.....34
Atheism.....34
Atonement.....35
Atonement (day of -).....35
Attributes of God.....35
Aureole.....36
AutocephalousChurch.....36
Ave Maria.....36

# B

Babel / Babylon....37
Baptism....37
Baptist....38
Baptist Church....38
Barnabas....39
Basilica....39
Beast....39
Beatification....40
Beatitude....40
Beatitudes....40
Beget (to)....41
Bema....41
Benediction....42
Benedictus....42
Bible....42
Bishop....43
Blasphemy....43
Bless (to)....44
Blessed....44
Body....44
Booths (Feast of -)....47
Born again....48
Bread....48
Breaking of the Bread....49
Breviary....49
Bridegroom....50
Bull (Papal -)....50
Burning Bush....50

# C

Calvary....51
Calvinism....51
Candlemas....52
Canon (1)....52
Canon (2)....52
Canonical Books....53
Canonical Convalidation....53
Canonization....53
Canon Law....53
Canon of the Mass....54
Canon of the New Testament....54
Canon of the Old Testament....55
Canticle....56
Capitular....56
Cardinal....56
Cardinal Virtues....57
Carnal....57
Catacombs....57
Cataphatic....58
Catechesis....58
Catechism....58
Catechism of the Catholic Church....58
Catechist....59
Catechumen....59
Cathedral....59
Catholic....59
Catholic Epistles....60
Catholicity....61
Catholicos....61
Celebrate (to)....61

Celibacy....61
Cenaculum/Cenacle....62
Cenobite....63
Censer....63
Chalcedon....63
Chaldean Catholic Church....64
Chalice....64
Chapel....65
Chaplet....65
Chapter....66
Charism....66
Charismatic Movement....67
Charity....67
Chastity....68
Cherub (im)....69
Chrism....69
Chrismation....69
Christ....70
Christendom....70
Christianism (> Christian)....71
Christmas....71
Christology....72
Church....72
Church Fellowship....73
Ciborium....74
Circumcision....74
Circumincession....75
Clergy....75
Cloister....75
College (of Bishops) / Episcopal College....75

Collegiality....76
Commandment....76
Communion....76
Communion of Saints....77
Community....77
Conclave....78
Concordance....78
Concordat....78
Concupiscence....78
Confession....78
Confessor....79
Confessors of Faith....79
Confirmation....79
Congregation....79
Congregationalism....80
Congregation for the Evangelization of Peoples....80
Congregation for the Propagation of Faith....81
Consecrate....81
Conscience....81
Consistory....82
Consubstantial....82
Consubstantiation....83
Contemplation....83
Contemplative....84
Contextualization....84
Continence....84
Contrition....84
Convent....85
Conversion....85
Converted....85

Coptic Church.....85
Coredemption.....86
Council.....86
Council of Chalcedon.....86
Council of Nicaea.....86
Council of Trent.....87
Council of Vatican (First -).....87
Council of Vatican (Second -).....88
Covenant.....88
Creation.....89
Creation Ex Nihilo.....90
Credo (Profession of Faith).....91
Cross.....91
Crucifix.....91
Crucifixion.....92
Cruets.....92
Crusades.....92
Curia Romana.....92

# D

Damnation....94
Day of Atonement....94
Day of Judgment....94
Deacon / Deaconess....94
Death....95
Debt....96
Decalogue....96
Dedication....97
Deluge....97
Demon (Daemon) / Devil....97
Demythologization....98
Denomination....99
Deposit....99
Descent into Hell....99
Deuterocanonical Books....100
Devil....100
Diaconate....100
Dialogue (Ecumenical –)....100
Dialogue (Interreligious –) 101
Diaspora....101
Dicasterium....101
Didakhe....101
Didascalia Apostolorum....102
Diocese....102
Disciple....102
Disparity of Worship....102
Dispensation....103
Divine Person....103
Docetism....103
Doctors of the Church....104

Doctrine.....104
Dogma.....104
Dogmatics.....104
Dogmatism.....104
Dormition of the Virgin Mary.....105
Doxology.....105
Dulia.....105
Dyophysitism - Dyophysite.....106
Dyothelitism / Dyotheletism.....106

# E

Easter....107
Ebionites....107
Ecclesiastes....108
Ecclesiastic....108
Ecclesiastical....108
Ecclesiastical Body....108
Ecclesiasticus....109
Ecclesiocentrism....109
Ecclesiology....109
Economy of Salvation....109
Ecstasy....110
Ecumenical....110
Ecumenical Councils....110
Ecumenism....111
Effusion....112
Election....112
Elevation....113
Elohim....114
Encyclic / Encyclical....114
End of Times....114
Energy....115
Entry....115
Eparchy....116
Epiclesis....116
Epiphany....116
Episcopal....117
Episcopal Conference (Bishops' Conference)....118
Episcopate....118
Episcopos....118
Epistle....118

Eschatological.....119
Eschatology.....119
Essence.....119
Essenes.....119
Estrangelo / Estrangela.....120
Eternity.....120
Eucharist.....121
Eucharistic Hospitality.....121
Eucharistic Prayer.....122
Euchologion.....122
Eulogia.....122
Eulogy.....122
Evangelical.....123
Evangelist.....123
Evangelization.....124
Eve.....124
Everlasting Life.....125
Everlasting (Without Genealogy).....125
Evil One (the).....126
Exarch.....126
Excardination.....126
Excommunication.....126
Exegesis.....127
Exile.....127
Exodus.....128
Exorcism.....128
Expiation.....129
Extreme Unction.....129

# F

Faith.....130
Faithful.....130
Fall.....131
Fall (of Adam).....131
Fasting.....132
Father.....133
Fathers of the Church.....134
Fault.....134
Fearing God.....135
Fellowship.....135
Festal Letters.....135
Figure.....135
Filioque.....136
First Fruits.....136
Flesh.....137
Font (Baptismal -).....138
Forgiveness.....138
Form Criticism.....139
Fundamentalism.....139

# G

Gehenna....141
Genesis....141
Geniza....141
Gentiles....142
Genuflexion....142
Gift of Faith....143
Gifts of the Holy Spirit....143
Gloria....143
Glory....144
Glossolalia....145
Gnosis....146
Gnosticism....146
God....147
Godfather-Godmother....147
Golgotha....147
Good Friday....148
Good Samaritan....148
Gospel....148
Grace....149
Gregorian (Adj.)....150

# H

Hades.....151
Haggadah.....151
Hagiography.....151
Hail Mary.....151
Halleluyah.....152
Hallow (to -).....152
Haughtiness.....152
Heart.....153
Heathen.....153
Heaven(s).....153
Hegumen (-os).....155
Hell.....155
Heresy.....156
Hermeneutics.....156
Hermit.....157
Hesychasm.....157
Hierarchy.....158
High Priest.....158
History of Salvation.....159
Holiness.....159
Holocaust.....160
Holy.....160
Holy of Holies.....161
Holy Oil.....161
Holy See.....162
Holy Sepulchre.....162
Holy Spirit.....162
Holy Water.....164
Homily.....164
Hope.....165

Hosanna.....166
Host.....166
Humble.....167
Humility..... 167
Hymn.....167
Hypostasis..... 167
Hypostatic Union..... 168

# I

Icon....169
Iconoclasm....169
Iconostasis....170
Immaculate Conception....170
Impassibility....171
Imposition of Hands....171
Incardination....172
Incarnation....172
Inculturation....173
Inerrancy(Biblical-)....174
Infallibility....174
Inspiration (Biblical-)....176
Institution (of the Eucharist)....176
Integrism....176
Intercommunion....177
Interreligious Dialogue....177
Israel....177

# J

Jacobite.....179
Jansenism.....179
Jesuit.....179
Jesus, Jesus-Christ.....180
Justice.....180
Justification.....182
Kenosis.....182
Kerygma.....183
kingdom.....183

# L

Laicism.....185
Laicity.....185
Laity.....185
Lamb.....186
Last day.....186
Lay Apostolate.....186
Layman.....187
Leaven.....187
Liturgy.....188
Local Church.....189
Logion.....189
Lord.....189
Lord's Day.....190
Love.....191
Lucifer.....192
Lutheranism.....193

# M

Magisterium....194
Magnificat....194
Magus (Wise Men)....195
Manna....195
Maranatha....196
Mariology....196
MaroniteChurch....196
Marriage....196
Martyr....197
Martyrdom....198
Mary....198
Mass....199
Melkite Greek Catholic Church....199
Memento....200
Memorial....200
Mennonite....200
Messiah....200
Messianic....201
Messianism....201
Metany....201
Metaphor....201
Metropolitan....202
Midrash....202
Millenarianism....202
Minister....203
Ministry....203
Miracle....203
Mishnah....204
Missal....204
Missiology....205

Mission.....205
Missionary (Adj.).....206
Missionary (N.).....206
Modernism.....206
Monastery.....207
Monasticism/Monachism.....207
Monk.....208
Monophysitism.....208
Monotheism.....209
Monothelism.....209
Mortal Sin.....210
Mother.....210
Myron.....211
Mystagogy.....211
Mystery.....211
Mystical Body.....213
Mysticism.....214
Myth.....214

# N

Nag Hammadi....216
Nasorean....216
Nativity....217
Nature....217
Nazarene....218
Nazareth....218
Nazirite....219
Nazorean....219
Neighbor....219
Neophyte....220
Nestorianism....220
New Testament....221
Nicene Creed....221
Novice....222
Novitiate (Noviciate)....222
Nun....223
Nuncio....223

# O

Obedience.....224
Oblate.....225
Oblation.....225
Offering.....225
Offertory.....227
Oikonomia.....227
Oil.....227
Ointment.....227
Old Testament.....228
Order.....228
Ordinary.....229
Ordination.....229
Ordo Salutis.....229
Oriental.....230
Origen.....230
Original Sin.....230
Ornaments (Liturgical -).....231
Orthodox.....232
Orthodoxy.....232

# P

Pagan....233
Pagano-Christian....233
Pantocrator....233
Parable....233
Paraclete....234
Parenesis....235
Parish....236
Parousia....236
Particular Church....236
Pasch....236
Paschal Lamb....236
Passion....237
Pastor....237
Pastoral Care....237
Paten....338
PaterNoster....338
Patriarch....338
Patriarchate....339
Patristics....339
Pauline Privilege....339
Peace....240
Pedobaptism....241
Pelagianism....242
Penance (Sacrament of -)....242
Penitence....243
Penitent....243
Pentarchy....243
Pentateuch....244
Pentecost....244
People....245

Perichoresis....245
Pericope....246
Persecution....246
Person....247
Peshitta....247
Peter's Primacy....248
Petrine Privilege....249
Pharisee....249
Philocalia....249
Phylactery....250
Pietism....250
Piety.... 250
Plenitude....251
Pleroma....251
251
Pneuma-....252
Pontiff....252
Pontifical....252
Pontificate....252
Pope....253
Possession....253
Poverty....253
Praise....254
Prayer....254
Prayer of Jesus....255
Precursor-....255
Predestination....256
Pre-existence of the Soul....257
Preface....257
Prefiguration....257

Presbyter.....257
Presbyterial Council.....258
Presbyterian.....258
Presbytery.....258\259
Presence.....259
Presentation of Jesus in the Temple.....259
Priest.....259
Priesthood.....260
Priesthood of All Believers.....261
Primacy.....261
Primate.....261
Procession.....261
Procession of Holy Spirit.....262
Proclamation.....262
Prodigal Son.....262
Prodigy.....263
Profession.....263
Profession of Faith.....263
Promise.....264
Promised Land.....264
Propagation of Faith.....265
proper.....265
Prophecy.....265
Prophet.....265
Propitiation.....267
Propitiatory.....267
Proselyte.....268
Proselytism.....268
Proto-Canonical Books.....268
Providence (Divine -).....268

Prudence.....269
Psalm.....269
Psalter.....269
Psychic.....269
Publican.....270
Purgatory.....270
Puritanism (Puritans).....271
Purity.....271

# Q

Qoheleth.....272
Quietism.....272

# R

Rabbi....272
Ransom....272
Real Presence....273
Recapitulation....274
Reciprocal Admission....274
Reconciliation....274
Redeemer....274
Redmption....274
Reformation....275
Regular....275
Religious Order....276
Remission....276
Remnant....276
Reservation of the Sacred Sacrament....277
Resurrection....278
Return of Christ....279
Revelation....280
Righteous....280
Right Hand....281
Rise (to)....281
Risen....281
Rite....281
Rosary....282

# S

Sabaot....283
Sacerdotal....283
Sacrament....283
Sacramentals....284
Sacramentary....284
Sacred....284
Sacred College....285
Sacrifice....285
Sadduceans....286
Saint....286
Salvation....286
Samaria....287
Sanctuary....287
Sanctus....287
Sanhedrin....288
Satan....288
Savior....288
Scandal....289
Scape-Goat....290
Schism....291
Scholastic - Scholasticism....291
Scribe....291
Scriptural....292
Scriptures....292
Seal....293
Secular....294
See....294
Seminary....295
Send(to–inMission)....295
Sensus Plenior....296

Septuagint....296
Seraphim....297
Sermon....297
Servant....297
Sheol....298
Shepherd....298
Sign....299
Sign of the Cross....300
Simony....300
Sin....300
Sinlessness of Christ....302
Sola Scriptura....302
Son of God....302
Son of Man....304
Soteriology....305
Soul....306
Spirit....306
Spiritual....307
Staretz....307
Subordinationism....307
Subsidiarity....308
Substance....308
Sunday....308
Supernatural....308
Symbol....309
Synagogue....309
Synaxis....310
Syncretism....310
Synergy....310
Synod....311

Synopsis.....312
Synoptic Gospels.....312
Syriac Catholic / Orthodox.....312

# T

Tabernacle....314
Tabernacles (Feast of -)....314
Table of the shewbread....314
Tablets of the law....314
Targum....314
Teaching....315
Temperance....315
Temple....315
Temporal....317
Temptation....317
Testament....318
Testimony(Witness)....318
Tetragrammaton....319
Thanksgiving....319
Theandric....320
Theodicy....320
Theologian....320
Theological Virtues....320
Theology....321
Theomorphosis....321
Theonomy....321
Theophany....322
Theosis....322
Theotokos....322
Third Order....322
Thomism....323
Tithe....233
Torah....323
Tower of Babel....323
Tradition....323

Transfiguration of Jesus.....325
Transubstantiation.....325
Trespasses.....326
Trinitarian..... 326
Trinity (the Holy -).....326
Trisagion.....327
Triumphalism.....327
Troparion.....327
Trust of Faith.....327
Type.....328
Typology.....329

# U

Uncircumcised.....330
Unction.....330
Uniat / Uniate.....332
Unity.....332
Universalism (-Christian).....333
Unleavened Bread.....333

# V

Venial Sin....335
Verse....335
Vespers....335
Viaticum....335
Vice....336
Virgin....336
Virginal Birth....337
Virginity....337
Virtue....338
Vision....338
Visitation....339
Vocation....339
Vow....339
Vulgate....340

# W

White....341
Whitsun / Whit Sunday....341
Whitsunday....341
Wine....341
Wisdom....342
Wisdom (Book of -)....343
Wise Men....343
Witness....343
Word....344
Works....345
World (1)....346
World (2)....347
World Council of Churches (WCC)....347
Worship....348

# Y

Yahveh.....350

# Z

Zealot.....351

فهرست فرانسه

# A


Abba....1
Abbaye....1
Abbé....1
Abbesse....1
Abîme....1
Abjuration....2
Ablution....2
Absolution....2
Abstinence....2
Accident....3
Accomplir [Accomplissement]....3
Acculturation....3
Acolyte....4
Acte de foi....4
Action de graces....319
Ad Gentes....6
Adam....4
Adam and Eve....5
Adaptation....6
Adoration....348
Adorer / Adoration....7
Adventiste (Église-)....8
Agape....8
Agneau....186
Agneau pascal....236
Agnosticisme....8
Agnus Dei....9
Agonie du Christ....9
Agrapha....9
Allégorie....10

Alleluia....11
Alliance....88
Alpha & Omega....12
Ambon....13
Âme....306
Amen....13
Amour....191
Anabaptisme....14
Anachorètes....16
Analogie....14
Anamnèse....14
Anaphore....14
Anastasis....15
Anathème....15
Ancien Testament....228
Ange....16
Angélologie....17
Angelus....17
Anglicanisme....17
Anglo-Catholicisme....18
Annoncer l'Évangile....18
Annonciation....18
Antichrist....19
Antienne....20
Antimension (Antimensium)....20
Antitype....20
Apocalypse....21-280
Apocalyptique....21
Apocatastase....21
Apocryphes (livres -)....21

Apollinarianism.....22
Apologétique.....22
Apologiste/Apologète.....22
Apophatique.....23
Apophtègmes.....23
Apostasie.....23
Apostat.....24
Apostolat.....26
Apostolat des laïcs.....186
Apostolicité de l'Église.....28
Apostolique.....26
Apothegm.....28
Apôtre.....24
Apparitions.....28
Archange.....29
Arche.....30
Archevêque.....29
Archidiacre.....29
Archimandrite.....30
Arianisme.....30
Arrhes.....99
Ascension.....32
Ascète - Ascétique.....32
Aspersion.....33
Assemblée liturgique.....79
Assemblées de Dieu.....33
Assomption.....33
Athéisme.....34
Attributs de Dieu.....35
Aube.....10

Aureole.....36
Autel.....12
Autel de l'encens.....13
Autel des Holocaustes.....12
Ave Maria.....36
Avent.....7
Azyme.....333

# B

Babel / Babylon....37
Baptême....37
Baptiste....38
Baptiste (Église)....38
Barnabé....39
Basilique....39
Beatification....40
Beatitude....40
Béatitudes....40
Bema....41
Bénédicité....149
Benediction....42
Benedictus....42
Bénir....44
Berger....298
Bête....39
Bible....42
Bienheureux....44
Blanc....341
Blasphème....43
Bon Samaritain....148
Bouc émissaire....290
Bréviaire....49
Buisson ardent....50
Bulle (papale)....50
Burettes....92

# C

Cabanes (fête des -).....47
Calice.....64
Calvaire.....51
Calvinisme.....51
Canon.....52
Canon de l'Ancien testament.....55
Canon de la messe.....54
Canon des écritures.....53
Canon du Nouveau testament.....54
Canonisation.....53
Cantique.....56
Capitulaire.....56
Cardinal.....56
Catacombes.....57
Cataphatique.....58
Catéchèse.....58
Catéchète / Catéchiste.....59
Catéchisme.....58
Catéchumène.....59
Cathéchisme de l'Église catholique.....58
Cathédrale.....59
Catholicité.....61
Catholicos.....61
Catholique.....59
Célébrer.....61
Célibat.....61
Cénacle.....62
Cénobite.....63
Chair.....137
Chalcédoine.....63

Chandeleur....52
Chanoine....52
Chapelet....65
Chapelle....65
Chapitre....66
Charisme....66
Charité....67
Charnel....57
Chasteté....68
Cheol (Sheol)....298
Chérubins....69
Chérubins....69
Chrétienté....70
Chrismation....69
Christ....70
Christianisme (> Chrétien)....71
Christologie....72
Chute (d'Adam)....131
Chute....131
Ciboire....74
Ciel / Cieux....153
Circoncision....74
Circumincession....75
Clergé....75
Cloître....75
Cœur....153
Collège (des évêques)....75
Collégialité....76
Commandement....76
Communauté....77

Communion.....135
Communion.....76
Communion des Saints.....77
Communion ecclésiale.....73
Concile.....86
Concile de Chalcedoine.....86
Concile de Nicée.....86
Concile de Trente.....87
Concile de Vatican (Premier).....87
Concile de Vatican II.....88
Conciles œcuméniques.....110
Conclave.....78
Concordance.....78
Concordat.....78
Concupiscence.....78
Conférence épiscopale.....118
Confesseur.....79
Confesseurs de la foi.....79
Confession.....99
Confirmation.....79
Congrégation.....79
Congrégation pour l'évangélisation des peuples.....80
Congrégation pour la propagation de la foi.....80
Congrégationalisme.....80
Consacrer.....81
Conscience.....81
Conseil œcuménique des Églises (COE).....347
Conseil Presbytéral.....258
Consistoire.....82
Constitution apostolique.....27

Constitutions apostoliques.....27
Consubstantiatio.....83
Consubstantiel.....82
Contemplatif.....84
Contemplation.....83
Contextualisation.....84
Continence.....84
Contrition.....84
Convalidation canonique.....53
Conversion.....85
Converti.....85
Coredemption.....86
Corps.....44
Corps ecclésial.....108
Corps mystique.....213
Couvent.....85
Craignant Dieu.....135
Creation.....89
Creation Ex Nihilo.....90
Credo (Profession de foi).....91
Croisades.....92
Croix.....91
Crucifix.....91
Crucifixion.....92
Curie romaine.....92

# D

Damnation....94
Decalogue....96
Dédicace....97
Deluge....97
Démon / Diable....100
Démon....97
Démythologisation....98
Dépôt de la foi....143
Dépôt de la Foi....327
Dernier jour....186
Descente du Christ aux Enfers....99
Dette....96
Deutérocanoniques (écrits -)....100
Diaconat....100
Diacre / Diaconnesse....94
Dialogue interreligieux....101
Dialogue interreligieux....177
Dialogue œcuménique....100
Diaspora....101
Dicastère....101
Didakhe....101
Didascalia Apostolorum....102
Dieu....147
Dimanche....308
Dime....323
Diocèse....102
Disciple....102
Disparité des cultes....102
Dispense....103
Docétisme....103

Docteurs de l'Église.....104
Doctrine.....104
Dogmatique (n.).....104
Dogmatisme.....104
Dogme.....104
Dons de l'Esprit.....143
Dormition de la Vierge.....105
Doxologie.....105
Droit canon.....53
Droite.....281
Dulie.....105
Dyophysisme.....106
Dyothélisme / Dyothélétisme.....106

# E

Eau bénite....164
Ebionites....107
Ecclésial....108
Ecclésiaste....108
Ecclésiastique....108
Ecclésiocentrisme....109
Ecclésiologie....109
Économie du salut....109
Ecritures....292
Effusion....112
Église....72
Eglise Arménienne....31
Eglise Arménienne....31
Église Assyrienne....34
Église autocéphale....36
Église chaldéenne catholique....64
Église copte....85
Église grecque-catholique Melkite....199
Église locale....189
Église Maronite....196
Église particulière....236
Église Syriaque (Catholique/Orthodoxe)....312
Election....112
Élévation....114
Encensoir....63
Encyclique....114
Energie....115
Enfers....155
Engendrer....41
Enseignement 315

Entrée....115
Envoyer (en Mission)....295
Éparchie....116
Épiclèse....116
Épiphanie....116
Episcopal....117
Épiscopat....118
Episcopos....118
Épitre....118
Épitres catholiques....60
Époux....50
Ermite....157
Eschatologie....119
Eschatologique....119
Espérance....165
Esprit....306
Esprit Saint....162
Essence....119
Esseniens....119
Estrangelo / Estrangela....120
Éternel (Sans généalogie)....125
Éternité....120
Eucharistie....121
Eucologe / Euchologue....122
Eulogie....122
Eulogies....122
Évangélique....123
Évangélisation....124
Évangéliste....148
Èvangile....148

Eve.....124
Évêque.....43
Exarque.....126
Excardination.....126
Excommunication.....126
Exégèse.....127
Exil.....127
Exode.....128
Exorcisme.....128
Expiation.....129
Extase.....110
Extrême onction.....129

# F

Faute.....134
Fidèle.....130
Figure.....135
Filioque.....136
Fils de Dieu.....302
Fils de l'homme.....304
Fils prodigue.....262
Fin des temps.....114
Foi.....130
Fondamentalisme.....139
Fonts baptismaux.....138
Formgeschichte.....139
Fraction du pai.....49

# G

Géhenne / Guéhenne.....141
Genèse.....141
Geniza.....141
Gentils.....142
Genuflexion.....142
Gloire.....144
Gloria.....143
Glossolalia.....145
Gnose.....146
Gnosticisme.....146
Golgotha.....147
Grâce.....149
Grand Pardon.....35
Grégorien (adj).....150

# H

Hadès.....151
Haggadah.....151
Hagiographie.....151
Halleluyah.....152
Harmagedôn.....31
Hérésie.....156
Herméneutique.....156
Hésychiasme.....157
Hiérarchie.....158
Higoumène.....155
Histoire du salut.....159
Holocauste.....160
Homélie.....164
Hosanna.....166
Hospitalité eucharistique.....121
Hostie.....166
Huile.....227
Huile Sainte.....161
Humble.....167
Humilité.....167
Hymne.....167
Hypostase.....167

# I

Hypostase....167
Icône....169
Iconoclasme....169
Iconostase....170
Immaculée conception....170
Impassibility....171
Impeccabilité du Christ....302
Imposition des mains....171
Incardination....172
Incarnation....172
Incirconcis....330
Inculturation....173
Inerrance (biblique-)....174
Infaillibilité....174
Institution eucharistique....176
Intégrisme....176
Intercommunion....177
Israel....177

# J

Jacobite.....179
Jansénisme.....179
Je vous salue Marie.....151
Jésuite.....179
Jésus, Jésus-Christ.....180
Jeûne.....132
Jour du Grand Pardon.....94
Jour du jugement.....94
Jour du Seigneur.....190
Juste.....280
Justice.....180
Justification.....182

# K

Kénose.....182
Kérygme.....183

# L

Laïc.....187
Laïcat.....185
Laïcisme.....185
Laïcité.....185
Le Mauvais.....126
Lettres festales.....135
Levain.....187
Liturgie.....188
Livre de la Sagesse.....343
Logia.....189
Louange.....254
Lucifer.....192
Luthéranisme.....139

# M

Mages....195
Mages....194
Magnificat....194
Manne....195
Maranatha....196
Mariage....196
Mariage....198
Mariologie....196
Martyr....197
Martyre....198
Memento....200
Memorial....200
Mennonite....200
Mercredi des Cendres....33
Mère....210
Messe....199
Messianique....201
Messianisme....201
Messie....200
Métanie....201
Métaphore....201
Métropolite....202
Midrash....202
Millénarisme....202
Ministère....203
Ministre....203
Miracle....203
Mishnah....204
Missel....204
Missiologie....205

Mission.....205
Missionnaire.....206
Modernisme.....206
Moine.....208
Monachisme.....207
Monastère.....207
Monde.....346
Monophysisme.....208
Monothéisme.....209
Mort.....95
Mouvementcharismatique.....67
Myron.....211
Mystagogie.....211
Mystère.....211
Mystique/Mysticisme.....214
Mythe.....214

# N

Nag Hammadi....216
Naissance Virginale....337
Nativité....217
Nature....217
Nazaréen....218
Nazareth....218
Nazir....219
Nazoréen....216
Nazoréen....219
Né à nouveau....48
Neophyte....220
Nestorianisme....220
Noël....71
Nonce....223
Nonne, Moniale....223
Nouveau Testament....221
Novice....222
Noviciat....222

# O

Obéissance....224
Oblat....225
Oblation....225
Œcuménique....110
Œcuménisme....111
Œuvres....345
Offenses....326
Offertoire....227
Offrande / Sacrifice....227
Oint....19
Onction....330
Onction des malades....19
Onguen....227
Ordinaire....229
Ordination....229
Ordo Salutis....229
Ordre....228
Ordre Religieux....276
Orgueil....152
Oriental....230
Origène....230
Ornaments (Liturgiques)....231
Orthodoxe....232
Orthodoxie....232

# P

Pagano-Chrétien....233
Païen....153
Païen....233
Pain....48
Paix....240
Pantocrator....233
Pape....253
Pâques....107
Paques....236
Parabole....233
Paraclet....234
Paranèse....235
Pardon....138
Paroisse....236
Parole....344
Parousie....236
Parrain - Marraine....147
Passion....237
Pasteur....237
Pastorale....237
Patène....338
Pater Noster....338
Patriarcat....339
Patriarche....338
Patristique....339
Pauvreté....253
Péché....300
Péchémortel....210
Péchéoriginel....230
Péché Véniel....335

Pédobaptisme....241
Pélagianisme....242
Pénitence (Sacrement de -)....242
Pentarchie....243
Pentateuque....244
Pentecôte....244
Pentecote....341
Père....133
Pères apostolique....27
Pères de l'Église....134
Périchorèse....245
Pericope....246
Persecution....246
Personne....247
Personne divine....103
Peuple....245
Pharisien....249
Philocalie....249
Phylactère....250
Piétisme....250
Piety....250
Plenitude....251
Plérôme....251
Pluralisme....251
Pneuma....252
Pontife....252
Pontifical....252
Pontificat....252
Possession....253
Précurseur....255

Predestination....256
Pré-existence de l'âme....257
Préface....257
Prefiguration....257
Prémices....136
Presbytère....258
Presbytérien....258
Presbyterium....259
Presence....259
Présence Réelle....273
Présentation de Jésus au Temple....259
Prêtre (grand -)....158
Prêtre....257
Prêtre....259
Prière....254
Prière de Jésus....255
Prière eucharistique....122
Primat....261
Primatie....261
Primauté de Pierre....248
Privilège paulin....339
Privilège Pétrinien....249
Procession....261
Procession du Saint-Esprit....262
Prochain....219
Proclamation....262
Prodige....263
Profession....263
Profession de Foi....263
Promesse....264

Propagation de la Foi.....265
Prophète.....265
Prophétie.....265
Propitiation.....267
Propitiatoire.....267
Propre.....265
Prosélitysme.....268
Proselyte.....268
Proto-Canoniques.....268
Providence (Divine -).....268
Prudence.....269
Psalm.....269
Psautier.....269
Pshitta.....247
Psychique.....269
Publicain.....270
Pureté.....271
Purgatoire.....270
Puritanisme(Puritains).....271

# Q

Qoheleth.....272
Quiétisme.....272

# R

Rabbin....273
Rachat - Rédemption....275
Rachat....35
Rançon....273
Recapitulation....274
Reciprocal Admission....274
Reconciliation....274
Rédempteur....274
Réforme....275
Regular....276
Remission....276
Repenti....243
Repentir....243
Ressuscité....281
Ressusciter....281
Reste....276
Resurrection....278
Retour du Christ....279
Révélation....280
Rite....281
Rois mages....343
Rosaire....282
Royaume....183

# S

Sabaoth....283
Sacerdoce....260
Sacerdoce de tous les croyants....261
Sacerdotal....283
Sacramentaire....284
Sacramentaux....284
Sacré....284
Sacré collège....285
Sacrement....283
Sacrifice....285
Sadducéens....286
Sagesse....342
Saint–Siège....162
Saint (Holy)....160
Saint....286
Saint des Saints....161
Saint Sépulchre....162
Sainte Réserve (Saint Sacrement)....277
Saintet....159
Salut....286
Samarie....287
Sanctifier....152
Sanctuaire....287
Sanctus....287
Sanhedrin....288
Satan....288
Sauveur....288
Scandale....289
Sceau....293
Schisme....291

Scholastic - Scholasticism....291
Scribe....291
Scripturaire....292
Séculier....294
Seigneurie....189
Séminaire....295
Sensus Plenior....296
Septante....296
Seraphin....297
Sermon....297
Serviteur (de Yahve)....297
Siècle....247
Siège....294
Siège apostolique....28
Signe....229
Signe de Croix....300
Simonie....300
Sola Scriptura....302
Sotériologie....305
Spirituel....307
Staretz....307
Subordinationism....307
Subsidiarite....308
Substance....308
Succession apostolique....28
Surnaturel....308
Symbole....309
Symbole de Nicée....221
Symbole des apôtres....24
Synagogue....309

Synaxis.....310
Syncrétisme.....310
Synergie.....310
Synode.....311
Synopse.....312
Synoptiques (Evangiles-).....312

# T

Tabernacle....312
Table des pains d'oblation....314
Tables de la Loi....314
Targoum....314
Témoignage....318
Temoin....343
Temperance....315
Temple....315
Temporel....317
Tentation....317
Tentes (fête des -)....314
Terre Promise....264
Testament....318
Tétragramme....319
Théandrique....320
Théodicée....320
Théologie....321
Theologien....320
Théomorphose....321
Théonomie....321
Théophanie....322
Théopneustie....176
Theosis....322
Theotokos....322
Thomisme....323
Tiers-Ordre....322
Torah....333
Tour de Babel....333
Toussaint....11
Tout-puissant....11

Tradition.....333
Transfiguration de Jésus.....325
Transsubstantiation.....325
Trinitaire.....326
Trinité (Sainte-).....326
Triomphalisme.....327
Trisagion.....327
Tropaire.....327
Type.....328
Typologie.....329

# U

Uniate.....332
Union hypostatique.....168
Unité.....332
Universalism.....333

# V

Vendredi saint....148
Vêpres....335
Verset....335
Vertu....338
Vertus cardinales....57
Vertus Théologales....320
Viatique....335
Vice....336
Vie éternelle....125
vierge....336
Vin....341
Virginité....337
Vision....338
Visitation....339
Vocation....339
Vœu....339
Vulgate....340

# W

Whitsunday.....341

# Y

Yahveh.....350

# Z

Zélote.....351

# فهرست فارسی

## آ


آب مقدس..... ۱۶۴
آخرت شناسی..... ۱۱۹
آخرتی..... ۱۱۹
آداب و سنن عبادتی..... ۲۸۴
آدم و حوا..... ۶
آرامش..... ۲۴۱
آرامگر..... ۲۶۷
آسمان(ها)..... ۱۵۵
آشکارسازی..... ۲۸۰
آفرینش..... ۹۰
آفرینش از عدم ..... ۹۱
آمرزش / آمرزیدن..... ۱۳۹
آموزگار دینی..... ۵۹
آموزه..... ۱۰۴
آموزه دو طبیعت..... ۱۰۶
آمین..... ۱۳
آناباپتیسم..... ۱۴
آیه..... ۳۳۵
آیه یاب..... ۷۸
آیین..... ۲۸۲
آیین افشاندن آب مقدس..... ۳۳
آیین تقدیم هدایا..... ۲۲۷
آیین سپاسگزاری(Eucharist)..... ۱۲۱
آیین‌سپاسگزاری(Mass)..... ۱۹۹
یین عبادت..... ۱۸۹
آیین‌گنوسی..... ۱۴۷
آیین لوتری..... ۱۹۳

# ا


ابا ..... ۱
ابدیت ..... ۱۲۱
ابیونی‌ها ..... ۱۰۸
اتحاد (Community) ..... ۷۸
اتحاد (Unity) ..... ۳۳۳
اتحاد طبایع ..... ۱۶۸
اتحاد یافته ..... ۳۳۲
اثباتی ..... ۵۸
اختلاط دینی ..... ۳۱۰
اختلاف مذهب ..... ۱۰۳
ختیار محلی ..... ۳۰۸
اختیار ممتاز پطرس ..... ۲۴۹
اُخرویات ..... ۲۱
ادارهٔ تبلیغ ایمان ..... ۸۱
ادارهٔ بشارت به اقوام ..... ۸۰
اَدْوَنتیست (کلیسا) ..... ۸
ارتداد ..... ۲۴
ارتدکس ..... ۲۳۲
ارجحیت پطرس ..... ۲۴۸
از راه تنزیه ..... ۲۳
ازدواج ..... ۱۹۷
استارتس ..... ۳۰۷
استثنا طبق نظریهٔ پولس ..... ۲۴۰
استرانگلا ..... ۱۲۰
استغفار ..... ۱۲۹
اسطوره ..... ۲۱۵
اسطوره‌زدایی ..... ۹۹
اسقف ..... ۴۳
اسقف اعظم (Archbishop) ..... ۲۹
اسقف اعظم (Metropolitan) ..... ۲۰۲

اسقفی..... ۱۱۸
اسنیان..... ۱۲۰
اشتراک مساعی..... ۳۱۱
اشتراک معنوی..... ۱۴
اصل جزمی..... ۱۰۴
اصلاحات کلیسا..... ۲۷۵
اصول دین..... ۱۰۴
اطاعت..... ۲۲۵
اظهار ایمان ..... ۴
اعتدال..... ۳۱۵
اعتراف به گناه..... ۷۹
اعتقاد نامهٔ نیقیه..... ۲۲۲
اعتقاد نامهٔ رسولان..... ۲۶
اعتقادنامه..... ۳۰۹
اعزام کردن..... ۲۹۵
اعلام اولیه نجات..... ۱۸۳
اعلام تقدیس..... ۵۳
اعلام کردن مژدهٔ انجیل..... ۱۸
اعلام مغفرت..... ۲
اعلام ملکوت..... ۲۶۲
اقتدار پنج پاتریارخ..... ۲۴۳
اقرار ایمان (Credo)..... ۹۱
اقرار ایمان (Profession of Faith)..... ۲۶۳
اقرار به ایمان..... ۷۸
اقنوم (جمع ''اقانیم'')..... ۱۰۳
اقنوم / اقانیم..... ۱۶۸
الحاد..... ۳۴
الف و یـا..... ۱۲
الهام جامع..... ۱۷۶
الهی-انسانی..... ۳۲۰

الهیات ۳۲۱
الهیات دفاعی ۲۳
الهیات کالون ۵۲
الهیدان ۳۲۰
امانت ایمان ۳۲۹
امور دیوانی واتیکان ۹۳
امید ۱۶۶
انتظار قریب‌الوقوع منجی (آمدن مسیح) ۲۰۱
انتیفون ۲۰
انتیمانسیون ۲۰
انجلوس ۱۷
انجمن روحانی خاص ۶۶
انجیل ۱۴۹
انجیل نگار ۱۲۴
انجیل‌های همنظر ۳۱۲
انجیلی ۱۲۳
انحراف عقیدتی ۱۵۶
اندرز ۲۳۵
اندیشه گری ۸۴
انشعاب مذهبی ۲۹۱
انطباق / تطبیق ۶
انفعال ناپذیری ۱۷۱
انگلوکاتولیک ۱۸
انگلیکان ۱۸
اوریجن ۲۳۰
اولین شورای جهانی اسقفان در واتیکان ۸۸
ای پدر ما ۲۳۸
ای سرور ما عیسی مسیح بیا ۱۹۶
ایمان ۱۳۰

# ب

بابل..... ۳۷
باپتیست..... ۳۹
باجگیر..... ۲۷۰
باز آمدن مسیح..... ۲۸۰
باز خرید (Atonement)..... ۳۵
بازخرید (Redmption)..... ۲۷۵
بازگشت مسیح..... ۲۳۶
بالا بردن نان وجام مقدس..... ۱۱۴
بالاخانه..... ۶۳
بت پرست..... ۲۳۳
بخش مورد تفسیر..... ۲۴۶
بخشش گناه..... ۲۷۶
بخوردان..... ۶۳
بدعت آپولیناریس..... ۲۲
بدعت آریوس..... ۳۰
بدعت پلاگیوس..... ۲۴۲
بدعت تک اراده انگاری..... ۲۱۰
بدعت تک ذات انگاری..... ۲۰۹
بدن..... ۴۷
بدون تبار..... ۱۲۶
بر شدن مریم به آسمان..... ۳۴
برافرازی..... ۱۵
برج بابل..... ۳۲۳
برخاستن..... ۲۸۱
برخاسته از مرگ..... ۲۸۱
برکت دادن..... ۴۴
برگذار کردن آیین پرستش..... ۶۱
برگزیدگی..... ۱۱۳
برنابا..... ۳۹
برهٔ گذر..... ۲۳۷

بره ۱۸۶
بز فدوی ۲۹۰
بشارت جبرائیل به مریم مقدس ۱۸
بشارت دادن ۱۲۴
بشارت‌دهنده ۲۰۶
بشقاب نان عشای ربانی ۲۳۸
بقیهٔ ۲۷۷
بنیاد گرایی ۱۴۰
به سوی ملل ۶
به‌کمال رساندن ۳
بوتهٔ سوزان ۵۰
بیعانه ۹۹
بین کلیسایی ۱۱۰

# پ

پاپ ۲۵۳
پاتریارخ ۲۳۹
پادشاهی ۱۸۴
پادنمونه ۲۱
پارساگرایی ۲۵۰
پارسایی ۲۵۰
پاره کردن نان ۴۹
پدر ۱۳۴
پدران دوران رسولان ۲۸
پدران قوم ۲۳۸
پدران کلیسا ۱۳۴
پدرخوانده / مادرخوانده ۱۴۷
پذیرایی در آیین سپاسگزاری (Eucharistic Hospitality) ۱۲۱
پذیرایی در آیین سپاسگزاری (Intercommunion) ۱۷۷
پراکندگی یهودیان در دنیا ۱۰۱
پردهٔ شمایل ۱۷۰
پرسبیترین ۲۵۸
پرستش ۳۴۹
پرستیدن (پرستش به جا آوردن) ۷
پرهیز ۲
پرهیزکاری ۶۸
پسرانسان ۳۰۵
پسر خدا ۳۰۴
پسر ولخرج (اسرافکار) ۲۶۳
پشیمان ۲۴۳
پشیمانی ۲۴۳
پشیتا ۲۴۷
پنتیکاست ۲۴۵
پیامبر ۲۶۷
پیر ۲۵۸

پیر دیر ۱
پیرو ۱۰۲
پیش موجودیت نفس ۲۵۷
پیش‌کشی ۲۲۵
پیشگام ۲۵۶
پیش‌نماد ۲۵۷
پیش‌نمونه ۳۲۹
پیش‌نمونه‌شناسی ۳۲۹
پیکر کلیسا ۱۰۹
پیکر معنوی ۲۱۴
پیمان ۸۹
پیوریتانیسم(پیوریتن‌ها) ۲۷۱

# ت

تابع اسقف..... ۲۹۴
تاریخ نجات..... ۱۵۹
تألم مسیح..... ۹
تأله..... ۳۲۲
تأویل..... ۱۵۶
تأیید رسمی..... ۵۳
تبدیل جوهر..... ۳۲۶
تبعید..... ۱۲۸
تبلیغ و دعوت..... ۲۶۸
تپهٔ جلجتا (گلگتا)..... ۵۱
تثلیث (- اقدس)..... ۳۲۷
تثلیثی..... ۳۲۶
تجددگرایی..... ۲۰۷
تجرد..... ۶۲
تجلی..... ۳۲۲
تجلی مسیح..... ۳۲۵
تجلیل..... ۲۵۴
تحریفی..... ۲۲
تحقق همه چیز در عیسی..... ۲۷۴
تخت رحمت..... ۲۶۷
تداخل سهگانهٔ اقدس..... ۷۵
تداخل متقابل..... ۲۴۶
تدبیر..... ۲۶۹
تدبیر نجات..... ۱۱۰
تدهین..... ۷۰
تدهین بیماران..... ۱۹
تدهین شده..... ۱۹
ترتیب نجات..... ۲۳۰
ترجمهٔ عامیانه (وُلگات)..... ۳۴۰
ترک مذهب نا درست..... ۲

ترگوم..... ۳۱۵
تسبیح..... ۶۶
تسبیح مریم عذرا..... ۲۸۲
تصلیب..... ۹۲
تصویر..... ۱۳۶
تطهیر..... ۲
تعامل با فرهنگ..... ۱۷۴
تعدد دینی..... ۲۵۲
تعقیب و شکنجه..... ۲۴۷
تعلیم..... ۳۱۵
تعلیم دینی..... ۵۸
تعلیمات رسولان (کتاب)..... ۱۰۲
تعمید..... ۳۸
تعمید دهنده..... ۳۸
تعمید شدگان عام..... ۱۸۷
تعمیدکودکان..... ۲۴۲
تعهد در رهبانیت..... ۲۶۳
تعهدات دینی..... ۳۳۹
تغییر مذهب..... ۸۵
تفیلین..... ۲۵۰
تقدیرباوری..... ۲۵۷
تقدیس..... ۹۷
تقدیس خادمین رسمی کلیسا..... ۲۲۹
تقدیس کردن..... ۸۱
تقدیم عیسی در معبد..... ۲۵۹
تقدیمی..... ۲۲۷
تکبر..... ۱۵۲
تکلم به زبان‌ها..... ۱۴۶
تکوین..... ۱۴۱
تمثیل..... ۱۱

تمدن مسیحی..... ۷۱
تن (Body\Sarx)..... ۴۷
تن(Flesh)..... ۱۳۸
تناول تن و خون مسیح..... ۷۷
تنگ..... ۹۲
تنگ دستی..... ۲۵۴
تن‌گیری (تجسم)..... ۱۷۳
تنها کتاب مقدس..... ۳۰۲
تواتر رسولی..... ۲۸
توبه..... ۸۵
تورات..... ۳۲۳
توشهٔ راه..... ۳۳۶
توکل گرایی..... ۲۷۲
تولد تازه یافته..... ۴۸
تومیسم..... ۳۲۳

# ج

جام..... ۶۵
جام نگهداری نان مقدس..... ۷۴
جامع..... ۶۰
جامعه..... ۷۷
جان..... ۳۰۶
جایگاه مردگان (Sheol)..... ۲۹۸
جُبِه..... ۱۰
جدایی مذهب و حکومت..... ۱۸۵
جزم‌اندیشی..... ۱۰۵
جسد (Body\Ptômâ)..... ۴۷
جسم (Body\Sarx)..... ۴۷
جلال..... ۱۴۵
جُلُجُتا..... ۱۴۸
جماعت‌ربانی..... ۳۳
جماعتی بودن و مستقل بودن کلیساهای محلی..... ۸۰
جمعهٔ مقدس..... ۱۴۸
جن‌زدایی..... ۱۲۹
جن‌زدگی..... ۲۵۳
جنگ‌صلیبی..... ۹۲
جنیزه..... ۱۴۱
جهان..... ۳۴۶
جهانی بودن..... ۶۱
جهنم (وادی-) (Gehenna)..... ۱۴۱
جهنم (Hell)..... ۱۵۶
جوهر..... ۳۰۸

## چ

چهارشنبهٔ خاکستر..... ۳۳

# ح

حارمجدون..... ۳۱
حضرت..... ۱۶۰
حضور واقعی..... ۲۷۳
حکایت..... ۲۳۴
حوا..... ۱۲۵
حوزهٔ اسقفی ( مربوط به کلیسای غرب)..... ۱۰۲
حوزهٔ اسقفی( مربوط به کلیسای شرق)..... ۱۱۶
حوزهٔ اسقف اعظم..... ۲۶۱
حوض‌تعمید..... ۱۳۸
حیوان..... ۴۰

# خ

خادم..... ۲۰۳
خادمان دین..... ۷۵
خادمی..... ۱۰۰
خادمین کلیسا..... ۱۰۸
خانهٔ کشیش..... ۲۵۸
خبث..... ۳۳۶
ختنه..... ۷۵
ختنه نشده..... ۳۳۰
خجستگی..... ۴۰
خجسته دانستن..... ۱۵۲
خجسته شماری..... ۴۰
خدا..... ۱۴۷
خدا ترس..... ۱۳۵
خدامداری..... ۳۲۲
خداشناسی فلسفی..... ۳۲۰
خداگونه شدن..... ۳۲۱
خداوند..... ۱۹۰
خدمت (کلیسایی)..... ۲۰۳
خدمت و زیارت قدیسین..... ۱۰۵
خدمتگزار..... ۲۹۸
خروج..... ۱۲۸
خط (آیه)..... ۳۳۵
خطا..... ۳۰۱
خلیفهٔ اعظم..... ۲۵۲
خلیفه‌گری..... ۲۵۳
خمیر مایه..... ۱۸۸
خویشتنداری..... ۸۴

## د

داماد ۵۰
دانشمندان برجستهٔ کلیسا ۱۰۴
دجال ۲۰
دخمه ۵۸
درود برمریم ۳۶
دست راست ۲۸۱
دستگذاری ۱۷۲
دستیار کشیش ۴
دعای «ای برهٔ خدا» ۹
دعای سر سفره ۱۴۹
دعای شفاعت از مریم مقدس ۱۵۲
دعای عصر ۳۳۵
دعوت خدا ۳۳۹
دفاعیه نویسان ۲۲
دل ۱۵۳
دنیوی ۲۹۴
دنیوی ۳۱۷
ده فرمان ۹۷
ده یک ۳۲۳
دهشتناک ۲۱
دورهٔ ورود به رهبانیت ۲۲۲
دومین شورای جهانی اسقفان در واتیکان ۸۸
دیباچه ۲۵۷
دیدار مریم از الیصابات ۳۳۹
دیر (Abbey) ۱
دیر (Convent) ۸۵
دیر (Monastery) ۲۰۷
دیکاستریوم ۱۰۱
دین ۹۶
دیو ۹۸

دیوان مزامیر.....۲۶۹

# ذ

ذخیرۂ قربانی مقدس.....۲۷۸

## ر

راز ۲۱۳
راز بخشش ۲۴۳
راز تثبیت روح القدس ۷۹
راز دستگذاری ۲۲۸
رازهای کلیسا ۲۸۳
راهب "سِنوبیت" ۶۳
راهب ۲۰۸
راهب ارشد ۳۰
راهب مبتدی ۲۲۲
راهب منزوی ۱۵۷
راهبهٔ مادر ۱
راهبه ۲۲۳
ربای ۲۷۳
ردا ۱۰
رسالت ۲۶
رسالت شناسی ۲۰۵
رسالت عوام ۱۸۷
رسالتی ۲۰۶
رسالهٔ تعلیمات کلیسای کاتولیک ۵۹
رساله ۱۱۹
رساله های تعیین اعیاد ۱۳۵
رساله‌های جامع یا همگانی ۶۰
رسالهٔ پاپ ۱۱۴
رستاخیز ۲۷۹
رستگاری عام ۳۳۳
رسول ۲۴
رسولی ۲۷
رسولی بودن کلیسا ۲۸
رفع مانع قانونی ۱۰۳
رهبانیت ۲۰۸

رواق سکوت راهبان ۷۵
روایات نانوشته ۹
روح ۲۵۲
روح ۳۰۷
روح القدس ۱۶۴
روحانی ۳۰۷
روز خداوند ۱۹۱
روز داوری ۹۴
روز شمع‌ها ۵۲
روز کفاره ۳۵
روز همهٔ قدیسین ۱۱
روز واپسین ۱۸۶
روزه ۱۳۳
روزی ۴۹
روغن تدهین ۶۹
روغن تقدیس شده ۲۲۸
روغن مقدس ۱۶۲
روغن مقدس ۲۱۱
رؤیت ۳۳۹
زانو زدن ۱۴۳
زاهد ۳۳
زاهد معتکف ۱۶
زایش‌عذرایی ۳۳۷
زمان آخر ۱۱۵
زندگی جاودانی ۱۲۵

# ژ

ژزوئیت.....۱۸۰

## س

سامره..... ۲۸۷
سامری نیکو..... ۱۴۸
سانهدرین..... ۲۸۸
سپاسگزاری..... ۳۲۰
ستارهٔ صبح..... ۱۹۳
ستایش..... ۱۲۳
سجایای غریزی..... ۶۷
سخن (کلام/ کلمه)..... ۳۴۵
سر بر زمین نهادن..... ۲۰۱
سر بها..... ۲۷۳
سر شماس..... ۳۰
سراسقف..... ۲۶۱
سرافیان..... ۲۹۷
سرزمین موعود..... ۲۶۵
سرسپرده..... ۲۲۵
سرود..... ۱۶۷
سرود حمد و تجلیل..... ۳۲۷
سرود خدای قدوس و قادر..... ۳۲۷
سرود روحانی..... ۵۶
سرود زکریا..... ۴۲
سرودزکریا..... ۴۲
سرود ستایش مریم..... ۱۹۴
سرود شکوه و جلال..... ۱۴۴
سرود قدوس..... ۲۸۸
سعادتمند..... ۴۴
سفید..... ۳۴۱
سفیر واتیکان..... ۲۲۳
سفینهٔ نـوح..... ۳۰
سکوی کشیشان..... ۲۵۹
سلسله مراتب کلیسایی..... ۱۵۸

سلطنت هزار ساله..... ۲۰۳
سلک سوم..... ۳۲۳
سلک مذهبی..... ۲۷۶
سلکی..... ۲۷۶
سمینار..... ۲۹۵
سنت..... ۳۲۵
سنت‌گرایی افراطی..... ۱۷۷
سیاقمندی..... ۸۴
سیر و نظر..... ۸۴
سیرت قدیس..... ۱۵۱
سیل..... ۹۷

# ش

شام محبت ۸
شاهد ۳۴۳
شبان (Pastor) ۲۳۷
شبان (Shepherd) ۲۹۹
شخص ۲۴۷
شراب ۳۴۲
شرقی ۲۳۰
شطحیات ۲۳
شگفتی‌ها ۲۰۴
شماس ۹۵
شمایل ۱۶۹
شمعونیه ۳۰۰
شناخت پدران کلیسا ۲۳۹
شهادت ۱۹۸
شهوت ۷۸
شهید ۱۹۸
شور و شوق ۲۳۷
شوراهای جهانی اسقفان ۱۱۱
شورای (جهانی) اسقفان ۸۶
شورای اسقفان کالسدون ۸۶
شورای اسقفان نیقیه ۸۷
شورای اسقفان ترنت ۸۷
شورای جهانی کلیساها ۳۴۸
شورای کاردینال‌ها ۲۸۵
شورای کلیسایی ۲۵۹
شیطان ۲۸۸

## ص

صبایوت..... ۲۸۳
صدور روح القدس..... ۲۶۲
صدوقیان..... ۲۸۶
صعود..... ۳۲
صفات خداوند..... ۳۶
صلیب (با مجسمه یا تصویر عیسی روی آن)..... ۹۲
صلیب..... ۹۱
صندوقچهٔ عهد..... ۳۱
صندوقچهٔ کلیسا..... ۳۱۴

# ط

طبیعت..... ۲۱۸
طرد از مشارکت..... ۱۲۷

# ظ

ظهور ..... ۱۱۷
ظهورهای "مسیح برخاسته ازمرگ" ..... ۲۹

# ع

عادل ۲۸۰
عالم برزخ ۲۷۱
عالم غیر روحانی ۳۴۷
عبادتگاه ۲۸۷
عدالت ۱۸۲
عذاب الهی ۹۴
عذرا ۳۳۶
عذرایی ۳۳۷
عَرَض ۳
عرفان ۲۱۴
عشق ۱۹۲
عصمت وحی ۱۷۴
عطایای روح القدس ۱۴۳
عطیهٔ روحانی ۶۷
علم‌تفسیر ۱۲۷
عمل عادل گردانیدن ۱۸۲
عهد ۳۱۸
عهد جدید ۲۲۱
عهد قدیم ۲۲۸
عید آلونک‌ها ۴۸
عید گذر ۱۰۷
عید میلاد (مسیح) ۷۲
عیسی ۱۸۰

# غ

غرور پیروزمندانه..... ۳۲۷
غنودن مریم عذرا..... ۱۰۵
غیریهودیان..... ۱۴۲
غیور..... ۳۵۱

# ف

فدیه دهنده ۲۷۵
فرزانگی ۳۴۳
فرزند آوردن ۴۱
فرزند خواندگی ۷
فرشته ۱۷
فرشته شناسی ۱۷
فرشته‌های شکوه ۶۹
فرشتهٔ اعظم ۲۹
فرقه ۹۹
فرمان ۷۶
فرمان پاپ ۵۰
فرهنگ‌پذیری ۴
فروتن ۱۶۷
فروتنی ۱۶۷
فرودست‌انگاری ۳۰۷
فریسی ۲۴۹
فصل ورود ۷
فضایل اصلی ۵۷
فضیلت ۳۳۸
فضیلت‌های الهیاتی ۳۲۱
فوق طبیعت / فوق طبیعی ۳۰۹
فیض ۱۵۰
فیضان روح القدس ۱۱۲
فیلوکالیا (زیبادوستی) ۲۵۰
فیلیوکْوه (و از پسر) ۱۳۶

# ق

قادر متعال..... ۲۳۳
قادر مطلق..... ۱۱
قانون..... ۵۲
قانون کلیسایی..... ۵۴
قدس الاقداس..... ۱۶۱
قدوس..... ۱۶۱
قدیس..... ۲۸۶
قرارداد با واتیکان..... ۷۸
قربانی..... ۲۸۵
قربانی سوختنی..... ۱۶۰
قوم..... ۲۴۵
قوم برگزیده..... ۱۷۸

# ک

کاتب/کاتبان..... ۲۹۲
کاتولیکوس..... ۶۱
کاردینال..... ۵۷
کارها..... ۳۴۶
کالسدون..... ۶۴
کاهن..... ۲۶۰
کاهن اعظم..... ۱۵۹
کتاب آموزش دینی..... ۵۸
کتاب بن سیراخ..... ۱۰۹
کتاب جامعه..... ۱۰۸
کتاب حکمت..... ۳۴۳
کتاب دعا و نیایش (Euchologion)..... ۱۲۲
کتاب دعا و نیایش (Missal)..... ۲۰۵
کتاب دعای راهبان..... ۵۰
کتاب دیداخه (تعلیمات رسولان) ..... ۱۰۱
کتاب مقدس..... ۴۳
کتاب‌مقدسی..... ۲۹۲
کتاب‌های پنجگانه..... ۲۴۴
کتاب‌های رسمی عهد جدید..... ۵۵
کتاب‌های رسمی عهد قدیم(عتیق)..... ۵۶
کتب بر حق متقدم..... ۲۶۸
کرسی ریاست اعظم کلیسا..... ۱۶۲
کشیش (به زبان روسی)..... ۲۵۳
کشیش..... ۲۶۰
کشیش خاص..... ۵۲
کشیش مرشد..... ۷۹
کشیشان مشاور..... ۲۵۸
کفاره..... ۲۶۷
کفر گویی..... ۴۴
کلمات قصار (مسیح)..... ۱۸۹

کلیسا ۷۳
کلیساشناسی ۱۰۹
کلیسا محوری ۱۰۹
کلیسای ارمنستان ۳۲
کلیسای اسقف نشین ۵۹
کلیسای آشوری شرق ۳۴
کلیسای جامع ۳۹
کلیسای خاص ۲۳۶
کلیسای خودگردان ۳۶
کلیسای سریانی کاتولیک/ ارتدکس ۳۱۳
کلیسای قبطی ۸۶
کلیسای‌کلدانی‌کاتولیک ۶۴
کلیسای‌مارونی ۱۹۶
کلیسای محلی ۱۸۹
کلیسای ناحیه‌ای ۲۳۶
کلیسای یونانی کاتولیک مِلکی ۱۹۹
کلیسایی ۱۰۸
کمال ۲۵۱
کُنکلاو ۷۸
کِنوسیس ۱۸۳
کنیسه ۳۱۰
کهانت ۲۶۰
کهانت تمام ایمانداران ۲۶۱
کهانتی ۲۸۳

# گ

گردهمایی..... ۳۱۰
گردهمایی اسقفان..... ۳۱۲
گردهمایی مذهبی..... ۸۰
گرگوری..... ۱۵۰
گرویده به دین یهود..... ۲۶۸
گفتگو( – Dialogue (Ecumenical )..... ۱۰۱
گفتگو( – Dialogue (Interreligious )..... ۱۰۰
گناه..... ۳۲۶
گناه آغازین..... ۲۳۱
گناه مرگ‌آور..... ۲۱۰
گناه‌خفیف..... ۳۳۵
گنوستیسیزم..... ۱۴۶
گواهی دادن..... ۳۱۹

# ل

لا ئیک، طرفدار جدایی دین از سیاست..... ۱۸۷
لاادری گری..... ۹
لباس مذهبی..... ۲۳۱
لغزش..... ۲۹۰
لقاح مطهر..... ۱۷۱
لوحه‌های قانون..... ۳۱۴

# م

مادر ..... ۲۱۱
مادر خدا ..... ۳۲۲
ائدهٔ آسمانی (منّ) ..... ۱۹۶
مأموریت ..... ۲۰۶
مبتدی ..... ۵۹
مبشر ..... ۱۲۴
متون ثابت آیین نیایش ..... ۲۲۹
متون خاص روز ..... ۲۶۵
مجلس کلیسایی ..... ۸۲
مجمع اسقفان ..... ۱۱۸
مجموعهٔ قدسی ..... ۲۸۴
مجوسیان ..... ۱۹۵
محبت / آگاپه ..... ۸
محبت ..... ۶۸
محراب (کوچک) ۴۲
مخالفت با شمایل ..... ۱۷۰
مدافع ..... ۲۳۵
مدح جلال(خداوند) ..... ۱۰۵
مدرسهٔ الهیات ..... ۲۹۵
مدرسیون ..... ۲۹۱
مذبح ..... ۱۲
مذبح بخور ..... ۱۳
مذبح قربانی سوختنی ..... ۱۳
مراقبت شبانی ..... ۲۳۷
مرامنامهٔ رسالتی ..... ۲۷
مربوط به مقام عالی کلیسای کاتولیک ..... ۲۵۲
مرتبط به کلیسای کاتولیک ..... ۶۱
مرتد ..... ۲۴
مرجع رسمی تعلیمی ..... ۱۹۴
مرخصی‌نامه ..... ۱۲۶

مرگ ۹۶
مریم ۱۹۹
مریم‌شناسی ۱۹۶
مزمور (ج. مزامیر) ۲۶۹
مژدهٔسعادت ۴۰
مسح ۳۳۲
مسح آخرین ۱۲۹
مَسند ۲۹۵
مَسند رسولی ۲۸
مسیح ۲۰۰
مسیح ۷۰
مسیح‌شناسی ۷۲
مسیحایی ۲۰۱
مسیحی غیر یهودی ۲۳۳
مسیحیان عام ۱۸۵
مسیحیت ۷۱
مشارکت ۷۷
مشارکت بین کلیسایی ۷۴
مشارکت در رستگاری ۸۶
مشارکت قدیسین ۷۷
مشارکت هیأت اسقفان ۷۶
مشرک ۱۵۳
مشیت الهی ۲۶۹
مصالحه ۲۷۴
مصائب ۲۳۷
مصونیت از اشتباه ۱۷۵
مطابق انجیل ۱۲۳
معبد ۳۱۶
معترفان به ایمان ۷۹
معجزه ۲۰۴

معرفی اسرار ..... ۲۱۱
معصومیت مسیح ..... ۳۰۲
معنای کامل ..... ۲۹۶
قام ومنصب اسقفی ..... ۱۱۸
مقبرهٔ عیسی ..... ۱۶۲
مقدس ..... ۲۸۴
مکاشفه / آپوکالیپس ..... ۲۱
مکتب لائیک ..... ۱۸۵
ملازمان اسقف ..... ۵۶
منّونیت ..... ۲۰۰
منبر ..... ۱۳
منجی ..... ۲۸۹
منطقهٔپاتریارخی ..... ۲۳۹
مُهر ..... ۲۹۴
موعظه (معنای عمومی) ..... ۲۹۷
موکب ..... ۲۶۲
مولودگرداندن ..... ۴۱
مؤمن ..... ۱۳۱
میدراش ..... ۲۰۲
میز و نان تقدیمی ..... ۳۱۴
میشنا ..... ۲۰۴
میلاد مسیح ..... ۲۱۷

# ن

ناصِری - ناصُری..... ۲۱۸
ناصره..... ۲۱۹
نام چهارحرفی..... ۳۱۹
نان تقدیمی..... ۱۲۲
نان فطیر..... ۳۳۴
نان مقدس..... ۱۶۶
نایبِ پاتریارک..... ۱۲۶
نبوت..... ۲۶۵
نجات..... ۲۸۶
نجات‌شناسی..... ۳۰۶
نجع حمادی..... ۲۱۶
ندامت..... ۸۵
نذیری..... ۲۱۹
نزول به جایگاه مردگان..... ۹۹
نسطوریت..... ۲۲۱
نشان..... ۳۰۰
نشان صلیب..... ۳۰۰
نشانه..... ۲۰۴
نصرانی..... ۲۱۷
نظام (رهبانیت) (Order)..... ۲۲۹
نظام رهبانیت (Congregation)..... ۸۰
نظامنامهٔ رسالتی..... ۲۷
نظریهٔ دو اراده داشتن..... ۱۰۶
ظریهٔ ظاهرباوری..... ۱۰۳
نفرین..... ۱۶
نفسانی (Carnal)..... ۵۷
نفسانی (Psychic)..... ۲۷۰
قد سبک‌های گفتار..... ۱۳۹
نماد..... ۳۰۹
نمادگونه..... ۲۰۲

نماز خانه..... ۶۵
نماینده..... ۲۲۹
نهضت عطایای روحی..... ۶۷
نوبر..... ۱۳۷
نوشته های برحق متأخر..... ۱۰۰
نوشته های رسمی..... ۵۳
نوشته‌های مقدس..... ۲۹۳
نوکیش..... ۲۲۰
نوگرویده..... ۸۵
نیالودگی..... ۲۷۱
نیایش..... ۲۵۵
نیایش‌تقدیس..... ۵۴
نیایش‌سپاسگزاری..... ۱۲۲
نیایش طلب نزول روح القدس..... ۱۱۶
نیایش عیسی..... ۲۵۵
نیرو..... ۱۱۵

## و

وابستگی به حوزه اسقفی..... ۱۷۲
وادی مردگان (Hades)..... ۱۵۱
وادی مردگان (Hell)..... ۱۵۵
وجد..... ۱۱۰
وجدان..... ۸۲
وحدت گرایی..... ۱۱۲
ورطه..... ۳
وسوسه..... ۳۱۸
وصل دو جوهر..... ۸۳
وعده..... ۲۶۴
وُلگات..... ۳۴۰

۵

هاگادا ۱۵۱
هاله ۳۶
هبوط ۱۳۱
هبوط آدم ۱۳۲
هدیهٔ ایمان ۱۴۳
هزاره باورو ۲۰۲
هزیکَسْم ۱۵۸
هفتاد تنان (ترجمهٔ -) ۲۹۶
هللویا ۱۵۲
هم جوهر ۸۳
همسایه ۲۲۰
همنظری‌در چهار انجیل ۳۱۲
هوشیعانا ۱۶۶
هیأت اسقفان ۷۶
هیأت کشیشان ۲۵۹
هیگومن ۱۵۵

# ی

یادآوری تأسیس سپاسگزاری..... ۱۷۶
یادآوری زندگان/مردگان..... ۲۰۰
یاد بود (Anamnesis)..... ۱۴
یاد بود (Memorial)..... ۲۰۰
یعقوبی..... ۱۷۹
یکتا پرستی..... ۲۰۹
یکشنبه..... ۳۰۸
یهوه..... ۳۵۰